

هیئت تحریریه

محمدرحیم عیوضی / استاد دانشگاه شاهد

ابراهیم بیگزاده / استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

عزت ا... نادری / استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم

علی بیگدلی / استاد دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی

علی اصغر پورعزت / استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

سهیلا پروین / استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

مجتبی امیری / دانشیار مدیریت دانشگاه تهران

نشانی: تهران، خیابان آیت‌الله طالقانی، نرسیده به پل حافظ، پلاک ۳۷۶

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱

تلفن: ۶۶۹۷۱۱۷۵ نمابر: ۶۶۴۹۹۱۲۱

وبسایت: <http://rahbord.csr.ir>

پست الکترونیک: Rahbord@csr.ir

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

به استناد نامه شماره ۲۱۱۴/۱۱/۳ مورخه ۱۳۸۸/۱۲/۱۱ وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری فصلنامه راهبرد دارای مرتبه علمی - پژوهشی می‌باشد.

این فصلنامه به موجب تفاهم‌نامه منعقد شده میان پژوهشکده تحقیقات راهبردی

مجمع تشخیص مصلحت نظام و انجمن علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، از

همکاری با این انجمن برخوردار است.

فصلنامه راهبرد در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir

www.sid.ir

www.magiran.com

www.csr.ir

www.ensani.ir

www.civilica.com

www.noomags.ir

پایگاه استنادی علوم جهان

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

پرتال جامع علوم انسانی

مرجع دانش

پایگاه مجلات تخصصی نور

بسم الله الرحمن الرحیم



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

مدیر مسئول

دکتر محسن رضایی میرقاند

دانشیار دانشگاه امام حسین (ع)

سردبیر

دکتر محمدرحیم عیوضی

استاد دانشگاه شاهد

دبیر تخصصی

احسان خضری

مدیر اجرایی

عقیقه عابدی

ویراستار

راضیه عالی کلوکانی

صفحه‌آرا

نجمه قادری

مترجم چکیده‌ها

علی کاکا دزفولی

ناظر چاپ

علی معصومی

شاپا: ۳۱۰۲-۱۰۲۸

شاپا الکترونیک: ۶۵۲۵-۲۵۸۸

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

بسمه تعالی

راهنمای تدوین مقالات

● هدف

هدف از انتشار فصلنامه راهبرد، بسترسازی پژوهشی به منظور شناخت دقیق تری از سیاست‌گذاری و حکمرانی بنیادی راهبردی در جمهوری اسلامی ایران است. از این رو، مقاله‌هایی با رویکرد بین‌رشته‌ای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، محیط زیست، فناوری‌های نو، حقوقی و قضایی و... که ماهیت پژوهشی اصیل و بدیع داشته باشند، برای بررسی و چاپ احتمالی پذیرفته می‌شوند.

● شیوه آماده‌سازی و ارسال

۱. مقاله باید ساختار علمی لازم را داشته باشد.
۲. مقاله ارسالی باید معیار مقاله علمی-پژوهشی را داشته و به گونه‌ای نسبت به مطالب موجود نوآوری داشته باشد.
۳. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش و مهم‌ترین نتایج تحقیق، به همراه فهرستی از واژگان کلیدی (حداکثر ۱۰ واژه)، به فارسی و انگلیسی ضمیمه مقاله شود.
۴. عناوین اصلی مقاله با اعداد ۱، ۲ و... مشخص گردد. عناوین فرعی در سطر مجزایی به صورت ۱-۱، ۱-۲ و... نشان داده شوند. عناوین جزئی‌تر از سر سطر آغاز شوند و با ارقام ۱-۱، ۱-۲، ۱-۳ و... مشخص شوند.
۵. عناوین نگاره به صورت روشن و گویا در ابتدای نگاره ذکر شود. نشانی نگاره اقتباسی در ذیل آنها داده شود.
۶. تصاویر و یا نمودارها مجزا از جداول شماره‌گذاری شوند.
۷. ارجاع منابع در متن مقاله و به روش درون‌متنی در داخل پرانتز به شکل زیر آورده شود:
۱-۷. منابع فارسی: (نام‌خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛ مثال: (مهرپور، ۱۳۹۰: ۱).
۲-۷. منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام‌خانوادگی مؤلف)؛ مثال: (Morgan, 1965: 71).
- ۳-۷. تکرار ارجاع یا اسناد مانند نوبت اول بیان شود و از کاربرد کلمات همان، پیشین و... (Ibid) خودداری شود.
- ۴-۷. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۸. معادل انگلیسی اسامی خاص یا اصطلاحات در پایین هر صفحه آورده شود.
۹. توضیحات اضافی، در انتهای مقاله در بخش پی‌نوشت‌ها درج شود. ارجاع و اسناد مطالب در پانوشت‌ها مانند متن مقاله، مطابق روش درون‌متنی خواهد بود.
۱۰. فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین، به طور جداگانه و مطابق نگارش کتابنامه به صورت زیر ارائه شود:
* کتاب: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ)، نام کتاب (ایتالیک و سیاه)، نام مترجم، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، جلد.
* مقاله مجله: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ)، نام مقاله، نام مجله (ایتالیک و سیاه)، شماره مجله، صفحه.
* مقاله دایرة المعارف: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ)، نام مقاله، نام دایرة المعارف (ایتالیک و سیاه)، (جلد، صفحه)، محل نشر: نام ناشر.
* مقاله روزنامه: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ، روز، ماه، سال)، عنوان مقاله، نام روزنامه (ایتالیک و سیاه)، شماره صفحه.
* مقاله وب‌سایت: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ)، نام مقاله (ایتالیک سیاه)، بازیابی شده در تاریخ (تاریخ بازیابی به ترتیب روز، ماه، سال)، نام ناشر سایت، آدرس سایت.

۱۱. بخش نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب جزء الزامی مقاله است.
۱۲. هر گونه سپاسگزاری از افراد یا مؤسسات در پایان مقاله قبل از پی‌نوشت‌ها آورده شود.
۱۳. حجم مقالات کمتر از ۱۶ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای و بیشتر از ۲۵ صفحه نباشد.
۱۴. نویسنده به همراه مقاله، یادداشتی مبنی بر اینکه مقاله خود را جهت چاپ به مجله دیگری نسپرده است، ارسال نماید. در غیر این صورت «راهبرد» از ارسال مقاله به داوری معذور خواهد بود.
۱۵. در صورتی که نویسنده دانشجو باشد، نامه همکاری استاد خود را در مقاله با امضای ایشان، به پیوست ارسال نماید.

● داوری و چاپ

۱. مقاله دریافتی نخست توسط هیئت تحریریه راهبرد مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورتی که مناسب چاپ تشخیص داده شود، برای ارزیابی به سه نفر از داوران صاحب نظر، ارسال خواهد شد.
۲. هیئت تحریریه راهبرد در قبول و یا رد و نیز حک و اصلاح مقالات آزاد و از عودت آنها معذور است.
۳. مسئولیت مطالب مقالات از هر نظر، بر عهده نویسنده است.

● نحوه ارسال

نویسندگان می‌توانند فایل word مقاله خود را به نشانی سایت فصلنامه (Rahbord.csr.ir) ارسال نمایند. ذکر مشخصات کامل شامل میزان تحصیلات، رتبه و پایه علمی، محل کار، شماره تماس، آدرس، صندوق پستی و پست الکترونیک الزامی است.



شماره ۹۹ - تابستان ۱۴۰۰

سال سیام

ماهیت راهبردی و مکانیزم تشخیص احکام حکومتی در روند حکمرانی اسلامی؛ با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)

اصغر آقا مهدوی، مهدی نادری / ۱۹۳

مفهوم دولت تنظیم‌گر: تحلیل تنظیم‌گری به مثابه ابزار حکمرانی

فرهاد جم، مهدی هداوند / ۲۲۷

واکاوی، اولویت بندی و ارائه الگوی پیشایندهای سرمایه سیاسی با استفاده از رویکرد آمیخته

مهدیه ویشلقی، فتاح شریف زاده / ۲۶۷

مبانی نظری محور مقاومت اسلامی با نگاهی بر انتر ناسیونالیسم اسلامی

حمید نساج، یداله گودرزی طاقانکی؛ مهناز گودرزی / ۲۹۹

پایش محیط‌زیست ایران در افق سند چشم‌انداز، دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵ (عملکرد تطبیقی با

کشورهای منطقه و شناسائی حوزه‌های بحرانی)

نقی عسگری، اصغر احمدی، حمید امین اسماعیلی / ۳۳۳

احزاب سیاسی در نظام انتخابات جمهوری اسلامی ایران: آسیب‌ها و راهکارها

جلیل دارا، الهه صادقی / ۳۶۳

ارائه الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دانشجویان

دانشگاه امام صادق(ع) و واحد علوم و تحقیقات)

مهدی قربانپور، علی مرشدی زاد، مصطفی ابطحی / ۳۹۳

- محمد رحیم عیوضی / هیات علمی دانشگاه شاهد
- اصغر افتخاری / هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)
- عباسعلی رهبر / هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- علی کریمی مله / هیات علمی دانشگاه مازندران
- محمد توحید فام / هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز
- علیرضا نجاتی منفرد / هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی
- اکبر اشرفی / هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز
- رضا غلامی / هیات علمی دانشگاه شاهد
- علیرضا کیقبادی / هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی
- یاسر برخوردار / معاون علمی و پژوهشی پژوهشکده تحقیقات راهبردی
- شهره پیرانی / هیات علمی دانشگاه شاهد
- محمد حسینی مقدم / هیات علمی پژوهشکده فرهنگ
- عبدالرحیم پدram / هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی
- مسعود مطلبی / هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
- علی اکبر اسدی / هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- حسن یعقوب نیا / هیات علمی دانشگاه میبد
- علی کمیجانی / دکتر آینده پژوهی
- مریم صنیع اجلال / هیات علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور
- مهدی حاجی سیاری / دکترای آینده پژوهی و مدیرکل مرکز آموزش صدا و سیما
- محمد زرشگی / هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس
- رحیم بایزیدی / دکترای روابط بین الملل
- سید محمد شبیری / هیات علمی دانشگاه پیام نور

The Strategic Nature and Deducting Mechanism for Governmental Verdicts in the Procedure of Islamic Governance Emphasizing the View of Imam Khomeini

Asghar Agha Mahdavi

Associate Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. a.mahdavy@isu.ac.ir

Mehdi Naderi

Corresponding Author, Assistant Professor of Political Science, Shahed University, Tehran, Iran. m.naderi@shahed.ac.ir

Abstract

In the Islamic political system, the strategy of governmental verdicts works as a proper mechanism for managing the society based on new requirements in the framework of Islamic rules. As the designer of Guardianship of the Islamic Jurist (Wilayah al-Faqih) as a governance theory and as the founder of the Islamic Republic of Iran, Imam Khomeini, alongside dealing with the theoretical and jurisprudential aspects of governmental verdicts, adhered to such verdicts as tools for exiting dead-end situations. Due to failures in comprehending the logic of Imam Khomeini's thoughts in issuing governmental verdicts, some religious and political groups criticized his political viewpoint and behavior. In this line, this paper aims at disambiguating the nature and mechanism of deducting governmental rules from Imam Khomeini's viewpoint. To this end, using the qualitative approach and the descriptive-analytical research method, this paper is to answer a fundamental question: "Based on Imam Khomeini's jurisprudential viewpoint, what is the nature and mechanism of issuing governmental verdicts in the procedure of Islamic governance?". The findings show that there are two types of governmental verdicts in Imam Khomeini's viewpoint, namely constant and variable. Thereupon, the authors propose mechanisms for categorizing every verdict in either of these two types. In Imam Khomeini's thinking, the legal fundamentals of deduction are constant. However, they vary through the time in accordance with public expediency. For those cases wherein there are skeptics between constant and variable verdicts, Imam Khomeini has explained the pragmatic principle requirements.

Keywords: Time and location requirements, governmental verdict, constant governmental verdict, the variable governmental verdict

ماهیت راهبردی و مکانیزم تشخیص احکام حکومتی در روند حکمرانی اسلامی با تاکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)^۱

اصغراقا مهدوی

دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران a.mahdavy@isu.ac.ir

مهدی نادری

نویسنده مسئول، استادیار، دکتری علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران m.naderi@shahed.ac.ir

چکیده

در نظام سیاسی اسلام، راهبرد حکم حکومتی مکانیزمی مناسب برای اداره جامعه براساس مقتضیات جدید و در چارچوب احکام اسلامی است. امام خمینی (ره) به عنوان طراح نظریه حکمرانی ولایت فقیه در دوره معاصر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ضمن پرداختن به مسائل فقهی و نظری مربوط به «حکم حکومتی» در عرصه حکمرانی برای اداره جامعه و خروج از بن بست، به آن التزام داشته اند. به دلیل سوءبرداشت در فهم منطق ادراکی امام خمینی (ره)، دیدگاه و رفتار سیاسی ایشان در رابطه با مسئله حکم حکومتی گاه مورد انتقاد برخی جریان‌های سیاسی و دینی بوده است. در این راستا، این مقاله با هدف ابهام زدایی از ماهیت و مکانیزم تشخیص احکام حکومتی در دیدگاه امام خمینی (ره) تقریر شده است. این مقاله با روش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این سوال است: ماهیت حکم حکومتی در روند حکمرانی اسلامی مبتنی بر دیدگاه فقهی امام خمینی چیست و مکانیزم شناخت آن چگونه است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که می‌توان در دیدگاه امام خمینی (ره) برخلاف دیدگاه‌های رایج، حکم حکومتی را به دو قسم حکم حکومتی ثابت و متغیر تقسیم کرد و با ارائه مکانیزم‌هایی به شناسایی و تفکیک احکام حکومتی ثابت از متغیر پرداخت. در دیدگاه امام خمینی (ره) مبانی شرعی احکام حکومتی، ثابت بوده و در مقام اجرا و در گذر زمان به تبع مصالح عامه، احکام حکومتی مبتنی بر مبانی شرعی تغییر می‌یابد. امام (ره) در مواردی که بین ثابت و متغیر بودن احکام حکومتی تردید وجود دارد، به تبیین مقتضای اصل عملی در این باره می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: مقتضیات زمانی و مکانی، حکم حکومتی، حکم حکومتی ثابت، حکم حکومتی متغیر

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۲/۲۲ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۰۶ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۱۷

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۹۳-۲۲۵

مقدمه

«زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست، اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۲۸۹ ج ۲۱). با امعان‌نظر به دیدگاه امام خمینی (ره) در امر حکمرانی، باید توجه کرد که نیازهای جامعه اسلامی با گذر زمان در حال تغییر بوده و متناسب با آن باید تمهیدات لازم برای تطابق قوانین اسلامی با شرایط جدید جامعه در راستای حکمرانی در نظر گرفته شود. در جمهوری اسلامی که اساس حکمرانی براساس فقه جواهری بنا نهاده شده است، طبیعتاً احکام حکومتی که بیشترین ارتباط با مقتضیات زمانی و مکانی دارد، نقش کلیدی در پیشبرد اهداف راهبردی انقلاب اسلامی و اداره جامعه داشته است. گاه در مقام اتخاذ و اجرای حکم حکومتی در جمهوری اسلامی، دیده می‌شود که حکم حکومتی مورد انتقاد برخی شخصیت‌ها و جریانات دینی و سیاسی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد بخشی از انتقادات ریشه در سوءبرداشت در نحوه فهم و تشخیص حکم حکومتی داشته باشد. گرچه ماهیت و مکانیزم تشخیص احکام حکومتی مورد توجه فقهای اسلامی قرار گرفته است اما همچنان دیدگاهی اجماعی در این رابطه وجود ندارد. از آنجا که دیدگاه‌های فقهی امام خمینی (ره) مبنای تشکیل و تداوم حکمرانی در جمهوری اسلامی بوده است، در این نوشتار تلاش خواهد شد با روشن کردن منشأ نزاع در موضوع «حکم حکومتی» مبتنی بر دیدگاه فقهی امام خمینی (ره)، تقریری درست از آن ارائه شود.

بنابراین، هدف تحقیق ابهام‌زدایی و شناسایی ماهیت و مکانیزم تشخیص احکام حکومتی با تأکید بر دیدگاه امام‌خمينی (ره) است. در این راستا، این مقاله در صدد پاسخ به این سوال است: ماهیت حکم حکومتی در روند حکمرانی اسلامی مبتنی بر دیدگاه فقهی امام‌خمينی چیست و مکانیزم شناخت آن چگونه است؟ روش نگارندگان کیفی از نوع توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر مطالعات اسنادی و فیش‌برداری است.

۱. پیشینه تحقیق

آثار متعددی شامل کتاب و مقاله در رابطه با مسئله حکم حکومتی منتشر شده است. به عنوان مثال، ساورسغلی در کتاب «حکم حکومتی در سیره نظری و عملی امام‌خمينی (ره)» (ساورسغلی، ۱۳۸۴)؛ پرور در کتاب «احکام حکومتی: چرایی، چیستی و چگونگی» (پرور، ۱۳۹۴)؛ محمدی در کتاب «تحلیل حکم حکومتی در فقه سیاسی» (محمدی، ۱۳۹۸) و همچنین بهروزی لک و بدرآبادی در مقاله «ملاک احکام حکومتی در فقه سیاسی شیعه» (بهروزی لک & بدرآبادی، ۱۳۹۳)؛ رجائی (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی مبانی مشروعیت حکم حکومتی» (رجایی، ۱۳۹۵) و رحمانی فرد سبزواری در مقاله «تمایز حکم حکومتی با سایر احکام شرعی» (رحمانی فرد سبزواری، ۱۳۹۹) به بررسی ابعاد نظری حکم حکومتی از منظر فقه اسلامی پرداخته‌اند اما در هیچ‌یک از آثار منتشرشده مستقلاً به منظومه ادراکی امام‌خمينی (ره) در رابطه با مکانیزم شناسایی حکم حکومتی توجه نشده و در این مقاله تلاش شده است با رویکردی جدید به حکم حکومتی در دیدگاه امام‌خمينی (ره) توجه شود؛ از این حیث، این مقاله نوآوری دارد. نوآوری دیگر مقاله، تشریح و تبیین چگونگی منطق امام‌خمينی (ره) در مواجهه با شرایطی است که تردید بین احکام حکومتی ثابت و متغیر وجود دارد.

۲. ملاحظات نظری

۲-۱. مفهوم‌شناسی

حکم حکومتی

تعاریف قدما و متأخرین، از احکام حکومتی بیشتر ناظر به تفاوت‌های اصلی حکم با فتوا بوده است (نجفی، ۱۳۶۲، ص. ۱۰۰ ج ۴۰؛ شهید اول، بی تا، ص. ۳۲۰ ج ۱). اما برخی متأخرین باتوجه به اینکه در مقام تعریف جامع برای احکام حکومتی و سلطانی بدون در نظر گرفتن تفاوت آن با فتوا بوده‌اند، تعاریف جامع‌تری از حکم حکومتی ارائه کرده‌اند. برای مثال، علامه طباطبائی در تعریفی از حکم حکومتی، این احکام را علاوه بر دستوراتی که مقام ولایت اسلامی برای اجرای احکام ثابت شرعی و مجازات متخلفین صادر می‌کند، سلسله تصمیماتی می‌داند که ولی امر به مقتضای مصلحت وقت می‌گیرد و بر مبنای آن‌ها مقرراتی را وضع و به موقع اجرا می‌گذارد. این قوانین برخلاف قوانین شرعی که ثابت و لایتغیر هستند به دلیل تحول دائم در جوامع انسانی، در ثبات و بقاء تابع مصلحتی هستند که آن‌ها را به وجود آورده است (طباطبائی، فراهانی از اسلام، بیتا، ص. ۱۱۲).

گرجی نیز حکم حکومتی را حکمی می‌داند که ولی جامعه بر مبنای ضوابط پیش‌بینی شده طبق مصالح عمومی برای حفظ سلامت جامعه، تنظیم امور آن، برقراری روابط صحیح بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی با مردم، سازمان‌ها با یکدیگر در مورد مسائل فرهنگی، تعلیماتی و... اتخاذ می‌کند (گرجی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۷). در این میان، حضرت امام (ره) ضابطه‌ای را برای احکام حکومتی معین کرده‌اند که تفاوت حکم حکومتی و شرعی را در مقام ثبوت به خوبی نشان می‌دهد. به نظر ایشان تفاوت اصلی احکام حکومتی و شرعی در باعث است؛ یعنی اگر عامل باعث شارع و خداوند باشد، حکم را شرعی می‌گوییم و چنانچه حاکم یا قاضی باشد، حکم را حکومتی و قضایی اطلاق می‌کنیم (خمینی (ب)، بی تا، ص. ۳۵۳).

می‌توان گفت در سایر تعاریف از حکم حکومتی، صریحاً یا تلویحاً انشاء حکم از طرف حاکم نه از طرف خداوند که جوهره اصلی حکم حکومتی است، مدنظر

قرار گرفته است. براین اساس هر حکمی که اجرایی شدن و فعلیت یافتن آن منوط به دستور حاکم باشد، حکم حکومتی نامیده می شود. حکم به مجرمیت و اجرای حدود و تعزیرات بر مجرمین، جعل قوانین موضوعه کلی برای اداره جامعه اسلامی، فرامین صادره جهت جنگ و صلح و قوانین جزئی برای اجرای احکام کلی شرعی، از جمله روش های اجرایی جمع آوری خمس و زکات از جمله این احکام محسوب می شوند.

مقتضیات زمانی و مکانی

مراد از زمان و مکان و تأثیر آن در احکام، معنای فلسفی آن یعنی «مقدار به هم پیوسته غیرثابتی که عارض حرکت می شود» (زمان) و «چیزی که جسم از آن و یا به سوی آن می رود» (مکان) نیست (طباطبائی، نهائیه الحکمه، ج ۱، ۱۳۶۳، ص. ۲۷۲). مراد از «زمان و مکان» و نقش آن در استنباط احکام، توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه در عصر صدور نصوص و زمان صدور فتوا است. البته توجه و لحاظ این شرایط خود موضوعیت ندارد، بلکه توجه به آن ها موجب شناخت درست موضوعات در عصر صدور نصوص و تطبیق آن با موضوعات و فروع جدید می شود. بی توجهی به آن ها نیز موجب می شود که نه تنها فقیه فهم درستی از نصوص دینی نداشته باشد، بلکه نتواند به درستی آن ها را با شرایط زمانی تطبیق دهد. با قابلیت بی کرانی که در جهان هستی برای تغییر و تحول وجود دارد و تفکر و تعقل بشری، هرروز شاهد تغییر در عناصر تولید و تغییر در نهادهای اجتماعی و سیاسی و در نتیجه تغییر در روابط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هستیم.

۲-۲. ادبیات نظری

اصل لزوم تطبیق پذیری قوانین با شرایط روز و وجود عناصر ثابت در قوانین، ظاهراً از زمانی که بشر به فکر تدوین قوانین برای اداره جامعه خود برآمده، مدنظر قانون گذاران بوده است (محمصانی، ۱۳۵۸، ص. ۱۱۰). به نظر می رسد که تقسیم بندی قوانین به قوانین طبیعی و قوانین موضوعه با همین نگرش صورت

گرفته باشد. به عنوان مثال، سقراط از فلاسفه یونان، زمامداران را به احترام گذاشتن به حقوق طبیعی توصیه می‌کرد و می‌گفت قوانین موضوعه را باید براساس حقوق طبیعی - که ثابت و غیرقابل تغییر است - وضع کنند. در حوزه تمدن اسلامی، تقسیم‌بندی حقوق، به حقوق طبیعی و وضعی در آثار اندیشمندان اسلامی از جمله خواجه نصیر طوسی که حکمت را به حکمت نظری و حکمت عملی تقسیم کرده است؛ قابل پیگیری است (نصیرالدین الطوسی، ۱۳۶۴، ص. ۴۰).

در نظام حقوقی اسلام، علامه طباطبائی فلسفه وجود احکام ثابت و متغیر را نیازهای ثابت و متغیر انسانی می‌داند (طباطبائی، ۱۳۷۱، ص. ۷۹). شهید مطهری نیز رمز جاودانگی قوانین را قابلیت تطبیق آن با شرایط مختلف زمانی و مکانی می‌داند و معتقد است نظام تشریع اسلام از چنین قابلیت برخوردار است:

«باید ببینیم اسلام با اصل (حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه) چگونه راه‌حل‌های مختلف در صور گوناگون زندگی ارائه می‌کند. مسلماً در سیستم اسلامی باید راز و رمزی نهفته باشد تا بتواند بر این مشکل عظیم فائق آید» (مطهری، ۱۳۶۸، ص. ۱۱۹).

ایشان مادر و منبع همه راز و رمزها را روح منطقی اسلام و وابستگی کامل آن به فطرت و طبیعت انسان و اجتماع و جهان می‌داند (مطهری، ۱۳۶۸، ص. ۱۱۹).

برخی از مستشرقین که از بیرون به کلیت نظام فقهی اسلام نگریسته‌اند، به قابلیت این نظام برای حل مشکلات زمان و مکان و قابلیت آن برای تطبیق با تحولات اجتماعی تصریح کرده‌اند. در کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی که در سال ۱۹۳۷، در لاهه با شرکت بعضی از حقوق‌دانان اسلامی تشکیل شد، قطعنامه‌ای صادر شد که در برخی مفاد آن بر مستقل، زنده‌بودن و صلاحیت کامل حقوق اسلامی برای تطور و انعطاف و اینکه می‌تواند از مصادر قانون‌گذاری در جهان امروز باشد، تأکید شده بود (نجومیان، ۱۳۴۸، ص. ۱۶۹).

براین اساس، در نظام حقوقی اسلامی می‌توان از عناصری یاد کرد که زمینه لازم برای تطبیق قوانین با شرایط جدید جامعه را فراهم ساخته است. از جمله این

عوامل می‌توان به تفکیک بین حوزه معاملات و عبادات، قواعد تعدیل‌کننده (قاعده اهم و مهم، لاضرر و...) (حر عاملی، بی تا، ص. ۳۶۴)، منطقه الفراغ (صدر، ۱۴۰۲، ص. ۷۲۵؛ قرضاوی، ۱۴۰۹، ص. ۲۲۳)، احکام حکومتی و درنهایت عرف و بنای عقلاء اشاره کرد (حکیم، ۱۹۷۹، ص. ۴۲۲؛ محمصانی، ۱۳۵۸، ص. ۲۱۵؛ زلمی، ۱۳۷۵، ص. ۵۲۹).

با اتمام به سیره ائمه اطهار علیهم السلام می‌توان به مصادیقی از تطبیق قوانین با شرایط جدید و متحول جامعه اشاره کرد. برای مثال، در زمان پیامبر (ص) که یهودیان محاسن بلند و سفید داشتند، حضرت، یاران خود را به خضاب کردن محاسن دستور دادند (حر عاملی، بی تا، ص. ۴۰۰ ج ۱) یا امام صادق (ع) یکی از یاران خود را از پوشیدن لباس خاصی که لباس یهودیان بوده است، در هنگام طواف کعبه نهی کردند (حر عاملی، بی تا، ص. ۳۸۰ ج ۳).

قیام علیه ظالمان و گرفتن حاکمیت سیاسی در جامعه از موارد دیگری است که تابع شرایط و مصالح جامعه اسلامی است. به همین دلیل حضرت امیر (ع) در روایتی عدم قیام علیه جریان انحرافی زمان خود را نداشتن یار و یاور و خوف از ارتداد مسلمین دانسته‌اند (مازندرانی، بی تا، ص. ۴۱۱). در روایتی دیگر امام صادق (ع) عدم قیام امیرالمؤمنین را حفظ ودایع مؤمنین که در اصلااب کافرین وجود دارد، ذکر کرده‌اند و قیام امام زمان (ع) را بعد ظهور ودایع الله (مؤمنین واقعی و یاران باوفای حضرت) دانسته‌اند (شیخ صدوق، ۱۴۲۵، ص. ۱۴۷).

تحول در شرایط جامعه و اتخاذ تاکتیک‌های نظامی در سیره نظامی پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) دال بر جنبه موقتی آن دارد. به عنوان مثال حضرت علی (ع) در برخورد با دشمنان در جنگ جمل، مجروحین را به قتل نرساند، ولی در جنگ صفین، مجروحین را به قتل می‌رساند. امام در جواب دو سیره متفاوت می‌فرماید که اهل جمل، طلحه و زبیر را به قتل رساندند و لذا فرماندهی نداشتند، ولی در صفین معاویه رهبر آنها بود و در صحنه حضور داشت (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱۴۰۴، ص. ۴۸۲).

مورد دیگر، رنگ کردن محاسن برای قدرتمند جلوه کردن در برابر کفار است.

در روایتی که قبلاً نقل کردیم، پیامبر اکرم (ص) به یاران خود دستور دادند که برای مغایرت ظاهری با یهودیان که محاسن سفید داشتند، محاسن خود را رنگ کنند. در روایت دیگری از امام سجاد (ع) نقل شده است: پیامبر اکرم (ص) در یکی از غزوها دستور به رنگ کردن محاسن دادند تا اینکه در مقابل کفار قوی نشان داده شوند (حر عاملی، بی تا، ص. ۴۰۴ ج ۱). امام صادق (ع) نیز در روایتی یکی از مصادیق قول الله عزوجل «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة» را خضاب محاسن ذکر کرده‌اند (حر عاملی، بی تا، ص. ۴۰۴ ج ۱).

نمونه دیگر، نهی از خوردن گوشت الاغ اهلی و اسب در جنگ خبیر است. در آن جنگ وقتی مسلمین در نتیجه جهاد سخت علیه کفار، خسته و گرسنه بودند، قصد کشتن چهارپایان را داشتند که پیامبر (ص) آنها را از این عمل نهی کرد (کلینی، ۱۳۶۷، ص. ۲۴۶). امام صادق (ع) این دستور پیامبر (ص) را دستوری موقتی در شرایط خاص زمانی و مکانی می‌دانند و فرمودند: نهی به این دلیل بود که این چهارپایان در آن شرایط وسیله حمل و نقل بودند و برای حفظ آنها این دستور صادر شده است و دلیل بر حرمت خوردن گوشت آنها نیست. حرام آن است که در قرآن ذکر شده است (حر عاملی، بی تا، ص. ۳۲۴ ج ۱۶).

از مجموعه روایاتی که آورده شد، این نتیجه حاصل می‌شود که تغییر شرایط و اوضاع، موجب تغییر موضوع و در نتیجه تغییر حکم مترتب بر آن می‌شود. این مسئله با ثبات احکام الهی که در روایات بر آن تأکید شده است، منافات ندارد. پس شناخت درست موضوع در مقام استنباط و تطبیق آن با شرایط روز از وظایف مهم و اساسی فقیه جامع‌الشرایط است. بنابراین، نهی از خوردن گوشت اسب و الاغ، امر به رنگ کردن محاسن در شرایط خاص، امر به تعقیب فراریان و کشتن مجروحین در یک جنگ و نهی از آن در جنگ دیگر و نهی از پوشیدن یک نوع لباس که سمبل جریان خاصی در جامعه است، هیچ‌کدام اوامر و نواهی ثابتی نیستند که همیشه الزام‌آور باشند، بلکه اوامری هستند که پیامبر اکرم (ص) و امام معصوم (ع) به لحاظ ولایتی که بر جامعه دارند، صادر کرده‌اند. در واقع به دلیل مصالحی که در آن شرایط زمانی به دنبال داشته یا به دلیل تغییر موضوع، فتوای

ائمه(ع) نسبت به آن تغییر کرده است. ملاک صدور احکام ولایی، رعایت مصالح مسلمین و از باب وجوب اطاعت پیامبر(ص) و اولی الامر، اطاعت از آن لازم است(نساء/۵۹).

۲-۳. اهمیت راهبردی حکم حکومتی

در اثنای بحث‌های گذشته اجمالاً به اهمیت راهبردی حکم حکومتی در ساختار نظام اسلامی اشاره شد اما

برای پی بردن به اهمیت راهبردی حکم حکومتی در جمهوری اسلامی باید به فلسفه وجودی نهاد ولایت فقیه در قانون اساسی اشاره کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۵۷، ولایت مطلقه فقیه را به رسمیت شناخته است. در جمهوری اسلامی، پذیرش اختیارات مطلقه برای ولی فقیه از جانب مردم با رای به قانون اساسی انجام گرفته است و ولی فقیه نیز با امضای قانون اساسی متعهد می‌شود مصالح کشور را با اجرای این قانون تامین کند. از یک‌سو، بررسی قانون اساسی نشان می‌دهد که اولاً براساس اصل ۱۰۷، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن برعهده ولی فقیه است و در ثانی، تمامی وظایف و اختیارات ولی فقیه صرفاً در اصل ۱۱۰ قانون اساسی محصور نبوده بلکه در اصول دیگر قانون اساسی نیز وظایفی برای فقیه اشاره شده است. مضافاً قانون اساسی محصول دست بشر بوده و عاری از عیب و نقص نیست و چه‌بسا در برخی موارد از تامین مصالح ناتوان باشد. ازاین‌رو می‌توان متصور شد که وضعیت و شرایطی پیش آید که منافع و مصلحت عمومی تهدید شود و در قانون اساسی تدبیری برای خروج از آن در نظر گرفته نشده باشد. قاعدتاً حسب مسئولیت و تعهد ولی فقیه در تامین مصالح جامعه می‌تواند فقیه برای خروج از بن‌بست از راه‌های دیگری اقدام نماید. نامه رهبری به مجلس ششم درباره اصلاح قانون مطبوعات و همچنین تایید صلاحیت دو نفر از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری نهم، دراین راستا قابل تحلیل هستند (اسماعیلی & طحان نظیف، ۱۳۹۱، ص. ۱۰).

همچنین براساس بند ۱ و ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی از وظایف رهبری «تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «حل

اختلافات و تنظیم روابط قوای سه گانه» است. بی تردید لازمه تحقق این دو وظیفه خطیر این است که مقام رهبری از اختیارات ویژه برخوردار باشد و دیگران ملزم به امتثال امر وی باشند. همچنین بررسی پیشینه تدوین و وضع اصل ۱۱۲ قانون اساسی - تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام - بر این نکته تاکید دارد که محور و مبنای وضع این اصل و تشکیل مجمع تشخیص، بیان حکم حکومتی و «تبیین شیوه اجرایی اعمال حق حاکم اسلامی در موارد احکام حکومتی» بوده است. از این رو می توان گفت حکم حکومتی مقتضای حکمرانی اسلامی برای خروج از بن بست ها، وضعیت های فوق العاده و بحرانی است که نظام سیاسی را از چالش های پیش رو، عبور می دهد. همچنین باید توجه کرد در جمهوری اسلامی، حکم حکومتی ولی فقیه به عنوان یکی از منابع حقوق اساسی به شمار می آید. در واقع می توان از احکام حکومتی، قواعد اساسی استخراج و بر مبنای آن حکم کرد. سیاست های کلی نظام که یکی از مصادیق عام حکم حکومتی به شمار می آید به عنوان قواعد حقوقی قابلیت استناد دارد. در این راستا می توان به احکام حکومتی نظیر حکم حکومتی امام خمینی در تاسیس دادگاه ویژه روحانیت (۵۸/۳/۳)، تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی (۵۹/۳/۲۳)، اعتباربخشیدن به مصوبات این شورا (۶۳/۱۲/۶) و حکم حکومتی آیت الله خامنه ای در مورد ابلاغ قانون دادرها و دادگاه ویژه روحانیت (۶۹/۵/۱۴) اشاره کرد (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۰، ص. ۶۴-۶۷).

۳. ولایت فقیه و حدود وظایف و اختیارات در دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی در کتاب ولایت فقیه که مبنای حکومت اسلامی را تبیین می کنند، ادله عقلی و نقلی برای ضرورت تشکیل حکومت اسلامی ارائه کرده اند (خمینی ر.، ولایت فقیه، ۱۳۵۷، ص. ۲۶-۵۱). امام (ره) مسئله ولایت و حکومت را در اسلام بدین صورت تبیین می کنند (خمینی ر.، الاجتهاد و التقليد، ۱۴۱۸، ص. ۱۸؛ خمینی ر.، تهذیب الاصول، ۱۴۱۱، ص. ۱۴۳؛ خمینی ر.، ولایت فقیه، ۱۳۵۷، ص. ۶۳):

الف. اصل اولی در ولایت و حکومت، عدم نفوذ و جواز حکم فردی نسبت به فرد دیگر در مسائل قضایی و غیر آن است. در این مسئله بین اصحاب وحی و

اوصیاء و اولیاء الهی و دیگران تفاوتی نیست، زیرا بالا بودن درجات معنوی، مقتضی نفوذ رأی ایشان نسبت به دیگری نیست.

ب. عقل فطری به نفوذ حکم خالق نسبت به بندگان و مخلوقاتش حکم می‌دهد، زیرا حکم او تصرف در ملکش است و سلطنت و ولایت او بر خلایق به جعل و اعتبار نیست، بلکه به استحقاق ذاتی است.

ج. باتوجه به مطلب بالا، نفوذ حکم دیگران محتاج به جعل از طرف خداوند است. رسول اکرم (ص) به جعل الهی به مقام خلافت و حکومت منصوب شده‌اند. خداوند می‌فرماید:

«پیامبر (ص) به نفس مؤمنین نسبت به خودشان اولی است» (احزاب/۳۳).

بعد از پیامبر اکرم (ص) نیز ائمه اطهار (علیهم السلام) به نصب خداوند و رسول اکرم (ص)، حاکم و سلطان بر مردم بوده‌اند. آیاتی از قرآن کریم بر این مطلب دلالت دارند. برای مثال، می‌توان به این آیه شریفه اشاره کرد:

«ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و اولی الامر خودتان را اطاعت کنید و

چنانچه در مسئله‌ای اختلاف داشتید آن را به خداوند و رسول (ص)

برگردانید» (نساء/۵۹).

روایات متواتر نیز بر این مطلب دلالت دارند که ازجمله آن می‌توان از روایت ذیل نام برد:

«پیامبر (ص) فرمودند: من دو ثقل در میان شما گذاشتم. اگر به آن‌ها

تمسک جوئید هرگز گمراه نمی‌شوید؛ کتاب خدا و اهل بیت و این دو از

هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در حوض بر من وارد شوند» (حر عاملی، بی

تا، ص. ۱۹ ج ۱۸؛ مازندرانی، بی تا، ص. ۳۲۹ ج ۵).

به اعتقاد ایشان، بعد از ائمه (ع) در زمان غیبت، نوبت به ولایت فقها می‌رسد. در ارتباط با مسئله ولایت فقیه در محدوده مورد بحث ذکر دو نکته ضروری است: ۱. اصل ولایت فقیه ۲. حدود اختیارات فقیه.

حضرت امام (ره) اصل ولایت فقیه در عصر غیبت را با ادله عقلی و نقلی اثبات می‌کنند. در این دیدگاه، حفظ اسلام، وظیفه‌ای همگانی و تکلیفی است که

حتی از نماز و روزه هم واجب‌تر است (خمینی ر. , ولایت فقیه, ۱۳۵۷, ص. ۸۷). بنابراین، همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) مأمور اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام بود، فقهای عادل نیز باید با تشکیل حکومت، احکام اسلام را اجرا و نظام اجتماعی اسلام را برقرار کنند (خمینی ر. , ولایت فقیه, ۱۳۵۷, ص. ۹۳). لذا به اعتقاد ایشان، همان علتی که حکومت را در زمان حضور پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) ایجاب می‌کند، لزوم حکومت در زمان غیبت را نیز نشان می‌دهد و آن حفظ شریعت اسلام، برقراری نظم اجتماعی، وحدت، عدم تفرقه در امت اسلامی و ... است (خمینی ر. , کتاب البیع, ۱۴۱۰, ص. ۶۲۲ ج ۲).

به اعتقاد امام باتوجه به این ضرورت عقلی بر لزوم جعل مقام قضاوت و حکومت در عصر غیبت، قدر متیقن از کسی که می‌تواند چنین مسئولیتی را در عصر غیبت برعهده گیرد، فقهای عادل هستند (خمینی ر. , کتاب البیع, ۱۴۱۰, ص. ۶۶۵ ج ۲) زیرا از آنجا که حکومت اسلامی به منظور اجرای قانون و بسط عدالت اجتماعی جعل شده است، علم به قانون و عدالت از صفات لازم حاکم اسلامی محسوب می‌شود (خمینی ر. , کتاب البیع, ۱۴۱۰, ص. ۶۲۳ ج ۲) مؤید این دلیل عقلی ادله نقلی فراوانی است که در جعل ولایت فقیه در عصر غیبت اقامه شده و از موضوع بحث ما خارج است (خمینی ر. , کتاب البیع, ۱۴۱۰, ص. ۶۲۷ ج ۲) نکته دوم، مسئله اختیارات ولی فقیه است. به اعتقاد حضرت امام (ره)، فقیه جامع الشرایط تمام اختیاراتی که رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در مسئله حکومت و سیاست داشته‌اند؛ در دوره غیبت داراست (خمینی ر. , کتاب البیع, ۱۴۱۰, ص. ۶۲۶ ج ۲) سپس ایشان در تحلیل مطلب می‌فرمایند:

«زیرا والی هرکسی که باشد مجری احکام شریعت و اقامه‌کننده حدود الهی و جمع‌کننده خراج و سایر مالیات‌ها و مصرف‌کننده آن در مصالح مسلمین است. بنابراین، همان‌طوری که پیامبر اکرم (ص) زانی را صد تازیانه می‌زند، امام معصوم (ع) نیز همین حکم را دارد. ولی فقیه نیز مجری همان حکم است... و چنانچه مصالح اقتضاء کند بنا به ولایتی که دارند اوامری نسبت به مردم صادر می‌کنند که اطاعت آن‌ها واجب است»

(خمینی ر.، کتاب البیع، ۱۴۱۰، ص. ۶۲۶ ج ۲)

بنابراین، اختیاراتی که فقیه دارد، لازمه حکومت اسلامی است و بدون آن اختیارات، دین در همه ابعاد عبادی، سیاسی و اقتصادی آن بر جامعه حاکم نخواهد شد. لذا هرکس متصدی حکومت باشد به تبع آن چنین اختیاراتی را دارد.

به اعتقاد امام، پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) غیر از مقام نبوت و رسالت دارای مقام حکومت و قضاوت نیز بوده‌اند (خمینی ر.، تهذیب الاصول، ۱۴۱۱، ص. ۱۱۲ ج ۳). اشاره به این مقامات برای پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) مورد توجه فقهای دیگر از جمله شهید اول (ره) و فاضل مقداد (ره) بوده است (ثانی، بی تا، ص. ۲۱۴-۲۱۵ ج ۱؛ مقداد، بی تا، ص. ۱۵۸). برخی نیز در ضمن فتاوی خود در مقام استنباط احکام شرعی به این مسئله اشاره کرده‌اند. برای مثال، شیخ مفید (ره) روایاتی را حکومتی می‌داند که مقدار مشخصی برای جزیه، لحاظ کرده‌اند (صدوق، ۱۴۰۴، ص. ۴۸ ج ۲؛ حر عاملی، بی تا، ص. ۱۱۵ ج ۱۱) و تعیین مقدار آن را در اختیار امام و تقسیم آن را در جهت مصالح مسلمین می‌داند (مفید، ۱۴۱۰، ص. ۴۷۲-۴۷۴). شیخ طوسی نیز بر همین اساس، احکام وارده در این زمینه را ابدی نمی‌داند و آن را تابع مصالح زمان و متغیر می‌داند (طوسی، استبصار، بی تا، ص. ۵۳ ج ۲؛ طوسی، مبسوط، ۱۳۸۷، ص. ۳۶-۳۸ ج ۲؛ طوسی، کتاب الخلاف، ۱۴۱۷، ص. ۵۵۳ ج ۵). به علاوه ایشان تفاوت روشی را که پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) در اجرای حد بر بیمار داشته‌اند، حمل بر تعارض روایات در این باب نکرده است. به این دلیل که اقامه حد را از وظایف امام می‌داند که هرکدام به اقتضای شرایط و مصالح روز به گونه‌ای عمل کرده‌اند. به عنوان مثال، پیامبر (ص) با یک خوشه درخت خرما که صد رشته داشت بر بیمار ضربه زدند و حضرت امیر (ع) اجرای حد بر او را به تأخیر انداختند (طوسی، استبصار، ج ۳، ص. ۴). به همین ترتیب محقق حلی (حلی ن.، ۱۴۰۹، ص. ۲۵۱ ج ۱) و صاحب جواهر با توجه به حکومتی بودن روایات وارده در مورد جزیه، امکان توسعه موارد جزیه را با توجه به مصالح زمان داده‌اند و مرحوم کاشف الغطاء تعیین حد بر حریم چاه را تعبدی نمی‌داند که در برخی از روایات بدان اشاره شده است (حر عاملی، بی تا، ص. ۳۳۷ ج ۱۷، ص. ۲۴۲ ج ۱۲) و آن را تابع

عرف زمان و منوط به نظر اولیاء امور می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۳۶۱، ص. ۲۵۶). باتوجه به این سه شأن از شئون پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع)، روایات صادره از ایشان نیز براساس همین سه شأن تقسیم می‌شوند.

۴. احکام حکومتی در دیدگاه امام خمینی (ره)

از جمله مباحثی که فقها در ضمن آن به نقش زمان و مکان اشاره کرده‌اند، مسئله حکومت و احکام حکومتی است. ابوعلی سینا در آخر بحث الهیات شفا، بحثی کوتاهی را به حکومت و سیاست و معاملات اختصاص می‌دهد و در ضمن آن به این مسئله می‌پردازد که احکام سیاسی و اداره جامعه متغیر است و شرایط زمان در آن مداخلت تام دارد. لذا احکام این حوزه را محتاج اجتهاد و کسب مشاوره از اهل مشورت می‌داند (ابن سینا، ۱۴۰۴، ص. ۴۵۴).

صاحب جواهر نیز تشخیص مصالح مسلمین و اموری که مربوط به عموم مسلمین است را در حوزه وظایف حاکم و آن را با تغیر شرایط، متغیر می‌داند. برای مثال، ایشان میزان خراج و مقاسمه را در محدوده احکام شرعی نمی‌داند و تعیین میزان آن را منوط به نظر امام می‌داند (نجفی، ۱۳۶۲، ص. ۳۶۰ ج ۱۶).

محقق نائینی نیز احکام حکومتی را تابع مصالح و مقتضیات اعصار و امصار می‌داند که به اختلاف آن قابل تغیر و اختلاف است (نائینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۸۷).

شکی نیست که برخی از روایات وارده از پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین و دیگر ائمه(ع) حکومتی است، اما بحث اساسی این است که بر فرض اثبات حکومتی بودن روایت چه نوع حکمی می‌توان از آن استنباط کرد. آیا باتوجه به اینکه احکام حکومتی تابع مصلحت مسلمین و شرایط زمانی و مکانی هستند، نمی‌توانند در شرایط دیگر در مقام استنباط مورد استفاده قرار گیرند؟ مبتنی بر تحلیلی که حضرت امام از برخی از روایات داده‌اند، می‌توان احکام حکومتی را به احکام حکومتی ثابت و متغیر تقسیم کرد.

۴-۱. احکام حکومتی ثابت

امام خمینی (ره) برای تشریح و تبیین حکم حکومتی ثابت به تحلیل برخی روایات

پرداخته‌اند. به اعتقاد ایشان، روایاتی هستند که دال بر احکام حکومتی ثابت در نظام اسلامی دارند:

یک. نهی از احتکار: حضرت امام(ره) روایتی از امام صادق(ع) مبنی بر نهی از احتکار مواد خوراکی نقل می‌کنند (حر عاملی، بی تا، ص. ۱۳۷ ج ۱۲) و در تحلیل آن می‌فرمایند:

«از ظاهر روایت چنین برداشت می‌شود که امر به اخراج و نهی از احتکار مواد خوراکی چنانچه در بازار موجود نباشد، حکم الهی شرعی است و حکم مولوی سلطانی نیست. روشن است که این امر، امری خطاب به مردی خاص در مدینه نیست، بلکه حکم کلی است که از آن عدم جواز حبس طعام در زمان احتیاج مردم بدان و نبودن آن در بازار، برداشت می‌شود. چنانچه این حکم، حکم سلطانی از رسول اکرم (ص) باشد، نیز بر امت اسلام تا ابد نافذ و الزام‌آور خواهد بود، زیرا احکام حضرت رسول(ص) مانند احکام دیگر سلاطین نیست، بلکه احکام سلطانی ائمه (ع) نیز چنین است. کما اینکه بعضی از ائمه (ع) به روایاتی که مشتمل بر احکام سلطانی پیامبر اکرم(ص) است، استشهاد کرده‌اند (نهج البلاغه/نامه ۵۳). اگر چنین احکامی مختص زمان رسول الله (ص) بود و ابدی محسوب نمی‌شد، چنین استشهادی صحیح نبود. بنابراین قول رسول(ص) «لا تحبسه» ظاهر در حرمت است، حال چه منع شرعی یا سلطانی باشد» (خمینی ر.، کتاب البیع، ۱۴۱۰، ص. ۴۱۰ ج ۳).

بنابراین، طبق نظریه حضرت امام(ره) حکم سلطانی و حکومتی ابدی هم داریم و این گونه نیست که همه احکام حکومتی به نحو قضیه خارجی و تابع مصلحت زمان خویش باشند. ایشان با نفی احتمال سلطانی بودن روایاتی از حضرت رسول(ص) در مورد «بیع ما لایضمن» می‌فرماید:

«احکام سلطانی حضرت رسول(ص) تا ابد در حق امت نافذ و لازم الاجراء است» (خمینی ر.، کتاب البیع، ۱۴۱۰، ص. ۴۰۱ ج ۵).

دو. قاعده لا ضرر: در مورد قاعده لا ضرر و مفردات و مفهوم آن نظرات

مختلفی را فقها و اصولیین امامیه ارائه کرده‌اند که ثابت و غیرقابل تغییر است. حضرت امام(ره) در کتب مختلف و در مبحث جداگانه‌ای نیز این قاعده را مفصلاً بررسی کرده‌اند که خلاصه نظریه ایشان در کتاب تهذیب الاصول، چنین آمده است:

«از قرائن بر می‌آید که قول رسول اکرم(ص) «لا ضرر و لا ضرار» به معنی نهی از ضرر است، ولی به معنی نهی الهی مانند سایر نواهی مذکور در کتاب و سنت نیست، بلکه به معنای نهی سلطانی و مولوی است که از ایشان به منزله قائد، رئیس و امیر و سائنس امت، صادر شده است و این مفهوم را دارد که پیامبر اکرم(ص) مردم را از اینکه به دیگری ضرر بزنند یا اینکه آنها را در ضیق و حرج و مشقت قرار دهند، نهی می‌کند. پیامبر(ص) این نهی را به نحو کلی (نه قضیه خارجی) بیان فرموده‌اند تا اینکه برای همه افراد در همه ادوار زمانی حجت باشد. این نهی از آنجا که نهی سلطانی است و از پیامبر(ص) مفترض الطاعه صادر شده است، تبعیت آن بر همگان لازم است» (خمینی ر.، تهذیب الاصول، ۱۴۱۱، ص. ۱۱۸ ج ۳).

از نظریه حضرت امام(ره) برداشت می‌شود که اولاً، «لا» در حدیث مشهور پیامبر(ص) «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، «لا» نهی است. ثانیاً، این نهی، نهی ولایی و حکومتی پیامبر(ص) محسوب می‌شود. ثالثاً این نهی از نواهی حکومتی پیامبر(ص) است که در حق همه امت و در همه زمان‌ها الزام‌آور و لازم‌الاطاعه است.

حضرت امام(ره) با ذکر یک برداشت غلط و رد آن، مبنی بر اینکه نفی ضرر و ضرار، حکم الهی و قاعده کلی از طرف خداوند است و حکم پیامبر(ص) مبنی بر قلع و رمی نخل سمره بن جندب بر مبنای این حکم الهی صادر شده است، می‌فرمایند:

«بعد از شکایت انصاری به پیامبر اکرم(ص) و استدعای پیامبر(ص) از سمره بن جندب و امر ایشان مبنی بر اجازه گرفتن هنگام ورود به حریم منزل انصاری و سرپیچی او از دستور پیامبر(ص) ایشان حکم سیاسی خود مبنی

بر قلع و رمی نخل را صادر و این حکم تأدیبی خود را به حکم سیاسی کلی «لا ضرر و لا ضرار» منسوب کردند؛ یعنی احدی در حوزه حکومت اسلامی حق اضرار به دیگری را ندارد. براین اساس بین معلول (قلع شجره) و تعلیل آن (لا ضرر و لا ضرار) تناسب وجود خواهد داشت؛ یعنی معلول و علت آن هر دو حکم سیاسی تأدیبی برای حفظ نظام خواهد بود» (خمینی ر.، تهذیب الاصول، ۱۴۱۱، ص. ۱۲۱ ج ۳).

بنابراین، بین نظریه حضرت امام (ره) و نظریه مشهور از این جهت که این حکم، حکمی کلی و ابدی است، تفاوتی وجود ندارد و چه آن را حکمی الهی و چه حکم حکومتی از جانب پیامبر (ص) بدانیم، رعایت آن برای همه افراد در همه زمان‌ها، لازم خواهد بود. به اعتقاد حضرت امام (ره) اگر آن را حکمی سیاسی و حکومتی بدانیم، این اصل تنها بر اصل و قاعده السلطه حکومت خواهد داشت؛ یعنی تسلط مردم در اموالشان منوط به عدم ضرر و اذیت و آزار دیگران است و از آن برای نفی لزوم از معامله غبنی و بطلان وضوی ضرری نمی‌توان استفاده کرد، اما اینکه این قاعده را حاکم بر همه احکام واقعی شرعی بدانیم، متناسب با تفسیر مشهور از این حدیث خواهد بود.^(۱)

بنابراین، به اعتقاد حضرت امام (ره) همه احکام سلطانی صادرشده از پیامبر (ص) موقتی نیست، بلکه برخی از آن‌ها برای همه زمان‌ها ثابت و لایتغیر هستند. به نظر ایشان قاعده «لا ضرر و لا ضرار» و نهی از احتکار حکم سلطانی ابدی و لازم‌الاجراء برای همه حکومت‌هاست.

۴-۲. احکام حکومتی متغیر

به اعتقاد حضرت امام (ره) برخی از احکام حکومتی، متغیر و تابع مقتضیات زمانی و مکانی هستند. ایشان در تبیین این امر، به تحلیل تعدادی از روایات می‌پردازند: یک. دستور به دورریختن شراب: حضرت امام (ره) در بحث از حرمت خمر، فقاق و هر نوع مسکر مایعی، می‌فرماید:

«شبهه‌ای در حرمت بیع و عدم مالیت آن‌ها نیست، بحث در این است که آیا چنین احکامی به‌طور مطلق برای خمر، حتی خمری که برای تبدیل آن

به سرکه فراهم شده است، ثابت است؟ در جواب می‌فرماید: اخبار از اثبات چنین حکمی به نحو مطلق قاصر هستند، زیرا اخباری که از حضرت رسول (ص) مبنی بر لعن سازنده و فروشنده شراب (حر عاملی، بی تا، ص. ۱۶۵ ج ۱۲) و سحت بودن ثمن آن (حر عاملی، بی تا، ص. ۶۳ ج ۱۲) وارد شده است، منصرف به آنچه در آن زمان متعارف و شایع بود و موجب فساد می‌شود، است. لذا مواردی که خمر برای تبدیل به سرکه مورد استفاده قرار می‌گیرد یعنی برای اصلاح آن مدنظر قرار می‌گیرد؛ از مورد روایات خارج است. بنابراین، نمی‌توان این روایات را دلیل عدم مالیت مطلق خمر دانست، اما روایاتی که دلالت بر دستور پیامبر مبنی بر دورریختن شراب دارند،^(۲) علاوه بر اینکه برخی از جهت سندی ضعف دارند، همه در قضیه شخصیه وارد شده‌اند. احتمال دارد امر به ریختن شراب امری سلطانی و برای قلع ریشه فساد به خاطر مصالح اقوی در شرایط خاص زمانی بوده است. مانند دستوری که پیامبر (ص) برای کندن نخل سمره بن جندب دادند» (خمینی ر.، ۱۴۱۲، ص. ۸۰ ج ۱).

چنان‌که از این فرمایش حضرت امام (ره) بر می‌آید؛ از روایاتی که دلالت بر دورریختن شراب در شرایط خاص زمانی صادر شده است، نمی‌توان حکمی ابدی و همیشگی برداشت و از این حکم به حرمت مطلق استفاده از خمر حتی برای تبدیل آن به سرکه کرد، زیرا احتمال دارد که امر به دورریختن شراب مختص شرایط خاص زمانی و به دستور حکومتی پیامبر (ص) صادر شده باشد. از این مطلب چنین برداشت می‌شود که برخلاف مورد قبلی که احکام حکومتی پیامبر (ص) ابدی و لازم‌الاجراء برای همه امت تلقی شد، دستور ایشان مبنی بر دورریختن شراب، تابع شرایط خاص زمانی و غیرابدی تلقی می‌شد.

دو. خرید و فروش سلاح جنگی: حضرت امام (ره) در مورد خرید و فروش سلاح جنگی مباحثی را در مورد موضوع سلاح جنگی مطرح و سپس حکم آن را بیان می‌کنند. ایشان در جهت تبیین موضوع سلاح جنگی می‌فرمایند:

«موضوع سلاح جنگی، به اختلاف شرایط زمانی، متفاوت است. ممکن است

سلاحی در یک زمان خاص، سلاح جنگی محسوب و در زمان دیگر از این موضوع خارج شود. برای مثال، در زمان‌های قدیم؛ شمشیر، نیزه، سپر و ... از سلاح‌های جنگی محسوب می‌شدند، ولی هم‌اکنون این‌ها از این عنوان خارج شده‌اند. بنابراین، چنانچه برخی از اهل حرب، این سلاح‌ها را به منزله عتیقه و حفظ سلاح‌های قدیمی خریداری نمایند، مانعی از بیع این سلاح‌های قدیمی به آن‌ها نیست. پس موضوع سلاح حرب اسلحه‌ای است که در شرایط فعلی در جنگ‌ها به کار گرفته می‌شود» (خمینی ر.، ۱۴۱۲، ص. ۱۵۲ ج ۱).

موضوع دیگری که حضرت امام (ره) در این بحث به آن می‌پردازند، اعداء دین است که در توضیح آن می‌فرمایند:

«به‌طور کلی هرکس که مخالف ما در دین باشد، دشمن دینی ما محسوب می‌شود، ولی موضوع بحث اخص از این دسته است. مراد از عنوان مورد بحث، دسته یا طایفه‌ای است که مخالف اسلام است. بنابراین، فروش اسلحه به یهودی که در سرزمین اسلامی و تابع حکومت آن است، اگر جهات دیگری بر آن مترتب نباشد، از این جهت اشکالی نخواهد داشت» (خمینی ر.، ۱۴۱۲، ص. ۱۵۲ ج ۱).

بعد از این موضوع‌شناسی و تبیین مراد از اسلحه جنگی و اعداء دین، ایشان وارد بحث از حکم این عنوان یعنی خرید و فروش اسلحه جنگی به دشمنان دین می‌شوند و می‌فرمایند:

«این مسئله از امور سیاسی و تابع مصالح روز است و امکان دارد حتی مصالح مسلمین در اعطاء مجانی سلاح جنگی به طایفه‌ای از کفار باشد و آن در شرایطی است که دفع دشمن قوی از حوزه اسلام، در گرو تسلیح طایفه خاصی از کفار باشد که مسلمین از آن‌ها در امان هستند» (خمینی ر.، ۱۴۱۲، ص. ۱۵۲ ج ۱).

سپس ایشان در یک نتیجه‌گیری کلی می‌فرماید:

«خلاصه مطلب اینکه این مسئله از شئون حکومت و دولت است و امری مضبوط نیست، بلکه تابع مصلحت روز و مقتضیات زمان است.

براین اساس مشرک و کافر و هدنه (زمان آتش بس)؛ ملاک و موضوع برای حکم فروش سلاح جنگی هستند و از اخبار نیز بیش از آنچه گفته شد، استفاده نمی شود. اگر اطلاق اخبار خلاف این مبنا باشد، یعنی مقتضی جواز بیع حتی در مواردی که نابودی ارکان اسلام و تشیع را در برداشته باشد، باید آن را مقید کرد. اگر اخباری دال بر عدم جواز در مواردی که ترک فروش، چنین تبعاتی را به دنبال داشته باشد، آن ها را هم باید مقید ساخت» (خمینی ر.، ۱۴۱۲، ص. ۱۵۳ ج ۱).

از مطالب حضرت امام (ره) برداشت می شود که موضوع کلی سیاست اسلامی باید براساس دفاع از نظام اسلامی در مقابل دشمنانش باشد و هر چیزی که موجب تقویت این نظام شود، فعل آن لازم و هرچه موجبات تضعیف و نابودی آن را فراهم آورد، باید از آن جلوگیری به عمل آید. خرید و فروش سلاح جنگی به کفار یا خرید از آنها نیز باید در این جهت برنامه ریزی شود. بنابراین، به اعتقاد حضرت امام (ره) برخی احکام سلطانی صادرشده از پیامبر (ص) موقتی و برخی دیگر از آن ها برای همه زمان ها ثابت و لایتغیر هستند. به نظر ایشان قاعده «لا ضرر و لا ضرار» و نهی از احتکار، حکم سلطانی ابدی و لازم الاجراء برای همه حکومت ها و مسئله دستور به ریختن شراب یا خرید و فروش اسلحه به کفار، از شئون حکومت و تابع مصالح و مقتضیات روز معرفی شده است. طبق این دیدگاه، احکام حکومتی را نیز می توان به ثابت و متغیر تقسیم کرد.

اما همان طور که پیش تر اشاره شد، موقتی و متغیر بودن احکام حکومتی و تابع مصالح زمان بودن، تقریباً در اکثر تعاریفی که معاصرین از حکم حکومتی ارائه کرده اند، مورد تأکید قرار گرفته است. با این فرض، دیدگاه حضرت امام (ره)، مبنی بر ثابت بودن برخی احکام حکومتی و متغیر بودن برخی احکام حکومتی چگونه می توان توجیه کرد؟

۵. مکانیزم شناسایی ثابت یا متغیر بودن برخی احکام حکومتی

به نظر می رسد، طرح مسئله ثبات و متغیرات در حوزه مسائل حکومتی به گونه ای

دیگر، قابلیت توجیه داشته باشد. به عبارتی دیگر، آنچه در حوزه حکومت ثابت است، احکام شرعی است که ناظر به روابط بین دولت اسلامی با سایر دول یا دولت با مردم است. به بیانی دیگر، همان‌طور که ما در حوزه معاملات احکام و اصول ثابتی داریم که قالب و شکل مصادیق آن طی زمان تغییر می‌کند، در حوزه احکام حکومتی نیز شرع اسلام، قوانینی ثابتی وضع کرده است که نحوه اجراء و تطبیق آن قوانین، به حکومت‌های وقت واگذار شده‌است. بنابراین، از یک‌سو، مبانی صدور حکم قضایی یا حکومتی در حوزه احکام حکومتی یا قضایی ثابت بوده و از سوی دیگر کیفیت تطبیق آن مبانی در شرایط مختلف زمانی و مکانی تغییر می‌کند.

۵-۱. اصول ثابت احکام حکومتی

در ادامه به برخی اصول ثابت احکام حکومتی در نظام اسلامی که مبنای حکم حکومتی قرار می‌گیرد، اشاره می‌شود:

یک. قاعده نفی السبیل

براساس آیه شریفه «و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» (نساء/۱۴۱) تسلط کفار بر مسلمانان در همه صور آن نفی شده است. این اصل کلی در حوزه روابط اجتماعی و سیاسی بین کفار و مسلمانان، مبنای بسیاری از فروع فقهی قرار گرفته است. برای مثال، در مسئله اعمال حق شفعه، اگر مسلمان و کافر اهل ذمه‌ای در ملکی به نحو مشاع شریک باشند، چنانچه اهل ذمه ملک مشاع خود را بفروشد، مسلمان می‌تواند حق شفعه خود را اعمال کند، ولی چنانچه مسلمان سهم مشاعی خود را بفروشد کافر ذمی نمی‌تواند این حق خود را اعمال کند (حلی ا.، ۱۳۶۸، ص. ۱۳۲).

این قاعده، حکمی شرعی و ثابت را برای تمام شرایط زمانی و مکانی بیان می‌کند که براساس آن حکومت اسلامی باید در سیاست‌های خود آن را مد نظر داشته باشد. براساس همین اصل است که حضرت امام (ره) در زمان رژیم سلطنتی سابق با مسئله کاپیتولاسیون به شدت مخالفت کردند.

دو. واعدوا لهم ما استطعتم من قوة (انفال/۶)

این آیه شریفه نیز مبین اصل دیگری از اصول ثابت شرعی است که حکومت‌های اسلامی موظفند در روابط خود با کفار آن را به‌منزله یک سیاست ثابت در استراتژی خود مدنظر قرار دهند و برنامه‌های فرهنگی تسلیحاتی خود را بر آن پایه برنامه‌ریزی کنند. بنابراین، گرچه در زمان قدیم تحصیل این قدرت از طریق فراهم‌آمدن وسایل نظامی آن روز از قبیل اسب و شمشیر یا حتی رنگ‌کردن محاسن حاصل می‌شد ولی امروز این امر با فراهم‌آوردن وسایل پیشرفته نظامی از توپ و تانک و موشک‌های بالستیک و فناوری اتمی در بعد نظامی و تحصیل تکنولوژی پیشرفته در حوزه ارتباطات و مسلط‌شدن بر مبانی اسلامی و دفاع از آن در حوزه مسائل فرهنگی برای مقابله با تهاجم فرهنگی، حاصل می‌شود.

سه. ولا تتبعوا خطوات الشيطان (بقره/۱۶۸)

ابتدائاً با تدبّر در این آیه شریفه، اصلی از اصول اخلاقی در ذهن خطور می‌کند، ولی مسئله عدم تبعیت شیاطین جن و انس در عمل به وظایف دینی به‌معنای اعم موردنظر است. این قضیه در روابط خارجی دولت اسلامی با کفار، استقلال آن در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی و سیاسی و عدم تبعیت از کفار در همه زمینه‌ها متجلی می‌شود. بنابراین، هدف نهایی کفار براساس آیات شریفه قرآن حذف فیزیکی مؤمنین یا هماهنگی فکری و فرهنگی با ایشان است (بقره/۲۰۵؛ نساء/۸۹)، ولی آنها در رسیدن به این هدف کلان، سیاست گام به گام را در پیش می‌گیرند. این آیه شریفه نیروهای مسلمان را از تبعیت گام به گام این سیاست‌ها برحذر می‌دارد.

چهار. لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام

این قاعده نیز اصلی کلی را در حوزه روابط اجتماعی بنا به نظریه برخی از فقها یا در کل حوزه شریعت اسلامی، بیان می‌کند. طبق نظریه اول، این قاعده حاکم بر قواعدی مثل «الناس مسلطون علی اموالهم» است و بنا بر نظریه دوم همه احکامی که اصالتاً ضرری نیست، در مواردی که ضرر مکلف را موجب شوند، نفی شده

است. بنا به اعتقاد حضرت امام(ره) این قاعده اصلی حکومتی را بیان می‌کند که پیامبر اکرم(ص) خطاب به همه حکومت‌های اسلامی اعلام کرده‌اند؛ به این معنا که در محدوده حکومت اسلامی هیچ‌کس حق اذیت و آزار و زیان‌رساندن به دیگری را ندارد.

به نظر می‌رسد این قاعده اصلی کلی از اصول شریعت اسلامی را بیان می‌کند که قدر متیقن آن نفی ضرر و مردم‌آزاری در روابط اجتماعی است. بنابراین، همه موظفند در حوزه روابط اجتماعی این اصل را رعایت کنند و تصرف در اموال‌شان به‌صورتی باشد که موجب ضرر یا اذیت و آزار دیگران نشوند. چنانچه فردی به این اصل توجه نکند و تذکرات فرد متضرر او را متنبه نسازد، می‌تواند از فرد مضر یا مضار در نظام عدل اسلامی شکایت کند. حکومت اسلامی نیز موظف است براساس این قاعده از ضرر و ضرار او جلوگیری کند. بنابراین آنچه در قضیه سمره بن جندب اتفاق افتاد، بعد از اینکه تذکرات انصاری سودی نبخشید، او به محضر پیامبر(ص) شکایت برد و ایشان بعد از اینکه راه‌حل‌های متعددی برای حل این مشکل ارائه کردند و ثمری نبخشید، دستور به کندن نخل او در زمین انصاری دادند.

گرچه دستور به قطع نخل دستوری حکومتی بود، ولی مبنای این دستور، اصل کلی و ثابت در حوزه شریعت اسلامی است. تصمیماتی که هر حاکم باتوجه به شرایط زمانی و درخصوص مشکل مطروحه اتخاذ می‌کند، در شرایط مختلف تغییرپذیر است. برای مثال، اگر شبیه همین مسئله در شرایط زمانی دیگر اتفاق افتد، ممکن است حاکمی دستور دهد از ورود و خروج شخص مضار جلوگیری کنند یا اینکه پول نخل را به او دهند و ملکیت او را بر آن سلب کنند، ولی پیامبر(ص) باتوجه به لجاجت سمره، برای قطع ریشه فساد دستور به کندن درخت دادند.

مسئله نهی پیامبر(ص) از احتکار موادغذایی نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. به این معنا که به‌طورکلی کسب سود متعارف در روابط تجاری در اسلام امری مباح شمرده شده است، اما چنانچه فردی بخواهد در جهت کسب

سود به دیگران ظلم کند، این مسئله تأیید نمی‌شود. تحریم قرض ربوی و تحریم احتکار در همین جهت قابل توجیه است. دولت اسلامی که مسئول اجرای قوانین اسلام در ابعاد اجتماعی و اقتصادی است، باید از قرارداد ربوی و احتکار هر نوع کالایی که عدالت را در جامعه خدشه‌دار سازد، جلوگیری کند.

بنابراین گرچه در موضوع عبادات، شریعت اسلام احکام ثابت و غیرقابل تغییری در کلیات و جزئیات آن آورده است، ولی در حیطه معاملات و سیاست، اصولی را تشریح کرده است که روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه باید بر مبنای آن اصول و مبانی شکل گیرد، ولی تصمیم‌گیری در موارد جزئی و در قالب اصول کلی به دولت واگذار شده است.

۵-۲. تردید بین ثابت یا متغیر بودن احکام حکومتی

به اعتقاد حضرت امام (ره) برخی احکام صادره از پیامبر (ص) و سایر ائمه (ع)، احکام شرعی ثابت و برخی حکومتی، دائمی و لازم‌الاجراء برای همه حکومت‌های اسلامی و برخی حکم حکومتی موقت است که باید از طریق قرائن به ثابت یا متغیر بودن آن احکام پی برد. با این اجمال، در صورتی که فقیه از طریق قرائن نتواند شرعی بودن، موقت بودن یا دائمی بودن حکم حکومتی را تشخیص دهد، اصل مقتضی چه خواهد بود؟ شهید اول در این مورد با توجه به اینکه اغلب احکام صادره از پیامبر (ص) تبلیغی است، در صورت شک در تبلیغی یا سلطانی بودن حکم، اصل را تبلیغی بودن آن می‌داند (شهید اول، بی تا، ص. ۲۱۶ ج ۱). حضرت امام در مقام شک و عدم تشخیص این مسئله مقتضای اصل در مقام را چنین تبیین می‌کنند:

«چنانچه احراز شود که حکم، شرعی الهی یا سلطانی و حکومتی است و قائل به بقاء آن بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) باشیم، اشکالی در بقاء آن حکم وجود نخواهد داشت. همچنین اگر حکم مردد بین شرعی الهی و حکومتی باشد، ولی به بقاء آن بر فرض حکومتی بودنش علم داشته باشیم. اگر علم به سلطانی بودن حکم داشته باشیم، ولی شک در بقاء آن داشته باشیم به دلیل جریان استصحاب بر عنوان باز هم حکم به بقاء آن می‌کنیم.

چنانچه حکم مردد بین شرعی و حکومتی باشد و علم به بقاء آن در صورت شرعی بودن آن و علم به عدم بقاء و یا شک در بقاء آن در صورت حکومتی بودن داشته باشیم، در این فرض استصحاب کلی جاری نمی‌شود، زیرا جامع متیقن، حکم شرعی یا سلطانی یا موضوعی که دارای اثر شرعی باشد، نیست. همچنین، استصحاب فرد نیز در این حالت جاری نمی‌شود، زیرا شک در بقاء فرد مردد نیست، بلکه شک در بقاء آنچه شک در حدوث آن است، وجود دارد» (خمینی ر. کتاب البیع، ۱۴۱۰، ص. ۵۰۸ ج ۲).

این نوع از استصحاب را اصولیین تحت عنوان استصحاب کلی نوع دوم مطرح می‌کنند که به نظر مشهور اصولیین استصحاب کلی در آن جاری می‌شود، ولی استصحاب فرد جاری نمی‌شود. بنابراین چنانچه بر استصحاب کلی اثر شرعی مترتب باشد، آن اثر مترتب می‌شود (انصاری، ۱۴۱۹، ص. ۱۹۵ ج ۳) به نظر حضرت امام (ره) باتوجه به اینکه جامع متیقن، حکم شرعی یا سلطانی یا موضوعی که دارای اثر شرعی باشد نیست، بر کلی اثر شرعی مترتب نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

حکم حکومتی در نظام سیاسی اسلام به مثابه راهبردی برای پیشبرد حکمرانی و تحقق اهداف آن است. در سیره نبوی (ص) و علوی (ع)، صدور حکم حکومتی ناظر به مقتضیات زمانی و مکانی و در راستای مصالح عمومی مسلمانان انجام شده است. بر این اساس، امام خمینی (ره) شأن حکومتی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) را در زمان غیبت بر مبنای ادله عقلی و نقلی به فقیه عادل جامع الشرایط تسری داده‌اند و به تبع آن نیز، صدور حکم حکومتی را در زمان غیبت، برای فقیه لازم دانسته و نه تنها برای مسلمین بلکه برای دیگر فقهای بلاد پیروی از آن را واجب دانسته‌اند. برخلاف دیدگاه‌های غالب، امام (ره) احکام حکومتی را به دو قسم ثابت و متغیر تقسیم کردند. به نظر می‌رسد آنچه ثابت می‌باشد مبانی شرعی احکام حکومتی است. یعنی در مقام اجرا و در گذر زمان به تبع مصالح عامه، احکام حکومتی مبتنی بر مبانی شرعی تغییر می‌یابد.

حکم تشکیل شورای انقلاب (۵۷/۱۰/۲۲)، حکم نخست‌وزیری مهندس

بازرگان (۵۷/۱۱/۱۵)، حکم دادستانی کل انقلاب (۵۷/۱۲/۹)، حکم به مصادره اموال سلسله پهلوی (۵۷/۱۲/۹)، حکم سرکوبی حزب دموکرات (۵۸/۵/۲۸)، حکم به امیر الحاج (۵۸/۶/۲۹)، حکم عفو به دادستان کل انقلاب (۵۸/۸/۱۸)، حکم در ارتباط با تعیین هیأتی جهت تعزیرات (۶۴/۸/۲۸)، حکم در ارتباط با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت (۶۶/۱۱/۱۷)، حکم به تعزیر و اعدام توهین‌کننده حضرت زهرا (س) خطاب به مدیر عامل صدا و سیما (۶۷/۱۱/۱۹) و حکم اعدام سلمان رشدی خطاب به مسلمانان جهان (۶۷/۱۱/۲۵) از مهم‌ترین احکام حکومتی صادره از امام خمینی (ره) در دوران زمامداری بر جمهوری اسلامی بوده است. تدقیق در احکام صادره از امام خمینی بیانگر چند نکته است: ۱. برخلاف منتقدین دینی، احکام مذکور بر مبنای مبانی فقهی و شرعی صادر شده است. ۲. برخلاف منتقدین سیاسی، احکام مذکور همگی ناظر بر منافع جامعه اسلامی و مصالح عمومی صادر شده است به گونه‌ای که اگر احکام حکومتی مذکور هریک در جای خود صادر نمی‌شدند، اهداف انقلاب اسلامی و موجودیت نظام جمهوری اسلامی با تهدید و خطر جدی مواجه می‌شدند. ۳. مکانیزم شناسایی و صدور حکم حکومتی در نظام سیاسی اسلام بیانگر پایایی، پویایی و انعطاف نظام حقوقی اسلام در پاسخ‌گویی به شرایط متحول جامعه و نیازهای جدید بشری بوده و بسان راهبردی ضروری و حیاتی، نقش کلیدی در حکمرانی اسلامی دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. به نظر می‌رسد، می‌شود قاعده را قاعده شرعی و نه حکومتی دانست ولی تنها آن را ناظر به روابط اجتماعی دانست. یعنی این حدیث حکمی شرعی است که حاکم بر برخی از احکام شرعی دیگر مثل قاعده سلطه می‌باشد. بنابراین لازمه اینکه این قاعده ناظر به نفی ضرر و ضرار در روابط اجتماعی باشد این نیست که قاعده را حکومتی بدانیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ص. ۶۷-۷۱).
۲. نک: عاملی، بی تا، کتاب الاطعمه والاشربه، الباب ۱، من ابواب الاشربة المحرمة

منابع و مآخذ

- رحمانی فرد سبزواری، ع. (۱۳۹۹). تمایز حکم حکومتی با سایر احکام شرعی. گفتمان فقه حکومتی، ۷-۲۴.
- مقداد، ف. (بی تا). نضد القواعد الفقهیة. قم: منشورات مکتبه آیت الله.. النجفی.
- ابن سینا. (۱۴۰۴). الشفاء، الالهیات (جلد ۱). قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- اسماعیلی، م.، & طحان نظیف، ه. (۱۳۹۱). نسبت سیاست‌های کلی نظام با احکام حکومتی در حقوق اساسی ایران. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۳(۳۵)، ۷۳-۹۴.
- انصاری، ش. (۱۴۱۹). فرائد الاصول. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- بهروزی لک، غ.، & بدرآبادی، ه. (۱۳۹۳). ملاک احکام حکومتی در فقه سیاسی شیعه. علوم سیاسی، ۵۳-۷۴.
- پرور، ا. (۱۳۹۴). احکام حکومتی: چرایی، چیستی و چگونگی. قم: کتاب فردا.
- ثانی، ش. (بی تا). القواعد والفوائد (نسخه عبدالهادی حکیم، جلد ۱). قم: مکتبه المفید.
- حر عاملی، ش. (بی تا). وسائل الشیعه ج ۱۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حکیم، م. (۱۹۷۹). الاصول العامة للفقہ المقارن. بی جا: مؤسسه آل البيت.
- حلی، ا. (۱۳۶۸). تبصره المتعلمین. بی جا: انتشارات فقیه.
- حلی، ن. (۱۴۰۹). شرایع الاسلام (نسخه صادق شیرازی). تهران: انتشارات استقلال.
- خمینی، ر. (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، ر. (۱۴۱۲). المکاسب المحرمه. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خمینی (ب)، س. (بی تا). مناهج الوصول الی علم الاصول ج ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، ر. (۱۳۵۷). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- خمینی، ر. (۱۴۱۰). کتاب البیع (جلد ۲). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خمینی، ر. (۱۴۱۱). تهذیب الاصول (جلد ۳). قم: دار الفکر.
- خمینی، ر. (۱۴۱۸). الاجتهاد و التقليد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رجایی، ف. (۱۳۹۵). بررسی مبانی مشروعیت حکم حکومتی. فقه حکومتی، ۳۶-۵۲.
- زلمی، ا. (۱۳۷۵). خاستگاه‌های اختلاف در فقه مذاهب. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ساورسفلی، م. (۱۳۸۴). حکم حکومتی در سیره نظری و عملی امام خمینی (ره). قم: معارف.

شهید اول. (بی تا). القواعد والفوائد (نسخه تحقیق دکتر عبدالهادی حکیم، جلد ۱). قم: مکتبه المفید.

شیخ صدوق. (۱۴۲۵). علل الشرائع (جلد ۱). قم: مکتبه الحیدریه.

صدر، س. (۱۴۰۲). اقتصادنا. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

صدوق، م. (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه، تحقیق (نسخه علی اکبر غفاری). قم: جامعه المدرسین.

طباطبائی، س. (۱۳۶۳). نهایت الحکمه، ج ۱. تهران: انتشارات الزهرا.

طباطبائی، س. (۱۳۷۱). مجموعه مقالات و پرسش ها و پاسخ ها. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

طباطبائی، س. (بی تا). فراهایی از اسلام. قم: انتشارات جهان آرا.

طوسی، م. (۱۳۸۷). مبسوط (جلد ۲). تهران: المکتبه المرتضویه.

طوسی، م. (۱۴۰۴). اختیار معرفه الرجال (جلد ۲). قم: مؤسسه آل البيت.

طوسی، م. (۱۴۱۷). کتاب الخلاف (جلد ۵). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

طوسی، م. (بی تا). استبصار (نسخه تحقیق السید حسن الخراسان، تصحیح الشیخ محمد الآخوندی، جلد ۳). قم: دار الکتب الاسلامیه.

قرضاوی، ی. (۱۴۰۹). الخصائص العامه للاسلام. قاهره: مکتبه وهبه.

کاشف الغطاء، م. (۱۳۶۱). تحریر المجله (جلد ۳). قم: مکتبه فیروزآبادی.

کلینی، م. (۱۳۶۷). الکافی (نسخه تحقیق علی اکبر غفاری، جلد ۷). بی جا: دارالکتب الاسلامیه.

گرجی، ا. (۱۳۹۶). مقالات حقوقی (جلد ۲). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مازندرانی، م. (بی تا). شرح اصول الکافی (جلد ۱۲). بی جا.

محمدی، س. (۱۳۹۸). تحلیل حکم حکومتی در فقه سیاسی. تهران: فرزندگان دانش.

محمصانی، ص. (۱۳۵۸). فلسفه قانون گذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی. تهران: امیرکبیر.

مطهری، م. (۱۳۶۸). شش مقاله، ختم نبوت. تهران: انتشارات صدرا.

مفید، ش. (۱۴۱۰). المقنعه. قم: جامعه المدرسین.

مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۰). القواعد الفقهیه (جلد ۱). قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

ملک افضلی اردکانی، م. (۱۳۹۰). حکم حکومتی در قانون اساسی و جایگاه آن. حکومت اسلامی ۱۶ (۶۲): صفحات ۷۴-۵۳.

نائینی، م. (۱۳۷۸). تنبیه الامه و تنزیه المله. تهران: شرکت سهامی انتشار.

نجفی، ش. (۱۳۶۲). جواهر الکلام. قم: دار الکتب الاسلامیه.

نجومیان، ح. (۱۳۴۸). زمینه حقوق تطبیقی در نظام های حقوقی اسلام، فرانسه، انگلیس و روسیه. مشهد: کتابفروشی جعفری.

نصیرالدین الطوسی، م. (۱۳۶۴). اخلاق ناصری. تهران: خوارزمی.

References

- Rahmanifard Sabzevari, A. (2020), Differences Between Governmental Verdicts and Other Legal Verdicts (in Persian). Gofteman-e Feqh-e Hokoumati, 7-24. (In Persian)
- Meghdadm F. Nazd Al-Qawaid Al-Fiqhiah (in Arabic), Qom, Ayatollah Mar'ashi Najafi Library. (In Persian)
- Avecina (1404 AH), Ilahiat Al-Shifa (Vol 1). Qom, Ayatollah Mar'ashi Najafi Library. (In Persian)
- Esmacili, Tahhan Nazif (2012). the Relationship Between The I.R. Iran's General Policies with Governmental Verdicts in Islamic Fundamental Law, Pajuheshname Hoquq Eslami, 13(35), 73-94. (In Persian)
- Ansari, Sh. (1419 AH). Fawa'id Al-Osul. Qom: Islamic Thought Association. (In Persian)
- Behrouzi Lak, Gh. & Badrabadi, H. (2014). The Criterion of Governmental Verdicts in Shia Jurisprudence, 53-74 (In Persian)
- Parvar. A. (2015). Governmental Verdicts: Why, What and How. Qom, Farda Books. (In Persian)
- Sani, Sh. (unknown date). Al-Qawa'id Wal-Fawa'id (Abdolhadi Hakim's edition, Vol 1), Qom, Mofid Library. (In Persian)
- Horr Ameli, Sh. (unknown date)., Wasael Al-Shia, Vol 12, Beirut, The House of Reviving Arabic Heritage. (In Persian)
- Hakim, M. (1979), general principles of fiqh al-moqaren, placeless, aal al-bayt institution. (In Persian)
- Helli, N. (1409 AH). Sharaye Al-Islam (Sadiq Shirazi's Edition), Tehran, Esteghlal Publications. (In Persian)
- Khomeini, R. (1999), Sahife-ye Imam. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)

- Khomeini, R. (1412 AH), Forbidden Businesses (in Arabic). Qom, Esmaeilian Institution. (In Persian)
- Khomeini (b), S. (unknown date). Ways to Achieve the Science of Osoul (vol. 1), Tehran, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Khomeini, R. (1979). Wilayah Al-Faqih, Tehran: Amirkabir Publications. (In Persian)
- Khomeini, R. (1410 AH). Kitab Al-Bai' (vol. 2). Qom: Esmaeilian Institute. (In Persian)
- Khomeini, R. (1411 AH). Tahzib al-Usul (vol. 3). Qom: Daar Al-Fikr. (In Persian)
- Khomeini, R. (1418 AH). Al-ijtihad wa al-taqlid. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Rajai, F. (2016). A Study on the Fundamental Legality of Governmental Verdicts. Feqh-e Hokoumati, 36-52. (In Persian)
- Zalami, A. (1996). The Origins of Differences Between Islamic Sects' Jurisprudence. Mashhad: Islamic Research Foundation. (In Persian)
- Saversefli, M. (2005). Governmental verdict in Imam Khomeini's theoretical and practical. سیره. Qom: Ma'aref. (In Persian)
- Shahid al-Awwal (unknown date). Al-qawa'id wal-fawa'id (Abdolhadi Hakim's edition, vol 1). Qom: Mofid Library. (In Persian)
- Shaikh Saduq (1425 AH). Ilal al-sharaye (vol 1). Qom: Al-heidariah Library. (In Persian)
- Sadr, S. (1402 AH). Eqtesadona. Beirut: Dar-ul Ta'arof Lil-Matbu'at. (In Persian)
- Saduq, M. (1404 AH). Man la Yahzorhul Faqih, Qom: Jame'ah Al-Mudarresin. (In Persian)
- Tabataba'ei, S. (1984), Nihayah al-Hikmah, vol 1. Tehran: Al-Zahra Publications. (In Persian)
- Tabataba'ei, S. (1992), Articles, Questions and Answers. Tehran: The Office for Islamic Culture Publication. (In Persian)
- Tabataba'ei, S. (unknown date). About Islam. Qom: Jahan Ara Publications. (In Persian)
- Toosi, M. (1387 SH). Mabsoot (Vol 2). Tehran: Mortazawiah Library. (In Persian)

- Toosi, M. (1404 AH). Ekhtiar Ma'rifah Al-rijal (vol 2). Qom: Aal Al-Bayt Institution. (In Persian)
- Toosi, M. (1417 AH). Kitab al-khilaf (vol 5). Qom: Al-nashr Al-Islami Institution. (In Persian)
- Toosi, M. (unknown date). Al-istibsar (seyyes hasan al-kharsan edition) vol 3. Qom. Firoozabadi library. (In Persian)
- Kolayni, M. (1988), Al-kaafi (Aliakbar Ghaffari edition, vol. 7). Unknown place: Daolkutub al-islamiah. (In Persian)
- Gorji, A. (2017), law articles (vol 2), Tehran: Universuty of Tehran publications. (In Persian)
- Mazandarani, M. (unknown date). Osul al-Kaafi explanation, (vol 12). Unknown place. (In Persian)
- Mohammadi, S. (2019). The analysis of governmental verdicts in political jurisprudence. Tehran: Farzanegan-e danesh. (In Persian)
- Mahmasaani, S. (1979). The philosophy of regulation in Islam, translated by Esmaeil Golestani. Tehran: Amirkabir. (In Persian)
- Motahari, M. (1989), Six Articles, Khatm-e Nabovat, Tehran: Sadra. (In Persian)
- Mofid, Sh. (1991). Al-ghwa'id Al-Fiqhiah (vol 1). Qom: Imam Ali school. (In Persian)
- Malek Afzali Ardakani, M. (2011). Governmental Verdicts in the Constitution, Hokounat-e Eslami, 16 (62), 53-74. (In Persian)
- Naeini, M. (1378 SH), Tanbi al-Ummah wa Tanzih al-Millah. Tehran: Intishar Corporation. (In Persian)
- Najafi, Sh. (1983). Jawahir al-Kalaam. Qom: Darol Kutub Al-Islamiah. (In Persian)
- Nojournian, H. (1969). The Background of Comparative Law in Islamic Law Systems, France, England, Russia. Mashhad: Jafari Bookstore. (In Persian)
- Nasiroddin Al-Toosi, M. (1985). Akhlaq-e Naseri. Tehran: Kharazmi. (In Persian)

The Concept of Regulatory State: An Analysis of Regulation as Instrument of Governance

Mehdi Hadavand

Assistant Professor of Public Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

mehdihadvandd@gmail.com

Farhad Jam

Corresponding Author, Ph.D. Candidate in Public Law and Researcher in the field of

Public Law, Tehran, Iran. farhad.jam@gmail.com

Abstract

Conceptual fragmentation of regulation and the existence of different definitions and perceptions thereof, prevent a clear understanding of the concept of the regulatory state. This research seeks to answer the question "What role does understanding of regulatory play in conceptualizing regulatory state?" It hypothesizes that "an understanding of regulation, as the most important tool of governance in the regulatory state, is the most important factor in understanding the term regulatory state." The purpose of this study is to provide a clear the concept of regulatory state. For this purpose, various definitions of regulation and regulatory state are collected using library method, thereafter the terms regulation and regulatory state are defined and the components of the definition of regulatory state are described using the descriptive-analytical method and its differences with minimal and welfare state are shown. The finding of this study is the clarification of the concepts of regulation and regulatory state and provision of clear definitions of the two, which has been obtained in the light of the knowledge obtained from analyzing and reviewing various definitions of them, and comparing regulatory state with minimal and welfare state.

Keywords: Regulatory state, Regulation, Governance, Rule-making, Monitoring and Enforcement

مفهوم دولت تنظیم‌گر: تحلیل تنظیم‌گری به مثابه ابزار حکمرانی^۱

مه‌دی هداوند

استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
mehdihadvandd@gmail.com

فرهاد جم

نویسنده مسؤل، دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
farhad.jam@gmail.com

چکیده

تشتت در مفهوم تنظیم‌گری و وجود تعاریف و برداشت‌های متفاوت از آن مانع شکل‌گیری درکی روشن از مفهوم دولت تنظیم‌گر است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش که «فهم از تنظیم‌گری چه نقشی در شکل‌گیری مفهوم دولت تنظیم‌گر دارد؟» این فرضیه را مطرح می‌کند که «فهم از تنظیم‌گری، به مثابه مهم‌ترین ابزار حکمرانی در دولت تنظیم‌گر، مهم‌ترین عامل در فهم اصطلاح دولت تنظیم‌گر است». هدف این پژوهش ارائه مفهومی روشن از دولت تنظیم‌گر است. به این منظور، به شیوه کتابخانه‌ای تعاریف گوناگون از تنظیم‌گری و دولت تنظیم‌گر گردآوری شده و سپس اصطلاحات تنظیم‌گری و دولت تنظیم‌گر تعریف و به روش توصیفی-تحلیلی اجزای تعریف دولت تنظیم‌گر تشریح و تفاوت آن با دولت‌های حداقلی و رفاه نشان داده شده است. یافته این پژوهش، ایضاح مفاهیم تنظیم‌گری و دولت تنظیم‌گر و ارائه تعاریف روشن از این دو در سایه شناخت به‌دست‌آمده از تحلیل و بررسی تعاریف متعدد از آنهاست.

واژه‌های کلیدی: دولت تنظیم‌گر، تنظیم‌گری، حکمرانی، قاعده‌گذاری، پایش و اجرا

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۲/۲۸ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۱۷

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۲۷-۲۶۶

مقدمه

اصطلاح دولت تنظیم‌گر در طول زمان و در نقاط مختلف جهان به معانی گوناگون به کار رفته است. بنا به بررسی‌های انجام‌شده توسط دیوید لوی فاور^۱، نخستین بار هلمز^۲ در سال ۱۸۹۰ از این اصطلاح برای نشان‌دادن ارتباط دیدگاه‌های پیشرو دولت استفاده کرد. به نظر فاور، اصطلاح دولت تنظیم‌گر به شکلی کلی، مبهم و حاشیه‌ای، به شکل پراکنده به کار برده می‌شد؛ مثلاً دال و لیندبلاد^۳ آن را برای اشاره به دولتی به کار برده‌اند که توجهی به برابری ندارد. جیمز اندرسون^۴ اما در کتاب خود موسوم به «ظهور دولت تنظیم‌گر» نخستین بار از این اصطلاح به شکلی دقیق‌تر استفاده کرد. در این اثر، اندرسون دولت و توسعه دیوان‌سالاری را از طریق کمیسیون‌های فدرال و آژانس‌های مستقل (که طی سه مرحله از پایان قرن نوزدهم به بعد شکل گرفته بودند) مورد تحلیل و بررسی قرار داد. از نظر اندرسون دولت تنظیم‌گر، خواهان اصلاحات اجتماعی^۵ با ساختار سلسله‌مراتبی یا فرمان و کنترل^۶ (دست‌کم در سطح فدرال) در پایان قرن نوزدهم است. سایدمن اما ظهور این دولت را در اواسط دهه ۱۹۷۰ می‌داند. سایدمن و اندرسون فهم متفاوتی از دولت تنظیم‌گر دارند که نزد آنها ویژگی‌های متفاوت دارد و در دوره‌های زمانی مختلف

1. David Levi-Faur

2. Holmes.

3. Dahl and Lindblom.

4. James Anderson.

5. Progressive.

6. command-and-control.

ظهور کرده است. (Levi-Faur, 2013, pp. 31-33) این اختلاف نظر ها همچنان باقی است و به نظر می رسد مهم ترین دلیل آن نبود تعریفی ثابت از تنظیم گری باشد. در این نوشتار ابتدا معنای دولت در ترکیب دولت تنظیم گر تا حدی که فضای مقاله اجازه بدهد تبیین و تحلیل می شود. همچنین برای شناخت مفهوم دولت تنظیم گر، از اصطلاح تنظیم گری تعریفی روشن ارائه می شود. سپس برخی از مهم ترین تعاریف دولت تنظیم گر و انواع آن از منابع گوناگون مورد بحث قرار گرفته، برای فهم بهتر دولت تنظیم گر، تفاوت آن با دولت های حداقلی و رفاه نشان داده می شود. در پایان نیز بر پایه شناخت به دست آمده از مرور ادبیات موجود و تعریف نگارندگان از تنظیم گری، تعریفی از دولت تنظیم گر ارائه شده، اجزای آن مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد تا از این رهگذر تصویری نسبتاً روشن از مفهوم دولت تنظیم گر ترسیم شود.

۱. هدف و پرسش پژوهش

فهم دولت تنظیم گر در گروی داشتن درکی روشن از مفهوم تنظیم گری است. اما ارائه تعاریف مختلف از تنظیم گری موجب تشتت و سردرگمی فراوان در شکل گیری تصویری روشن از این مفهوم و به تبع آن مفهوم دولت تنظیم گر شده است. بر این اساس، نوشتار حاضر با هدف ارائه تصویری روشن از دولت تنظیم گر و در پی پاسخ به این پرسش که «فهم از تنظیم گری چه نقشی در شکل گیری مفهوم دولت تنظیم گر دارد؟» این فرضیه را مطرح می کند که «فهم از تنظیم گری، به مثابه اساسی ترین ابزار حکمرانی در دولت تنظیم گر، مهم ترین عامل در فهم اصطلاح دولت تنظیم گر است».

۲. پیشینه پژوهش

موضوع این پژوهش ارائه تصویری روشن از مفهوم دولت تنظیم گر است. اگرچه درخصوص اجزای این موضوع، یعنی تنظیم گری، حکمرانی و ابزارهای آن، آثار متعددی در ادبیات انگلیسی زبان و تاحدودی به زبان فارسی منتشر شده است، اما پژوهشی که مستقلاً با ساختار ارائه شده در این مقاله، یعنی ایضاح مفهوم

تنظیم‌گری به‌منظور ارائه تعریفی جامع از دولت تنظیم‌گر و تحلیل تنظیم‌گری به‌مثابه ابزار حکمرانی تنظیمی، ملاحظه نشد. با وجود این در موضوعات مرتبط با اجزای این پژوهش، آثار متعددی به‌ویژه در ادبیات انگلیسی زبان منتشر شده است که در خلال متن، از این آثار استفاده و به آنها ارجاع داده شده است.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش با مراجعه به منابع گوناگون ازجمله مقالات و کتب منتشره و نیز منابع معتبر اینترنتی ادبیات موجود در حوزه تنظیم‌گری و دولت تنظیم‌گر، به‌ویژه ادبیات انگلیسی زبان، مرور شده است. بر این اساس تا آنجا که محدودیت حجم اجازه می‌دهد، انواع تعاریف و دسته‌بندی‌های ارائه‌شده در این منابع موردتحلیل و بررسی قرار گرفته، سپس اصطلاحات تنظیم‌گری و دولت تنظیم‌گر تعریف و به روش توصیفی-تحلیلی اجزای تعریف دولت تنظیم‌گر تشریح شده است.

۴. چارچوب مفهومی

۴-۱. معنای دولت در ترکیب دولت تنظیم‌گر

در نوشتار حاضر دولت نه به معنای government که معمولاً به حکومت ترجمه می‌شود بلکه درمقابل واژه state به کار رفته است. در منابع انگلیسی‌زبان نیز از همین واژه در ترکیب regulatory state استفاده شده است. در توجیه استفاده از واژه state می‌توان استدلال کرد که تنظیم‌گری در معنای موسع خود شامل اشخاص خصوصی ازجمله نهادهای بخش خصوصی در وضع قواعد هم می‌شود و این نهادها، به‌ویژه در اجرا و پایش این قواعد، مشارکت دارند. لذا استفاده از واژه government تقلیل‌گرایانه است و ذهن را از معنای کل‌گرایانه تنظیم‌گری منحرف می‌کند. گذشته از این، باتوجه به اینکه تنظیم‌گری مفهومی است که دلالت بر تنظیم‌گری در سطح بین‌المللی (مثلاً توسط سازمان‌های بین‌المللی، اتحادیه‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و...) نیز دارد بنابراین به‌کارگیری واژه state موجه‌تر از واژه government است زیرا به مفهوم فراملی تنظیم‌گری نیز معطوف است.

از نظر مارک بویر^۱، ایده دولت^۲ با مدیریت کردن یک منطقه به وسیله نظم حقوقی، گره خورده است. (Lee, 2007, p. 922) به تعبیر آستین رنی نیز دولت، متشکل از اشخاص و نهادها و واضع قوانین لازم‌الاتباع است که اجرای آنها را با اتکا به قدرت برتر خود تضمین می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۶، pp. 5-6) واژه دولت را معمولاً با پسوندهایی همچون «رفاهی»، «پیکارجو»، «توسعه‌ای»^۳ و در اینجا «تنظیم‌گر»^۴ توصیف می‌کنند که دلالت بر سازمان و کارکردهای مشخص نهادهای دولت دارد. (Lee, 2007, p. 922) همچنین، اصطلاح دولت در عام‌ترین معنا، ناظر به ساخت دستگاه حکمرانی^۵ است که با انحصار مشروع در استفاده از خشونت در قلمرویی خاص تعریف می‌شود^۶. (O'Dwyer, 2007, p. 923) به نظر اندرو وینسنت دولت قدرتی عمومی، مستمر و فراتر از حکام و اتباع خویش است که از نظر جغرافیایی دارای سرزمینی مشخص بوده، یگانه نهاد صاحب اقتدار و دارای مبنای حقوقی است. به نظر او دولت به حکم قانون و به منظور دستیابی به هدف‌هایی ویژه، بخصوص حفظ نظم داخلی و دفاع در برابر خارجی‌ان، بر منابع و وسایل اجبار چیره است؛ غایت اصلی دولت نیز تأمین خیر عمومی است. (وینسنت، ۱۳۹۸، pp. 41-43)

۴-۲. مفهوم و تعریف تنظیم‌گری

بسیاری نویسندگان از جمله میریام هارتلپ^۶ بر این باورند که نه در اقتصاد و نه علوم سیاسی، اصطلاح تنظیم‌گری تعریف ثابت و مشخصی ندارد. (Hartlapp, 2020, p. 71) به زعم اریک ویندهلز و جرمی ای هاج^۷ نیز نفس تعریف کردن تنظیم‌گری، کاری بس مناقشه‌برانگیز است و به تعبیر دیوید لوی فاور، تنظیم‌گری

-
1. Mark Bevir
 2. the state
 3. "welfare," "warfare," and "developmental"
 4. regulatory
 5. the construction of an apparatus of governance
 6. Miriam Hartlapp
 7. Eric Windholz and Graeme A. Hodge

از نظر اشخاص گوناگون تعاریف متفاوتی دارد؛ از برخی تعاریف حقوقی گرفته که تنظیم‌گری را محدود به قواعد حقوقی وضع شده از سوی دولت (حکومت)^{۱)} می‌داند، تا تعاریف باز هم دولت‌محور اما در عین حال گسترده‌تر که همه شکل‌های مداخله دولت را دربر می‌گیرد و نهایتاً تعاریفی با رویکرد غیرمتمرکز مشتمل بر همه کنش‌هایی که با هدف تأثیر گذاشتن بر رفتار ارائه شده‌اند. (Windholz & Hodge, 2012, p. 217) متداول‌ترین تعریف از تنظیم‌گری اما، مبتنی بر نگرش فرمان و کنترل به تنظیم‌گری است. در تنظیم‌گری متمرکز و دولت-محور، رابطه تنگاتنگ میان تنظیم‌گری و سازمان‌های اداری (آژانس‌ها) که به موجب آن تنظیم‌گری توسط دولت و از طریق قواعد حقوقی دارای ضمانت اجرا، اعمال می‌شود، همواره اهمیت زیادی داشته است و میان «قاعده‌گذاری»^{۱)} و «سازمان‌های اداری قاعده‌گذار»^{۲)} هم روابط بسیار نزدیکی وجود دارد. (Black, 2002, p. 2) به این اعتبار، تنظیم‌گری عبارت از نوعی قانون‌گذاری (مقررات‌گذاری) توسط دستگاه دیوان‌سالاری است. (Levi-Faur, 2017, p. 295) همچنین تنظیم‌گری در تعبیری کلی، یک شکل ابزاری از حقوق تلقی شده است که از آن طریق اهداف مشخصی تضمین می‌شوند. (Scott, 2010, p. 25) تعریف کوگلیانس^{۳)} و کاگان^{۴)} از تنظیم‌گری نیز متضمن همین معناست: «آن بخش از حقوق که نوعاً توسط آژانس‌های تخصصی دولتی و با هدف پیشگیری از سوءرفتار بنگاه‌ها و سازمان‌های دیگر، اجرا و اعمال می‌شود.» (Bora, 2017, p. 23)

آنتونی اگوس^{۵)} تنظیم‌گری را اساساً مفهومی سیاسی-اقتصادی می‌داند و ابزاری است که به واسطه آن دولت در پی تشویق یا هدایت رفتار تنظیم‌شوندگان است. از نظر بالدوین و کیو^{۶)} تنظیم‌گری مشتمل بر استفاده از هر ابزار توسط دولت

1. rule making.

2. rule- making agencies

3. Coglianese

4. Kagan

5. Anthony Ogus.

6. Baldwin and Cave

برای مداخله در اقتصاد و نیز بهره‌گیری بازیگران غیردولتی از قواعد برای تأثیر گذاشتن بر رفتار بنگاه‌هاست. تعریف فرهنگ واژگان جدید پالگریو از تنظیم‌گری هم عبارت است از: «تحمیل کنترل اقتصادی از سوی آژانس‌های دولتی (معمولاً) بر بنگاه‌های خصوصی». (Black, 2002, p. 14) بری میتنیک^۱ نیز با رویکردی دولت‌محور و متمرکز، تنظیم‌گری را چنین تعریف می‌کند: «تنظیم‌گری عبارت است از اعمال مقررات اداری عمومی بر فعالیت‌های خصوصی با توجه به قواعد تجویزی منفعت عمومی». (Christensen, 2011, p. 96)

برخی نویسندگان دیگر موضعی میانه درپیش گرفته‌اند. اسکات رژیم‌های تنظیم‌گری را اولاً متشکل از استانداردها و قواعد و سپس سازوکارهای پایش و بازخورد و نهایتاً اجرای این قواعد می‌داند. با همین رویکرد، منتها از نگاه شهروندانی که به‌عنوان «نیروهای اجراکننده قانون» عمل می‌کنند، سوزان سیلبی^۲ اصطلاح «تنظیم‌گری انتسابی»^۳ را به کار برده است. (Bora, 2017, p. 22)

فاور ضمن به رسمیت شناختن تکثر و نقاط قوت آن، تنظیم‌گری را چنین تعریف می‌کند: «قانون‌گذاری بوروکراتیک (اداری) قواعد تجویزی به نحو پیشینی^۴ و پایش و اجرای این قواعد به‌وسیله عاملان اجتماعی، بنگاه‌ها و بازیگران سیاسی». (Faur, 2011, p. 6)

نهایتاً گروهی دیگر از صاحب‌نظران رویکردی غیرمتمرکز به تنظیم‌گری دارند. آلفونس بورا در این گروه جای دارد. او از دید نظریه سیستم‌ها، تنظیم‌گری جامعه‌گرا^۵ را عبارت از هر نوع عملکرد سیستم اجتماعی می‌داند که قاصدانه در پی تصمیم‌گیری، تعریف یا تنظیم وضعیت سیستم دیگر (سیستم هدف یا سیستم قانونی)، به قصد پی‌جویی «خیر و رفاه عمومی»^۶ است. «خیر عمومی» (کامن ویل)

1. Barry Mitnick

2. Susan Silbey

3. relational regulation

4. ex-ante bureaucratic legalization of prescriptive rules

5. societal regulation

6. commonweal

ترجمه اصطلاح آلمانی Gemeinwohl (گماین‌وُل) است که در معنای موسع خود، رفاه مشترک، ثروت عمومی، خیر عمومی یا منفعت عمومی را دربر می‌گیرد. (Bora, 2017, p. 25) اسکات^۱ نیز با نگاهی متکثر و غیرمتمرکز به تنظیم‌گری، آن را عبارت می‌داند از: «هر فرایند یا مجموعه فرایندهایی که متضمن وضع هنجار است و رفتار کسانی که تابع این هنجارها هستند یا بازخورد آن به رژیم تنظیم‌گری پایش یا رصد می‌شود و متضمن سازوکارهایی است تا رفتار تنظیم‌شوندگان از چارچوب و حدود قابل قبول رژیم تنظیم‌گری خارج نشود». در این تعریف اشاره‌ای به قاعده‌گذاری یا فعل قاصدانه نشده است. همچنین سخنی از قاعده‌گذاری متمرکز یا دولت‌محور یا ضمانت اجرای رسمی به میان نمی‌آید و بنابراین وضع هنجار و به طریق اولی قاعده‌گذاری می‌تواند ازسوی کنشگران یا عوامل غیردولتی نیز صورت گیرد. (Faur, 2011, p. 6) درواقع از نظر اسکات، هنجارهای اجتماعی، فرهنگی و سایر هنجارهایی که فاقد محتوای حقوقی یا قاصدانه هستند، می‌توانند در هدایت کردن رفتار تنظیم‌گری در مقیاسی وسیع مورد استفاده قرار بگیرند. (Cohn, 2011, p. 185) همچنین تعریف اسکات تاحدزیادی در چارچوب پژوهش‌های راجع به حکمرانی باعنوان «حکمرانی جدید»^۲ و «دولت تنظیم‌گر جدید»^۳ قرار دارد که در آنها عناصر «هدایت کردن»^۴ و «شکل‌های متکثر تنظیم‌گری» مورد تأکید قرار می‌گیرد تا از این رهگذر بتوان تنوع و تکثر منافع و منابع کنترل پیرامون موضوعات، مسائل و نهادها را مورد توجه قرار داد. (Faur, 2011, p. 6) جولیا بلک^۵ نیز نگاهی غیرمتمرکز به تنظیم‌گری دارد. از نظر وی «تنظیم‌گری عبارت است از تلاش پایدار و متمرکز^۶ در تغییر رفتار دیگران به منظور رعایت استانداردها یا اهداف تعیین شده و برای دستیابی به نتیجه

1. Scott

2. the new governance

3. new regulatory state

4. steering

5. Julia Black

6. Focused

یا نتایج کلی، که ممکن است متضمن سازوکارهای «استانداردگذاری»^۱، «گردآوری اطلاعات»^۲ یا «اصلاح رفتار»^۳ باشد. (Black, 2002, p. 26)^(۳)

نهایتاً تعریف موردنظر نگارندگان از تنظیم‌گری که به نظر می‌رسد جامع همه ویژگی‌های تنظیم‌گری در تعاریف پیش گفته باشد، بدین قرار است:

«تنظیم‌گری عبارت است از عمل قاصدانه و مستمر بخش عمومی یا خصوصی که براساس معیارهای مشخص برای تأثیر گذاشتن و شکل دادن به رفتار تنظیم‌شونده یا جریان امور یا وقایع؛ در موضوعات اقتصادی یا اجتماعی؛ با مشارکت ذی‌نفعان؛ با هدف تأمین منافع، خیر و رفاه عمومی که متضمن تأمین بهینه تولید و توزیع کالا و خدمت و حمایت‌های اجتماعی باشد، وضع می‌شود و پایش یا اجرای آن توسط تنظیم‌گر و یا با مشارکت ذی‌نفعان انجام می‌شود».

۳-۴. دولت تنظیم‌گر

۳-۴-۱. برخی تعاریف از دولت تنظیم‌گر

به یک اعتبار، اصطلاح دولت تنظیم‌گر متضمن تغییر نقش دولت، از مداخله ایجابی^۴ به تنظیم‌گری با فاصله^۵ و داوری^۶، به‌ویژه در اقتصادهای پیشرفته است.^(۴) دیوید باخ^۷ و آبراهام نیومن^۸ بر این باورند که ظهور دولت تنظیم‌گر به‌معنای پایان مدیریت تقاضامحور کینزی به‌مثابه پارادایم سیاست اقتصادی و تأکید بر ایجاد ابزارهای اداری نو برای هدایت نیروهای بازار است. بدین ترتیب با واگذاری صنایعی همچون حمل و نقل، ارتباطات، آب، برق، گاز و مانند اینها به بخش

1. standard-setting

2. information-gathering

3. behaviour-modification

4. positive intervention

5. arms-length

6. arbitration

7. David Bach

8. Abraham Newman

خصوصی، دولت نقش مراقب و ضامن رقابت و در صورت لزوم، حامی اجتماعی را برعهده می‌گیرد (Bach & Newman, 2016, p. 821) و مهمترین ابزار او برای ایفای این نقش، عبارت از وضع، پایش و اجرای قاعده است. اینکه دولت تا چه حد بازیگران دیگر را در این ابزار شریک کند، بستگی به رویکرد دولت به مفهوم تنظیم‌گری دارد. چنان‌که پیش‌تر آمد، در رویکرد فرمان و کنترل، سیاست‌گذاری، وضع، پایش و اجرای قواعد را خود دولت (نوعاً از طریق دستگاه‌های اداری تخصصی) انجام می‌دهد؛ اما در رویکردهای غیرمتمرکزتر در وضع، پایش و اجرای این قواعد، عاملان اجتماعی و بنگاه‌های خصوصی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند.

بدین ترتیب، وضع، پایش و اجرای قاعده مهم‌ترین وجه تمایز دولت تنظیم‌گر و در قانون تعاریف گوناگون از دولت تنظیم‌گر قرار می‌گیرد. به همین اعتبار، دوباش و مورگان^۱ دولت تنظیم‌گر را چنین تعریف کرده‌اند: دولتی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم اقدام به اعمال و توسعه وضع، پایش و اجرای قواعد می‌کند. این تعریف، ارتباطی با اهداف ایجابی (مداخله‌جویانه) یا سلبی (غیرمداخله‌جویانه) یا هر هدف دیگر ندارد. در این تعریف، دولت تنظیم‌گر، دولتی است که در سطحی وسیع و به شکل رسمی یا غیررسمی با استفاده از دستگاه دیوان‌سالاری خود به وضع، پایش و اجرای قاعده می‌پردازد. (Dubash & Morgan, 2013, p. 238)

اسکات با تأکید بر همین وجه، ایده محوری دولت تنظیم‌گر را عبارت از شیوه خاص حکمرانی مبتنی بر وضع قواعد می‌داند که متضمن نظارت نظام‌مند و با فاصله آژانس‌های عمومی^۲ بر رعایت آن قواعد توسط تنظیم‌شوندگان است. (Scott, 2017, p. 267)^(۵)

فاور نیز وجه تمایز دولت تنظیم‌گر را به‌کارگیری قواعد (صرف‌نظر از محتوای قاعده) در حکمرانی می‌داند و دولت تنظیم‌گر را براساس ابزار

1. Dubash & Morgan

2. agency

حکمرانی‌اش، یعنی وضع، پایش و اجرای قاعده^۱ تعریف می‌کند. (Levi-Faur, 2013, p. 39) از نظر فاور، ویژگی اصلی تنظیم‌گری، عبارت است از ظرفیت و اولویت حکمرانی کردن از طریق قاعده‌گذاری؛ یعنی دولت بیش از آنکه متوسل به اعمال زور یا مالیات‌ستانی شود یا خود به تأمین خدمات بپردازد، از طریق قواعد، حکومت می‌کند.^(۲) (Levi-Faur, 2013, p. 31) او دولت تنظیم‌گر را دولتی می‌داند که بیش از آنکه وسایل انحصاری اعمال زور را در اختیار داشته باشد، انحصار حقانی در تنظیم‌گری دارد؛ به بیان دقیق‌تر، از نظر لوی فاور، ویژگی بارز دولت تنظیم‌گر، انحصار حقانی در «تنظیم‌گری» است و منشأ اقتدار او بیش از آنکه انحصار در اعمال زور باشد، انحصار در وضع، پایش و اجرای قاعده است. به بیان بهتر اگر بپذیریم که قاعده‌گذاری نیاز به اختیار و ملاً قدرت دارد، بنابراین امکان وضع قاعده ریشه در قدرت وضع قاعده دارد - و به همین دلیل وقتی می‌گوییم دولت تنظیم‌گر، دولتی است که قاعده وضع می‌کند - درواقع به قدرتی اشاره می‌کنیم که به دولت صلاحیت تنظیم‌گری می‌دهد. حال ممکن است دولت این قدرت را مستقیماً اعمال کند یا آن را به دیگری (مثلاً نهادهای خصوصی) تفویض کند. در نتیجه داعیه «انحصار مشروع در تنظیم‌گری» در این چارچوب معنا پیدا می‌کند: انحصار در قدرت تنظیم‌گری. اینکه دولت خود مستقیماً این قدرت و صلاحیت را اعمال کند یا آن را به دیگری تفویض کند، موضوع دیگری است.

۴-۳-۲. انواع دولت تنظیم‌گر

چنان‌که گذشت، برداشت‌های گوناگون از تنظیم‌گری طیفی را دربرمی‌گیرد که در یک‌سوی آن تنظیم‌گری فرمان و کنترل قرار دارد و در سوی دیگر، تنظیم‌گری غیرمتمرکز و متکثر؛ در حدفاصل آن‌ها نیز ترکیبی از این دو. متناظر با این برداشت‌های گوناگون، دولت‌های تنظیم‌گر، انواع مختلف دارند. در یک‌سو دولت تنظیم‌گر تمرکزگرا با رویکرد فرمان و کنترل و متکی بر قواعد حقوقی دارای ضمانت اجرای رسمی و در سوی دیگر، دولت تنظیم‌گر با رویکرد غیرمتمرکز و

1. rule- making, rule-monitoring and rule-enforcement

شبکه‌ای، موسوم به دولت تنظیم‌گر جدید قرار گرفته است که علاوه بر قواعد حقوقی دارای ضمانت اجرای رسمی، طیف گسترده‌ای از ابزارهای دیگر را به کار می‌گیرد؛ آشکار است که در دنیای واقعی دولت‌ها عملاً در نقطه‌ای مابین این دو قطب قرار دارند.

از نظر فاور دولت‌های تنظیم‌گر بسته به سیاست‌ها و اهداف کلی خود در دوره‌های زمانی گوناگون، به گونه‌های مختلف تقسیم می‌شوند. نخستین بار، اصطلاح دولت تنظیم‌گر در ایالات متحده به کار رفت، اما از دهه ۱۹۹۰ به بعد استفاده از آن به سرعت گسترش یافت. این اصطلاح در ابتدا به شکل اداری کمیت‌های غیرمتمرکز و آژانس‌ها در «دولت اداری»^۱ آمریکا اشاره داشت و برای توصیف دولت اداری به کار رفت که ویژگی اصلی آن وجود آژانس‌های مستقل تنظیم‌گر است و حتی امروزه نیز در این کشور، دولت تنظیم‌گر مرحله‌ای جدید از دولت اداری قلمداد می‌شود.^(۷) همچنین در ایالات متحده اصطلاح موصوف اغلب برای توصیف دولت فرمان‌دهنده^۲، غیرقابل کنترل و در حال گسترش به کار می‌رود، در حالی که در سالیان اخیر و در دیگر نقاط دنیا اصطلاح دولت تنظیم‌گر به رویکردی ملایم‌تر و ثنولیرال و به حکمرانی بازار اشاره دارد. (Levi-Faur, 2013, pp. 30-31) به عنوان نمونه‌ای آشکار از حکمرانی بازار می‌توان به بیمه سایبری اشاره کرد که در نیم دهه اخیر، بدل به صنعتی چندین میلیارد دلاری شده، اقتدار وضع و اجرای قواعد رفتاری در حوزه امنیت سایبری را پیدا کرده است. (Herr, 2021, p. 98) به تازگی نیز این اصطلاح را برای توصیف «جهان جنوب»^۳ به کار برده‌اند.^(۸) در سطوح منطقه‌ای و اروپایی نیز دولت تنظیم‌گر را به نظام کنترل و طراحی اداری حکمرانی بازار اطلاق کرده‌اند. (Levi-Faur, 2013, pp. 30-31)

همچنین مایکل موران^۴ چهار تصویر از دولت تنظیم‌گر ارائه داد؛ نخستین تصویر او از دولت تنظیم‌گر، مفهومی آمریکایی است که بر چهار پایه اصلی بنا

-
1. administrative state
 2. Commanding
 3. Global South
 4. Michael Moran

شده است: (۱) استفاده گسترده از اشکال حکمرانی غیرمتمرکز از نوع آژانس‌های مستقل؛ (۲) گسترش تنظیم‌گری در طول زمان، از تنظیم‌گری اقتصادی به اجتماعی؛ (۳) وضع و اجرای قاعده به شکل توافقی، غیرقابل انعطاف و دلبخواهانه^۱ و (۴) ارائه شواهدی در گسترش و نفوذ جهانی آن. تصویر دوم که عمدتاً بر مبنای کارهای جیاندمنیکو ماجون^۲ (که بحث حقانیت یا مشروعیت در سازوکارهای دولت تنظیم‌گر را پیش کشیده بود) بنا شده است، مربوط می‌شود به دولت تنظیم‌گر به مثابه دولت مدیسونی اروپایی و حاکی از تغییر جهت تنظیم‌گری و دولت تنظیم‌گر از مدل آمریکایی به اروپایی آن است. شیوه‌های جدید سیاست‌گذاری، از جمله فراملی‌گرایی^۳ و اهمیت دادن به نظر متخصصان (چنان‌که نیروهای متخصص نقش کلیدی در کارآمدی هر نظام حکمرانی، از جمله نظام حکمرانی تنظیم دارند. (ذوالفقارزاده & نجفی‌رستاقی، ۱۳۹۹، p. 31) بدان معنا بود که آرمان‌های کثرت‌گرایانه راجع به کنترل سیاسی از طریق مقام‌های انتخابی بیش از پیش رنگ می‌بازد. راه‌حل موران، حقانیت مدیسونی، یعنی دولت محدود و حمایت از حقوق اقلیت در برابر تعرض اکثریت. به بیان دیگر، نهادهای غیراکثریتی توسط نهادهای غیراکثریتی دیگری مانند دادگاه‌ها، تنظیم می‌شوند. سومین تصویر موران از دولت تنظیم‌گر، «دولت هوشمند»^۴ است، الگویی از حکمرانی خوب و شکل‌های مبتکرانه کنترل که براساس آنها نهادهای جدید و عملکرد دولت را می‌توان ارزیابی کرد. تصویر چهارم او، «دولت ریسک»^۵ است که معطوف به نقش دولت به‌عنوان نهاد در حال دست و پنجه نرم کردن با بحران‌های عمیق اجتماعی و فرهنگی است. (Levi-Faur, 2013, p. 35)

-
1. adversarialism, inflexibility, and arbitrary
 2. Giandomenico Majone
 3. transnationalization
 4. smart state
 5. risk state

جدول ۱. چهار تصویر از دولت تنظیم‌گر

دولت ریسک	دولت هوشمند	دولت تنظیم‌گر اروپایی	دولت تنظیم‌گر آمریکایی
مقابله با بحران‌های عمیق اجتماعی و فرهنگی	الگوی حکمرانی خوب	فراملی‌گرایی اهمیت‌دادن به نظر متخصصان و رنگ باختن آرمان‌های کثرت‌گرایانه دولت محدود دفاع از حقوق اقلیت در برابر تعرض اکثریت و کنترل نهادهای غیراکثریتی توسط نهادهای غیراکثریتی دیگر	شیوه حکمرانی غیرمتمرکز؛ با استفاده از آژانس‌های مستقل گسترش تنظیم‌گری در طول زمان، از تنظیم‌گری اقتصادی به اجتماعی وضع و اجرای قاعده به شکل توافقی، غیرقابل انعطاف و دلبخواهانه گسترش و نفوذ جهانی

۳-۳-۴. دولت تنظیم‌گر جدید

به نظر بسیاری از نویسندگان، ایده دولت تنظیم‌گر جدید در پی تحولات دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی و گذار از دولت رفاه به دولت‌های با رویکرد نئولیبرال مطرح شد. جان بریث ویت^۱ دولت تنظیم‌گر جدید را نقطه عطفی در تحولات دولت (از دولت لیبرال نگهبان شب تا دولت رفاه‌کینزی) می‌داند. (Braithwaite, 2009, p. 410) از نظر بریث ویت، دولت تنظیم‌گر جدید به واسطه اتکا بر نهادهای خودتنظیم، خودتنظیمی‌اجراشده^۲ و نظام‌های پیروی^۳، کدهای رفتار^۴ و دیگر فنون واکنشی^۵ که جایگزین فرمان و کنترل مستقیم است، از دولت تنظیم‌گر در معنای متقدم آن متمایز می‌شود. بنابراین، ویژگی‌های دولت تنظیم‌گر جدید، تمرکززدایی، حکومت‌کردن با فاصله^۶، رتبه‌بندی و شرمسارکردن^۷ و دیگر شکل‌های خودتنظیمی است.^(۹) مایکل موران نیز دولت تنظیم‌گر جدید را محصول ظهور «مکتب حکمرانی»^۸ و گذار از رویکرد قدیمی فرمان-محور و سلسله‌مراتبی مرسوم در دیوان‌سالاری کلاسیک به دنیای تعاملات میان شبکه‌های خودران^۹ می‌داند. (Levi-Faur, 2011, p. 12)

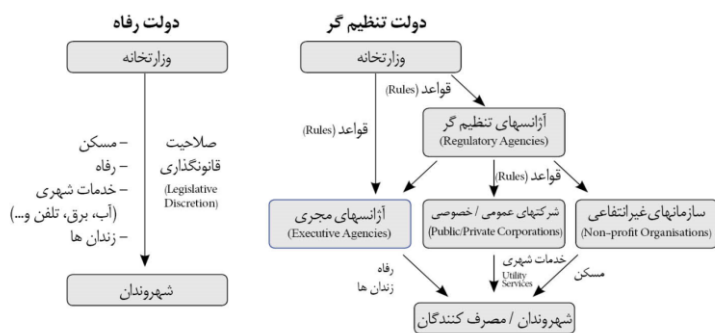
1. John Braithwaite
2. enforced self regulation
3. compliance systems
4. codes of practice
5. responsive techniques
6. rule at a distance
7. ranking and shaming
8. governance school
9. selfsteering networks

همچنین، به باور اسکات، اصلاحات نئولیبرال در دولت تنظیم‌گر منجر به ظهور شکل تازه‌ای از دولت تنظیم‌گر شد که اغلب از آن به دولت تنظیم‌گر جدید^۱ یاد می‌شود و خصوصی‌سازی بخش‌های حساس در تأمین خدمات عمومی (مثلاً خدمات شبکه‌ای همچون انرژی و مخابرات) و ایجاد سازوکارهای تنظیم‌گری برای نظارت بر آنها تغییری کلیدی در ارتباط با این دولت‌هاست. (Scott, 2017, p. 268)

بسیاری از دیگر نویسندگان نیز بدون آنکه مستقیماً از اصطلاح دولت تنظیم‌گر جدید استفاده کنند، ویژگی‌های دولت تنظیم‌گر جدید، به‌ویژه خصوصی‌سازی را در توصیف دولت تنظیم‌گر به کار برده‌اند. مارک بویِر^۲ بر این باور است که در مدیریت عمومی جدید^۳ (که از مباحث قانونی در حکمرانی جدید نزد نئولیبرال‌ها و مرتبط با نظریه انتخاب عمومی^۴ و نخستین موج از اصلاحات در حوزه مدیریت عمومی است) به‌منظور حل مشکلات ایجادشده در دولت‌های رفاه، دو راه‌حل کلی ارائه شده است.^(۵) این شیوه‌ها عبارتند از: مدیریت شرکتی^۶ و بازاری‌سازی^۷ و البته خصوصی‌سازی که رادیکال‌ترین شکل بازاری‌سازی است.^(۸) (Bevir, 2007, p. 369) در همین ارتباط هارولد سایدمن^۹ با تأکید بر مولفه «خصوصی‌سازی» در میانه دهه ۱۹۸۰، تغییری رادیکال در تصویر و مشخصات دولت تنظیم‌گر ایجاد کرد. سایدمن اصطلاح «دولت تنظیم‌گر» را تعریف نکرد اما فهم جدیدی از آن به دست داد. به نظر سایدمن دولت تنظیم‌گر لزوماً با ظهور اداره عمومی در عصر ترقی‌خواهی ارتباط و ملازمه ندارد یا الزاماً محصول مبارزه با بنگاه‌های بزرگ نیست، بلکه «برون‌سپاری» و «خصوصی‌سازی» نقش تعیین‌کننده‌ای در آن دارد. (Levi-Faur, 2013, p. 33)

-
1. new regulatory state
 2. Mark Bevir
 3. new public management
 4. public choice theory
 5. corporate management
 6. marketization
 7. Harold Seidman

از نظر اسکات، جداکردن سیاست‌گذاری از اجرای سیاست‌ها، با خصوصی‌سازی خدمات عمومی و تأسیس آژانس‌های عمومی محقق می‌شود؛ این جدایی (سیاست‌گذاری از اجرا) عنصر کلیدی در ایجاد روابطی مشتمل بر نظارت رسمی‌تر و قاعده‌محورتر نسبت به آن چیزی است که نوعاً در دولت‌های رفاه دیده می‌شود. طبع پراکنده و جزیره‌ای^۱ دولت تنظیم‌گر در این معنا، که ملازم با تشکیل آژانس‌های مستقل (بافاصله) برای ارائه خدمات و تنظیم‌گری است، در مدل ساده‌شده رژیم‌های حکمرانی قاعده‌محور در شکل زیر ترسیم شده است. پیداست که در اینجا، موضوع، فقط تغییر جهت از صلاحیت قانونگذاری به ملاحظه اهداف و انتظارات (با همان سیاست‌گذاری) در قواعد، پروانه‌ها و قراردادهای نیست، بلکه باید به توزیع و واگذاری مسئولیت انجام فعالیت‌ها به آژانس‌های اجرایی^۲ مرتبط با وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها - که برخی از آنها خصوصی شده‌اند - و سازمان‌های مردم‌نهاد (تا پیش از این مسئولیت فعالیت‌های یادشده مستقیماً تحت مدیریت و برعهده وزارتخانه‌های دولتی بود) نیز توجه شود. (Scott, 2017, pp. 268-269) بنا بر آنچه اسکات نیز به‌طور ضمنی به آن اشاره کرده است، می‌توان گفت که در دولت تنظیم‌گر جدید، آژانس‌های مستقل از وزارتخانه‌ها، نقش مهمی در اداره کشور و در وضع، پایش و اجرای قواعد دارند.



شکل ۱. مدل ساده‌شده تغییر جهت انگلستان از دولت رفاه به دولت تنظیم‌گر (Scott, 2017, p. 269)

1. fragmentation
2. executive agencies

یونگ بر این باور است که تمامی انواع دولت‌های تنظیم‌گر وجوه مشترکی با هم دارند. او نیز همچون اسکات معتقد است در همگی این دولت‌ها سیاست‌گذاری در زمینه کمیت و کیفیت خدمت‌رسانی، از سازوکارهای اجرایی و ارائه این خدمات جدا شده است. همچنین در همه آنها برای پایش و اجرای استانداردهای تنظیم‌گری و افزایش اعتبار سیاست‌ها، به نهادهای مستقل در قالب آژانس‌های تنظیم‌گر تکیه می‌شود. (Yeung, 2010, p. 8)

به عقیده مارک بویور در رویکرد نئولیبرال به حکمرانی خدمات عمومی توسط شبکه‌های متشکل از سازمان‌های متعدد عرضه می‌شود که نیاز به هماهنگی و مدیریت دارند. (Bevir, 2007, p. 370) از نظر مارجون نیز یکی از ویژگی‌های برون‌سپاری کارکردهای اداری دولت، تمرکززدایی بوروکراتیک و اداری است (Majone, 1997, p. 139) که شاید بتوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن را شبکه‌ای‌شدن دولت دانست و به موجب آن دولت تنظیم‌گر در قالب یک نظریه، دولت قابل ارائه است. چنان‌که پیش‌تر آمد، تعریف اسکات هم از تنظیم‌گری در چارچوب حکمرانی جدید و دولت تنظیم‌گر جدید قرار دارد. به نظر اسکات، حکمرانی از طریق وضع قواعدی که متضمن نظارت بافاصله آژانس‌های عمومی بر پیروی از قواعد است و گفتمان‌های دولت تنظیم‌گر که مبتنی بر توزیع ظرفیت حکمرانی میان‌طیفی از بازیگران از جمله بخش خصوصی است (مک‌هارگ) در واقع مستلزم قائل‌شدن به اعمال قدرت از طریق شبکه‌هایی متشکل از این بازیگران متعدد (به جای یک دولت متمرکز) است. هم‌زمان با مطالعه راجع به ارتقای ظرفیت دولت تنظیم‌گر، باید اولویت بیشتری به تکنیک‌هایی داد که به واسطه آنها ظرفیت دیگران (جامعه مدنی و بنگاه‌های خصوصی) در تنظیم‌گری قابل بهره‌برداری است و از این رهگذر، دولت تنها یکی از چند بازیگر کلیدی در کارآمد کردن حکمرانی تنظیمی^۱ است. (Scott, 2017, p. 280) برای نمونه مشارکت جامعه، یکی از مولفه‌های حکمرانی نانو تکنولوژی در فرایند سیاست‌گذاری است که براساس آن سازوکارهایی برای ملاحظه نظرات عمومی در فرایند سیاست‌گذاری و تأثیر بر این سیاست‌ها

1. regulatory governance

طراحی می‌شود. (هاشمی، خواجه‌نایینی، & اشتریان، ۱۳۹۳، p. 41)

جدول ۲. دو نگرش عمده به دولت تنظیم‌گر

میزان تمرکز	دولت تنظیم‌گر متقدم	دولت تنظیم‌گر جدید
نهادهای غالب تنظیم‌گر	متمرکز	غیرمتمرکز و شبکه‌ای
شیوه غالب تنظیم‌گری	ادارات تنظیم‌گر عمومی و دولتی	نهادهای خودتنظیم
وجه غالب ضمانت اجرا	تنظیم‌گری فرمان و کنترل	تنظیم‌گری واکنشی ^(۱۲) ، خودتنظیمی
	حقوقی و رسمی	غیررسمی (مانند اعلان عمومی اسامی خاطیان در رسانه‌ها، رتبه‌بندی)

۵. روابط میان دولت‌های تنظیم‌گر، رفاه و حداقلی

جان بریث ویت، نقاط عطف تحولات دولت را عبارت از دولت لیبرال حداقلی (نگهبان شب)، دولت رفاه کینزی و سپس دولت تنظیم‌گر می‌داند. (Braithwaite, 2009, p. 410)

دولت حداقلی به کمترین حد ممکن در امور جامعه مداخله می‌کند و نقش اصلی آن محدود به حمایت از شهروندان درمقابل خشونت، دزدی و کلاهبرداری و نیز فراهم‌کردن شرایط لازم برای اجرای قراردادهای خصوصی است. بر این اساس، مداخله بیشتر دولت در امور جامعه توجیه ندارد. (Patterson, 2005, p. 172) در دولت حداقلی اعتقاد بر آن است که بازار قادر است به‌تنهایی هم منافع خصوصی و هم خیر عمومی را تأمین کند. آنچه دولت لیبرال حداقلی را از دولت تنظیم‌گر متمایز می‌کند، پذیرفتن نارسایی بازار و لزوم مداخله محدود و کنترل‌شده دولت از طریق تنظیم‌گری است. وجه تمایز دولت تنظیم‌گر از دولت رفاه نیز عبارت است از تغییر جهت در شیوه حکمرانی از تأمین مستقیم خدمات عمومی توسط دولت، به نظارت او بر تأمین خدمات عمومی توسط بازیگران غیردولتی. (Black, 2002, p. 14)

همچنین کارن یونگ^۱ دولت تنظیم‌گر را بیشتر در تقابل یا در مقایسه با دولت رفاه (که از دهه ۱۹۴۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ شکل اصلی حکمرانی بود)، تعریف و

1. Karen Yeung

فهم می‌کند. به نظر او پس از پایان جنگ جهانی، دولت دست به برنامه‌ریزی اقتصاد کلان، تثبیت بازار، تأمین رفاه و بازی کردن نقش کارفرما در مواردی که کارگران بیکار شده‌اند، زد. بدین ترتیب دولت برای ایفای این نقش خود از طریق ایجاد سازمان‌های دولتی و دستگاه‌های عریض و طویل دیوان‌سالارانه، منابع اصلی را از طرق مختلف به‌ویژه مالکیت صنایع کلیدی در دست گرفت. دولت تنظیم‌گر مولود تجدیدنظر اساسی برای رفع اشکالات متعدد دولت‌های رفاه، از جمله تورم شدید و بیکاری گسترده است که به‌موجب آن، ساختارهای سازمانی و نحوه ایفای تعهدات دولت، تغییرات عمده کرد. در دهه ۱۹۸۰، خصوصی‌سازی صنایع کلیدی در ابعاد گسترده آغاز شد و درعین حال فعالیت‌های آنها تحت‌تنظیم نهادهای تنظیم‌گر مستقل قرار گرفت که تحت‌هدایت یا مدیریت مستقیم وزارتخانه‌های دولتی قرار نداشته، به‌موجب قانون تأسیس شده و با فاصله از نهادهای سیاسی عمل می‌کردند (Yeung, 2010, p. 2) زیرا گذار به دولت تنظیم‌گر متضمن تفویض اختیار به نهادهای تخصصی است که نتیجه آن جدا شدن کارکرد سیاست‌گذاری از کارکرد تأمین خدمات دولت و فاصله‌گرفتن سیاست‌گذاری از حوزه سیاسی است (Lavenex, Serrano, & Büthe, 2021, p. 461)؛ هرچند که به نظر نمی‌رسد بتوان چنین فاصله‌ای میان این دو حوزه را همواره صادق دانست. برای نمونه به عقیده لیام کَلگ^۱ و فی فارستاد^۲ درخصوص تأمین خانه‌های ارزان‌قیمت در انگلستان بر این باورند که حکمرانی تنظیمی، به‌ویژه در سطوح محلی، در این حوزه به هیچ رو سیاست‌زدایی نشده است. (Clegg & Farstad, 2021, p. 168)

جدول ۳. مقایسه ویژگی‌های دولت حداقلی، دولت رفاه و دولت تنظیم‌گر

دولت حداقلی	دولت رفاه	دولت تنظیم‌گر
حمایت از مالکیت و قراردادهای خصوصی؛ تضمین عملکرد صحیح بازار؛ حصول کارایی؛ انصاف آیینی	بازتوزیع محصولات بازار، تثبیت اقتصاد کلان؛ تحقق شکل‌های گوناگون برابری اجتماعی	اصلاح نارسایی بازار

1. Liam Clegg

2. Fay Farstad

ابزار	حقوق خصوصی و کیفری؛ خودتنظیمی	مالیات‌ستانی (یا استقراض) و خرج کردن	تنظیم‌گری
نهادهای شاخص	مجالس قانون‌گذاری، دادگاه‌ها	مجالس قانون‌گذاری، وزارتخانه‌ها، شرکت‌های ملی، خدمات رفاهی	تنظیم‌گران مستقل
بازیگران کلیدی	احزاب سیاسی، قضات	احزاب سیاسی، کارکنان دولت، گروه‌های اجتماعی	تنظیم‌گران، متخصصان، قضات
ترجیح‌هنجاری	قواعد حقوقی	صلاحیت تشخیصی	قاعده‌گذاری
سیاست‌گذاری	اکثریتی؛ دموکراتیک؛ حاصل چانه‌زنی‌های سیاسی و ائتلاف‌های سیاسی	اکثریتی؛ دموکراتیک؛ حاصل چانه‌زنی‌های سیاسی و ائتلاف‌های سیاسی	غیراکثریتی؛ حاصل اعمال‌نظر کارشناسان برای حصول بیشترین کارایی و کارآمدی

اما گروهی دیگر این تقسیم‌بندی را قابل انتقاد می‌دانند. به باور دبرا مابت^۱ در بطن دولت رفاه شاهد سیاست‌های تنظیم بازار هستیم. چنان‌که مثلاً از نظر او واگذاری خدمات عمومی به بخش خصوصی، مستلزم ایجاد نهادهای تنظیم‌گر در دل دولت‌های رفاه است یا تنظیم‌گری بازار کار، آثار توزیعی قابل توجهی دارد. (Mabbett, 2011, p. 217) از نظر فاور نیز ظهور تنظیم‌گری و دولت تنظیم‌گر نشان‌دهنده اقبال به تنظیم‌گری و امتیاز ویژه قائل‌شدن برای آن است و حکایت از ترجیح‌هنجاری و سیاسی تنظیم‌گری نسبت به استفاده از صلاحیت تشخیصی، یا ترجیح دادن تنظیم‌گری به تأمین مستقیم خدمات یا مالیات‌ستانی و هزینه‌کردن آن (که ویژگی دولت‌های رفاه است) دارد. (Levi-Faur, 2013, p. 30) براین‌اساس، دولت تنظیم‌گر الزاماً با وجود آژانس‌های تنظیم‌گری ملازمه ندارد یا لزوماً لیبرال یا رفاهی یا غیرلیبرال یا ضدرفاهی نیست. دولت تنظیم‌گر انواع گوناگون دارد، بدان سبب که تمامی دولت‌ها را می‌توان به درجاتی، تنظیم‌گر دانست. برخلاف نظر ماجون، ظهور دولت تنظیم‌گر ملازمه‌ای با افول یا تضعیف یا توقف انتقال مالی^۲ (که ویژگی اصلی دولت رفاه است) ندارد بلکه بیشتر به شکل غیرمستقیم و با پیچیدگی بیشتر از طریق نظام‌های قاعده‌گذاری نمود می‌یابد.^(۱۳) البته به عقیده وی می‌توان صفاتی همچون نئولیبرال، رفاهی، توسعه‌ای و... به دولت داد، اما این صفات هیچگاه هسته مرکزی مفهوم دولت را روشن نمی‌کنند. در نتیجه، اوصافی

1. Deborah Mabbett

2. fiscal transfer

که برای دولت تنظیم‌گر آمد، فقط مبین انواع این دولت است، نه مفهوم هسته‌ای و مرکزی آن. (Levi-Faur, 2013, p. 30)

به باور فاور، تنظیم‌گری لزوماً جامعه‌گرا (کالایی‌زدایی^۱)، مرکانتالیست (بازکالایی‌سازی^۲) یا نئولیبرال (کالایی‌سازی^۳) نیست، بلکه ابزاری است که بازیگران گوناگون می‌توانند آن را برای اهداف متنوع به کار گیرند؛ این اهداف می‌توانند رویکرد نئولیبرال، سوسیال-دموکراتیک، ریسک‌پذیر^۴ و ریسک‌گریز^۵، رشد پایدار یا رشد ناپایدار داشته باشند و یا برای تأمین منافع خصوصی یا منافع عمومی به کار بروند. خلاصه به نظر فاور هر هدفی که داشته باشید به تنظیم‌گری نیاز دارید. (Levi-Faur, 2017, pp. 299-300)

۶. دولت تنظیم‌گر در ایران

به‌طور خلاصه می‌توان گفت دولت تنظیم‌گر مستلزم خصوصی‌سازی گسترده و نیز وجود نهادهای تنظیم‌گر مستقل^۶ برای تضمین رقابت در بازار (که برای کارکرد صحیح و بدون مانع بازار نقشی حیاتی دارد) و اصلاح نارسایی بازار (زیرا بازارها حتی در شرایط آرمانی دچار نارسایی هستند) است. براین اساس، قضاوت درباره تحقق دولت تنظیم‌گر در ایران، نیاز به بررسی وجود یا نبود عناصر پیش‌گفته در سطوح هنجاری (قوانین و مقررات مربوطه) و ساختاری (نهادهای) دارد.

در سطح هنجاری، قوانین و مقررات متعدد در حوزه تنظیم‌گری بازارهای رقابتی (از جمله در زمینه بازرگانی) و غیررقابتی (به‌ویژه در زمینه صنایع زیرساختی مانند مخابرات، برق، آب، گاز و حمل و نقل) در کشور تصویب شده است که مهم‌ترین آنها قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است.^۷

-
1. decommodifying
 2. recommodifying
 3. commodifying
 4. risk-taking
 5. risk-averse

در حوزه ساختاری نیز نهادهای^(۱۶) متعدد تنظیم‌گر به موجب قانون ایجاد شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این نهادها می‌توان به شورای رقابت که تنظیم‌گری فرابخشی و دارای اختیارات وسیع از جمله در احراز موارد تخلف، انحصار و موانع رقابت است و نیز تنظیم‌گران بخشی در بازارهای: بیمه^(۱۷)، پول^(۱۸) و بازرگانی داخلی^(۱۹)؛ ۳- تنظیم‌گران بازارهای انحصار طبیعی در بازارهای: برق^(۲۰)، مخابرات^(۲۱)، حمل و نقل ریلی^(۲۲)، هوایی^(۲۳)، دریایی^(۲۴) و زمینی^(۲۵) اشاره کرد.

بدین ترتیب می‌توان دولت در ایران را از منظر وجود هنجارها و ساختارهای تنظیم‌گری، در زمره دولت‌های تنظیم‌گر طبقه‌بندی کرد. بدیهی است که قضاوت در این خصوص که دولت تنظیم‌گر در ایران تا چه اندازه به اهداف اقتصادی (به ویژه تضمین رقابت در موارد عدم انحصار طبیعی، کنترل بازارهای انحصار طبیعی از جمله در صنایع زیرساختی همچون برق، مخابرات، حمل و نقل ریلی و...) و اجتماعی (حفاظت از منافع عمومی از جمله در زمینه محیط‌زیست، بهداشت، ایمنی و...) تنظیم‌گری دست یافته است، نیاز به انجام پژوهش‌های آماری جداگانه دارد.

۷. یافته‌های پژوهش

بنا بر آنچه گذشت در پاسخ به این پرسش که «مفهوم دولت تنظیم‌گر چیست و تنظیم‌گری چه نقشی در شکل‌گیری دولت تنظیم‌گر دارد؟» می‌شود گفت دولتی را که سیاست اصلی‌اش برای اداره جامعه تنظیم‌گری (و نه مثلاً ارائه مستقیم کالا یا خدمت) است، می‌توان دولت تنظیم‌گر نام نهاد. البته تنظیم‌گری، خود مفهومی پیچیده و بسیار بحث‌برانگیز است که به گونه‌ای بسیار مختصر در این نوشتار به آن پرداخته و تعریفی از آن ارائه شد. براساس همین تعریف و باتوجه به اینکه سیاست تنظیم‌گری وجه غالب و ممتاز دولت تنظیم‌گر است، دولت تنظیم‌گر را می‌توان چنین تعریف کرد:

دولت تنظیم‌گر دولتی است که با بازگرداندن نقش تولید و توزیع بخش عمده کالا یا خدمت به بخش خصوصی، امور جامعه را عمدتاً از طریق وضع مستقیم قواعد توسط نهادها یا ادارات دولتی و یا تفویض اختیار در وضع قاعده به نهادهای عمومی غیردولتی یا نهادهای خصوصی و نیز از طریق پایش و اجرای

مستقیم این قواعد توسط نهادهای دولتی یا پایش و اجرای غیرمستقیم و غیررسمی قواعد تنظیمی (اعم از اینکه توسط دولت، نهادهای عمومی غیردولتی یا نهادهای خصوصی وضع شده باشد) جامعه را اداره و ضمن توجه به تولید بهینه کالا و خدمت، منافع، خیر و رفاه عمومی را پی جویی می کند.

این تعریف متشکل از اجزای گوناگونی است که هرکدام به دلیلی برگزیده و در تعریف گنجانده شده اند. در ادامه هریک از این اجزا توصیف و مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد:

بازگرداندن نقش تولید و توزیع کالا و خدمت: پیش از پیدایش ایده تأمین مستقیم کالا و خدمت که مستلزم مالکیت و تصدی دولت بر بخش های عمده ای از اقتصاد و به تبع آن برعهده گرفتن نقش بزرگ ترین مالک، تولیدکننده و توزیع کننده، به ویژه درخصوص کالا یا خدمت عمومی که بخش خصوصی علاقه یا توان تأمین آنها را نداشت، تأمین تقریباً تمامی کالاها و خدمات (حتی خدماتی همچون تأمین امنیت، زندان ها و...) برعهده بخش خصوصی بود و دولت صرفاً درحدی محدود بر این فعالیت ها نظارت داشت و آنها را تنظیم می کرد. با بزرگ تر و قدرتمندتر شدن دولت ها، به دلایل متعدد ازجمله شکست بازار، رکودهای عمیق در اقتصادهای بزرگ دنیا که به بیکاری گسترده و معضلات اجتماعی عدیده ای انجامید، دولت خود ایفای بسیاری از این نقش ها را برعهده گرفت تا ضمن کنترل بحران های اقتصادی و اجتماعی و ایجاد اشتغال مستمر و کامل و با تثبیت اقتصاد بتواند اهداف رفاهی را محقق کند. پس از دهه ۷۰ میلادی و آشکارشدن نقایص متعدد سیاست تأمین مستقیم کالا و خدمت، ازجمله بروز رکودهای تورمی ناشی از سیاست های اخیرالذکر، حجیم و کندشدن دستگاه بوروکراسی عریض و طویل و فساد اداری ناشی از آن، لازم شد که دولت از این حوزه ها پا پس بکشد و با بازگرداندن این نقش به بخش خصوصی، بر تنظیم و نظارت بر این فعالیت ها متمرکز شود.

بخش عمده: با وجود این، از آنجا که به هر حال دولت نیاز به تجربه و دانش کافی از حوزه های تحت تنظیم دارد، لازم است خود در مقیاسی محدود همچنان

نقش‌های یادشده را برعهده داشته باشد. یک شیوه، آن است که در ابعاد محدود همچنان به تولید کالا یا خدمت اشتغال داشته باشد تا با مشکلات و مسائل مربوطه آشنا شود و بتواند با بخش خصوصی وارد گفتگو شود و ارزیابی درستی از شرایط بازار داشته باشد.

نهاد تنظیم‌گر: علاوه بر دولت و نهادهای آن (به‌ویژه قوای سه‌گانه و ادارات دولتی) نهاد عمومی غیردولتی و نهاد خصوصی نیز در صورت تفویض صلاحیت قاعده‌گذاری ازسوی دولت، رسماً و مستقیماً می‌توانند قاعده تنظیمی وضع کنند. برای نمونه تشکلهای و نظام‌های صنفی می‌توانند قواعد دارای ضمانت اجرا بر اعضای خود وضع و البته اقدام به پایش و اجرای این قواعد کنند.

وضع، پایش و اجرای قاعده: صلاحیت وضع قاعده جزء مهم‌ترین اختیارات و ابزارهای دولت برای تحقق اهدافش است. این صلاحیت به‌ویژه در دولت تنظیم‌گر اهمیت بیشتری دارد زیرا با سپردن تولید کالا و خدمت به بخش خصوصی باید برای حصول اطمینان از حرکت بخش خصوصی در مسیر تولید و توزیع صحیح، کافی و عادلانه نیازهای جامعه و تحقق خیر و رفاه عمومی قواعد دقیق و کارآمدی برای این فعالیت‌ها وضع کند و با پایش مستمر آنها مطلع شود که آیا قواعد یادشده به‌درستی اجرا می‌شوند یا خیر و در صورت اخیر باید تمهیداتی برای اجرا و عملی‌شدن این قواعد بیندیشد که نه‌تنها شامل اجرای مفاد این قواعد در مرحله پیش از رسیدگی قضایی است بلکه در صورت عملی‌نشدن، ازطریق رسیدگی قضایی در دادگاه و تطبیق قاعده با اعمال تنظیم‌شوندگان و در صورت لزوم صدور و اجرای آرای دادگاه‌ها انحراف از قواعد را تصحیح کند.

رسمی و مستقیم: در مرحله وضع قاعده (و نه پایش یا اجرای قاعده) تصور تنظیم‌گری ازطریق سازوکارهای رسمی و مستقیم قابل‌فهم‌تر از تصور آن توسط گروهی غیرمتمرکز و پراکنده است. به دیگر سخن، قاعده در این معنا، باید رسماً و مستقیماً وضع شود، چنان‌که پارلمان، اداره یا اصناف مستقیماً قواعدی وضع می‌کنند که جنبه رسمی دارد زیرا توسط نهاد صلاحیت‌دار (صرف‌نظر از اینکه این نهاد عمومی و دارای صلاحیت ذاتی تنظیم‌گری باشد یا خصوصی و دارای

صلاحیت تفویض شده باشد، زیرا در اینجا وجود صلاحیت قانونی تنظیم‌گر اهمیت دارد نه ماهیت عمومی یا خصوصی نهاد تنظیم‌گر) وضع شده است.

پایش و اجرای غیرمستقیم و غیررسمی: تنظیم‌گری، به‌ویژه در مرحله پایش و اجرای قاعده، می‌تواند وصف غیرمستقیم و غیررسمی هم داشته باشد. برای نمونه نهادهای تنظیم‌گر رسمی می‌توانند علاوه بر قواعد تنظیمی دارای ضمانت اجرای رسمی، ظرفیت نهادها و منابع خارج از بخش عمومی را برای پیشبرد اهداف خود به‌کارگیرند. مثلاً دولت‌ها می‌توانند به‌جای تنظیم‌گری مستقیم، نقش تسهیل‌کننده را در «خودتنظیمی» یا «تنظیم‌گری همکارانه»^۱ و یا با مشارکت ذی‌نفعان یا اشخاص تحت تنظیم و یا بخش خصوصی ایفا کنند.

اداره جامعه: مهم‌ترین ویژگی دولت در اینجا، اداره و مدیریت کردن جامعه و تمشیت امور مردم است. بدیهی است که منظور از اداره جامعه، اداره امور عمومی جامعه است و مداخله دولت در امور خصوصی مردم موضوعیت ندارد. اساساً دولت با هدف تأمین منافع، خیر و رفاه عمومی تشکیل می‌شود و این کار نیاز به مدیریت و اداره جامعه به‌گونه‌ای دارد که نهایتاً به تحقق اهداف مزبور بینجامد.

تأمین منافع، خیر و رفاه عمومی: تنظیم‌گری یک عمل سیاسی است و برخلاف باور سنتی، امری صرفاً تکنیکی و فنی نیست که هدف آن منحصر به بهبود کارآمدی اقتصادی باشد بلکه دستیابی به نتایج اجتماعی نیز از اهداف تنظیم‌گری است. به‌زعم ویندهلز و هاج، در جوامع مدرن سرمایه‌داری به اهداف اجتماعی تنظیم‌گری توجه بیشتری می‌شود و این جوامع بیشتر التفات دارند که اقتصاد نه در خلأ بلکه در بستر اجتماعی قرار دارد. از همین روست که اوکن^۲ می‌گوید «سرمایه‌داری و دموکراسی... به یکدیگر نیاز دارند تا کمی عقلانیت به مساوات و کمی انسانیت به کارآمدی بیفزایند». (Windholz & Hodge, 2012, p. 234) در تعریف حاضر اهداف اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارند و بنا بر این تنظیم‌گری به‌هیچ‌وجه مفهومی صرفاً اقتصادی در نظر گرفته نشده است. مداخله

1. co-regulation

2. Okun

تنظیم‌گر زمانی ضرورت دارد که سازوکارهای بازار یا هنجارهای فرهنگی، اجتماعی و مانند اینها جزئاً یا کلاً ناتوان از تأمین خیر، منفعت عمومی و رفاه اجتماعی باشند (نظریه نارسایی بازار و عدالت اجتماعی). به عبارت دیگر، هرگاه از طریق دیگری نتوان تمام یا بخشی از خیر عمومی، منفعت عمومی یا رفاه اجتماعی را تأمین و تضمین کرد، با مداخله از طریق تنظیم‌گری باید این امر محقق شود. به‌ویژه در نظر گرفتن سویه‌های اجتماعی در تعریف از این منظر که اصطلاح «منافع عمومی» سویه‌ای نئولیبرال دارد، اهمیت دوچندان می‌یابد و ضروری است به خیر و رفاه عمومی توجه شایسته شود.

جمع‌بندی

دولت تنظیم‌گر در دوره‌های تاریخی و نقاط گوناگون جهان شکل‌های متفاوت داشته است؛ در عین حال بررسی آرا و آثار صاحب‌نظران گوناگون نشان می‌دهد که هریک برداشتی متفاوت از اصطلاح دولت تنظیم‌گر دارند. در این پژوهش تلاش شد تا مهم‌ترین ویژگی‌های دولت تنظیم‌گر که در این آثار بر شمرده شده است، مورد بررسی قرار گرفته، در توصیف و تحلیل اصطلاح دولت تنظیم‌گر و نهایتاً تعریفی که از این اصطلاح شده است، لحاظ شوند.

این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین علت در فهم متفاوت از دولت تنظیم‌گر، نبود فهم مشترک از مفهوم تنظیم‌گری است. از همین رو، برداشت فرمان و کنترل از مفهوم تنظیم‌گری موجب می‌شود تا دولت تنظیم‌گر یک نهاد متمرکز تلقی شود که به سبب رابطه تنگاتنگ میان تنظیم‌گری و سازمان‌های اداری، تنظیم‌گری توسط دولت و از طریق قواعد حقوقی دارای ضمانت اجرا، اعمال شود. اما برداشتی کمتر تمرکزگرا، که عاملان اجتماعی و بنگاه‌های بخش خصوصی را در پایش و اجرای قواعد تنظیمی دخیل می‌داند (مثلاً از نظر لوی فاوور) لاجرم نمی‌تواند به قدر برداشت فرمان و کنترل، دولت‌محور باشد و بنابراین فهم غیرمتمرکزتری از دولت تنظیم‌گر دارد. به همین ترتیب، برداشت از تنظیم‌گری مبتنی بر نظریه سیستم‌ها (چنان‌که آلفونس بورا معتقد است) یا فهم آن به مثابه فرایندی که متضمن عناصر «هدایت‌کردن» و «شکل‌های متکثر تنظیم‌گری» - که معطوف به

تنوع و تکثر منافع و منابع کنترل پیرامون موضوعات، مسائل و نهادها است - منتهی به فهمی غیرمتمرکز از دولت تنظیم‌گر می‌شود و در چارچوب مباحث حکمرانی جدید و دولت تنظیم‌گر جدید قرار می‌گیرد (نظر اسکات).

در عصری که کنترل دولت‌های ملی بر قلمروی خود به دلایل متعددی همچون جهانی‌شدن، وجود پدیده‌های مرزگذر مانند گرمایش زمین یا وجود سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی یا اتحادیه‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا، محدودتر از هر زمان دیگر است، نمی‌توان صرفاً با رویکرد صرفاً فرمان و کنترلی به تنظیم‌گری (اگرچه نباید از خاطر برد که فرمان و کنترل همچنان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حکومت‌کردن در هر دولتی است) و فهم متمرکز از دولت تنظیم‌گر امور جامعه را تمشیت کرد. براین اساس از تنظیم‌گری و به تبع آن از دولت تنظیم‌گر، تعاریفی متناسب با واقعیات موجود ارائه شد که ضمن بازگرداندن نقش تولید و توزیع به بخش خصوصی (که ویژگی همه دولت‌های تنظیم‌گر است)، امکان وضع، پایش و اجرای قاعده توسط نهادهای خصوصی و عمومی غیردولتی را از طریق شیوه‌های غیررسمی و غیرمستقیم (درکنار وضع قاعده توسط سازمان‌های اداری به شکل مستقیم و رسمی) فراهم می‌آورد. در چنین دولتی، تنظیم‌گری بر سایر ابزارها و شیوه‌های حکومت‌کردن، از جمله صلاحیت اختیاری، ارائه مستقیم خدمات، مالیات‌ستانی و هزینه‌کردن، اولویت پیدا می‌کند و این، وجه ممیزه دولت تنظیم‌گر از سایر دولت‌هاست.

پی‌نوشت‌ها

۱. از نظر دیوید لوی فاوور مهم‌ترین ویژگی دولت تنظیم‌گر، داعیه انحصار حقانی او بر وضع، پایش و اجرای قاعده است. این موضوع در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت.
۲. در اینجا منظور از دولت، قوه مجریه نیست بلکه برابر نهادِ the government است و قوای سه‌گانه را دربر می‌گیرد. در این صورت، واژه دولت در معنای «نهادی» آن به کار رفته است که در نظام‌های سیاسی معاصر معمولاً شامل قوای سه‌گانه می‌شود. گاه منظور از government (که معمولاً در این معنا بدون حرف تعریف the در زبان انگلیسی می‌آید) عمل حکومت‌کردن است و در این صورت منظور از آن، اعمال حکومت یا حکمرانی‌کردن است و در ادبیات انگلو-آمریکایی گاه از آن به حکمرانی یاد شده است و برخی نویسندگان اصطلاح governmentality را در همین معنای اخیر به کار برده‌اند. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: (Harguindéguy, 2007)
۳. آشکار است که در اینجا منظور از متمرکز، تمرکزگرا (مثلاً دولت محور) نیست.
۴. در فرهنگ واژگان وبستر این اصطلاح به معنای امکان آزادی عمل و استقلال اشخاص، به دور از نفوذ ناروای دیگران است ("At Arm's Length | Definition At Arm's Length by Merriam-Webster Vestheim) عبارت است از توازن قدرت در دولت‌های دموکراتیک (Dahlberg, 2019, p. 23). یکی از ویژگی‌های غالب دولت تنظیم‌گر جدا شدن کارکرد سیاست‌گذاری از کارکرد تنظیم‌گری است که در نتیجه آن نهادهای تنظیم‌گر از نهادهای سیاسی فاصله گرفته و استقلال بیشتری به دست می‌آورند؛ به سبب این استقلال و با نهادهای خودآیینی تنظیم‌گران و نهادهای تنظیم‌گر، فرایند سیاست‌گذاری، سیاست‌زدایی می‌شود؛ این به نوبه خود موجب تقویت تنظیم‌گران است که هزینه آن را از یک سو سیاستمداران و از سوی دیگر نخبگان عرصه مدیریت متحمل می‌شوند. (Levi-Faur, 2013, p. 37)
- در نظام‌های لیبرال و تکثرگرا، فرض بر آن است که دولت به عنوان داور بی‌طرف، به حل و فصل اختلافات میان بازیگران عرصه سیاسی و اجتماعی می‌پردازد. در

- چارچوب بحث حاضر با کمرنگ شدن مداخله مستقیم دولت به عنوان بازیگر حاضر در میدان، نقش آن در داوری میان این بازیگران، برجسته می‌شود.
۵. «آژانس» معمولاً به هر سازمان خارج از هسته اصلی دولت (core government) اطلاق می‌شود که زیرمجموعه و تحت نظارت سلسله‌مراتبی یک دپارتمان یا وزارتخانه نیست. یادآور می‌شود که «هسته اصلی دولت» در بسیاری از کشورهای غرب آسیا و آفریقا متشکل از دپارتمان‌ها یا وزارتخانه‌های قوه مجریه است که تحت نظارت سلسله‌مراتبی و مستقیم وزیر یا رئیس جمهور هستند. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: (Laking, 2005, p. 9) همچنین آژانس‌های دولتی government (state) agency (گاه در قالب کمیسیون) نیز به سازمان‌هایی در ساختار دولت اطلاق می‌شود که مسئول نظارت و اداره کردن برخی امور هستند. آژانس‌های دولتی تنوع فراوان دارند و به رغم تنوع در کارکرد، معمولاً از ادارات یا وزارتخانه‌ها یا سایر نهادهای عمومی دولتی متمایزند. آژانس‌ها معمولاً ماهیت اجرایی دارند. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: ("Government agency - Wikipedia", در نظام ایالات متحده آمریکا، آژانس‌های فدرال (Federal agencies) سازمان‌های ویژه دولتی هستند که به منظوری خاص، مثلاً مدیریت منابع، نظارت مالی بر صنایع یا در حوزه امنیت ملی، تشکیل می‌شوند. این سازمان‌ها معمولاً به موجب قانون و گاه با دستور اجرایی (executive order) تأسیس می‌شوند. ("Federal Agencies Definition")
۶. البته ممکن است در خصوص مدعای اخیرالذکر ایراد شود که هر سه جزء تنظیم‌گری یعنی وضع، پایش و اجرای قاعده الزاماً در انحصار دولت نیست و علاوه بر دولت در معنای نهادی، نهادهای عمومی غیردولتی و خصوصی هم می‌توانند در هر سه مرحله یادشده نقش فعال ایفا کنند. چنان‌که تشکلهای و نظام‌های صنفی، قواعدی را در قالب خودتنظیمی برای اعضای خود وضع می‌کنند و در مرحله پایش و اجرای این قواعد نیز نه تنها خود تنظیم‌شوندگان بلکه همه اشخاصی که به نوعی در تحقق اهداف قواعد تنظیمی ذی‌نفع هستند قادر به پایش و حتی اجرای این قواعد به انحاء گوناگون (از جمله استفاده از ابزارها و اهرم‌های فشار غیررسمی و غیرمستقیم) هستند. در پاسخ می‌توان گفت، دولت در وضع، اجرا و پایش قاعده صلاحیت ذاتی دارد اما بسته به مورد می‌تواند این صلاحیت را از طریق اعمال حقوقی (مثلاً پیوستن به معاهدات یا تفویض ایقاعی صلاحیت) به نهادهای فراملی یا محلی واگذار کند. همچنین در پایش و اجرای غیررسمی این قواعد نیز اساساً بحث از وجود صلاحیت یا اختیار موضوعیت ندارد، چرا که این شیوه‌ها غیررسمی و غیرمستقیم هستند (مثلاً فشار سایر اعضای صنف یا تشکل، فشار افکار عمومی، ملاحظات عملی و...).
۷. اصطلاح «دولت‌اداری» اشاره به قدرت آژانس‌های اجرایی فدرال دارد که فراتر از صلاحیت‌های قانونی آنهاست؛ قدرتی که این آژانس‌ها در قبال آن پاسخ‌گو

نیستند و با استفاده از آن قضاوت می‌کنند یا مقررات وضع می‌کنند که به نظر عده‌ای نقض اصل تفکیک قوا در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا و حاکمیت قانون است. ("Administrative state - Ballotpedia") همچنین، دولت اداری، عنوان اثری از دوايت والدو، در حوزه نظریه دولت بوروکراتیک است که براساس آن، دولت‌های دموکراتیک مبتنی بر دستگاه دیوان‌سالاری حرفه‌ای و سیاسی هستند. به نظر والدو، ایده اصلی و هسته‌ای دستگاه دیوان‌سالاری دولتی، مدیریت علمی و کارآمدی نیست، بلکه خدمت عمومی است. ("The Administrative State - Wikipedia")

۸. بانک جهانی و برخی سازمان‌های دیگر این اصطلاح را در مطالعات فراملیتی و پسااستعماری، برای اشاره به «جهان سوم» (که بار ارزشی دارد) به کار گرفته‌اند (یعنی آفریقا و آمریکای لاتین و کشورهای در حال توسعه در آسیا): «کشورهای در حال توسعه» و «کشورهای کمتر توسعه‌یافته» و «مناطق کمتر توسعه‌یافته است». همچنین می‌تواند شامل مناطق فقیرتر «جنوبی» کشورهای ثروتمند «شمالی» باشد. جهان جنوب مفهومی گسترده‌تر از «استعاره برای کشورهای توسعه‌نیافته» است. به طور کلی اشاره‌ای است به تاریخچه همبستگی استعماری، امپریالیسم نو و تغییرات اقتصادی و اجتماعی ناهمسان در این کشورها که از طریق آن نابرابری‌های بزرگ در استانداردهای زندگی، امید به زندگی و دسترسی به منابع حفظ می‌شود. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

https://en.wikipedia.org/wiki/Global_South

۹. از جمله شیوه‌های مبتنی بر فشار افکار عمومی یا فشار اجتماعی به رفتار تنظیم‌شوندگان است، بدان معنا که اگر رفتار تنظیم‌شونده نامناسب باشد، موجب شرمساری است و موجب سقوط تنظیم‌شونده در رتبه‌بندی‌هایی است که معمولاً توسط نهادهای مربوطه آمار آن به شکل دوره‌ای منتشر می‌شود.

۱۰. رویکردی ثنولیرال در اصلاح بخش عمومی و متضمن افزایش نقش بازار و تکنیک‌های مدیریت شرکتی در بخش عمومی است. در پی اوج گرفتن بحران مالی، «مدیریت عمومی جدید» نخست در کشورهای انگلوساکسون و سپس در بیشتر نقاط اروپا ظهور یافت و گسترش پیدا کرد. بحران‌های نفتی در کنار حجیم‌شدن دولت و هزینه‌های روزافزون سیاست‌های رفاهی دولت‌ها، موجب شد تا دولتمردان به فکر کاهش هزینه‌ها بیفتند و «مدیریت عمومی جدید» یکی از راه‌حل‌های پیشنهادی برای حل این مشکلات بود. در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار نیز فشارهای خارجی، به ویژه فشارهای ناشی از اجرای برنامه‌های اصلاحات ساختاری، انگیزه اعمال مدیریت عمومی جدید شد. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: (Bevir, 2007)

- بر اساس تئوری انتخاب عمومی، سیاست‌مداران و کارگزاران دولتی زندگی خود را فدای منافع شهروندان نمی‌کنند و رفتار آنان بیش و کم شبیه به تاجران و بازرگانان و

صنعتگران است. بدین معنی که اگر آنان کاری به نفع شهروندان انجام می‌دهند آن کار برای خود آنان نیز منافع مستقیمی را به ارمغان می‌آورد. به عبارت دیگر، سیاستمداران و کارگزاران بخش عمومی بیش‌تر در پی منافع خویش‌اند تا در پی منافع شهروندان و در اساس هیچ تضمین یا دلیل منطقی وجود ندارد که چنین افرادی تنها به علت اینکه در جایگاه خاصی قرار گرفته‌اند، دچار دگرگونی شخصیتی شوند و منافع دیگران را مقدم بر منافع خود بدانند. آنان درست مانند من و شما، منافع خود را مقدم بر منافع هر کس دیگر می‌دانند و می‌توان این جهت‌گیری را در بیشتر کنش‌های‌شان مشاهده کرد. (الوانی، ۱۳۷۶، ص ۶)

۱۱. که به معنای استفاده از ایده‌ها و تکنیک‌های مدیریت بخش خصوصی در بخش عمومی است. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: (Bevir, 2007, p. 369)

- بازاری‌سازی شکل‌های دیگری از قبیل «ساختارهای انگیزشی» برای تأمین خدمات عمومی از طریق پیمان‌سپاری (مثلاً پیمان مدیریت برای اداره کارخانجات دولتی)، یا شبه‌بازارها نیز دارد. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: (Bevir, 2007)

۱۲. جان بریث ویت در نظریه «تنظیم‌گری واکنشی» (responsive regulation) خود مدلی هرمی شکل از تنظیم‌گری ارائه می‌دهد که در قاعده آن از شیوه‌های غیررسمی مانند انتشار اسامی نهادهای تحت تنظیم در رسانه‌ها برای تحقق اهداف تنظیم‌گری استفاده می‌شود و در صورت بی‌توجهی تنظیم‌شونده، رفته رفته شیوه‌های سختگیرانه‌تر به کار گرفته می‌شود تا جایی که در رأس هرم، ضمانت اجرای رسمی، مستقیم و شدید، از جمله جریمه، تعلیق مجوز و نهایتاً لغو مجوز شخص تحت تنظیم برای واداشتن او به تغییر رفتار خود به کار گرفته می‌شود. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: (Ayres & Braithwaite, 1992, pp. 4-7)

۱۳. انتقال منابع مالی از مرکز به پیرامون (مثلاً استان‌ها یا ایالات)، یا به عضوی از یک «اتحادیه انتقال مالی» از میان دولت‌های عضو یک جامعه اقتصادی. ("Fiscal transfer - Definition - Citizendium") انتقال منابع مالی به دلایل مختلفی از جمله جبران نابرابری‌ها و تحقق اهداف بازتوزیعی، مقابله با آثار شوک‌های اقتصادی (اقتصاد کلان) در ایالات یا استان‌ها و مانند اینها صورت می‌پذیرد.

۱۴. این نهادهای مستقل علاوه بر وضع، پایش و اجرای قاعده، نوعاً وظیفه سیاست‌گذاری کلان (که برخلاف نهادهای سیاسی که سیاست‌ها عمدتاً براساس سهم‌خواهی و چانه‌زنی گروه‌های رقیب شکل می‌گیرند، بیشتر محصول تصمیمات کارشناسی و حصول کارایی و کارآمدی است) در حوزه مربوطه را برعهده دارند.

۱۵. بدیهی است هر مقرر قانونی درخصوص تأسیس نهادهای تنظیم‌گر، تسهیل رقابت و خصوصی‌سازی باشد، باید به حساب آید. بدین ترتیب مثلاً در حوزه خصوصی‌سازی، علاوه بر قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، می‌توان به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سایر مقررات مربوط به آن از جمله مصوبات هیأت

وزیران، مصوبات هیأت واگذاری، مصوبات شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی، بخش‌نامه‌ها و سایر مصوبات (شامل دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و...) اشاره کرد؛ همچنین در سایر حوزه‌ها می‌توان به قانون شهرداری (مصوب ۱۳۴۴/۴/۱۱) در ارتباط با صدور پروانه کسب، قانون نظام صنفی (۱۳۸۲/۱۲/۲۴)، قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸)، قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷، قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری (مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰)، آیین‌نامه اجرایی شرایط و تضمین خرید برق موضوع بند «ب» ماده (۲۵) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۳۸۴/۴/۸)، قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹)، اساس‌نامه سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۸)، قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی (مصوب ۱۳۸۴/۸/۶)، قانون هواپیمایی کشوری (مصوب ۱۳۲۸/۴/۲۸)، قانون دریایی (مصوب ۱۳۴۳/۶/۲۹) و صدها مقرر دیگر در قالب آیین‌نامه اجرایی، دستورالعمل، مصوبه و نیز مقررات پراکنده در قوانین برنامه و... اشاره کرد.

۱۶. نهادهای تنظیم‌گر عبارتند از: نهاد خودتنظیم، مقام‌های محلی، مجلس، دادگاه و هیأت داور، وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌های تنظیم‌گر، مدیر عامل. (هادی‌فر، ۱۳۸۹، p. 132)

۱۷. ازجمله شامل مجمع عمومی بیمه مرکزی، شورای عالی بیمه، بیمه مرکزی ایران، هیأت دولت.

۱۸. ازجمله شامل شورای پول و اعتبار، وزارت امور اقتصادی و دارایی، هیأت نظارت و هیأت عامل موضوع قانون پولی و بانکی کشور، هیأت وزیران.

۱۹. ازجمله شامل هیأت عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی کشور، وزارت صمت، مرکز امور اصناف و بازرگانان، اتاق اصناف ایران، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، سازمان تعزیرات حکومتی، مجمع امور صنفی، کمیسیون نظارت موضوع ماده ۴۸ قانون نظام صنفی کشور، اتحادیه‌های صنفی.

۲۰. ازجمله شامل وزارت نیرو، هیأت تنظیم بازار برق ایران، شرکت مدیریت شبکه برق.

۲۱. ازجمله شامل وزارت ارتباطات، کمیسیون تنظیم مقررات، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی.

۲۲. ازجمله شامل وزارت راه و ترابری، شرکت رجا، کمیسیون جلوگیری از سوانح.

۲۳. ازجمله شامل وزارت راه و شهرسازی، شورای عالی هواپیمایی کشوری، سازمان هواپیمایی کشوری.

۲۴. ازجمله شامل وزارت راه و شهرسازی، شورای عالی سازمان بنادر و کشتیرانی، سازمان بندر و دریانوردی.

۲۵. ازجمله شامل وزارت راه و شهرسازی، شورای عالی هماهنگی ترابری کشوری، سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای.

منابع و مأخذ

- ذوالفقارزاده، محمدمهدی و نجفی رستاقی، حیدر (۱۳۹۹)، شناسایی رویکردهای راهبردی در خط‌مشی‌گذاری نخبگان در راستای کارآمدسازی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی راهبرد، ۲۹(۳)، ۶۱-۲۹.
- طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۹۶)، نظریه تفکیک قوا و سازماندهی قدرت سیاسی نزد دولت، دولت‌پژوهی، ۳(۱۲)، ۱-۳۶.
- هادی‌فر، داود، (۱۳۸۹)، نهادهای حقوقی تنظیم مقررات؛ ساختار و سازوکار اجرایی. تهران: عترت نو.
- هاشمی، صفیه‌سادات، خواجه‌نایینی، علی و اشترینان، کیومرث (۱۳۹۳)، سنجش مسئولیت نهادهای فعال در حوزه نانو تکنولوژی ایران در ایفای کارکردهای حکمرانی. فصلنامه علمی راهبرد، ۲۳(۳)، ۳۵-۵۴.
- وینست، اندرو (۱۳۹۸)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- Administrative state - Ballotpedia. Retrieved from https://ballotpedia.org/Administrative_state
- The Administrative State - Wikipedia. Retrieved from https://en.wikipedia.org/wiki/The_Administrative_State
- At Arm's Length | Definition of At Arm's Length by Merriam-Webster. Retrieved from https://www.merriam-webster.com/dictionary/at_arm%27s_length
- Ayres, Ian, & Braithwaite, John. (1992). *Responsive Regulation: Transcending the Deregulation Debate*. New York: Oxford University Press.
- Bach, David, & Newman, Abraham. (2016). Regulatory state. *Encyclopedia Britannica*. Retrieved from <https://www.britannica.com/topic/regulatory-state>
- Bevir, Mark. (2007). Governance. In Mark Bevir (Ed.), *Encyclopedia of Governance* (pp. 364-381). London: Sage.
- Black, Julia. (2002). Critical Reflections on Regulation. *Australian Journal of Legal Philosophy*, 1(27), 1-35.
- Bora, Alfons. (2017). Semantics of ruling: reflective theories of regulation, governance and law. In Regine Paul, Marc Mölders, Alfons Bora, Michael Huber, & Peter Münte (Eds.), *Society, Regulation and Governance* (pp. 15-37). Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
- Braithwaite, John. (2009). The Regulatory State? In Rod AW and Binder

- Rhodes, Sarah A and Rockman, Bert A (Ed.), *The Oxford Handbook of Political Institutions* (pp. 408-430). New York: Oxford University Press.
- Christensen, Jørgen Grønnegård. (2011). Competing theories of regulatory governance: reconsidering public interest theory of regulation. In David Levi-Faur (Ed.), *Handbook on the Politics of Regulation* (pp. 96-110). Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
- Clegg, Liam, & Farstad, Fay. (2021). The local political economy of the regulatory state: Governing affordable housing in England. *Regulation & Governance*, 15(1), 168-184.
- Cohn, Margit. (2011). Law and regulation: the role, form and choice of legal rules. In David Levi-Faur (Ed.), *Handbook on the politics of regulation* (pp. 185-200). Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
- Dubash, Navroz K, & Morgan, Bronwen. (2013). The rise of the regulatory state of the south: Infrastructure and development in emerging economies. London: Oxford.
- Faur, David Levi. (2011). Regulation and regulatory governance. In David Levi Faur (Ed.), *Handbook on the Politics of Regulation* (pp. 3-24). Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
- Federal Agencies Definition. Retrieved from <https://www.investopedia.com/terms/f/federal-agencies.asp>
- Fiscal transfer - Definition - Citizendium.
- Government agency - Wikipedia. Retrieved from https://en.wikipedia.org/wiki/Government_agency
- Harguindéguy, Jean-Baptiste. (2007). Government. In Mark Bevir (Ed.), *Encyclopedia of Governance* (pp. 385-389). California: sage.
- Hartlapp, Miriam. (2020). Measuring and comparing the regulatory welfare state: Social objectives in public procurement. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 691(1), 68-83.
- Herr, Trey. (2021). Cyber insurance and private governance: The enforcement power of markets. *Regulation & Governance*, 15(1), 98-114.
- Laking, Rob. (2005). Agencies: Their Benefits and Risks. *OECD Journal on Budgeting*, 4(4), 7-25.
- Lavenex, Sandra, Serrano, Omar, & Büthe, Tim. (2021). Power transitions and the rise of the regulatory state: Global market governance in flux. *Regulation & Governance*, 15(3), 445-471.

- Lee, Simon. (2007). State. In Mark Bevir (Ed.), *Encyclopedia of Governance* (pp. 922-923). London: Sage Publications.
- Levi-Faur, David. (2011). The Odyssey of the Regulatory State : Episode One : The Rescue of the Welfare State. *Jerusalem Papers in Regulation & Governance*, 1(39), 1-35.
- Levi-Faur, David. (2013). The Odyssey of the Regulatory State: From a "Thin" Monomorphic Concept to a "Thick" and Polymorphic Concept. *Law and Policy*, 35(2), 29-50.
- Levi-Faur, David. (2017). Regulatory capitalism. In Peter Drahos (Ed.), *Regulatory theory: Foundations and applications* (pp. 289-302). New York: ANU Press.
- Mabbett, Deborah. (2011). The regulatory rescue of the welfare state. In David Levi-Faur (Ed.), *Handbook on the Politics of Regulation* (pp. 215-226). Massachusetts: Edward Elgar.
- Majone, Giandomenico. (1997). From the Positive to the Regulatory State: Causes and Consequences of Changes in the Mode of Governance. *Journal of Public Policy*, 17(02), 139-167.
- O'Dwyer, Conor. (2007). State Building. In Mark Bevir (Ed.), *Encyclopedia of Governance* (pp. 923-924). London: Sage Publications.
- Patterson, Rachael. (2005). The Minimal State v the Welfare State: A Critique of the Argument between Nozick and Rawls. *Southern Cross University Law Review*, 9, 167-182.
- Scott, Colin. (2010). Regulatory Governance and the Challenge of Constitutionalism. In Dawn Oliver, Tony Prosser, & Richard Rawlings (Eds.), *The regulatory state: constitutional implications* (pp. 15-33). New York: Oxford University Press.
- Scott, Colin. (2017). The regulatory state and beyond. In Peter Drahos (Ed.), *Regulatory theory: Foundations and applications* (pp. 265-287). Massachusetts: ANU Press.
- Windholz, Eric, & Hodge, Graeme A. (2012). Conceptualising Social and Economic Regulation: Implications for Modern Regulators and Regulatory Activity. *Monash University Law Review*, 38(49), 212-237.
- Yeung, Karen. (2010). The Regulatory State. In Robert Baldwin, Martin Cave, & Martin Lodge (Eds.), *The Oxford Handbook of Regulation* (pp. 64-83). New York: Oxford University Press.

References

- Administrative state - Ballotpedia. Retrieved from https://ballotpedia.org/Administrative_state
- At Arm's Length Definition of At Arm's Length by Merriam-Webster. Retrieved from https://www.merriam-webster.com/dictionary/at_arm%27s_length
- Ayres, Ian, & Braithwaite, John. (1992). *Responsive Regulation: Transcending the Deregulation Debate*. New York: Oxford University Press.
- Bach, David, & Newman, Abraham. (2016). Regulatory state. *Encyclopedia Britannica*. Retrieved from <https://www.britannica.com/topic/regulatory-state>
- Bevir, Mark. (2007). Governance. In Mark Bevir (Ed.), *Encyclopedia of Governance* (pp. 364-381). London: Sage.
- Black, Julia. (2002). Critical Reflections on Regulation. *Australian Journal of Legal Philosophy*, 1(27), 1-35.
- Bora, Alfons. (2017). Semantics of ruling: reflective theories of regulation, governance and law. In Regine Paul, Marc Mölders, Alfons Bora, Michael Huber, & Peter Münte (Eds.), *Society, Regulation and Governance* (pp. 15-37). Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
- Braithwaite, John. (2009). The Regulatory State? In Rod AW and Binder Rhodes, Sarah A and Rockman, Bert A (Ed.), *The Oxford Handbook of Political Institutions* (pp. 408-430). New York: Oxford University Press.
- Christensen, Jørgen Grønnegård. (2011). Competing theories of regulatory governance: reconsidering public interest theory of regulation. In David Levi-Faur (Ed.), *Handbook on the Politics of Regulation* (pp. 96-110). Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
- Clegg, Liam, & Farstad, Fay. (2021). The local political economy of the

- regulatory state: Governing affordable housing in England. *Regulation & Governance*, 15(1), 168-184.
- Cohn, Margit. (2011). Law and regulation: the role, form and choice of legal rules. In David Levi-Faur (Ed.), *Handbook on the politics of regulation* (pp. 185-200). Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
- Dubash, Navroz K, & Morgan, Bronwen. (2013). The rise of the regulatory state of the south: Infrastructure and development in emerging economies. London: Oxford.
- Faur, David Levi. (2011). Regulation and regulatory governance. In David Levi Faur (Ed.), *Handbook on the Politics of Regulation* (pp. 3-24). Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
- Federal Agencies Definition. Retrieved from <https://www.investopedia.com/terms/f/federal-agencies.asp>
- Fiscal transfer - Definition - Citizendium.
- Government agency - Wikipedia. Retrieved from https://en.wikipedia.org/wiki/Government_agency
- Haadifar, Dawood (1389), Legal Institutions of Regulation: Structure and Implementation Mechanisms, Tehran: Etrat-e-no Press. (In Persian)
- Harguindéguy, Jean-Baptiste. (2007). Government. In Mark Bevir (Ed.), *Encyclopedia of Governance* (pp. 385-389). California: sage.
- Hartlapp, Miriam. (2020). Measuring and comparing the regulatory welfare state: Social objectives in public procurement. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 691(1), 68-83.
- Hashemi, Safiyehsadat, Khajenaee Ali, Ashtarian, kyoomars (1393), Assessment of the Perceptions about Active Institutions in the Field of Iran's Nanotechnology and Their Responsibility for Performing Governance Functions, Quarterly Journal of Rahbord, No (3)23, pp. 35-54. (In Persian).
- Herr, Trey. (2021). Cyber insurance and private governance: The enforcement power of markets. *Regulation & Governance*, 15(1), 98-114.
- Laking, Rob. (2005). Agencies: Their Benefits and Risks. *OECD Journal on Budgeting*, 4(4), 7-25.
- Lavenex, Sandra, Serrano, Omar, & Büthe, Tim. (2021). Power transitions and the rise of the regulatory state: Global market governance in flux. *Regulation & Governance*, 15(3), 445-471.

- Lee, Simon. (2007). State. In Mark Bevir (Ed.), *Encyclopedia of Governance* (pp. 922-923). London: Sage Publications.
- Levi-Faur, David. (2011). The Odyssey of the Regulatory State : Episode One : The Rescue of the Welfare State. *Jerusalem Papers in Regulation & Governance*, 1(39), 1-35.
- Levi-Faur, David. (2013). The Odyssey of the Regulatory State: From a "Thin" Monomorphic Concept to a "Thick" and Polymorphic Concept. *Law and Policy*, 35(2), 29-50.
- Levi-Faur, David. (2017). Regulatory capitalism. In Peter Drahos (Ed.), *Regulatory theory: Foundations and applications* (pp. 289-302). New York: ANU Press.
- Mabbett, Deborah. (2011). The regulatory rescue of the welfare state. In David Levi-Faur (Ed.), *Handbook on the Politics of Regulation* (pp. 215-226). Massachusetts: Edward Elgar.
- Majone, Giandomenico. (1997). From the Positive to the Regulatory State: Causes and Consequences of Changes in the Mode of Governance. *Journal of Public Policy*, 17(02), 139-167.
- Najafi Rastaghi, Heidar, Zolfagharzadeh, Mohammad Mahdi (1399), Identifying Strategic Approaches to Talents Policymaking In Order to Increase the Efficiency of the Governing System of the Islamic Republic of Iran, *Quarterly Journal of Rahbord*, No (3)29, pp. 29-61. (In Persian).
- O'Dwyer, Conor. (2007). State Building. In Mark Bevir (Ed.), *Encyclopedia of Governance* (pp. 923-924). London: Sage Publications.
- Patterson, Rachael. (2005). The Minimal State v the Welfare State: A Critique of the Argument between Nozick and Rawls. *Southern Cross University Law Review*, 9, 167-182.
- Scott, Colin. (2010). Regulatory Governance and the Challenge of Constitutionalism. In Dawn Oliver, Tony Prosser, & Richard Rawlings (Eds.), *The regulatory state: constitutional implications* (pp. 15-33). New York: Oxford University Press.
- Scott, Colin. (2017). The regulatory state and beyond. In Peter Drahos (Ed.), *Regulatory theory: Foundations and applications* (pp. 265-287). Massachusetts: ANU Press.
- Tabatabaei, S. (2018), Theory of Separation of Powers and Organization of Political Power of State, *State Studies Quarterly*, No. (3)12, pp. 1-36. (in

Persian)

The Administrative State - Wikipedia. Retrieved from https://en.wikipedia.org/wiki/The_Administrative_State

Vincent, Andrew (1987), Theories of the State, Translated by Hossein Bashiriye, Tehran: Nay Press. (In Persian)

Windholz, Eric, & Hodge, Graeme A. (2012). Conceptualising Social and Economic Regulation: Implications for Modern Regulators and Regulatory Activity. *Monash University Law Review*, 38(49), 212-237.

Yeung, Karen. (2010). The Regulatory State. In Robert Baldwin, Martin Cave, & Martin Lodge (Eds.), *The Oxford Handbook of Regulation* (pp. 64-83). New York: Oxford University Press.

Zolfagharzadeh Mohammad Mahdi and Najafi Rastaghi Heidar (2020) Identifying Strategic Approaches to Talents Policymaking In Order to Increase the Efficiency of the Governing System of the Islamic Republic of Iran, the Scientific Journal of Strategy, Volume 29, Issue 3 - Serial Number 96, Autumn, Pages 29-61 (In Persian)

Analyzing, Prioritizing and Modeling Political Capital Prerequisites Using a Mixed Approach

Mahdieh Vishlaghi

Corresponding Author, Ph.D. candidate, Department of Public Administration. Faculty of Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan University, Iran.

m_vishlaghi@semnan.ac.ir

Fattah Sharifzadeh

Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. sharifzadeh@atu.ac.ir

Abstract

Despite the fact that political capital is very important in countries that are based on democracy, Currently due to the lack of attention to political capital, the political trust of citizens in government officials has decreased. Low political capital leads to a decrease in citizen participation and political awareness and a decrease in trust in government officials. Therefore, it is necessary to design the prerequisites of political capital and prioritize these factors, the necessary investment to realize and promote political capital to increase the citizens' trust and conscious participation in those in charge. The existence of a democratic state requires the conscious participation of citizens, which leads to the realization of political capital. The aim of the present study is to analyze, prioritize and present the model of political capital prerequisites. This study from the perspective of goal is practical, and of nature and the method is applied-descriptive and is among mixed studies. In the qualitative section, 11 professors of management and political science through semi-structured interviews, and in the quantitative section, 21 political experts and government officials through paired comparison questionnaires have participated in this study. For coding data Atlas.ti software and prioritizing answers fuzzy Delphi method has been used. The findings of the study show that the domination of interactive culture over the society, decreasing of power distance, increasing of

citizen's social freedom, and political transparency are the most important factors in creating political capital. The results of the study inform officials and political decision-makers about the importance of political capital and provide the basis for increasing the political trust of citizens by strengthening the incentives of political capital.

Keywords: democracy, political participation, political capital, fuzzy Delphi

واکاوی، اولویت‌بندی و ارائه الگوی پیشایندهای سرمایه سیاسی با استفاده از رویکرد آمیخته^۱

مهديه ويشلقی

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران m_vishlaghi@semnan.ac.ir

فتاح شریفزاده

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران sharifzadeh@atu.ac.ir

چکیده

علی‌رغم اینکه سرمایه سیاسی در کشورهایی که برپایه دموکراسی بنا شده‌اند، اهمیت بسیار زیادی دارد، اما در حال حاضر به دلیل عدم‌توجه به سرمایه سیاسی، اعتماد سیاسی شهروندان نسبت به متصدیان دولتی کاهش یافته است. پایین بودن سرمایه سیاسی منجر به کاهش مشارکت و آگاهی سیاسی شهروندان و کاهش اعتماد نسبت به متصدیان دولتی می‌شود. بنابراین ضروری است با طراحی الگوی پیشایندهای سرمایه سیاسی و اولویت‌بندی این عوامل، سرمایه‌گذاری لازم جهت تحقق و ارتقای سرمایه سیاسی انجام شود تا اعتماد و مشارکت آگاهانه شهروندان نسبت به متصدیان افزایش یابد. لازمه وجود دولتی مردم‌سالار، مشارکت آگاهانه شهروندان است که منجر به تحقق سرمایه سیاسی می‌شود. هدف پژوهش حاضر، واکاوی، اولویت‌بندی و ارائه الگوی پیشایندهای سرمایه سیاسی است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی – پیمایشی و در زمره پژوهش‌های آمیخته است. در بخش کیفی ۱۱ نفر از اساتید رشته مدیریت و علوم سیاسی با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی، ۲۱ نفر از خبرگان سیاسی و صاحب‌منصبان دولتی با استفاده از پرسش‌نامه مقایسه زوجی مشارکت داشتند. برای کدگذاری داده‌ها از نرم‌افزار Atlas.ti و برای اولویت‌بندی پاسخ‌ها از فن دلفی‌فازی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که فرهنگ تعامل‌جو حاکم بر جامعه، کاهش نابرابری قدرت، افزایش استقلال اجتماعی شهروندان و افزایش شفافیت سیاسی مهم‌ترین عوامل به وجودآورنده سرمایه سیاسی هستند. نتایج پژوهش،

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

صاحب‌منصبان و تصمیم‌گیرندگان سیاسی را از اهمیت سرمایه سیاسی آگاه کرده و زمینه افزایش اعتماد سیاسی شهروندان را با استفاده از تقویت پیشران‌های سرمایه سیاسی فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مردم‌سالاری، مشارکت سیاسی، سرمایه سیاسی، دلفی‌فازی

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۲۳ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۲۰

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۶۷-۲۹۸

مقدمه

نظام‌های سیاسی برپایه اراده مردم و اعتماد عمومی استوار هستند و اقتدار و استمرار آنها به مشارکت و دخالت‌های مردم وابسته است. در جوامع مدرن، این مشارکت در قالب احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی نمود می‌یابد و هدایت می‌شود (Wessels, 2018). مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی از مباحث مهمی است که امروزه باید مورد توجه قرار گیرد. مشارکت، فرایندی یکپارچه، چندبعدی و اجتماعی است که با هدف جلب شهروندان به ایفای نقش در همه مراحل توسعه کشور انجام می‌گیرد (Boulianne, 2018). امروزه مشارکت سیاسی شهروندان یکی از انکارناپذیرترین ضرورت‌های نظام سیاسی در قرن بیست و یکم است. مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن جزو اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه-یافتگی سیاسی در جوامع است (Kitschelt & Rehm, 2017). مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است. از مهم‌ترین عواملی که می‌توانند در مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان، تاثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشند، فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه است (Kim, 2018). جامعه‌ای که دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی باشد، شهروندان به صورت گسترده در مسائل اجتماعی و سیاسی حضور می‌یابند. درجه آگاهی اجتماعی و سیاسی شهروندان با کیفیت و میزان جریان اطلاعات، سهولت دسترسی به اطلاعات و اعتماد عمومی به منبع اطلاعات، رابطه مثبت و مستقیمی دارد. حکومت در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به پیش‌زمینه‌های آگاهی بستگی دارد (Goren, 2012). عقاید و هویت سیاسی افراد در

اعمال سیاسی آنها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. همچنین باید انگیزه لازم برای مشارکت در شهروندان تقویت شود تا آزادانه بتوانند در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی شرکت کنند (Bertrand, 2020). مشارکت مردمی مناسب‌ترین و مؤثرترین پشتوانه برای حل و فصل بحران‌ها و معضلات سیاسی - اجتماعی و امنیتی است. هر دولتی که بتواند میزان همدلی و همکاری توده‌های مردمی را در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و دفاع از حکومت و کشور در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی، افزایش دهد، می‌تواند در جامعه بین‌المللی از اعتبار و موقعیت بالایی برخوردار شود (Kim, 2018). مردم‌سالاری برآیند مشروعیت و مشارکت مردمی، مبتنی بر قوانین و به‌صورت کاملاً کنترل‌شده و تحت نظارت مراجع قانونی و دربردارنده تنوعات سیاسی است (Siegel, 2007). با این حال مردم‌سالاری فقط از طریق مشارکت مردمی تحقق نمی‌یابد؛ پیش‌شرط‌هایی جهت تحقق مردم‌سالاری وجود دارد که فراتر از مشارکت عموم شهروندان است که نیازمند دید مثبت و آزادانه شهروندان در بیان و اظهار عقاید سیاسی است (Son, Kocabasoglu-hillmer, 2016). تحقق دولتی مردم‌سالار و دموکراتیک نیازمند مشارکت آگاهانه و سازمان‌یافته شهروندان است. مشارکت و آگاهی شهروندان نشان‌دهنده مفهوم سرمایه سیاسی است (Booth & Richard, 2012). سرمایه‌سیاسی در نظریه سیاسی به‌منظور مفهوم‌سازی انباشت قدرت از طریق اعتماد، روابط مناسب و حسن‌نیت، نفوذ بین سیاستمداران و احزاب و ذی‌نفعان ایجاد می‌شود (Kjaer, 2013). سرمایه سیاسی به‌منظور تحقق اهداف سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Schugurensky, 2000)، همچنین غالباً به مفهوم سرمایه‌گذاری شهروندان در امور دولتی و سیاسی است (Lopez, 2002).

باتوجه به پژوهشی که توسط سبکتگین‌ریزی و همکاران در سال ۱۳۹۵ بر رضایت و مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان کرج انجام شده است، بدین نتیجه رسیده‌اند که مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان در سطح متوسط رو به پایین قرار دارد. ۴۷/۳ درصد از افراد مشارکت متوسط و ۲۵/۳ درصد از افراد مشارکت پایینی دارند. (سبکتگین‌ریزی، روهنده، بساطین، & جعفری، ۱۳۹۵) همچنین

نظری و همکاران در سال ۱۳۹۲ به بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی پرداخته‌اند و ۴۴ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند که به رسانه‌های جمعی اعتماد متوسط به پایینی دارند. همچنین ۳۳ درصد از پاسخ‌دهندگان بیان کرده‌اند که به افراد سیاسی اعتماد کمتری دارند (نظری، بشیری گیوی، & جنتی، ۱۳۹۲).

بنابراین برطبق پژوهش‌های متعددی که در زمینه مشارکت و آگاهی سیاسی، همچنین اعتماد عمومی انجام شده است، نتایج حاکی از پایین بودن میزان مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی شهروندان و اعتماد نسبت به متصدیان دولتی و رسانه‌های جمعی است. نوآوری پژوهش حاضر در این است که مدیران و تصمیم‌گیرندگان کلیدی دولت را از اهمیت افزایش آگاهی‌های عمومی و سیاسی شهروندان آگاه کرده و دولتمردان و متصدیان حکومتی را در راستای افزایش سرمایه سیاسی یاری می‌رساند. مدیران و تصمیم‌گیرندگان کلیدی دولتی بایستی با ارائه اطلاعات شفاف و آزادانه به شهروندان، سبب افزایش انگیزه شهروندان در مشارکت سیاسی شوند که موجب افزایش اعتماد عمومی نسبت به دولت و متصدیان دولتی و فعالیت‌های سیاسی و مشارکت سیاسی شهروندان در امور سیاسی دولتی می‌شود و بدین طریق سرمایه سیاسی دولت را ارتقا بخشند. همچنین باتوجه به این نکته که پژوهش قابل ملاحظه‌ای در بررسی اولویت‌بندی پیشران‌های سرمایه سیاسی انجام نشده‌است، می‌توان با اولویت‌بندی کردن پیشایندهای سرمایه سیاسی، مهم‌ترین عوامل شناسایی و بیشترین سرمایه‌گذاری را براساس اولویت‌بندی اعمال کرد تا سرمایه سیاسی تقویت شود. باتوجه به این موارد، هدف پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی پیشایندهای سرمایه سیاسی با استفاده از رویکرد دلفی‌فازی است.

۱. پیشینه پژوهش

مفهوم سرمایه سیاسی برای اولین بار در سال ۱۹۶۱ توسط دانشمند سیاسی آمریکایی «ادوارد سی بانفیلد» در کتاب «نفوذ سیاسی» بیان شده است (Banfield, 1961). بورديو در سال ۱۹۹۱ در کتاب خود «زبان و قدرت نمادین» نظریه‌های سرمایه سیاسی را به عنوان محبوب‌ترین نظریه، عنوان کرده است. بر طبق دیدگاه بورديو سرمایه سیاسی، قدرت و نفوذ سیاسی می‌باشد، قدرتی که از اعتماد گروهی

از پیروان به سیاستمداران نشأت گرفته است (Ocasio, Pozner, & Milner, 2020). با کاهش یا افزایش اعتماد، سرمایه سیاسی سیاستمداران نیز تغییر می‌یابد (Schugurensky, 2000). بنابراین سرمایه سیاسی هریک از سیاستمداران بستگی به اعتماد و حمایت طرفداران و پیروانشان دارد (Benit-Gbaffou & Katsaura, 2014). سرمایه سیاسی حاصل تلاقی سه دارایی اساسی است: نخست سرمایه اجتماعی^۱، دوم سرمایه فکری^۲ و سوم سرمایه روان‌شناختی است. این‌گونه از عوامل می‌توانند مشارکت شهروندان را بهبود بخشیده و دراین‌راستا دانش سیاسی شهروندان ارتقا خواهد یافت. (Ocasio, Pozner, & Milner, 2020)

سرمایه سیاسی در سه سطح فردی، سازمانی و اجتماعی مطرح می‌باشد: در سطح فردی، سرمایه سیاسی فقط متعلق به صاحب‌منصبان دولتی است (Blumentritt & Rehbein, 2007). بورديو (۲۰۰۰)، سرمایه سیاسی را معادل قدرت سیاسی دانسته و بیان کرده است، قدرتی که از اعتماد پیروان به سیاستمداران ناشی می‌شود و بسیاری از تحلیل‌گران می‌خواهند این نوع از قدرت سیاسی را به‌عنوان محبوبیت رهبران و سیاستمداران مدنظر قراردهند (Schugurensky, 2000). سطح فردی از سرمایه سیاسی شامل دو بعد سرمایه نمایندگی و سرمایه خوش‌نامی است. در سطح سازمانی، سرمایه سیاسی به توانایی سازمان در تاثیرگذاری بر سیاست‌های دولتی و مدیریت تعاملات خود از طریق فعالیت‌های سیاسی با دولت اشاره دارد. (Shaffer & Hillman, 2000) در سطح اجتماعی، سرمایه سیاسی شامل تمام شهروندان جامعه می‌شود. در این سطح مشارکت سیاسی سازمان‌یافته شهروندان در عرصه‌های سیاسی مدنظر بوده و منجر به بهینه‌سازی مردم‌سالاری می‌شود و شهروندان را به نظام سیاسی پیوند می‌دهد. (Sorensen & Torfing, 2003) بورديو ضمن اشاره به مفهوم سرمایه سیاسی درکنار سرمایه نمادین در فضای اجتماعی بیان کرده است که کنشگران سیاسی به‌وسیله راهبردهای سیاسی به‌دنبال کسب موقعیت‌های فرادست هستند. آنها در تلاشند تا ابزارهای مشروع جهت

1. Social capital

2. Intellectual capital

دست‌کاری جامعه اجتماعی را در دست خود گرفته و در انحصار خود داشته باشند. در سال ۱۹۷۷ به تمایز سرمایه سیاسی با سرمایه اجتماعی پرداخته شده است (Magno, 2000). باوجود اینکه سرمایه اجتماعی و سیاسی با هم شباهت‌هایی دارند اما از لحاظ مفهوم متفاوتند؛ سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط اجتماعی مستحکم مبتنی بر اعتماد و کارگروهی و اقدام است (Peng, Tu, & Wei, 2018)، همچنین نظریه سرمایه اجتماعی شبکه‌های روابط مبتنی بر اعتماد مابین کارکنان را نشان می‌دهد و رفتار مشارکتی و تعاونی را تسهیل می‌کند (Sun, Hu, & Hillman, 2016) و پیامد سرمایه اجتماعی، اعتماد می‌باشد (Xu, 2013). درحالی که سرمایه سیاسی شامل رفتارها و نگرش‌های شهروندان بوده که دولت، سیستم سیاسی، صاحب‌منصبان دولتی و شهروندان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد (Tedeschi, 2017) و پیامد سرمایه سیاسی، مشروعیت است. برخلاف سایر سرمایه‌ها که کالایی خصوصی هستند، سرمایه اجتماعی، کالایی عمومی است (Birner & Wittmer, 2000).

در تئوری‌های سیاسی، روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری سرمایه سیاسی به‌عنوان راهی برای تجزیه و تحلیل و کشف تاثیر آن بر سیاست‌های محلی، منطقه‌ای، ایالتی، ملی و بین‌المللی بیان شده‌است (Casey, 2008). سرمایه سیاسی گاه از لحاظ عینی‌سازی و به‌کاربردن اشکال مشخص در مفهوم انتزاعی تئوریزه می‌شود. برخی نظریه‌پردازان مواردی همچون تعداد آرا، شهروندان حاضر در گردهمایی‌ها و راهپیمایی‌ها و نظرسنجی افکار عمومی را به‌عنوان عناصر قابل اندازه‌گیری سرمایه سیاسی معرفی کرده‌اند. (French, 2011) برقراری ارتباط با دولت و فعالیت‌های سیاسی، نگرش‌های مثبتی در جهت تقویت سرمایه سیاسی ایجاد می‌کند (Booth & Richard, 2012). برطبق دیدگاه آنکر اسمیت^۱ (۱۹۹۵)، قدرت از تصمیم شهروندان ناشی می‌شود و اجازه می‌دهد که این قدرت بین نمایندگان و شهروندان تقسیم شود، قدرت سیاسی یک پدیده شبه‌طبیعی است و هیچ‌کدام از طرفین (شهروندان و صاحب‌منصبان) نمی‌توانند ادعایی درقبال این قدرت و سرمایه سیاسی داشته باشند، سرمایه سیاسی پدیده‌ای است که روابط بین

افراد را مشخص کرده و قابل مقایسه می‌باشد (French, 2011). سرمایه سیاسی محدود بوده و به دلیل اینکه محصول قضاوت مابین شهروندان و بازیگران سیاسی است، نامشهود می‌باشد و ذاتا ناپایدار است (Bourdieu, 1981). تمرکز بر سرمایه سیاسی، رشته‌ای از پاسخگویی را شکل می‌دهد و همان‌گونه که اوربیناتی آن را قدرت نرم قضاوت نامیده است (Urbinati, 2008).

سرمایه سیاسی به صورت مستقیم بر خط‌مشی‌های موجود تاثیر می‌گذارد و شامل منابعی است که کنشگر می‌تواند آنها را کنترل و استفاده کند تا بر فرایند خط‌مشی تاثیر گذاشته و منجر به خروجی‌هایی شود که در جهت منافع کنشگر هستند (عبادی، پیران نژاد، & قلی پور، ۱۳۹۳). منابع ایدئولوژیکی، سواد سیاسی و حقوق مدنی و سیاسی از جمله این منابع هستند (Geetha & Indira, 2010). برطبق دیدگاه سورنسن و تورفینگ (۲۰۰۳)، سرمایه سیاسی که با توانایی و مهارت سیاسی کنشگران برای مشارکت کردن در تصمیم‌گیری در ارتباط می‌باشد شامل سه جزء است که عبارتند از:

- میزان دسترسی به فرایند و چگونگی تصمیم‌گیری‌ها
 - میزان توانایی و قابلیت‌های افراد که بتوانند در این فرایندها تفاوت ایجاد کنند
 - بینش افراد به عنوان کنشگران سیاسی (هویت سیاسی)
- (Sorensen & Torfing, 2003)

نگرش شهروندان بر سرمایه سیاسی موثر بوده و این نگرش نسبت به سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سیستم سیاسی و صاحب‌منصبان دولتی است که تبیین‌کننده میزان اعتماد سیاسی شهروندان به صاحب‌منصبان و خط‌مشی‌های تعیین شده است (Kjaer, 2013). خط‌مشی‌های اجتماعی و سیاسی به اندازه خط‌مشی‌های اقتصادی مهم هستند و باید درکنار مسائل اقتصادی، به نیاز شهروندان در قبال شفافیت سیاسی، مشارکت سیاسی و پاسخگوبودن صاحب‌منصبان نسبت به مسئولیت‌های خود، توجه شود (Keele, 2007). در این میان کارآمدی سیاسی و علاقه سیاسی جزو عواملی است که می‌تواند انگیزش شهروندان در مشارکت سیاسی را افزایش داده یا مانع از آن شود (Sandovic, 2005). شهروندان زمانی که

احساس کنند، می‌توانند مسائل سیاسی و خط‌مشی‌های سیاسی را درک و در امور سیاسی مشارکت کنند و می‌توانند امور دولتی و خط‌مشی‌های دولتی را تحت‌تاثیر قرار دهند، انگیزه می‌گیرند تا اطلاعات سیاسی خود را افزایش دهند (Pantoja, 2001). مشارکت بیشتر شهروندان در فعالیتهای مدنی منجر می‌شود، آنان باور داشته‌باشند که می‌توانند بر فرایندهای سیاسی تاثیر گذاشته و آنها را کنترل کنند (Smrek, 2020). درمقابل، مشارکت پایین شهروندان منجر می‌شود، احساس کنند که فاقد نفوذ سیاسی هستند و قدرتی در ابراز نظرات و به چالش کشیدن امور سیاسی ندارند (Bertrand, Bombardini, Fisman, & Trebbi, 2020). جامعه‌پذیری سیاسی و دموکراتیک شهروندان یکی دیگر از عواملی است که بر سرمایه سیاسی تاثیر می‌گذارد. جامعه‌پذیری سیاسی شامل یادگیری درمورد روابط اجتماعی، قدرت روابط در جامعه است که چارچوبی برای درک ریشه‌های جهت‌گیری سیاسی ارائه می‌دهد (طالاری & موسوی شفائی, ۱۳۹۴). همچنین مشارکت و عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های سازمانی سبب افزایش مهارت‌های مشارکتی شده و می‌تواند آنها را به امور سیاسی ترغیب کند و به‌وسیله بحث و گفتگو و مشورت‌های سیاسی در داخل گروه‌ها، سرمایه سیاسی تحت‌تاثیر قرار گیرد (Benit-Gbaffou & Katsaura, 2014). رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی نیز دراین‌راستا نقش تعیین‌کننده‌ای برعهده دارند و به‌وسیله افزایش دانش و آگاهی شهروندان می‌توانند باعث افزایش مشارکت سیاسی شهروندان شوند (محمدی فر & کاظمی, ۱۳۹۹).

نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته درخصوص سرمایه سیاسی به شرح جدول

۱ است:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	مطالعات انجام شده	عنوان پژوهش	نتایج
۱	(Smrek, 2020)	دسترسی به سرمایه سیاسی با توجه به جنسیت افراد (درس‌هایی از	هدف پژوهش مقایسه میزان دسترسی به لایحه و قانون‌گذاری در میان نمایندگان زن و مرد بود که با استفاده از یک مجموعه داده اصلی با کلیه نمایندگان پارلمان چک طی سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ انجام شده بود، به بررسی و تحلیل پرداختند و دریافتند که قانون‌گذاران زن نسبت

		پارلمان چک)	به قانون گذاران مرد از دسترسی محدودتری به امور قانونی و ارزی که به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد سرمایه سیاسی بالا مورد نیاز است، روبرو هستند.
۲	(Ocasio, Pozner, & Milner, 2020)	انواع سرمایه سیاسی و قدرت در سازمان‌ها	باتوجه به مفهوم سرمایه که بورديو مورد بررسی قرار داده و شروع به ارائه مطالب مفیدی در مورد سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادی کرده است اما این تحقیقات ناکافی است بنابراین او کاسیو دید بورديو را مورد اصلاح و گسترش قرار داده است که دانش، اعتبار و سرمایه نهادی را به عنوان انواع متمایز در سرمایه سیاسی مطرح کرده است. سرمایه و قدرت سیاسی از طریق دیدگاه و نگرش افراد به صاحب-منصبان شکل گرفته و باعث مشروعیت بخشی به صاحب منصبان و قدرت آنها در سازمان‌ها و جامعه می‌شود.
۳	(Gratton, Holden, & Lee, 2019)	سرمایه سیاسی	رهبران سازمان‌ها متناسب با ساختار و فرهنگ حاکم بر آن دارای سبک‌های متفاوتی هستند. سبک‌های رهبران بر میزان قدرت و سرمایه سیاسی تاثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. سبک رهبری رهبران سازمان‌ها دید کارکنان و ذی نفعان سازمانی را نسبت به سازمان و صاحب منصبان تغییر می‌دهد. همچنین اطلاع رسانی و آگاهی بیشتر سبب افزایش قدرت سیاسی می‌شود.
۴	(Alcantara-sacz, 2017)	مسیر شغلی سیاسی و سرمایه سیاسی	باتوجه به اینکه سرمایه سیاسی توسط سیاستمداران ایجاد می‌شود و براساس دیدگاه افراد، قدرت سیاسی سیاستمداران شکل می‌گیرد بنابراین سیاستمداران از طریق فرایندهای انتخابی و توسط افراد انتخاب می‌شوند. سیاستمداران دارای حرفه‌های سیاسی بوده و باید مسیر سیاسی موجود را درک کنند و از طریق حرفه و مسیر سیاسی منجر به افزایش سرمایه سیاسی شوند.
۵	(Xu, 2013)	منابع اخلاقی، سرمایه سیاسی و توسعه اجتماعی	سرمایه سیاسی نوعی از سرمایه است که می‌تواند وضعیت، داشته‌ها و دسترسی افراد به سیستم سیاسی موجود را ارتقا بخشد. سرمایه سیاسی دو نوع است: سرمایه سیاسی منصوب و سرمایه سیاسی کسب شده. در سرمایه سیاسی منصوب شده، سرمایه سیاسی به مثابه قدرت از طریق وراثت به فرد یا گروهی از افراد انتقال می‌یابد اما در سرمایه سیاسی کسب شده به وضعیت سیاسی پیچیده‌تری گفته می‌شود که افراد یا سازمان‌ها با تلاش و سخت کوشی به دست می‌آورند. موفقیت موسسات و سازمان‌ها در به دست آوردن سرمایه سیاسی لزوماً به توسعه حرفه‌ای کمک نمی‌کند بلکه در این راستا باید بر ارزش‌های اصلی کار اجتماعی به عنوان منبع اخلاقی تاکید شود.
۶	(Booth & Richard, 2012)	سرمایه سیاسی و اجتماعی در دموکراسی‌های آمریکای لاتین	با استفاده از داده‌های نظرسنجی از هشت کشور آمریکای لاتین بیان کرده‌اند که مشارکت شهروندان در سال ۲۰۰۴ بر متغیرهای سرمایه سیاسی تاثیر گذاشته که به نوبه خود تاثیرات مثبت زیادی بر اقدامات دموکراسی در سال ۲۰۱۰ داشته است. سرمایه سیاسی به عنوان یک متغیر مداخله‌گر بین سرمایه اجتماعی و دموکراتیک سازی ایفای نقش می‌کند. سرمایه اجتماعی بر سرمایه سیاسی تاثیر می‌گذارد. شهروندان و مشارکت کنندگان جامعه مدنی را به سرمایه سیاسی پیوند می‌زنند.
۷	(French, 2011)	سرمایه سیاسی	سرمایه سیاسی مفهومی از قدرت سیاسی بازیگران و صاحب منصبان دولتی است که توسط قضاوت‌ها و نگرش شهروندان شکل می‌گیرد، در این راستا رسانه‌ها نقش ویژه‌ای داشته و به سیاستمداران و نمایندگان در جذب قدرت سیاسی بیشتر کمک می‌کنند. در جوامع دموکراتیک وجود سرمایه سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است. سرمایه سیاسی به طور عمده توسط نظریه‌های سیاسی مورد توجه قرار نگرفته است. سرمایه سیاسی با ذخیره دارایی‌های نامشهود ایجاد شده و منجر به افزایش مشروعیت صاحبان قدرت می‌شود.
۸	(Casey, 2008)	تعاریف سرمایه سیاسی؛ بازنگری در تئوری قابلیت تبدیل پذیری بورديو	مفهوم سرمایه سیاسی (PC) و زمینه‌های موجود در سیاست‌های آمریکا مورد بررسی قرار گرفته و بیان کرده‌اند که سرمایه سیاسی کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و درک مبادلات سیاسی و روابط سیاسی بسیار مهم می‌باشد. انواع سرمایه در اشکال اقتصادی، اجتماعی و نمادین با یکدیگر تعامل دارند. هر کدام از اشکال سرمایه اساساً

			به‌طورخالص وجود ندارند و هر نوع سرمایه‌ای حاوی عناصری از سایر عناصر می‌باشد. همچنین بیان شده است که بورديو در تحقیقات خود چهار نوع از انواع سرمایه را مورد تأیید قرار داده و بیان کرده است: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و نهایتاً سرمایه نمادین (مشروعیت) می‌باشد که در حقیقت بیان‌کننده سرمایه سیاسی است.
۹	(Harvey & Novicevic, 2004)	بررسی اهمیت مهارت و سرمایه سیاسی رهبران جهان	در پژوهش خود ضمن اشاره به توانایی استفاده از قدرت در به دست آوردن حمایت اعضا و انتخاب‌کنندگان که منجر به مشروعیت‌بخشی می‌شود، این قدرت سبب افزایش سرمایه سیاسی رهبران جهان می‌شود. همچنین هاروی و نویسویک در پژوهش خود سرمایه سیاسی را به دو نوع سرمایه خوش‌نامی و نمایندگی تقسیم کرده‌اند. حمایت افراد منجر به شکل‌گیری قدرت و سرمایه سیاسی رهبران جهان می‌شود.
۱۰	(Sorensen & Torfing, 2003)	بررسی تأثیر تغییر جهت از دموکراسی نمایندگی به سیاست‌های شبکه-ای بر میزان دموکراسی و سرمایه سیاسی	توانایی افراد در عمل سیاسی که از طریق مشارکت در فرآیندهای سیاسی و تعاملی به‌دست می‌آید و جامعه مدرن را به سیستم سیاسی قدرتمند تبدیل می‌کند، اشاره داشته و بیان کرده است توانمندی، منابع و هویت سیاسی به‌عنوان ابعاد سرمایه سیاسی مطرح هستند. میزان دسترسی و مشارکت افراد در تصمیم‌گیری‌ها و توانایی ایجاد تفاوت در فرآیندهای سیاسی می‌تواند منجر به افزایش سرمایه سیاسی شود. قدرت و سرمایه سیاسی از حمایت و مشارکت افراد به‌دست می‌آید. بنابراین لازم است زمینه مشارکت و حمایت فراهم شود و با استفاده از حکمرانی شبکه‌ای می‌توان سرمایه سیاسی را ارتقا بخشید.
۱۱	(Schugurensky, 2000)	بررسی تأثیر آموزش شهروندان بر توزیع مجدد قدرت تصمیم‌گیری تحقق دموکراسی	وجود اطلاعات جامع در مورد شیوه کار جوامع دموکرات، حقوق و وظایف شهروندان، چگونگی سازماندهی انتخابات و استفاده از رسانه‌ها می‌تواند منجر به افزایش دانش و اطلاعات شهروندان از سیاست‌های حاکم بر جامعه شود، همچنین فاصله کم میان شهروندان و صاحبان قدرت می‌تواند منجر به آزادی بیشتر شهروندان در مشارکت و حمایت از نظام سیاسی حاکم شود. براساس شناخت و باور به عملکرد درست افراد می‌توان به این افراد اعتبار بالایی اعطا کرد و بدین‌طریق براساس آن عوامل به یک فرد قدرت بیشتری اعطا می‌کنند.

باتوجه به مطالعات انجام‌شده سرمایه سیاسی ازجمله مهم‌ترین عناصر برای تحقق مردم‌سالاری و مشارکت سیاسی شهروندان است و سرمایه سیاسی موجبات تحقق اعتماد سیاسی را فراهم می‌آورد. در جوامعی که برپایه دموکراسی پایه‌گذاری شده- اند، مردم‌سالاری در سایه اعتماد، مشارکت و سرمایه سیاسی تحقق می‌یابد. دید مثبت شهروندان، افزایش آگاهی شهروندان از طریق شفافیت‌سازی و از طریق رسانه‌ها و عضویت در شبکه‌های سیاسی تحقق می‌یابد. بدین‌ترتیب تحقق سرمایه سیاسی در جوامع دموکراتیک لازم و ضروری است. درخصوص نتیجه‌گیری از پیشینه پژوهش نیز باید خاطرنشان کرد که این رویکرد کمتر موردتوجه قرار گرفته است و خلأ پژوهشی قابل‌ملاحظه‌ای در این حوزه مشاهده می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر تلاش می‌کند پیشران‌های تحقق سرمایه سیاسی را مورد مطالعه قرار دهد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر برپایه پژوهش آمیخته و به صورت کمی و کیفی و در رهیافت قیاسی استقرایی است که از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی - پیمایشی است. از آنجا که پژوهش حاضر یک پژوهش آمیخته است، از این رو، باید روش‌شناسی پژوهش به تفکیک کیفی و کمی ارائه شود. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی متشکل از اساتید رشته‌های مدیریت و علوم سیاسی هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۱ نفر از آنان به عنوان اعضای نمونه انتخاب شده‌اند. تعیین حجم نمونه با استفاده از اصل اشباع نظری صورت گرفته است به نحوی که پس از انجام مصاحبه با نفرات هشتم و نهم دیگر عامل جدیدی شناسایی نشد و فرایند مصاحبه با نفر یازدهم به پایان رسید. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است که روایی و پایایی آن به ترتیب با استفاده از ضریب CVR و آزمون کاپای - کوهن تأیید شد که اطلاعات مربوط به آن در جدول ۲ ارائه شده است. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی، سیاست‌گذاران و خبرگان سیاسی و صاحب‌منصبان دولتی هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس حجم نمونه ۲۱ نفر تعیین شده است. شایان ذکر است در این راستا ادراک صاحب‌منصبان از دیدگاه شهروندان نسبت به اعمال و فعالیت‌های آنها مورد سنجش قرار می‌گیرد، از آن جایی که خود صاحب‌منصبان جزئی از شهروندان در جامعه بوده و دیدگاه بهتری از ادراک شهروندان نسبت به مسائل اجتماعی و فضای حاکم دارند، مورد سنجش قرار گرفتند. همچنین ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کمی، پرسش‌نامه مقایسه زوجی است که روایی و پایایی آن به ترتیب با استفاده از روایی محتوا و آزمون مجدد تأیید شد. شایان ذکر است در روش دلفی‌فازی پرسش‌نامه‌ها دو بار و در دو مقطع زمانی متفاوت توزیع و جمع‌آوری می‌شود. از این رو، می‌توان از نرخ ناسازگاری و اختلاف میانگین فازی‌زدایی دو مرحله برای سنجش و بررسی پایایی استفاده کرد. بدین صورت که در این رویکرد با بررسی اختلاف میانگین فازی - زدایی و نرخ ناسازگاری، اگر این میزان از ۰/۱ کمتر باشد، می‌توان بیان داشت که

پرسش‌نامه از پایایی لازم برخوردار است و از آنجا که در پژوهش حاضر نرخ ناسازگاری و اختلاف میانگین فازی‌زدایی در دو مرحله برای پرسش‌نامه ۰/۱ کمتر است، می‌توان نتیجه گرفت که پرسش‌نامه نخست پایایی لازم دارد. در بخش کیفی پژوهش، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار Atlas.ti و روش کدگذاری تحلیلی و پیش‌ران‌های سرمایه سیاسی شناسایی شدند. همچنین در بخش کمی پژوهش، با استفاده از رویکرد دلفی‌فازی تعیین اولویت پیش‌ران‌های سرمایه سیاسی انجام پذیرفت و مهم‌ترین عوامل موثر بر سرمایه سیاسی مشخص شد. در جدول ۲ مقدار روایی و پایایی پژوهش در بخش کیفی نشان داده شده است.

جدول ۲. روایی و پایایی پژوهش در بخش کیفی

روایی		پایایی	
ابزار مورد استفاده	مقدار	ابزار مورد استفاده	مقدار
ضریب CVR	۰/۴۸۱	کاپای - کوهن	۰/۷۱

۳. یافته‌های پژوهش

در جدول ۳ و ۴ یافته‌های مربوط به جمعیت‌شناختی نمونه ارائه شده است.

جدول ۳. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه در بخش کیفی

	استادیار	دانشیار	استاد
مرد	۴	۳	۲
زن	۱	۱	۰

جدول ۴. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه در بخش کمی

ردیف	جنسیت	تعداد	سن	تعداد	تحصیلات	تعداد
۱	مرد	۱۹	کمتر از ۴۵ سال	۵	کارشناسی‌ارشد	۳
۲	زن	۲	بالاتر از ۴۵ سال	۱۶	دکتری	۱۸

۳-۱. شناسایی پیش‌ران‌های موثر بر سرمایه سیاسی

در پژوهش حاضر پیش‌ران‌های سرمایه سیاسی از طریق تجزیه و تحلیل محتوای مصاحبه با خبرگان دانشگاهی به روش کیفی شناسایی شد. تحلیل محتوای کیفی

روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده به‌شمار می‌روند. در این رویکرد برخلاف رویکرد تحلیل محتوای کمی که مقوله‌ها و موضوعات بر اساس ارقام و اعداد و به‌وسیله روش‌های آماری گوناگون تولید می‌شوند، مقوله‌ها و موضوعات براساس توصیف و تفسیر از موضوع مورد مطالعه ارائه می‌شوند که منجر به حفظ اصالت به گونه ذهنی است که در قالب مقولات فرعی و اصلی ارائه می‌شود. برای این منظور متون مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار Atlas.ti و با روش کدگذاری زنده^۱ تجزیه و تحلیل شدند. روش کدگذاری زنده گونه‌ای از کدگذاری است که در متون روش‌شناختی به اسم‌های مختلفی همچون «کدگذاری تحت‌لفظی»، «کدگذاری کلمه‌به‌کلمه»، «کدگذاری درونی» و «کدگذاری طبیعی» خوانده می‌شود. کدگذاری زنده به کلمه یا عبارتی کوتاه که در کلمات موجود در متن داده‌های مصاحبه وجود دارد، اشاره می‌کند. درحقیقت، کدگذاری زنده از تجمیع اصطلاحاتی که خود مشارکت‌کنندگان استفاده کرده‌اند، مقوله‌ها و مولفه‌ها به دست می‌آید (Saldana, 2015). مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان دانشگاهی مشتمل بر شش سوال اصلی بود که پس از ارائه توضیحات مقدماتی توسط محقق به‌صورت انفرادی با هر مصاحبه‌شونده انجام شد. جدول ۵ نمونه‌ای از مصاحبه‌های انجام شده و کدهای استخراج شده را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نمونه متن مصاحبه‌ها و کدهای مستخرج

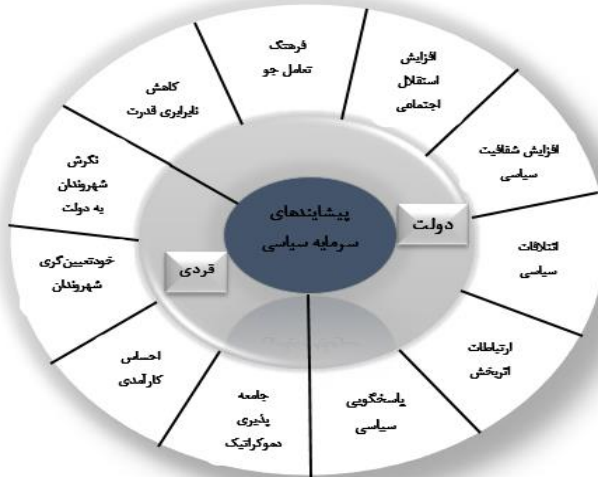
کد نهایی	کدهای اولیه	متن مصاحبه
نابرابری قدرت	جو استبدادی فاصله دولت و ملت شکاف سیاسی	در گذشته فرهنگ سیاسی حاکم، فرهنگ استبدادی بوده که منجر به ایجاد فاصله میان دولت و ملت بود. همیشه این شکاف سیاسی وجود داشت و زمانی که دولت ممکن بود براساس مصلحت مردم تصمیم بگیرد، مردم در برابر این تصمیمات موضع می‌گرفتند و فکر می‌کردند به ضررشان است زیرا فرهنگ استبدادی عاملی در جهت عدم اعتماد مردم به نظام می‌شد.
ائتلافات سیاسی	استقلال احزاب شبکه و کانال‌های سیاسی آگاهی از طریق مشارکت NGO (سازمان‌های مردم نهاد)	درجه آزادی و استقلال احزاب هرچه بیشتر باشد قطعاً شبکه‌ها و کانال‌هایی ایجاد می‌شود که عموم مردم بتوانند اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی خود را ارتقا بخشند و با حضور در این کانال‌ها بتوانند از اطلاعات احزاب و صاحب‌منصبان استفاده کنند. NGO می‌تواند از طریق برگزار کردن دوره‌های آموزشی مشارکت و آگاهی افراد را ارتقا بخشند.

عوامل و کدهای شناسایی شده در مصاحبه با خبرگان با استفاده از تحلیل محتوای کیفی در جدول ۶ بیان شده است.

جدول ۶. کدگذاری پیشایندهای سرمایه سیاسی

کدها	کدهای محوری	کدهای نهایی (پیشایندها)
S1	جو همکاری گرایانه اعتقاد به تعاملات اجتماعی تعاون و همیاری ارزش‌های مبتنی بر مشارکت	فرهنگ تعامل جو
S2	دید مردم نسبت به دولتمردان نگاه افراد به عملکرد دولت نظر افراد درباره متصدیان	نگرش شهروندان به دولت و متصدیان دولتی
S3	جو استبدادی فاصله دولت و ملت شکاف سیاسی تقلیل فاصله مابین دولت و ملت	نابرابری قدرت
S4	آزادی اندیشه آزادی بیان تسهیم ایده‌های شخصی بدون ترس آزادی مطبوعات و رسانه‌ها	افزایش استقلال اجتماعی
S5	احزاب سیاسی شبکه‌ها و کانال‌های سیاسی استقلال احزاب آگاهی از طریق مشارکت در گروه‌ها NGOها	ائتلافات سیاسی
S6	اطلاع‌رسانی شفاف شفافیت در رویه‌ها و مسیرها شفافیت نظام تصمیم‌گیری‌های سیاسی	افزایش شفافیت سیاسی
S7	عدم تعارض و تضاد کانال‌های ارتباطی موثر ایجاد درک مشترک به نتیجه رسیدن تعاملات	ارتباطات اثربخش
S8	نظارت بر عملکرد تعهد به انجام مسئولیت‌های سیاسی جوابگوبودن در برابر مسئولیت‌ها پایبندی به ارزش‌ها و انتظارات سیاسی	پاسخگویی سیاسی
S9	خودمحوری افراد ترجیحات افراد برتر پنداشتن خود از دیگران	خودتعیین‌گری شهروندان
S10	احساس توانایی انجام فعالیت‌های سیاسی توانایی افراد در انجام کنش‌های سیاسی خودکارآمدی شخصی حس مشارکت موثر در فعالیت‌های سیاسی	احساس اثربخشی سیاسی
S11	مشارکت حداکثری مردم در صحنه‌های سیاسی هتجارهای مردم‌سالارانه مردم‌سالاری مشارکتی	جامعه‌پذیری دموکراتیک

باتوجه به آنچه گفته شد در شکل ۱ پیشنندهای سرمایه سیاسی نشان داده شده است:



شکل ۱. مدل پیشایندهای سرمایه سیاسی

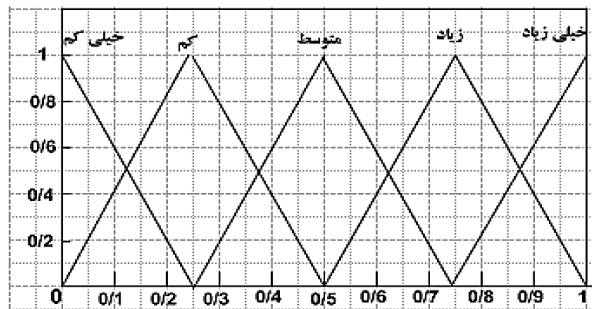
۳-۲. اولویت بندی عوامل با استفاده از رویکرد دلفی فازی

روش دلفی به منزله یک ابزار کارا برای تعیین موضوعات مهم و اولویت بندی توصیفی این عوامل در تصمیم های مدیریتی، مدنظر قرار می گیرد. این روش با هدف توسعه روشی برای کسب اتفاق نظر بین متخصصان انجام می شود. در سال ۱۹۸۵ در پی یکپارچه سازی روش دلفی سنتی و نظریه فازی برآمدند. ایشیکاوا و همکاران نیز کاربرد نظریه فازی را در روش دلفی توسعه دادند و الگوریتم یکپارچه سازی را معرفی کردند. پس از آنها، سو و یانگ عدد فازی مثلثی را برای پوشش دادن به آرای متخصصان و ایجاد روش دلفی فازی به کار بردند. در این پژوهش نیز از روش دلفی فازی استفاده شده است.

۳-۱. تعریف متغیرهای زبانی

بعد از انجام مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و شناسایی پیشران های سرمایه سیاسی،

مولفه‌های مدنظر در قالب پرسش‌نامه طراحی شدند تا به نظر خبرگان در این راستا دست یابیم. خبرگان سیاسی و صاحب‌منصبان به وسیله متغیرهای کلامی خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم نظر خود را در مورد موافقت با مولفه‌های بیان شده اعلام کردند. به سبب اینکه هریک از افراد دارای خصوصیات متفاوتی هستند و تعابیر ذهنی متفاوتی نسبت به متغیرهای کیفی دارند فلذا با تعریف دامنه مولفه‌ها تلاش شد ذهنیت افراد را نسبت به سوالات یکسان کرد. متغیرهای زبانی در شکل ۲ به صورت اعداد فازی مثلثی بیان شده‌اند.



شکل ۲. تعاریف مولفه‌های زبانی

نحوه تبدیل مولفه‌های کلامی به اعداد فازی مثلثی و عدد فازی قطعی شده در جدول ۷ بیان شده است.

جدول ۷. جدول اعداد فازی مثلثی

متغیرهای کلامی	عدد فازی مثلثی	عدد فازی قطعی شده
خیلی زیاد	$(0.75, 1, 1)$	0.75
زیاد	$(0.5, 0.75, 1)$	0.5625
متوسط	$(0.25, 0.5, 0.75)$	0.3125
کم	$(0, 0.25, 0.5)$	0.0625
خیلی کم	$(0, 0, 0.25)$	0.0625

شایان ذکر است که اعداد فازی قطعی شده در جدول فوق با استفاده از رابطه مینکوسکی به شکل زیر محاسبه شدند. در این رابطه B حد بالای فازی مثلثی، a

حد وسط عدد فازی مثلثی و M حد پایین عدد فازی مثلثی را نشان می‌دهد.

$$X = m + \frac{B - a}{4}$$

۳-۲-۲. نظر سنجی مرحله نخست

در مرحله نخست مولفه‌هایی که در خلال مصاحبه شناسایی شدند، در قالب پرسش‌نامه‌ای جهت اولویت‌بندی عوامل در اختیار خبرگان سیاسی و صاحب-منصبان دولتی قرار داده شد و باتوجه به موارد مطرح شده برای به دست آوردن نتیجه حاصل از بررسی پاسخ‌های خبرگان در پرسش‌نامه‌ها اقدام به محاسبه میانگین فازی از طریق روابط زیر شد.

$$A_i = (a_1^{(i)}, a_2^{(i)}, a_3^{(i)}), i=1,2,3,\dots,n$$

$$A_{ave} = (m_1, m_2, m_3) = \left(\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_1^{(i)}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_2^{(i)}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_3^{(i)} \right)$$

در رابطه فوق A_i که نشان‌دهنده نظر خبره i ام و A_{ave} نشانگر میانگین دیدگاه‌های خبرگان است. پس از اینکه خبرگان به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند، پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری و مورد شمارش قرار گرفتند که در جدول ۸ نتایج شمارش پاسخ‌های داده شده به نظر سنجی مرحله اول ارائه شده است.

جدول ۸. پیشران‌های سرمایه سیاسی

متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
فرهنگ تعامل‌جو	۱۸	۲	۱	۰	۰
نگرش شهروندان به دولت و متصدیان دولتی	۱۶	۳	۲	۰	۰
کاهش نابرابری قدرت	۱۷	۳	۱	۰	۰
افزایش استقلال اجتماعی	۱۶	۴	۱	۰	۰
ائتلافات سیاسی	۱۵	۴	۱	۱	۰
شفافیت سیاسی	۱۷	۳	۱	۰	۰
ارتباطات اثربخش	۱۶	۲	۲	۱	۰
پاسخ‌گویی سیاسی	۱۶	۳	۲	۰	۰
خودتعیین‌گری شهروندان	۱۶	۲	۲	۱	۰
احساس اثربخشی سیاسی	۱۵	۳	۲	۱	۰
جامعه‌پذیری دموکراتیک	۱۴	۴	۳	۰	۰

پس از اینکه تعداد پاسخ‌های داده‌شده به هریک از عوامل مشخص شد و بعد از محاسبه میانگین فازی مثلی برای عوامل از فرمول مینکوسکی و اعداد فازی قطعی شده برای محاسبه هر عامل استفاده می‌شود که در جدول ۹ نتایج حاصل از میانگین فازی و فازی‌زدایی مولفه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۹. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مرحله اول

متغیرها	میانگین فازی مثلی (m,a,B)	فازی‌زدایی شده
فرهنگ تعامل جو	(۰/۷۰۲، ۰/۹۵۲، ۰/۹۸۸)	۰/۶۶۶
نگرش شهروندان به دولت	(۰/۶۶۶، ۰/۹۱۶، ۰/۹۷۶)	۰/۶۳۰
کاهش نابرابری قدرت	(۰/۶۹۰، ۰/۹۴۰، ۰/۹۸۸)	۰/۶۵۴
افزایش استقلال اجتماعی	(۰/۶۷۸، ۰/۹۲۸، ۰/۹۸۸)	۰/۶۴۲
اتلافات سیاسی	(۰/۶۴۲، ۰/۸۹۲، ۰/۹۶۴)	۰/۶۰۷
شفافیت سیاسی	(۰/۶۹۰، ۰/۹۴۰، ۰/۹۸۸)	۰/۶۵۴
ارتباطات کارآمد	(۰/۶۴۲، ۰/۸۹۲، ۰/۹۵۲)	۰/۶۰۷
پاسخ‌گویی سیاسی	(۰/۶۶۶، ۰/۹۱۶، ۰/۹۷۶)	۰/۶۳۰
خودتعیین‌گری شهروندان	(۰/۶۴۲، ۰/۸۹۲، ۰/۹۵۲)	۰/۶۰۷
احساس اثربخشی سیاسی	(۰/۶۳۰، ۰/۸۸۰، ۰/۹۵۲)	۰/۵۹۵
جامعه‌پذیری دموکراتیک	(۰/۶۳۰، ۰/۸۸۰، ۰/۹۶۴)	۰/۵۹۵

با پایان نظرسنجی در مرحله اول لازم است که مرحله دوم نیز انجام شود، تا نتایج به‌دست‌آمده از هر دو مرحله با هم مقایسه و نتیجه مشخص شود.

۳-۲-۳. نظرسنجی مرحله دوم

در جدول ۱۰، نتایج نظرسنجی مرحله دوم پاسخ‌های داده‌شده به پرسش‌نامه پژوهش نشان داده شده است. پس از مرحله اول نظرسنجی برای اولویت‌بندی عوامل، مرحله دوم نظرسنجی اجرا می‌شود تا پایایی پرسش‌نامه از طریق محاسبه اختلاف میانگین فازی‌زدایی مرحله اول و دوم تایید شود.

جدول ۱۰. پیشران‌های سرمایه سیاسی

متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
فرهنگ تعامل‌جو	۱۹	۱	۱	۰	۰
نگرش شهروندان به دولت	۱۷	۳	۰	۱	۰
کاهش نابرابری قدرت	۱۸	۲	۱	۰	۰
افزایش استقلال اجتماعی	۱۹	۱	۱	۰	۰
ائتلافات سیاسی	۱۷	۲	۲	۰	۰
شفافیت سیاسی	۱۸	۲	۱	۰	۰
ارتباطات اثربخش	۱۷	۳	۱	۰	۰
پاسخ‌گویی سیاسی	۱۸	۲	۱	۰	۰
خودتعیین‌گری شهروندان	۱۶	۳	۲	۰	۰
احساس اثربخشی سیاسی	۱۵	۲	۳	۱	۰
جامعه‌پذیری دموکراتیک	۱۶	۲	۲	۱	۰

بعد از آنکه تعداد پاسخ‌های داده‌شده به عوامل در مرحله دوم مشخص شد و بعد از محاسبه‌کردن میانگین فازی مثلی برای عوامل، از فرمول مینکوسکی و اعداد فازی مثلی برای هر مولفه اقدام شد که نتایج به‌دست‌آمده در مرحله دوم در جدول ۱۱ نشان داده شده است.

جدول ۱۱. میانگین دیدگاه‌های خبرگان در مرحله دوم

فازی‌زدایی شده	میانگین فازی مثلی (m,a,B)	متغیرها
۰/۶۷۸	(۰/۷۱۴، ۰/۹۶۴، ۰/۹۸۸)	فرهنگ تعامل‌جو
۰/۶۴۲	(۰/۶۷۸، ۰/۹۲۸، ۰/۹۷۶)	نگرش شهروندان به دولت
۰/۶۶۶	(۰/۷۰۲، ۰/۹۵۲، ۰/۹۸۸)	کاهش نابرابری قدرت
۰/۶۷۸	(۰/۷۱۴، ۰/۹۶۴، ۰/۹۸۸)	افزایش استقلال اجتماعی
۰/۶۴۲	(۰/۶۷۸، ۰/۹۲۸، ۰/۹۷۶)	ائتلافات سیاسی
۰/۶۶۶	(۰/۷۰۲، ۰/۹۵۲، ۰/۹۸۸)	شفافیت سیاسی
۰/۶۵۴	(۰/۶۹۰، ۰/۹۴۰، ۰/۹۸۸)	ارتباطات اثربخش
۰/۶۶۶	(۰/۷۰۲، ۰/۹۵۲، ۰/۹۸۸)	پاسخ‌گویی سیاسی
۰/۶۳۰	(۰/۶۶۶، ۰/۹۱۶، ۰/۹۷۶)	خودتعیین‌گری شهروندان
۰/۵۸۳	(۰/۶۱۹، ۰/۸۶۹، ۰/۹۴۰)	احساس اثربخشی سیاسی
۰/۶۰۷	(۰/۶۴۲، ۰/۸۹۲، ۰/۹۵۲)	جامعه‌پذیری دموکراتیک

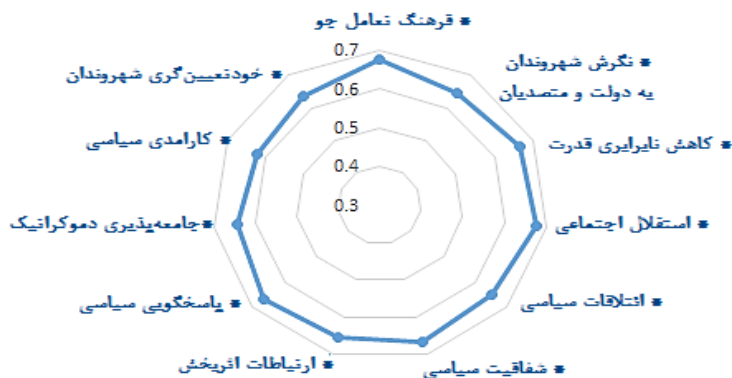
۳-۴. اختلاف میانگین فازی‌زدایی‌شده در دو مرحله

با انجام نظرسنجی در هر دو مرحله؛ لازم است که اختلاف میان میانگین فازی-زدایی‌شده (مقدار کریسپ) پیشران‌های سرمایه سیاسی مورد تحلیل قرار گیرد. در جدول ۱۲ بررسی اختلاف میانگین فازی‌زدایی‌شده پیشران‌های سرمایه سیاسی در مرحله اول و دوم نشان داده شده است.

جدول ۱۲. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مرحله اول و دوم

متغیرها	مقدار فازی‌زدایی شده مرحله اول	مقدار فازی‌زدایی شده مرحله دوم	اختلاف مقدار فازی‌زدایی شده مرحله اول و دوم
فرهنگ تعامل جو	۰/۶۶۶	۰/۶۷۸	۰/۰۱
نگرش شهروندان به دولت	۰/۶۳۰	۰/۶۴۲	۰/۰۱
کاهش نابرابری قدرت	۰/۶۵۴	۰/۶۶۶	۰/۰۱
افزایش استقلال اجتماعی	۰/۶۴۲	۰/۶۷۸	۰/۰۳
اتلافات سیاسی	۰/۶۰۷	۰/۶۴۲	۰/۰۳
شفافیت سیاسی	۰/۶۵۴	۰/۶۶۶	۰/۰۱
ارتباطات اثربخش	۰/۶۰۷	۰/۶۵۴	۰/۰۴
پاسخ‌گویی سیاسی	۰/۶۳۰	۰/۶۶۶	۰/۰۳
خودتعیین‌گری شهروندان	۰/۶۰۷	۰/۶۳۰	۰/۰۲
احساس اثربخشی سیاسی	۰/۵۹۵	۰/۵۸۳	۰/۰۱
جامعه‌پذیری دموکراتیک	۰/۵۹۵	۰/۶۰۷	۰/۰۱

باتوجه به میانگین نتایج دیدگاه‌های ارائه‌شده در مرحله اول و دوم، شایان ذکر است در صورتی که اختلاف میانگین فازی‌زدایی‌شده در دو مرحله از ۰/۱ کمتر باشد، فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اختلاف میانگین فازی‌زدایی‌شده برطبق نظرات خبرگان در دو مرحله کمتر از ۰/۱ است، بنابراین خبرگان درمورد پیشران‌های سرمایه سیاسی به اتفاق نظر رسیده‌اند و در این مرحله نظرسنجی متوقف می‌شود. درحقیقت خبرگان درمورد پیشران‌های سرمایه سیاسی نگاه یکسانی داشته‌اند. باتوجه به مطالب پیش‌گفته، اولویت تمامی عوامل در قالب نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. اولویت‌بندی پیشران‌های سرمایه سیاسی

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه سیاسی به مفهوم سرمایه‌گذاری شهروندان در امور دولتی و سیاسی است که با نگرش مثبت شهروندان به دولت، سرمایه و قدرت سیاسی سیاستمداران و صاحب‌منصبان دولتی افزایش می‌یابد. سرمایه سیاسی به مفهوم پیوستگی و انسجام مابین نهادهای سیاسی و شهروندان است. دولت و صاحب‌منصبان سیاسی از طریق اعطای استقلال و آزادی‌های اجتماعی به شهروندان، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی شهروندان از طریق رسانه‌ها و شفاف‌سازی‌های سیاسی می‌توانند قدرت و سرمایه سیاسی خود و سایر نهادهای سیاسی را ارتقا بخشند. داشتن ارتباطات کارآمد و پاسخ‌گویی نسبت به مسائل سیاسی سبب افزایش دید شهروندان نسبت به قائم‌مقامان سیاسی می‌شود. اعتماد سیاسی یکی از مولفه‌های مهم و موثر سرمایه سیاسی است که در صورت افزایش قدرت سیاسی صاحب‌منصبان، اعتماد سیاسی نیز افزایش خواهد داشت. اعتماد سیاسی نقش حائزاهمیتی در امنیت ملی دارد و جزو الزامات بنیادی نظام سیاسی و تداوم حیات سیاسی و برای افزایش مشروعیت سیاسی و توسعه سیاسی - اجتماعی ضروری است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین پیشران‌های سرمایه سیاسی با استفاده از روش دلفی‌فازی انجام پذیرفت. بنابراین براساس نتایج پیشایندها یا عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی، فرهنگ تعامل جو حاکم بر جامعه، کاهش نابرابری قدرت، افزایش استقلال اجتماعی شهروندان، تشکیل ائتلافات جهت عضویت اعضا، افزایش شفافیت سیاسی، برقراری ارتباطات اثربخش، افزایش میزان پاسخ‌گویی سیاسی، جامعه‌پذیری دموکراتیک، احساس اثربخشی و کارآمدی سیاسی، خودتعیین‌گری شهروندان و افزایش نگرش مثبت شهروندان نسبت به دولت و متصدیان دولتی است. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ تعامل جو، کاهش نابرابری قدرت، افزایش استقلال اجتماعی و سیاسی شهروندان، افزایش شفافیت سیاسی و افزایش پاسخ‌گویی سیاسی ازجمله مهم‌ترین پیشایندها یا عوامل به‌وجودآورنده سرمایه سیاسی سیاستمداران و صاحب‌منصبان دولتی هستند. جوامع دموکراتیک به دلیل مردمی‌بودن و مشارکت شهروندان در امور سیاسی و دولتی

نیازمند اعتماد سیاسی شهروندان به دولت و قائم مقامان دولتی است. هر جامعه‌ای دارای فرهنگ خاصی است که حاکم بر جامعه بوده و در تعیین چگونگی و میزان مشارکت شهروندان در امور سیاسی موثر است. درحقیقت داشتن جو سیاسی مشارکت‌جویانه و خواهان اشتراک‌گذاری بالای اطلاعات سیاسی و حاکمیتی زمینه افزایش همکاری و داشتن دید مثبت شهروندان نسبت به دولت را فراهم می‌سازد. اعطای آزادی عمل و استقلال به شهروندان و کاهش نابرابری قدرت منجر به مشارکت بیشتر شهروندان شده و شهروندان می‌توانند آزادانه در مسائل سیاسی و دولتی مشارکت داشته و دیدگاه و نظرات خود را بیان کنند. رسانه‌ها در آگاه‌سازی شهروندان نقش بسزایی داشته و ازطریق بیان شفاف امور و پیگیرانه منجر به آشکارسازی حقایق شده و آگاهی سیاسی شهروندان را ارتقا می‌بخشند. همچنین خود شهروندان نیز باید خودمحمور بوده و دارای احساس خودکارآمدی و صلاحیت سیاسی باشند. درخصوص وجوه اشتراک و افتراق پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌های صورت گرفته باید عنوان کرد که پژوهش حاضر با پژوهش‌های اوکاسیو (۲۰۱۹) و گراتون و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت و همخوانی دارد. بدین‌شکل که در پژوهش آنها عواملی مانند اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی و افزایش دید مثبت شهروندان نسبت به امور سیاسی و دولتی ازجمله عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی تلقی می‌شوند و تاثیر بسزایی در ارتقای سرمایه سیاسی صاحب‌منصبان دولتی دارند. همچنین با یافته‌های فرنچ و همکاران (۲۰۱۱) نیز همخوانی دارد. این پژوهشگران نیز در مطالعات خود اذعان داشتند که رسانه‌ها با شفاف‌سازی و افزایش آگاهی شهروندان ازجمله مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز سرمایه و قدرت سیاسی هستند همچنین بنیت‌گبافو و همکاران (۲۰۱۴) نیز مانند پژوهش حاضر عضویت در ائتلافات سیاسی را عاملی مهم در افزایش سرمایه سیاسی معرفی کرده‌اند.

پیشنهادهای پژوهش

- اولین راهبردی که می‌توان براساس یافته‌های پژوهش ارائه کرد، حاکم شدن جو همکاری‌گرایانه در جامعه است، اعتقاد به تعاملات اجتماعی تقویت شود، تعاون و

همکاری و ارزش‌های مبتنی بر مشارکت سرلوحه امور شود؛

- شهروندان باید آزادی بیان داشته باشند که بتوانند بدون نگرانی با اندیشه‌ای باز در امور سیاسی کشور فعالیت کنند که این اهم از طریق واگذاری آزادی و تفویض اختیار در برخی از امور به شهروندان تحقق می‌یابد؛

- باید بین مدیران و صاحب‌منصبان ارتباطات اثربخشی برقرار شود و صاحب‌منصبان از مشکلات و امور شهروندان آگاهی کامل داشته باشند تا بتوانند آنها را حل و فصل کنند؛

- مسئولان و صاحب‌منصبان باید به‌طور شفاف اطلاع‌رسانی کنند و رویه‌ها و مسیرهای موجود را به وضوح بیان کنند تا هیچ‌گونه ابهامی وجود نداشته باشد و نظام تصمیم‌گیری سیاسی شفافیت لازم را داشته باشد؛

- رسانه‌ها و مطبوعات باید آزادی بیان داشته باشند تا بتوانند شفاف‌سازی کنند و میزان آگاهی افراد از امور سیاسی و عمومی ارتقا یابد، در این راستا میزان آگاه‌سازی و شفاف‌سازی و قانون‌گرایی افزایش می‌یابد؛

- عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های سیاسی منجر به همگرایی و اعتماد بیشتر شهروندان می‌شود، که با برگزاری دوره‌های آموزشی سعی کنند آگاهی مردم را افزایش دهند و آنها را به مشارکت در امور سیاسی ترغیب کنند؛

- عملکرد دولت و دولتمردان باید اثربخشی لازم را داشته باشد و با به‌کارگیری متخصصان و خبرگانی که نسبت به تعهدات خود مسئول باشند در پست‌های حساس دولتی این امر را تسهیل کرد، مسئولیت‌پذیر بودن صاحب‌منصبان منجر به اعتمادآفرینی می‌شود؛

- نهایتاً به سیاستمداران و صاحب‌منصبان دولتی پیشنهاد می‌شود با توجه به علل و پیشران‌های سرمایه سیاسی، سعی کنند پیشایندهای شناسایی شده را بر طبق اولویت و اهمیت تحقق بخشند و زمینه افزایش شفافیت و آگاهی و مشارکت شهروندان را فراهم سازند تا ضمن تحقق سرمایه سیاسی، اعتماد سیاسی شهروندان به دولت و امور سیاسی نیز ارتقا یابد.

منابع و مأخذ

- سبکتگین ریزی، ق.، روهنده، م.، بساطین، س.، & جعفری، ا. (۱۳۹۵). رضایتمندی و مشارکت سیاسی - اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج). *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هفتم. شماره ۶۳. صص ۹۷-۱۱۶.
- طلاری، م.، & موسوی شفائی، م. (۱۳۹۴). جامعه‌پذیری سیاسی: بستری برای بازاریابی سیاسی رابطه‌مند. *فصلنامه علمی راهبرد*، سال بیست و پنجم، شماره ۷۹، صص ۱۲۵-۱۹۹.
- عبادی، ن.، پیران نژاد، ع.، & قلی‌پور، آ. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل موثر بر سرمایه سیاسی. *مدیریت و توسعه*، دوره ۲۷. شماره ۲. صص ۲۹-۵۱.
- محمدی‌فر، ن.، & کاظمی، ا. (۱۳۹۹). نقش سواد رسانه‌ای سیاسی و رسانه‌های ارتباط جمعی در کارایی سیاسی و ارائه راهکارهای عملیاتی (مورد مطالعه دانشگاه شهید چمران). *فصلنامه علمی راهبرد*، سال ۲۹، ۳۵-۶۵.
- نظری، س.، بشیری گیوی، ح.، & جنتی، س. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال). *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم. شماره اول. صص ۱۳۷-۱۴۶.
- Alcantara-sacz, M. (2017). Political career and political capital. *Convergencia Revista de Ciencias Sociales*, 73. 1-1.
- Banfield, E. C. (1961). *Political influence*. Transaction Publishers.
- Benit-Gbaffou, c., & Katsaura, o. (2014). Community leadership and the construction of political legitimacy: Unpacking Bourdieu's 'Political capital' in post-apartheid Johannesburg. *International Journal of Urban and Regional Research*, 38(5), 1807-1832.
- Bertrand, m., Bombardini, m., Fisman, r., & Trebbi, f. (2020). Tax-exempt lobbying: Corporate philanthropy as a tool for political influence.
- Bertrand, M. B. (2020). Tax-exempt lobbying: Corporate philanthropy as a tool for political influence.
- Birner, r., & Wittmer, h. (2000). Converting Social Capital into Political Capital:

- How Do Local Communities Gain Political Influence? *Conference paper submitted to International Association for the Study of Common.*
- Blumentritt, t., & Rehbein, k. (2007). The political capital of foreign subsidiaries. *Business & Society*, 47(2), 242-263.
- Booth, j., & Richard, p. (2012). Untangling social and political capital in Latin American democracies. *Latin American Politics and Society*, 54(03). 33-64.
- Boulianne, s. (2018). Twenty years of digital media effects on civic and political participation. *communication research*, 947-966.
- Bourdieu, P. (1981). La representation politique [elements pour une théorie du champ politique]. *Actes de la recherche en sciences sociales*, 36(1), 3-24.
- Casey, k. l. (2008). Defining Political Capital: A Reconsideration of Bourdieu's Interconvertibility Theory. phd thesis. University of Missouri-St. Louis.
- French, r. (2011). political capital. *Representation*, 47:2, 215-230.
- Geetha, g., & Indira, r. (2010). Women, income generation, and political capital in the silk industry in Karnataka. *Gender, Technology and Development*, 14(3), 423-440.
- Goren, p. (2012). political values and political awareness. *critical review*, 24(4). 505-525.
- Gratton, g., holden, r., & lee, b. (2019). Political capital. *The international journal of human resource management*, 25(8). 23-54.
- Harvey, m., & Novicevic, m. (2004). The development of political skill and political capital by global leaders through global assignments. *The International Journal of Human Resource Management*, 15(7), 1173-1188.
- Keele, L. (2007). Social capital and the dynamics of trust in government. *American Journal of Political Science*, 51(2), 241-254.
- Kim, s. (2018). political participation. *oxford scholarship online*.
- Kitschelt, h., & rehm, p. (2017). Political participation. *politics trove*.
- Kjaer, U. (2013). Local political leadership: The art of circulating political capital. *Local Government Studies*, 39(2), 253-272.
- Lopez, E. (2002). The legislator as political entrepreneur: Investment in political capital. *The Review of Austrian Economics*, 15(2). 211-228.
- Magno, C. (2000). Gender & democracy: exploring the growth of political capital in women's NGO in Israel [Unpublished doctoral dissertation]. . university of Columbia.
- Ocasio, w., pozner, j., & milner, d. (2020). Varieties of political capital and

- power in organizations: A review and integrative framework. *Academy of Management Annals*, 14(1), 303-338.
- Pantoja, A. D. (2001). The dynamics of political knowledge [Unpublished doctoral dissertation]. Rice university.
- Peng, b., tu, y., & wei, g. (2018). Governance of electronic waste recycling based on social capital embeddedness theory. *Journal of Cleaner Production*, 187, 29-36.
- Saldana, J. (2015). The coding manual for qualitative researchers. *SAGE*.
- Sandovic, M. E. (2005). Social capital & political action [Unpublished doctoral dissertation]. Binghamton University.
- Schugurensky, D. (2000). Citizenship learning and democratic engagement: Political capital revisited. *Conference Proceedings. 41st Annual Adult Education Research Conference*, pp. 417–422. Vancouver, Canada.
- Shaffer, b., & hillman, a. (2000). The development of business-government strategies by diversified firms. *Strategic Management Journal*, 21(2), 175-190.
- Siegel, j. (2007). Contingent political capital and international alliances: Evidence from South Korea. *Administrative Science Quarterly*, 52(4). 621-666.
- Smrek, M. (2020). When is access to political capital gendered? Lessons from the Czech Parliament. *Parliamentary Affairs*.
- Son, b., Kocabasoglu-hillmer, c., & Rroden, s. (2016). A dyadic perspective on retailer–supplier relationships through the lens of social capital. *International Journal of Production Economics*, 178, 120-131.
- Sorensen, e., & Torfing, j. (2003). Network politics, political capital, and democracy. *International Journal of Public Administration*, 26(6), 609-634.
- Sun, p., Hu, h. w., & Hillman, a. j. (2016). The dark side of board political capital: Enabling Blockholder rent appropriation. *Academy of Management Journal*, 59(5), 1801-1822.
- Tedeschi, J. T. (2017). Social power and political influence.
- Urbinati, N. (2008). Representative democracy: Principles and genealogy. University of Chicago Press.
- Wessels, B. (2018). networks of social media and civic engagement and participation. *communicative civic-ness*, 132-147.
- Xu, Y. (2013). Moral resources, political capital and the development of social work in China: A case study of city J in Shandong province. *British Journal of Social Work*, 43(8), 1589-1610.

Reference

- Alcantara-sacz, M. (2017). Political career and political capital. *Convergencia Revista de Ciencias Sociales*, 73. 1-1.
- Banfield, E. C. (1961). *Political influence*. Transaction Publishers.
- Benit-Gbaffou, c., & katsaura, o. (2014). Community leadership and the construction of political legitimacy: Unpacking Bourdieu's 'Political capital' in post-apartheid Johannesburg. *International Journal of Urban and Regional Research*, 38(5), 1807-1832.
- Bertrand , m., Bombardini, m., Fisman, r., & trebbi, f. (2020). Tax-exempt lobbying: Corporate philanthropy as a tool for political influence.
- Bertrand, M. B. (2020). Tax-exempt lobbying: Corporate philanthropy as a tool for political influence.
- Birner, r., & Wittmer, h. (2000). Converting Social Capital into Political Capital: How Do Local Communities Gain Political Influence? *Conference paper submitted to International Association for the Study of Common*.
- Blumentritt, t., & Rehbein, k. (2007). The political capital of foreign subsidiaries. *Business & Society*, 47(2), 242-263.
- Booth, j., & Richard, p. (2012). Untangling social and political capital in Latin American democracies. *Latin American Politics and Society*, 54(03). 33-64.
- Boulianne, s. (2018). Twenty years of digital media effects on civic and political participation. *communication research*, 947-966.
- Bourdieu, P. (1981). La representation politique [elements pour une théorie du champ politique]. *Actes de la recherche en sciences sociales*, 36(1), 3-24.
- Casey, k. l. (2008). Defining Political Capital: A Reconsideration of Bourdieu's Interconvertibility Theory. phd thesis. University of Missouri-St. Louis.
- Ebadi, N., Pirannejad, A., & Gholipour, A. (2014). Identifying the factors affecting political capital. *Management and Development*, Volume 27. Number 2. pp. 29-51. (in persian)
- French, r. (2011). political capital. *Representation*, 47:2, 215-230.
- Geetha, g., & Indira, r. (2010). Women, income generation, and political capital in the silk industry in Karnataka. *Gender, Technology and Development*, 14(3), 423-440.

- Goren, p. (2012). political values and political awareness. *critical review*, 24(4). 505-525.
- Gratton, g., holden, r., & lee, b. (2019). Political capital. *The international journal of human resource management*, 25(8). 23-54.
- Harvey, m., & Novicevic, m. (2004). The development of political skill and political capital by global leaders through global assignments. *The International Journal of Human Resource Management*, 15(7), 1173-1188.
- Keele, L. (2007). Social capital and the dynamics of trust in government. *American Journal of Political Science*, 51(2), 241-254.
- Kim, s. (2018). political participation. *oxford scholarship online* .
- Kitschelt, h., & rehm, p. (2017). Political participation. *politics trove*.
- Kjaer, U. (2013). Local political leadership: The art of circulating political capital. *Local Government Studies*, 39(2), 253-272.
- Lopez, E. (2002). The legislator as political entrepreneur: Investment in political capital. *The Review of Austrian Economics*, 15(2). 211-228.
- Magno, C. (2000). Gender & democracy: exploring the growth of political capital in women's NGO in Israel [Unpublished doctoral dissertation]. . university of Columbia.
- Mohammadifar, N., & Kazemi, A. (2020). The role of political media literacy and mass media in political efficiency and providing operational solutions (case study of Shahid Chamran University). *The Scientific Journal of Strategy*, Year 29, 35-65. (in persian).
- Nazari, S., Bashiri Givi, H., & Jannati, S. (2013). Investigating the Impact of Political Participation on Political Development (Case Study: Khalkhal Youth). *Iranian Journal of Social Development Studies*, Year 6. the first number. Pp. 137-146. (in persian).
- Ocasio, w., Pozner, j., & Milner, d. (2020). Varieties of political capital and power in organizations: A review and integrative framework. *Academy of Management Annals*, 14(1), 303-338.
- Pantoja, A. D. (2001). The dynamics of political knowledge [Unpublished doctoral dissertation]. Rice university.
- Peng, b., Tu, y., & Wei, g. (2018). Governance of electronic waste recycling based on social capital embeddedness theory. *Journal of Cleaner Production*, 187, 29-36.
- Sabkatginrizi, Q., Rohandeh, M., Basatin, S., & Jafari, A. (2016). Satisfaction

- and socio-political participation (Case study: Citizens of Karaj). *Applied Sociology*, Twenty-seventh Year, No. 63. pp. 97-116. (in persian).
- Saldana, J. (2015). *The coding manual for qualitative researchers*. SAGE.
- Sandovic, M. E. (2005). *Social capital & political action* [Unpublished doctoral dissertation]. Binghamton University.
- Schugurensky, D. (2000). Citizenship learning and democratic engagement: Political capital revisited. *Conference Proceedings. 41st Annual Adult Education Research Conference*, pp. 417–422. Vancouver, Canada.
- Shaffer, b., & Hillman, a. (2000). The development of business-government strategies by diversified firms. *Strategic Management Journal*, 21(2), 175-190.
- Siegel, j. (2007). Contingent political capital and international alliances: Evidence from South Korea. *Administrative Science Quarterly*, 52(4). 621-666.
- Smrek, M. (2020). When is access to political capital gendered? Lessons from the Czech Parliament. *Parliamentary Affairs*.
- Son, b., Kocabasoglu-hillmer, c., & Roden, s. (2016). A dyadic perspective on retailer–supplier relationships through the lens of social capital. *International Journal of Production Economics*, 178, 120-131.
- Sorensen, e., & Torfing, j. (2003). Network politics, political capital, and democracy. *International Journal of Public Administration*, 26(6), 609-634.
- sun, p., hu, h. w., & hillman, a. j. (2016). The dark side of board political capital: Enabling Blockholder rent appropriation. *Academy of Management Journal*, 59(5), 1801-1822.
- Talari, M., & Mousavi Shafaei, M. (2015). Political socialization: a platform for relational political marketing. *The Scientific Journal of Strategy*, Twenty-fifth year, No. 79, pp. 125-199. (in persian).
- Tedeschi, J. T. (2017). *Social power and political influence*.
- Urbinati, N. (2008). *Representative democracy: Principles and genealogy*. University of Chicago Press.
- Wessels, B. (2018). networks of social media and civic engagement and participation. *communicative civic-ness*, 132-147.
- Xu, Y. (2013). Moral resources, political capital and the development of social work in China: A case study of city J in Shandong province. *British Journal of Social Work*, 43(8), 1589-1610.

The Theoretical Foundations of Islamic Resistance by Looking at Islamic Internationalism

Hamid Nassaj

Corresponding Author, Associate Professor in Political Sciences, University of Isfahan,
Isfahan, Iran. h.nassaj@ase.ui.ac.ir

Mahnaz Goodarzi

Associate Professor in International Relations, Isfahan (Khoorasgan) Islamic Azad
University, Isfahan, Iran. m.goodarzi@khuisf.ac.ir

Yadullah Goodarzi Taghanaki

Ph.D. student, Isfahan (Khoorasgan) Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
goodarzi6131@gmail.com

Abstract

Creating a new way of resistance against the system of domination, the discourse of Islamic resistance that is a reproduction of the Iranians' culture of resistance against domestic despotism and global arrogance has made profound changes in the geopolitics of the Middle East and caused serious challenges for regional forces balance through threatening the interest of the West and Zionism in the region. It has practically turned into a powerful mechanism to fight arrogant politics in the region. Analyzing the theoretical foundations of the discourse was the main purpose of the present study. Other purposes of this study were to investigate the theoretical capacities of the discourse in realizing Islamic internationalism, provide an accurate analysis of Shia geopolitics, and investigate the role of the Islamic Republic of Iran in leading the Islamic resistance. According to Laclau and Mouffe's theoretical capacities and discourse analysis theory in analyzing the political concepts, this theory was selected as the theoretical framework and data analysis tool in this thesis. Based on the results, the discourse of Islamic resistance has the capacity to be hegemonic at the international level especially in West Asia and the Middle

East, due to its various theoretical and practical capacities. It is expected to provide the grounds to form an Islamic internationalism and unified nation based on the principles of original Revolutionary Islam through developing the intellectual foundations and expanding the geographical area.

Keywords: Islamic Resistance, Islamic Internationalism, Shiite Crescent, Discourse Theoretical Foundations

مبانی نظری مقاومت اسلامی با نگاهی بر انترناسیونالیسم اسلامی^۱

حمید نساج

نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران h.nassaj@ase.ui.ac.ir

مهناز گودرزی

دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
m.goodarzi@khuif.ac.ir

یدالله گودرزی طاقانکی

دانشجوی دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
goodarzi6131@gmail.com

چکیده

گفتمان محور مقاومت اسلامی که بازتولید فرهنگ مقاومت ملت ایران در برابر استبداد داخلی و استکبار جهانی است با ابداع شیوه نوینی از مقاومت، منافع غرب و صهیونیسم جهانی را در منطقه خاورمیانه مورد تهدید قرار داده و با ایجاد چالش در توازن قوای منطقه‌ای عملاً به مکانیزم قدرتمندی جهت مقابله با سیاست‌های استکباری در منطقه تبدیل شده است. تحلیل مبانی نظری حاکم بر این گفتمان، مهم‌ترین هدف این پژوهش است. بررسی قابلیت‌های گفتمان در تحقق انترناسیونالیسم اسلامی، ارائه تحلیلی دقیق از ژئوپلیتیک شیعه و بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران در هدایت محور مقاومت اسلامی از دیگر اهدافی است که در پژوهش دنبال می‌شود. نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه با توجه به قابلیت‌هایی که در تحلیل مفاهیم سیاسی دارد، به‌عنوان چارچوب نظری، روش تحقیق و ابزار تحلیل داده‌های مقاله انتخاب شده است. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش گفتمان محور، مقاومت اسلامی از قابلیت‌های لازم جهت هژمون شدن در جهان اسلام برخوردار است و انتظار می‌رود با توسعه مبانی فکری و بسط حوزه جغرافیایی، زمینه تشکیل امت واحده اسلامی و انترناسیونالیسم اسلامی را بر مبنای اصول اسلام اصیل انقلابی فراهم کند.

واژه‌های کلیدی: محور مقاومت اسلامی، انترناسیونالیسم اسلامی، هلال شیعی، مبانی نظری

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۲/۱۴ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۱۷

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۹۹-۳۳۲

مقدمه

مقاومت یکی از مفاهیم متداول در علوم انسانی است که امروزه از جایگاه ویژه‌ای در جامعه‌شناسی سیاسی برخوردار شده است. جان فوران^۱ مؤلف کتاب تاریخ تحولات اجتماعی ایران: مقاومت شکننده، از تنش به عنوان هسته مرکزی مقاومت یاد کرده و اذعان می‌دارد: تنش‌ها به صورت یک رشته اعتراض‌ها، شورش‌ها، انقلاب‌ها، جنبش‌های جدایی‌خواهانه و کودتاها رخ نموده و سرچشمه آن‌ها در مقاومتی است که بخش‌های گوناگون جامعه در برابر واقعیت‌های سلطه خارجی و خودکامگی دولتی نشان داده‌اند (فوران، ۱۳۸۵، ص. ۱۹).

کاستلز^۲ (۱۳۸۰) در تبیین مفهوم مقاومت از ظهور پدیده‌ای به نام هویت‌های مقاوم^۳ پرده برداشته و از بنیادگرایی اسلامی به عنوان یکی از مصادیق مقاومت یاد می‌کند. مقاومت در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم قدرت است؛ این ارتباط را می‌توان در سستی‌ترین تا مدرن‌ترین وجوه قدرت مشاهده کرد. در چهره پسامدرنیستی قدرت که در افکار اندیشمندانی چون فوکو^۴ مشهود است، تأکید بر همزیستی قدرت و مقاومت است و قدرت به تنهایی مفهومی ندارد و شرط وجود قدرت، داشتن رابطه مستمر با مبارزه، مقاومت و آزادی است؛ هرچا نافرمانی و مقاومت پایان یابد، رابطه قدرت هم، پایان می‌پذیرد (دریفوس، هربرت، ۱۳۷۶، ص. ۲۶).

تحلیل مبانی نظری حاکم بر مقاومت اسلامی با نگاهی بر اترناسیونالیسم

1. John Foran

2. Manuel Castells

3. Resistant identities

4. Michel Foucault

اسلامی مهم‌ترین هدفی است که در این پژوهش دنبال می‌شود. هرچند درکنار این هدف کلی، به اهداف فرعی‌تری از جمله تحلیل اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عضویت و رهبری محور مقاومت اسلامی، ایران نیز توجه شده است. مهم‌ترین سؤالی که در این پژوهش مطرح شده است، پرسش از چیستی ارتباط مبانی نظری حاکم بر محور مقاومت اسلامی با هژمون‌شدن گفتمان محور مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه و غرب آسیاست. در طراحی فرضیه پژوهش، تأثیرگذاری مبانی نظری محور مقاومت اسلامی بر هژمون‌شدن گفتمان مقاومت اسلامی و شکل‌گیری انترناسیونالیسم اسلامی موردتوجه قرار گرفته است. مهم‌ترین مشکلی که این پژوهش به دنبال حل آن است، ارائه راه‌حلی مناسب برای حل مسئله تفرقه و انشقاق در جهان اسلام است. تفرقه و انشقاقی که ریشه در سلطه تاریخی گفتمان لیبرال دموکراسی و مسیحیت صهیونیستی از یک‌سو و گفتمان سلفی تکفیری و اسلام سکولار از سوی دیگر دارد.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. پژوهش‌های داخلی

آقایان رسولی ثانی‌آبادی و روستایی (۱۳۹۸) در مقاله موازنه تهدید و اتحاد اعراب و اسرائیل در برابر محور مقاومت، به بررسی چرایی اتحاد اعراب و اسرائیل در مقابل محور مقاومت اسلامی علی‌رغم عدم اشتراکات ایدئولوژیک پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که براساس نظریه توازن تهدید استفان والف تهدید مشترک محور مقاومت اسلامی عامل ائتلاف اردوگاه عربی - عبری در منطقه خاورمیانه است.

آقای کریمی (۱۳۹۶) در مقاله «نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت اسلامی» به بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری محور مقاومت با بهره‌گیری از مکتب امنیتی کپنهاک^۱ پرداخته و نتیجه‌گیری کرده است که بخش غالبی از هویت مجموعه امنیتی محور مقاومت اسلامی تحت تأثیر منابع هویت‌بخشی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است.

آقای داوند و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از مبانی مادی، نهادی و مولد قدرت خویش توانسته است هندسه مقاومت در غرب آسیا را تحت تأثیر قرار دهد.

۱-۲. پژوهش‌های خارجی

آقای الحسینی (2016)^۱ در مقاله قدرت نرم در خاورمیانه: انفجار نامرئی، ضمن احصای مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه، به این نتیجه رسیده است که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از قدرت نرم، موفق به سازمان‌دهی شبکه‌ای از متحدان منطقه‌ای در قالب محور مقاومت اسلامی شده و با طرح شعارهایی چون حمایت از فلسطین جای پای در بین اعراب باز کرده است. ارسلان (2015)^۲ در مقاله «از محور مقاومت به هلال شیعی» ضمن بررسی تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال محور مقاومت اسلامی به این نتیجه رسیده است که جمهوری اسلامی ایران که در آغاز سیاست تأمین امنیت خود در منطقه را دنبال می‌کرد؛ امروزه به‌عنوان رهبر منطقه‌ای، بدون نگرانی‌های امنیتی، عمل می‌کند و از محور مقاومت به سمت تشکیل هلال شیعی عبور کرده است.

دوران و ییلماز (2013)^۳ در مقاله «اسلام، مدل‌ها و خاورمیانه جدید» ضمن معرفی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مدل‌های قدرت در منطقه خاورمیانه به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران از نقش رهبری در محور مقاومت اسلامی برخوردار است و اگرچه موفق به صدور انقلاب خود به کشورهای اسلامی نشده است اما سایر جنبش‌های اسلامی تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند.

علی‌رغم پژوهش‌های خوب انجام شده در موضوع محور مقاومت اسلامی،

1. fadi Elhousseini

2. Arslan, MuhteremNaz

3. Burhanettin Duran& Nuh yilmaz

کمتر با نگاه هستی‌شناسانه و گفتمانی به موضوع مقاومت پرداخته شده است و مفهوم محور مقاومت اسلامی غالباً در چارچوب نظریات روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته است و جنبه نو بودن این پژوهش همین نگاه هستی‌شناسانه و گفتمانی به موضوع است.

۲. چارچوب نظری و روش تحقیق

باتوجه به جامعیت نظریه گفتمان لاکلا و موفه^۱ در انجام تحقیقات کیفی، این نظریه به‌عنوان چارچوب نظری و ابزار تحلیل داده‌های رساله انتخاب شده است.

۲-۱. روش تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان یکی از پرکاربردترین روش‌های تحقیق کیفی است که هدف اصلی آن ارائه تکنیک‌هایی جهت کشف معانی نهفته در متون است. اصطلاح تحلیل گفتمان برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ توسط زبان‌شناس انگلیسی، زلیک هریس^۲ استفاده شده است (بهرامپور، شعبانعلی، ۱۳۷۹، ص. ۸).

به اعتقاد ساعی (۱۳۸۶) در روش تحلیل گفتمان که درواقع یک روش تحلیل کیفی است، تحلیل‌گر در بررسی متون از متن فراتر می‌رود و وارد بافت یا زمینه متن می‌شود. فرایند پژوهش از سطح نظری آغاز می‌شود و در مرحله گردآوری داده‌ها به‌جای پرسش از فرد، از متن پرسش می‌شود؛ در این روش، واحد مشاهده متن است و علاوه بر کشف رابطه متن و فرامتن نوعی از نقد اجتماعی نیز نهفته است که یکی از دلایل آن درهم‌تنیدگی گفتمان با «قدرت» و «ایدئولوژی» است.

۲-۲. نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

قابلیت‌های نظریه گفتمان لاکلا و موفه با به‌کارگیری مفاهیمی چون مفصل‌بندی به‌دست آمده است. مفصل‌بندی کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، رفتارها و... چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند. از این‌رو هویت یک گفتمان در اثر رابطه‌ای که از طریق عمل

1. Erenso Laclau & Chantal Mouffe

2. Zellig Harris

مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به‌وجودمی‌آید، شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳، ص. ۴۶). آنچه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است (حسینی زاده، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، ۱۳۸۳، ص. ۱۹۴)؛ لذا باتوجه به اهداف و ماهیت موضوع پژوهش، این نظریه می‌تواند پاسخگوی نیاز نظری این پژوهش باشد.

نظریه گفتمان لاکلا و موفه از مفاهیمی چون مفصل‌بندی، دال و مدلول، عنصر، وقته، حوزه گفتمان‌گونگی، ضدیت و غیریت، هژمونی و تثبیت معنا، قدرت، امکانیت، بی‌قراری، وجه اسطوره‌ای و استعاره‌ی تشکیل شده است، ویژگی مفاهیم یادشده آن است که به شکلی خاص، به‌صورت زنجیروار با یکدیگر مرتبطند. فهم هر مفهوم ما را به شناخت مفاهیم بعدی رهنمون می‌شود، ضمن اینکه برخی مفاهیم اصلی چند مفهوم دیگر را دربرمی‌گیرند و این مفاهیم، زیرمجموعه مفاهیم اصلی هستند (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ص. ۳۴۳). دال‌ها درواقع اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال موردنظر برایمان معنا می‌شود (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۶۳). دال مرکزی نشانه‌ای است که دیگر نشانه‌ها در پیوند با آن معنا می‌یابند، مانند لیبرال دموکراسی که دال‌هایی چون انتخابات آزاد، آزادی‌بیان و مشارکت سیاسی در پیوند با آن به معنایی ویژه دست می‌یابند (حسینی زاده، اسلام سیاسی در ایران، ۱۳۸۶، ص. ۲۰).

غیریت و خصومت در نظریه لاکلا و موفه به امکانی و موقتی و تصادفی بودن نهایی پدیده‌ها و گفتمان‌ها اشاره دارد. خصومت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد پس همه گفتمان‌ها خصلتی امکانی و موقتی دارند و هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شوند (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۶۵). از سوی دیگر، این تضاد به‌رغم نظریه مارکس همیشه

خصلتی ویرانگر ندارد و می‌تواند سازنده هم باشد (مقدمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۳).

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش حول پنج محور بررسی ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی، عوامل هم‌گرایی و واگرایی در محور مقاومت اسلامی، گفتمان محور مقاومت اسلامی و مفهوم انترناسیونالیسم اسلامی، جمهوری اسلامی ایران و رهبری محور مقاومت اسلامی و بالاخره تحلیل گفتمان محور مقاومت اسلامی براساس نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه سامان‌دهی شده‌است.

۳-۱. ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی

ژئوپلیتیک را می‌توان مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست تعریف نمود (حافظ نیا، ۱۳۷۹، ص. ۸۵). اندیشمندان ژئوپلیتیک را به دو دسته کلی سستی و انتقادی تقسیم نموده‌اند. ژئوپلیتیک در تعریف سستی خود، به نقش عوامل جغرافیایی به‌ویژه موقعیت کشورها در روابط بین‌الملل توجه خاص دارد (میرحیدر، ۱۳۸۶، ص. ۳۷). در ژئوپلیتیک انتقادی علاوه بر دولت‌ها؛ احزاب، گروه‌ها، شرکت‌های چندملیتی، گروه‌های تروریستی، سازمان‌های بین‌المللی و... نیز ایفای نقش می‌نمایند. مهم‌ترین ویژگی ژئوپلیتیک انتقادی، گفتمانی‌بودن و برخورداری آن از عنصر مقاومت و مبارزه است (قاسمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۳)؛ بنابراین ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی در حوزه ژئوپلیتیک انتقادی قابل‌بررسی است. باتوجه به عجین‌بودن محور مقاومت اسلامی با مفهوم شیعه، ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی را می‌توان ذیل مفهوم ژئوپلیتیک شیعه مورد بررسی قرار داد. شیعیان یکی از پراکنده‌ترین مذاهب حال حاضر جهان هستند. پراکندگی شیعیان، هم از نظر تاریخی و هم از نظر دلالت‌های فرهنگی و سیاسی، از اهمیت بسیارزایدی برخوردار است (ضرغامی، شوشتری، & انصاری زاده، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۰). شکل جغرافیایی استقرار شیعیان در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه بیانگر این است که به‌رغم جمعیت کم شیعیان در خلیج فارس، در قیاس با کل جمعیت مسلمانان، این شیعیان هستند که در مناطق حساس ژئوپلیتیکی جهان

اسلام قرار گرفته‌اند و کشور ایران به‌مثابه کانون جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شیعیان جهان، هم از لحاظ عینی و هم از لحاظ معنایی محوریت اصلی تشیع را به عهده دارد. پراکنش جغرافیایی شیعیان کشورهای عربی نیز وجه دیگری از اهمیت ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی است. فولر در کتاب «شیعیان عرب، مسلمانان فراموش‌شده» می‌نویسد: از بعد نظری، شیعیان عرب به کمک ایران می‌توانند بیشترین منافع نفتی خلیج فارس را تحت کنترل کامل خود درآورند (تقی زاده داوری، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۳). بنابراین ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی به لحاظ اهمیت یافتن ابعاد معنایی به یک ائتلاف ژئوپلیتیکی - ژئوکالچری تبدیل شده، مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و کلیه کشورها، احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها و حتی افرادی را که براساس مبانی فکری محور مقاومت اسلامی عمل می‌کنند، در برمی‌گیرد. براین اساس کلیه گروه‌های اسلامی اعم از شیعه یا سنی که به‌نوعی تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته و در راستای اعتلای کلمه الله و تحقق عدالت گام برداشته و سلطه اردوگاه غرب به رهبری آمریکا و اشغالگری رژیم صهیونیستی اسرائیل را برنمی‌تابند و علیه آن مبارزه می‌کنند، جزئی از محور مقاومت اسلامی به حساب می‌آیند.

۲-۳. عوامل هم‌گرایی و واگرایی محور مقاومت اسلامی

محور مقاومت اسلامی به‌عنوان یک گفتمان فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، نظامی با یک‌سری عوامل هم‌گرا و هویت‌بخش و یک‌سری عوامل واگرا و تفرقه‌آفرین مواجه است. عوامل هم‌گرا و هویت‌بخش عمدتاً تحت تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و عوامل واگرا ریشه در هویت‌های مذهبی، قومی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی منطقه دارند. از آنجایی که بسیاری از شاخص‌های فرهنگ سیاسی حاکم بر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران ماهیت هویت‌گرا، عدالت‌جویانه و شالوده‌شکن دارند، توانسته‌اند جنبش‌های اسلامی را در سطح منطقه و جهان تحت تأثیر قرار دهند. به عبارت دیگر، آرمان‌ها، هنجارها و ارزش‌های هویت‌بخش به انقلاب اسلامی با منشأ اندیشه‌های عاشورایی شیعه به‌عنوان یک گفتمان فراملی نه‌تنها شیعیان و جهان اسلام و امت

مسلمان بلکه کلیه مظلومان و مستضعفان جهان را شامل گردیده و در بین ملت‌های تحت‌ظلم منطقه همانند سوریه، لبنان، فلسطین و عراق به گفتمان غالبی تحت‌عنوان گفتمان مقاومت تبدیل شده‌اند (کریمی، ۱۳۹۶، ص. ۷).

درخصوص عوامل واگرا بیشتر باید به عناصر مذهبی، قومی، نژادی، جغرافیایی، سیاسی و... اشاره کرد. هرچند این عناصر به‌زعم شهید مطهری نقش ثانویه در شکل‌گیری هویت ملت‌ها دارند لکن نظام سلطه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در مفاهیم یادشده فرصت هرگونه هم‌گرایی و ایجاد اتحاد در ملت‌های تحت ستم را از بین می‌برد. سناریوی ساختگی هلال شیعی دقیقاً در راستای بهره‌گیری از همین عوامل در به انزوا کشاندن محور مقاومت اسلامی است. طراحان این سناریو معتقدند که هلال شیعی، هلالی است که از جبل عامل شروع شده و پس از درنوردیدن بین‌النهرین و سواحل خلیج فارس، به‌ویژه مناطق نفت‌خیز شرق عربستان سعودی و فلات ایران، تا قلب کوه‌های خراسان بزرگ ادامه می‌یابد (جمالی، ۱۳۸۶، ص. ۱۴). آنان از شکل‌گیری یک خاورمیانه جدید، حول محور شکاف شیعه و سنی خبر می‌دهند. به نظر می‌رسد هدف از طرح هلال شیعی ایجاد نزاع منطقه‌ای و شکل‌دادن به یک درگیری با ویژگی‌های نژادی، قومی و دینی است (جمالی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱). علی‌رغم تلاش‌های دشمنان در تقویت عوامل واگرایی و ایجاد انشقاق در محور مقاومت اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی، درصدد وحدت ملت‌های مسلمان برآمده و تحقق «پروژه امت‌سازی» را تعقیب می‌کند (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۸۲). البته باتوجه به نفوذ گسترده اسلام سلفی و وجود قرائت‌های مختلف از مفهوم وحدت اسلامی در بین علما و اندیشمندان مسلمان و اختلاف نگاه حاکمان و مردم به مفهوم وحدت در جوامع اسلامی، راه بسیار دشواری در پیش‌روی اعضای محور مقاومت اسلامی است.

۳-۳. گفتمان مقاومت اسلامی و مفهوم انترناسیونالیسم اسلامی

ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم مفاهیمی هستند که در پاسخ به نیاز جوامع انسانی در طول تاریخ شکل گرفته‌اند و هرکدام سهمی در برآوردن حوایج بشری داشته‌اند.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد ناسیونالیسم و ملی‌گرایی قبل از انترناسیونالیسم شکل گرفته و انترناسیونالیسم درواقع پاسخی به ضعف ناسیونالیسم در تأمین صلح و امنیت جهانی است؛ انترناسیونالیسم در ساده‌ترین وجهش، نماینده این طرز تفکر است که می‌گوید ما جزئی از اجتماعی پهناورتر از ملت و کشور هستیم و باید باشیم ... انترناسیونالیسم را می‌توان تحت سه عنوان کلی دسته‌بندی کرد؛ نخست انترناسیونالیسم لیبرال که با طرز تفکری خوش‌بینانه بر این باور است که جوامع و افراد مستقل از طریق کنش متقابل و همکاری افزون‌تر، به سمت مقصدهای مشترک که از همه مهم‌تر صلح و سعادت همگانی است، حرکت می‌کنند ... دوم انترناسیونالیسم سلطه‌جو، بر این باور است که یکپارچگی دنیا در حال وقوع است اما تحت شرایطی بی‌تناسب و نابرابر و همین روند تنها راه ممکن و به‌راستی مطلوب برای تحقق چنین وحدتی خواهد بود ... و سوم انترناسیونالیسم انقلابی یا رادیکال که تأکید بر طبقات زیر ستم دارد ... (هالیدی، ۱۳۶۷، ص. ۱۱-۱۳).

برخلاف ناسیونالیسم که بر معیارهای قومی، زبانی، جغرافیایی، نژادی و... تأکید دارد، انترناسیونالیسم با تأکید بر معیارهای فوق ملی، دایره تعلقات انسانی را توسعه بخشیده و بر امکان همکاری بین ملت‌های همگن و همسو تأکید می‌کند. به همین دلیل در اسلام به‌جای ناسیونالیسم بر انترناسیونالیسم تأکید می‌شود. انترناسیونالیسم اسلامی یا حکومت جهانی اسلام برخلاف نحله‌های مختلف انترناسیونالیسم، ریشه در پیدایش ادیان الهی و آسمانی دارد و درواقع منادی وحدت جهانی و امت واحده ادیان الهی است (غروی‌ان & قوامیان، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۹). گفتمان محور مقاومت با تأکید بر مشترکات دین مبین اسلام و با کمرنگ جلوه‌دادن تفاوت‌های قومی، زبانی و نژادی در جغرافیای اسلام درصدد استقرار انترناسیونالیسم اسلامی با حضور و مشارکت کلیه ملت مسلمان تحت سلطه است.

۳-۴. جمهوری اسلامی ایران و رهبری محور مقاومت اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحولات عمیقی در سطح منطقه خاورمیانه، غرب آسیا و جهان اسلام ایجاد شد. این تحولات عمیق را در سطح کلان در چهار بخش کلی می‌توان خلاصه کرد: اول، احیای اعتبار مجدد اسلام به‌مثابه مکتبی اجتماعی و

سیاسی؛ دوم، الگوشدن اسلام سیاسی و تشیع به عنوان ارائه دهنده نظام حکومتی و مطرح شدن آن در سطح بین المللی؛ سوم، احیا و ظهور مجدد نهضت های اسلامی و انقلابی و چهارم، طرح اندیشه اتحاد جهان اسلام (امت گرایی) که نوعی بازبینی در رابطه جهان اسلام و غرب است (حشمت زاده، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۷). به عبارت دیگر انقلاب اسلامی ایران، ساختار سیاسی، نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین الملل را تحت تأثیر قرار داد و باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید غیردولتی (جنبش ها و ملت ها) شد (رضا پور، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۱). شاید مهم ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران را بتوان چالش در برابر هژمونیک گرایی و سلطه جهان غرب بر مناطق پیرامونی دانست (داوند محمد. اسلامی محسن، داوند حجت، ۱۳۹۷، ص. ۸۴). باتوجه به اینکه کانون الهام بخش فرهنگ مقاومت اسلامی در خاورمیانه، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ منبعث از آموزه های مبارزاتی شیعه است؛ ازاین رو، تقویت گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه درواقع، تقویت نظام جمهوری اسلامی و مرزهای تأثیرگذار فرهنگی انقلاب اسلامی است (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۶۲).

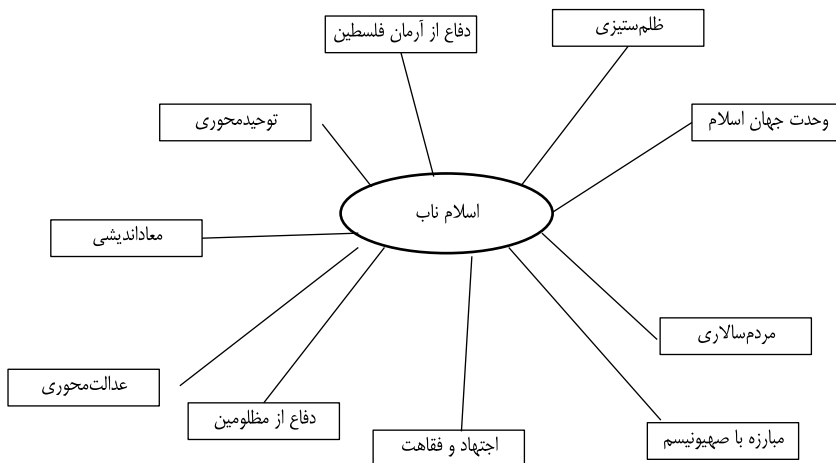
۳-۵. تحلیل گفتمان محور مقاومت اسلامی براساس نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

قبل از تحلیل عناصر گفتمان مقاومت اسلامی براساس نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه باید به تبیین جایگاه گفتمان مقاومت اسلامی در بین گفتمان های اسلامی بپردازیم. برخی صاحب نظران معتقدند: اسلام سیاسی عنوانی کلی برای جریان های سیاسی و فکری متعددی است که در جهان اسلام حضور دارند و احیاناً با عناوینی متفاوت و گاه متضاد از آنان نام برده می شود. محققان جنبش های اسلامی در بیان این پدیده از مفاهیمی چون بنیادگرایی، بیداری اسلامی، رادیکالیسم، اسلام گرایی و ... استفاده کرده اند. درکل، به نظر می رسد در بین واژگان موجود، دال هایی چون اسلام گرایی و اسلام سیاسی، واژگان مناسب تری برای توصیف و نام گذاری کلان جریان اسلامی معاصر هستند (بهروز لک غ.، ۱۳۸۶، ص. ۲). گفتمان مقاومت اسلامی به عنوان یک زیرگفتمان در

ابرجفتمان اسلام سیاسی مبتنی بر اسلام فقهاتی است. اسلام سیاسی فقهاتی مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی (ره) است و بر ولایت فقیه، فقه و روحانیت به‌عنوان مفسرین اصلی شریعت تأکید می‌کند. در اسلام سیاسی فقهاتی، علم فقه به‌دلیل نقشی که در شناخت قانون‌های دینی دارد و همچنین فقها به‌عنوان کارشناسان معتبر دینی از جایگاه بلندی برخوردارند. روحانیت در این گفتمان تنها مفسران معتبر شریعت به‌شمار می‌آیند و اسلام منهای روحانیت، اسلامی بی‌محتوا، انحرافی و... تلقی می‌شود (حسینی زاده، اسلام سیاسی در ایران، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۲).

۳-۵-۱. مفصل‌بندی مفاهیم در گفتمان محور مقاومت اسلامی

محور مقاومت اسلامی که تحت‌تأثیر ارزش‌ها و اصول بنیادین انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته، حول دال مرکزی «اسلام ناب» که از مفاهیم ابداعی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران است با مفاهیمی چون توحیدمحوری، معاداندیشی، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلومین عالم، مبارزه با سلطه طواغیت، مردم‌سالاری دینی و مبارزه با صهیونیسم به‌عنوان دال‌های پیرامونی مفصل‌بندی شده است.



شکل ۱. مفصل‌بندی گفتمان محور مقاومت اسلامی

منبع: نگارنده

۳-۵-۲. اسلام ناب، دال مرکزی گفتمان محور مقاومت اسلامی

مفهوم اسلام ناب که اولین بار از سوی حضرت امام خمینی (ره) در مقابل مفهوم اسلام آمریکایی مطرح شد، دیدگاه منحصر به فردی است که در دسته بندی های متداول اندیشه های سیاسی اسلام نمی گنجد لکن واجد برخی از شاخصه های نظریه اسلام سیاسی است. امام خمینی (ره) در تبیین ویژگی های اسلام ناب می فرماید: «اسلامی که غرب و در رأس آن آمریکای جهانخوار و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن، پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن، ملحدان و کافران و سرمایه داران و پول پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت، بی بهره بوده اند و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حيله گر و قدرتمداران بازیگر و مقدس نمایان بی هنرند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ج ۲۱ ص ۵۹). مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای در پیامی به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ویژگی های اسلام ناب و تفاوت آن با اسلام آمریکایی را این گونه بیان فرمودند: «در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیا پرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی بندوباری و بی تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی خاصیت؛ اسلام نجات بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه دست قدرت ها؛ خلاصه اسلام ناب محمدی جایگزین اسلام آمریکایی گردید» (امام خامنه ای مد ظله العالی، ۱۳۶۹).

۳-۵-۳. مفهوم دال های شناور و تهی در گفتمان محور مقاومت اسلامی

دال های شناور در تحلیل گفتمان لاکلا و موفه مفاهیم و نشانه هایی هستند که از ثبات معنایی خاصی برخوردار نیستند و صحنه جدال بین گفتمانی هستند و

گفتمان‌های مختلف می‌کوشند به روش خود به آنها معنا دهند. به اعتقاد ژاک دریدا، دال‌های شناور در جهان اسلام عامل متنوع‌سازی رفتار استراتژیک در جهان غرب می‌شوند. این تنوع معنایی از یک‌سو بیانگر افزایش انعطاف‌پذیری در جهان اسلام و از سوی دیگر مبین تنوع گفتمانی در جهان غرب و حداکثرسازی انشعابات استراتژیک در رفتار جهان غرب نسبت به نیروهای اسلام‌گراست. نتیجه این تحول معنایی، ازین‌رفتن نقطه مرکزی در گفتمان اسلام‌گرایی و جایگزین شدن دال‌های شناور به‌جای دال‌های مرکزی است (قرلسفلی & فرخی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۸). به عبارت دیگر تنوع معنایی در اردوگاه اسلام از یک‌سو، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری اسلام در برابر گفتمان غرب و از سوی دیگر تنوع رفتاری غرب نسبت به اسلام را در پی دارد که البته نتیجه عملی این تعامل دوسویه، ایجاد انشقاق در اردوگاه اسلام و دورشدن از وحدت گفتمانی در بین مسلمین جهان است.

برای مثال جهاد به‌عنوان یک دال شناور در گفتمان مقاومت اسلامی به‌معنای دفاع از مرزهای اعتقادی و جغرافیایی و ارزشی تعبیر می‌شود درحالی‌که مفهوم جهاد در گفتمان‌های رقیب و متضاد ازجمله گفتمان بنیادگرایی و گفتمان سلفی، به‌معنای مقابله با کفر تعبیر و تفسیر می‌شود.

دال خالی بیانگر یک خلأ در فضای اجتماعی است و دال‌های خالی دست‌مایه خلق اسطوره‌ها قرار می‌گیرند و مفصل‌بندی گفتمان‌های جدید حول دال خالی موجود در گفتمان بی‌قرار شده، شکل می‌گیرد و وجود دال‌های خالی که نشانی از بی‌قراری‌ها، تقاضاها و بحران‌ها در عرصه سیاسی - اجتماعی است، زمینه را برای شکل‌گیری گفتمان‌های جدید فراهم می‌سازد. اگر گفتمان‌های مسلط بتوانند این خلأها را پرکنند، ادامه حیات خود را تضمین کرده‌اند، در غیر این صورت جای خود را به گفتمان‌های رقیب خواهند داد (کسرایي & پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ص. ۳۳۵). دال خالی گفتمان مقاومت اسلامی که مبتنی بر اسلام سیاسی فقهاتی است، رهایی مظلومین عالم از سلطه ستمگران جهان به‌طورعام و رهایی قدس شریف و ملت فلسطین از چنگال صهیونیسم غاصب به‌طورخاص است. حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار گفتمان مقاومت اسلامی در

جهان معاصر در این خصوص می‌فرمایند: «البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلامی در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم ... ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی که بر پایه سرمایه‌داری، کمونیسم و صهیونیسم استوار گردیده‌اند را نابود کنیم و نظام اسلامی رسول‌الله را در جهان استکباری ترویج نماییم و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۸۱ ج ۲۱).

۳-۵-۴. مفهوم زمان و مکان در گفتمان محور مقاومت اسلامی

زیست اجتماعی گفتمان‌ها صرفاً در ظرف زمان و مکان قابل‌تصور است و هیچ گفتمانی در خلأ شکل نمی‌گیرد. نظام معنایی گفتمان‌ها در ظرف زمان و مکان متحول می‌شود و هیچ گفتمانی در زمان متوقف نمی‌ماند. زیرا گفتمان‌ها نظام معنایی خود را به گونه‌ای شکل می‌دهند که بتوانند با نظام معنایی متغیر گفتمان رقیب مقابله کنند. در تحلیل گفتمان از حیث بعد زمان و مکان به دو نکته باید توجه کرد؛ نکته اول تحلیل دقیق پیشینه یک دوره تاریخی خاص و نکته دوم زمانی که یک گفتمان در یک جغرافیای خاص فعال می‌شود و به خود نظم می‌گیرد.

بررسی‌های تاریخی قائل به یک سیر تکوینی سه‌مرحله‌ای برای گفتمان مقاومت اسلامی است. در این خط سیر تکوینی سه موج اصلی شناسایی شده است؛ موج اول که در واقع با تولد اصلاح‌گرانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری و عبدالرحمن کواکبی آغاز شده، هم‌زمان با آغاز رکود تمدن اسلامی و خروج غرب از قرون وسطی است. مبارزات در این مرحله منحصر به اقدامات فردی و جزیره‌ای است. در موج دوم که غالب کشورهای اسلامی در غرب آسیا و خاورمیانه را در برمی‌گیرد، اسلام سیاسی جایگزین اسلام فردی می‌شود و تقابل بین گفتمان اسلام سیاسی و غربی، رنگ و بوی قهرآمیز به خود می‌گیرد. ظهور رژیم اشغالگر صهیونیستی، ظهور استعمار نو، افول ناسیونالیسم عرب، هژمون‌شدن سبک زندگی غربی در کشورهای اسلامی و بالاخره پیروزی انقلاب اسلامی ایران

از ویژگی‌ها و رخداد‌های مهم این موج است. در این مرحله، گفتمان مقاومت اسلامی سعی می‌کند از طریق مبارزه با حکومت‌های غیرمردمی و رژیم‌های پیرو غرب زمینه هژمون‌شدن خود را فراهم کند. در موج سوم که مشارکت و جهاد نام گرفته، انقلاب اسلامی ایران در تولد و تحرک سیاسی بسیاری از جنبش‌های اسلامی سیاسی اعم از شیعه یا سنی ایفای نقش کرده و جنبش‌های اسلامی تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی ایران مفاهیمی چون جهاد، شهادت و ایثار را به‌عنوان اصول اساسی مبارزه و به‌عنوان تکلیف شرعی پذیرفتند (ناظمی اردکانی & خالدیان، ۱۳۹۷، ص. ۷۰-۷۲). بنابراین گفتمان محور مقاومت اسلامی در تحلیل زمانی و مکانی دربرگیرنده نظام معنایی تحول‌یافته‌ای است که طیف وسیعی از اقدامات فردی تا اقدامات سازمان‌یافته بین‌المللی را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف دربرمی‌گیرد.

۳-۵-۵. مفهوم قدرت در گفتمان محور مقاومت اسلامی

برای درک مفهوم قدرت در گفتمان محور مقاومت اسلامی باید به شناخت مؤلفه‌های زبان سیاسی مقاومت پرداخت. زبان سیاسی مقاومت اسلامی دربرگیرنده مجموعه ارزش‌های دینی و نمادهای فرهنگی است که در تولید قدرت در گفتمان محور مقاومت اسلامی ایفای نقش می‌کنند. براساس آیه ۱۶۵ سوره بقره «ان القوه لله جميعاً» خداوند منشأ تمام قدرت‌هاست و هر قدرتی با مشیت الهی شکل می‌گیرد. بنابراین تأکید بر بعد الهی مفهوم قدرت، فصل مشترک نظریه اندیشمندان، فقها و فلاسفه اسلامی در تبیین مفهوم قدرت است. برخلاف آنچه در جهان غرب وجود دارد و سیاست رسالتی جز حفظ قدرت ندارد، اسلام قدرت را امانت می‌داند و صاحب قدرت را امانتدار، وظیفه قدرتمدار آن است که امانت را ملک خود نداند و در نگهداری آن کمال دقت را داشته باشد (حقیقت، ۱۳۷۸، ص. ۲۵۷). کاربست قدرت در اندیشه اسلامی وظیفه‌گرا و متصل است. به این مفهوم که تلاش برای کسب و اعمال قدرت توجیه و ارزش ذاتی ندارد، بلکه در راستای وظیفه مسلمانان برای برپایی حکومت اسلامی و انجام اهداف الهی است (صالحی & مشتاقی، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۳). رهبران انقلاب اسلامی ایران که در واقع رهبری

محور مقاومت اسلامی را نیز از ابتدای شکل‌گیری برعهده داشته‌اند، دیدگاهی خدامحورانه و تقلیل‌گرایانه نسبت به مفهوم قدرت دارند. امام خمینی (ره) به‌عنوان تئوریسین اسلام انقلابی معتقدند: «قدرت خودش کمال است و خدای تبارک و تعالی قادر است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۱۵۵، ج ۱۳). مقام معظم رهبری نیز در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۱۵ در دیدار با کارگزاران نظام فرمودند: «قدرت و ثروت مثل بقیه مواهب زندگی زینت زندگی است» (امام خامنه‌ای مدظله العالی). تئوریسین‌های گفتمان محور مقاومت اسلامی، قدرت ملت‌ها را مهم‌ترین عنصر قدرت مقاومت اسلامی عنوان کرده و بر اتحاد ملل مسلمان جهان برای تحقق آرمان‌های بزرگ اسلامی از جمله آزادی قدس شریف، نابودی اسرائیل غاصب و رهایی مظلومین عالم تأکید کرده‌اند. امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرمایند: «(مسئولین) این کشور را برای دفاع از ارزش‌های اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان در آمادگی کامل نگه دارند و مبدا توجه به برنامه‌های دیگر موجب غفلت از این امر حیاتی گردد که مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۳۵۸، ج ۲۱).

با دقت در این بیان حضرت امام (ره) روشن می‌شود که نگاه ایشان به قدرت، نگاهی فرامرزی و فراملی است و ایشان تقویت قوای مسلحه را نه صرفاً برای صیانت از ایران اسلامی بلکه برای دفاع از ارزش‌های کیان اسلامی و مستضعفین عالم می‌خواهند.

۳-۵-۶. مفهوم غیریت در گفتمان محور مقاومت اسلامی (تحلیل فضای تخصمی)

نخستین قدم در به‌کارگیری تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه، شناسایی فضای تخصم و غیریت‌سازی بین گفتمان‌های مختلف است (بهروز لک غ.، ۱۳۸۵، ص. ۴۱). گفتمان‌ها در فضای تخصم و غیریت‌سازی است که به اثبات هویت خویش و نفی هویت گفتمان‌های رقیب و متخاصم می‌پردازند. در گفتمان محور مقاومت اسلامی که همان گفتمان اسلام سیاسی - انقلابی است با دو نوع فضای تخصمی درون‌گفتمانی و برون‌گفتمانی مواجهیم. منظور از فضای تخصمی درون‌گفتمانی

مقابله یا رقابت با گفتمان‌هایی است که با سبقه اسلامی و مذهبی شکل گرفته و کلیت یا بخشی از جهان اسلام را تحت‌تأثیر افکار، اندیشه‌ها و رفتار خویش قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان از گفتمان‌های اسلامی سلفی و اسلام سکولار نام برد. منظور از فضای تخصصی برون‌گفتمانی مقابله با گفتمان غربی - صهیونیستی است که درصدد هژمون ساختن تفکر لیبرال دموکراسی و سرمایه‌داری غربی در سراسر جهان است.

۳-۵-۶-۱. فضای تخصصی درون‌گفتمانی

گفتمان اسلام سلفی به‌عنوان اولین غیرگفتمانی در فضای تخصصی درون‌گفتمانی مقاومت اسلامی، به رد مدرنیته و سکولاریسم می‌پردازد و هم‌مسلمانان فاسد خویش را آلت دست کافران می‌نامد و اشکال دموکراتیک و سکولار دولت را که توسط غربی‌ها به کار گرفته شده‌اند، مردود دانسته و بر حاکمیت انحصاری قوانین الهی به‌عنوان تنها شکل مشروع حکومت تأکید کرده و حاکمیت دولت‌ها را نمی‌پذیرد (کرم زادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۵). این گفتمان سیاسی - مذهبی که ریشه در قرون اولیه اسلام دارد، در طول تاریخ در اشکال مختلف ظاهر گردیده که از آن جمله می‌توان به جریان تکفیری وهابیت، جریان اخوانی، جریان تکفیری - جهادی، جریان القاعده، جریان طالبان و بالاخره جریان داعش اشاره نمود. نص‌گرایی و مخالفت با دخالت عقل در فرایند فهم دین، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی این گفتمان شمرده می‌شود. همین نص‌گرایی است که آنان را به قرائت ظاهری کنونی‌شان از توحید و سایر باورهای اسلامی رسانده است (هوشنگی & پاکتچی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۹). بنابراین در گفتمان اسلام سلفی، اسلامی‌کردن جامعه اصل است و مفاهیم مدرنی همچون دموکراسی، سکولاریسم، حقوق بشر، حضور زن در عرصه عمومی، مشارکت سیاسی مردم و... که همه از مشخصه‌های مدرنیسم است، جایی ندارد (علی حسینی & عربیان، ۱۳۹۵، ص. ۸). چنین گفتمانی به‌خاطر اعتقاد به حقانیت مطلق خود، فضایی برای پرسش و نقد باقی نمی‌گذارد و چون دیگران را مطلقاً باطل دانسته و راه برون‌رفت را در جهاد می‌بیند، امکان گفتگوی سیاسی و اجتماعی و مردم‌سالاری را منتفی دانسته و

مطلوب خود را در جامعه تک‌صدایی می‌بیند (هوشنگی & پاکتچی، ۱۳۹۰، ص. ۴۲۷). گفتمان سلفی وجه ایجابی ندارد و بیشتر یک تفکر سلبی به حساب می‌آید. گفتمان اسلام سکولار که درواقع ازسوی مسلمانان میانه‌رو و غیرانقلابی دنبال می‌شود، به شدت تحت تأثیر و حمایت لیبرال دموکراسی غربی است. این گفتمان که با دال‌هایی چون نوگرایی و تجدد؛ جدایی دین از سیاست؛ و اجتهاد تسهیلی مفصل‌بندی شده است، درصدد ایجاد هم‌رنگی بین مبانی اسلامی و ارزش‌های لیبرالیستی است (علی حسینی & عربیان، ۱۳۹۵، ص. ۸). اردوغان به‌عنوان یک دولتمرد سکولار دینی معتقد است: اسلام نمی‌تواند مرجعی برای برنامه‌های سیاسی باشد، بلکه اسلام تنها در سطح شخصی و فردی می‌تواند به یک مرجع تبدیل شود، بنابراین، این اصول دموکراسی و قانون اساسی است که می‌تواند به‌عنوان یک مرجع موردپذیرش، واقع شود (امام جمعه زاده، رهبرقاضی، & مرندی، ۱۳۹۲، ص. ۵۹). گفتمان اسلام سکولار بر مبنای مصلحت‌اندیشی، منفعت‌طلبی و سازشکاری شکل گرفته و فقط ظاهری از اسلام را مدنظر دارد و نه تنها خطری برای غرب ندارد بلکه در راستای منافع غرب حرکت می‌کند و لیبرال دموکراسی برای اینکه بتواند الهام‌بخشی کرده و از فروپاشی گفتمانی خود ممانعت کند، گفتمان سکولار دینی ترکیه را به‌عنوان الگوی یک کشور مسلمان دموکراتیک و سکولار که متحد استراتژیک اسرائیل، امریکا و غرب است، به ملت‌های منطقه معرفی می‌کند (علی حسینی & عربیان، ۱۳۹۵، ص. ۴).

جدول ۱. مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی فضای تخصصی درون گفتمانی

شاخص	گفتمان محور مقاومت اسلامی (اسلام سیاسی - انقلابی)	گفتمان اسلام سکولار	گفتمان اسلام سلفی
مبانی معرفت‌شناسی	عقل - نقل - نص - وحی - شهود - فطرت	عقل - نسبیت - انتقاد - شکاکیت، مصلحت‌اندیشی	نقل‌گرایی - مطلق‌انگاری و جزمیت - اتکای صرف به قول و فعل سلف صالح
مبانی هستی‌شناسی	توحید	برجسته‌سازی دنیا درمقابل مابعدالطبیعه و غیب	روایت انحصارگرایانه از توحید
مبانی انسان‌شناسی	انسان کامل	انسان حسابگر	روایت انحصارگرایانه از تکلیف انسان در برابر خدا و خلق خدا و طبیعت

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، جزم‌اندیشی گفتمان اسلام سلفی و نفی‌انگاری گفتمان اسلام سکولار، راه تعالی و تفوق اسلام را سد کرده و جایگاه اسلام در هدایت و راهبری بشریت را مورد تردید قرار داده است. این در حالی است که گفتمان مبتنی بر مقاومت با ارائه مدل مردم‌سالار دینی، زمینه تعامل عزتمندانه ملت‌های مسلمان با دیگر ملل جهان را فراهم ساخته و با رعایت قاعده نفی سبیل، زمینه هرگونه سلطه غیرمسلمانان بر امت اسلامی را سد کرده و گروه‌های مختلف اسلامی در چارچوب گفتمان محور مقاومت اسلامی درصدد آن هستند تا از حاشیه به‌سوی مرکز، تغییر مکان دهند. به عبارت دیگر، مقاومت‌گرایی اسلامی مبنای حرکت به‌سوی تغییر وضع موجود را فراهم ساخته و این امر به معنای تلاش برای بازسازی هویت ازدست‌رفته است؛ روندی که فقط از طریق مقاومت‌گرایی حاصل می‌شود (قزلسفلی & فرخی، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۵).

۳-۵-۶-۲. فضای تخصصی برون‌گفتمانی

همان‌گونه که گفته شد در فضای تخصصی برون‌گفتمانی، محور مقاومت اسلامی با دو نوع غیریت مواجه است؛ نخست غیریت مبتنی بر تفکرات لیبرال - دموکراسی که آمریکا آن را رهبری و هدایت می‌کند و دوم غیریت مبتنی بر اندیشه‌های عبری و صهیونیستی که توسط اسرائیل در منطقه دنبال می‌شود. در مجموع می‌توان صورت‌بندی گفتمانی لیبرال دموکراسی را بر مفاهیمی همچون فردگرایی افراطی، آزادی به معنای عدم وجود محدودیت اجباری در رسیدن به هدف، انسان‌محوری و حاکمیت سرمایه دانست. (رضایی جعفری، آقا حسینی، & علی حسینی، ۱۳۹۵، ص. ۹۳). اگرچه ممکن است لیبرال - دموکراسی با استفاده از امکانات و توانمندی‌های اقتصادی و سیاسی بتواند خود را جهان‌شمول سازد؛ اما در درون این تفکر، نوعی نابرابری وجود دارد که برای بیش‌تر جوامع و فرهنگ‌ها غیرقابل تحمل جلوه می‌کند؛ بنابراین هم به لحاظ نظری و هم از نظر تجربی و عینی، تعمیم لیبرال دموکراسی به جوامع دیگر با مقاومت‌هایی روبه‌رو خواهد شد که تشدید گرایش‌های قومی و ترویج نظریه منطقه‌گرایی و شکل‌گیری جنبش‌های مذهبی، فقط بخشی از واکنش‌ها و مقاومت‌ها در برابر جهانی‌شدن لیبرال دموکراسی

است. افزون بر این، آن گونه که جیمز روزنا^۱ به درستی ابراز می دارد دموکراسی لیبرال که بر مبنای حاکمیت ملی و ستفالیایی استوار شده و در چارچوب مرزهای ملی غرب بارور شده است؛ زمانی که به تسری برون مرزی روی می آورد، دچار بحران می گردد (سجادی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۴). بنابراین گفتمان لیبرال دموکراسی همواره نگاهش جهانی سازی است تا جهانی شدن، همین موضوع موجب تقویت حس برتری جویی و تفوق طلبی در آن شده و در پیگیری برنامه های جهانی با بحران جدی مواجه شده است.

مسیحیت صهیونیستی به عنوان دومین غیر در فضای تخصصی برون گفتمانی به مقابله با افکار ضد یهود می پردازد و در آموزش مسیحیت بر ریشه های یهودی دین مسیح تاکید می کند و مسیحی واقعی را دوست جدی اسرائیل غاصب می داند و برای مهاجرت یهودیان به فلسطین بسیار می کوشند (مظفری، ۱۳۸۶، ص. ۹۳). مسیحیت صهیونیستی معتقد به بازگشت مجدد یهودیان به سرزمین موعود، برگزیدگی قوم یهود، تأدیب و رستگاری یهودیان در سال های آوارگی، ابدی بودن مالکیت اسرائیل برای یهود و... می باشند (مظفری، ۱۳۸۶، ص. ۹۵). به همین دلیل حضور اسرائیل در منطقه و حمایت همه جانبه غرب از این کشور یکی از سرچشمه های مقاومت علیه سلطه طلبی آمریکا در میان مسلمانان منطقه بوده است. (سیونک یو & فرجی سبکبار، ۱۳۸۷)

۳-۵-۷. مفهوم برجسته سازی و حاشیه رانی در گفتمان محور مقاومت اسلامی

برجسته سازی و حاشیه رانی سازوکاری است که به واسطه آن گفتمان ها سعی می کنند نقاط قوت خود را برجسته سازند و نقاط ضعف خود را به حاشیه رانده و پنهان کنند و برعکس، نقاط قوت دیگری یا دشمن را به حاشیه برانند و نقاط ضعف آن را برجسته سازند؛ بنابراین، برجسته سازی و حاشیه رانی سازوکاری برای حفظ و استمرار قدرت است که گفتمان ها از آن برای تقویت خود و تضعیف دیگری و به عبارت دیگر تداوم هژمونی خود بهره می گیرند (عرب عامری &

1. James N. Rosenau

جوادى ارجمند، ۹۵، ص. ۴۴). عدالت‌محورى، مبارزه با صهيونيسم، حمايت از آرمان فلسطين، حمايت از محرومين جهان، مردم‌سالارى دينى و ... از جمله مفاهيمى هستند كه در گفتمان محور مقاومت اسلامى برجسته شده و با بهره‌گيرى از ظرفيت‌هاى تعالى‌بخش اسلام ناب درمقابل مفاهيم گفتماني گفتمان‌هاى مخالف و رقيب قرار گرفته‌اند. از سوى ديگر مفاهيمى چون بى‌عدالتى، سلطه‌جويى، مشروعيت‌بخشى به رژيم صهيونيستى، تفكر دولت يهود، تفكر سلفى تكفيرى، تفكر سازش با آمريكا و صهيونيسم، تفكر پايان تاريخ، اندیشه برترى نژادى و... از جمله مفاهيمى هستند كه در گفتمان محور مقاومت اسلامى در حاشيه قرار گرفته‌اند.

۳-۵-۸. مفهوم تفاوت و هم‌ارزى در گفتمان محور مقاومت اسلامى

در تحليل دو منطق تفاوت و هم‌ارزى، گفتمان محور مقاومت اسلامى در تلاش است تا تفاوت‌هاى موجود قومى، زباني، نژادى و جغرافيايى بين اعضا را كمرنگ جلوه داده و با تأكيد بر اشتراكات اعتقادى، محور مقاومت اسلامى را يكدست و هم‌ارز معرفى كند. على‌رغم تلاش ائتلاف عبرى - آمريكايى براى بالكانيزه‌كردن و ايجاد هرج و مرج ساختارى در منطقه، محور مقاومت اسلامى در تلاش است با شاخص‌كردن آرمان مشترك (آزادى قدس شريف) و دشمن مشترك (صهيونيسم بين‌الملل) زمينه وحدت و همدلى آحاد مسلمانان منطقه را فراهم كند. اين استراتژى در بيانات مقام معظم رهبرى به‌خوبى مشهود است. مقام معظم رهبرى در تاريخ ۱۳۶۸/۴/۴ در دیدار با طلاب درخصوص ضرورت برجسته‌ساختن نقاط اشتراك بين مسلمين و دورى‌جستن از زمينه‌هاى تفرقه فرمودند: ما به فرقه‌هاى عالم اسلام نمى‌گوئيم از عقايد مخصوص فرقه خود دست بكشيد و عقايد فرقه ديگر را قبول كنيد؛ اما به همه مسلمين مى‌گوئيم در ميان ما موارد مشترك، بيشتر و مهم‌تر و اساسى‌تر از موارد اختلاف است. دشمنان ما روى موارد اختلاف تكيه مى‌كنند؛ ما برعكس بايد مواضع مشترك را تقويت كنيم و نگذاريم دشمن بهانه به‌دست‌آورد و با تفرق ما، نقطه فشار روى پيكر امت اسلامى را پيدا كند (امام خامنه‌اى مدظله‌العالى). معظم‌له در تاريخ ۱۳۹۲/۹/۴ درخصوص نگاه فراقومى و

فرامذهبی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جنبش‌های اسلامی در دیدار با شرکت‌کنندگان در کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام فرمودند: «ما اسیر محدودیت‌های مذهبی نشدیم؛ ما نگفتیم این شیعه است، این سنی است ... ما توانستیم مشت برادران فلسطینی‌مان را در غزه و در مناطق دیگر تقویت کنیم و ان شاء الله ادامه خواهیم داد» (امام خامنه‌ای مدظله العالی)؛ بنابراین تأکید بر اشتراکات اعتقادی و پذیرش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مرکز محور مقاومت اسلامی ازجمله عناصر هم‌ارزی و به حاشیه راندن مسائل جغرافیایی، قومی، فرقه‌ای و نژادی ازجمله عناصر تفاوت در گفتمان محور مقاومت اسلامی به حساب می‌آیند.

در جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل مباحث عنوان‌شده می‌توان اذعان داشت که گفتمان محور مقاومت اسلامی با برخورداری از شاخص‌هایی چون موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیکی و اقتصادی، توان بالای بسیج افکار عمومی در جهان اسلام، بهره‌گیری مناسب از شاخص‌های هم‌گرایی درون‌گفتمانی، الهام‌گیری از مبانی فکری انقلاب اسلامی ایران، توانایی در برجسته‌سازی ضعف‌های ساختاری و راهبردی گفتمان‌های رقیب، از قابلیت‌های لازم به‌منظور تبدیل شدن به یک گفتمان غالب در منطقه خاورمیانه و حتی جهان اسلام برخوردار است.

نتیجه‌گیری

گفتمان محور مقاومت اسلامی که ریشه در گفتمان انقلاب اسلامی ایران دارد با مفصل‌بندی مفاهیم خویش که برگرفته از مبانی اعتقادی و ایمانی است، زمینه هژمون‌ساختن خویش در بین گفتمان‌های مخالف و رقیب را فراهم ساخته است. در تحلیل بسترهای هژمونیک شدن گفتمان محور مقاومت اسلامی به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱- باتوجه به اینکه اسلام سلفی باتکیه بر ظواهر قرآن و سنت، هرگونه گرایش‌های عقلی، فلسفی و کلامی را در حوزه دیانت برنمی‌تابد و مدعی انحصاری اسلام‌گرایی است و با تکفیر سایر گروه‌های اسلامی و غیراسلامی به اعمال خشونت‌آمیز می‌پردازد (رضایی جعفری، آقا حسینی، & علی حسینی،

۱۳۹۵، ص. ۹۸)؛ لذا مفاهیم گفتمانی آن نمی‌تواند مورد اقبال جوامع جهانی و حتی مسلمانان جهان قرار گیرد کما اینکه سلفی‌ها با ایجاد مرزبندی‌های کاذب اعتقادی زمینه هرگونه تعامل با جوامع غیر هم‌کیش را سد کرده و با برداشت‌های سطحی از احکام اسلامی، بشریت را به مبارزه‌ای بی‌اساس فراخوانده‌اند. درمقابل گفتمان محور مقاومت اسلامی با برخورداری از اصول پیش‌گفته از جمله توحیدمحوری، معاداندیشی، عدالت‌خواهی و... بشریت را به معنویت‌گرایی و اخلاق فراخوانده و با درک عمیق از اصول اسلام زمینه تعامل با جهان را فراهم ساخته است.

۲- اسلام سکولار با نگاه نفی‌انگارانه نسبت به جایگاه دین در جامعه و کوبیدن بر طبل جدایی دین از سیاست و پیروی از لیبرال دموکراسی غربی و همکاری با آمریکا و اسرائیل در موقعیتی انفعالی در برابر سایر گفتمان‌ها قرار گرفته و از استقلال کافی برای هژمون‌ساختن مفاهیم گفتمانی خویش برخوردار نیست، این در حالی است که گفتمان محور مقاومت اسلامی با طرح اسلام سیاسی و اسلام انقلابی و تأکید بر رفع سلطه آمریکا و صهیونیسم و طرح شعار حمایت از مظلومین عالم به‌عنوان یک گفتمان فعال مستقل مطرح شده و مورد اقبال افکار عمومی جهانی قرار گرفته است.

۳- گفتمان لیبرال دموکراسی غربی در درون خود دارای تضادهایی است که آن را با چالش‌های جدی در عصر جهانی‌شدن مواجه کرده است ... درمقابل گفتمان محور مقاومت اسلامی تحت‌تأثیر مبانی فکری انقلاب اسلامی ایران با ارائه مدل مردم‌سالاری دینی پاسخ‌گوی بسیاری از چالش‌های موجود در گفتمان لیبرال دموکراسی غربی است؛ بنابراین نظام حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با داشتن ویژگی‌هایی چون مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی، عدالت‌محوری، خدمت‌مداری مصلحت‌اندیش و آزادی در چارچوب شرع (ولی زاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۲)، زمینه هژمون‌شدن درمقابل گفتمان لیبرال دموکراسی غربی در عصر حاضر را دارد.

۴- گفتمان مسیحیت صهیونیستی نیز بنا به دلایل عقلی و منطقی و به لحاظ

تاریخی از جمله نگاه نژادپرستانه نسبت به سایر انسان‌ها و منطق تجاوز و اشغالگری و برداشت‌های انحرافی درخصوص رسالت خویش در ترسیم آینده جهان از قابلیت‌های لازم جهت هژمون‌شدن برخوردار نیست. این در حالی است که گفتمان محور مقاومت اسلامی با برخورداری از ویژگی‌های فرهنگی منحصر به فرد از جمله توحیدمحوری، عدالت، استکبارستیزی، دفاع از مظلومین عالم و... از ظرفیت‌های لازم جهت هژمون‌شدن و تشکیل انترواسیونالیسم اسلامی برخوردار است.

منابع و مآخذ

- امام جمعه زاده، سید جواد، رهبر قاضی، محمود رضا و مرنندی، زهره (۱۳۹۲). تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام گرایی با تاکید بر حزب عدالت و توسعه. *مجله مطالعات جهان اسلام*، شماره ۳، ص. ۴۵-۷۲.
- امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹)، خرداد (۱۰)، پیام مقام معظم رهبری به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره). بازیابی از khamenei.ir www.khamenei.ir
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام (۲۲ جلد)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، *در آمدی بر تحلیل گفتمان*. (تاجیک، محمدرضا، تدوین) فرهنگ گفتمان.
- بهروز لک، غلامرضا، (۱۳۸۵) جهانی شدن و سرانجام نزاع گفتمان‌ها. *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۳۶، ص. ۳۵-۷۲
- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۶)، *جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران*، چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، *گفتمان، یادگفتن و سیاست*، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- تقی زاده داور، محمود (۱۳۸۳)، سخنرانی: شیعه و مذاهب دیگر، بررسی حوزه‌های جغرافیایی تعاملی و چالشی. *فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی*، شماره ۸، ص. ۱۶۵-۲۰۰.
- جمالی، جمال (۱۳۸۶)، هلال شیعی و هژمونی آمریکا. *مجله شیعه‌شناسی*، شماره ۲۰، ص. ۷۱-۸۸.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹) تعریفی نو از ژئوپلیتیک، *مجله تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۵۸-۵۹، ص. ۷۱-۸۸.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۳)، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. *فصلنامه علوم سیاسی*، ص. ۱۸۱-۲۱۲.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶)، *اسلام سیاسی در ایران*، چاپ اول، قم: دانشگاه مفید.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۴)، مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی. *نامه پژوهش*، شماره ۱۲، ص. ۲۱۱-۲۳۴.

- حقیقت، صادق (1378)، *درآمدی بر اندیشه سیاسی (مجموعه مقالات)*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، انتشارات الهدی.
- داوند، محمد، اسلامی، محسن و داوند، حجت (۱۳۹۷). تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲۵، ص. ۷۲-۹۹.
- دریفوس، هربرت (۱۳۷۶)، *میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*، چاپ اول، (بشپریه، حسین، مترجم) تهران: نشر نی.
- رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام و مجتبی روستایی (1398) موازنه تهدید و اتحاد اعراب و اسرائیل در برابر محور مقاومت، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ص ۱۱۳-۱۳۴.
- رضاپور، حسین (۱۳۹۳)، تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۷، ص. ۱۴۱-۱۵۸.
- رضایی‌جعفری، محسن، آقاحسینی، علیرضا و علی حسینی، علی (۱۳۹۵)، گفتمان انقلاب اسلامی ایران، الزامات اشاعه ارزش‌های آن در عصر جهانی‌شدن براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، شماره ۲۰، ص. ۸۵-۱۱۰.
- ساعی، علی (۱۳۸۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی. تهران: انتشارات سمت.
- سجادی، سیدقیوم (۱۳۸۳)، مهدویت و جهانی‌شدن دو نگاه به آینده. *مجله قیستان*، ص. ۱۲۹-۱۴۲.
- صالحی، سیدجواد، مشتاقی، الله‌کرم (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی مبادی و مبانی قدرت در اندیشه سیاسی غرب و اسلام، مطالعه موردی: اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی. *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، شماره ۸، ص. ۱۲۳-۱۵۰.
- ضرغامی، برزین، شوشتری، سیدمحمدجواد و انصاری‌زاده، سلمان (۱۳۹۳)، ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۱، ص. ۱۹۷-۲۱۴.
- علی حسینی، علی و عربیان، حسین (۱۳۹۵)، ریشه‌یابی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام با تاکید بر نقش گفتمان سکولار دینی و وهابی - سلفی. *اولین همایش بین‌المللی بحران ژئوپلیتیکی جهان اسلام*. تهران: دبیرخانه همایش. بازیابی از <https://civilica.com/doc/584319>
- غروی‌ان، محسن و قوامیان‌شاگردی (۱۳۸۰). ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام. *مجله معرفت*، شماره ۵۰، ص. ۱۰۴-۱۱۰.
- فوران، جان (۱۳۸۵)، *تاریخ تحولات اجتماعی ایران: مقاومت شکننده*. (احمد تدین، مترجم) تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶). تأثیرات انقلاب اسلامی بر تحولات جغرافیای سیاسی محور مقاومت در مقابل غرب. *پانزده خرداد*، شماره ۵۱، ص. ۱۴۳-۱۷۶.

- قزلسفلی، محمدتقی و فرخی، سمیه (۱۳۹۲). پارادایم مقاومت و بیداری اسلامی در پرتو تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه. *مجله جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲، ص. ۱۳۹-۱۶۰.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جامعه شبکه‌ای)*. (احدعلی قلیان و افشین خاک‌باز، مترجم) تهران: طرح نو.
- کرم‌زادی، مسلم (۱۳۹۵)، سلفی‌گری جهادی - تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه. *مجله پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۱۸، ص. ۱۱۳-۱۴۲.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت اسلامی. *مجله پژوهش ملل*، شماره ۲ ص. ۱-۱۴.
- کسرابی، محمدسالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸)، نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزار کارآمدی در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۳، ص. ۳۳۹-۳۶۰.
- مظفری، آیت (۱۳۸۶)، مسیحیت صهیونیستی و آینده جهان. *حصون*، شماره ۱۲، ص. ۹۲-۱۲.
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن. *مجله معرفت فرهنگی، اجتماعی* (۲۶)، ص. ۹۱-۱۴۲.
- میرحیدر، دره (۱۳۸۶)، *مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی*، چاپ اول. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ناظمی‌اردکانی، مهدی و خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷). مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام. *مجله مطالعات جهان اسلام*، شماره ۲۶، ص. ۵۹-۸۶.
- ولی‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۹۴)، مقایسه مبانی و شاخص‌های مردم‌سالاری دینی با لیبرال دموکراسی. *کنفرانس ملی آینده‌پژوهی، علوم انسانی و توسعه*. شیراز: مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران. بازیابی از <https://civilica.com/doc/452139>
- هالیدی، فرد (۱۳۶۷)، مفاهیم گوناگون انترناسیونالیسم. *اطلاعات سیاسی، اقتصادی*، شماره ۲۳، ص. ۹-۱۱.
- هوشنگی، حسین و پاکتچی، احمد (۱۳۹۰)، بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، چاپ اول تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- Arslan, Muhterem Naz. (2015). From "Axis of Resistance" to "Shia Crescent?": Examining the Islamic Republic of IRAN'S Transnational Foreign Policy from 1979 until 2015. *Istanbul: Şehir University*. Retrieved from <http://hdl.handle.net/20.500.12424/2033833>
- Elhousseini, f. (2016). Soft Power in the Middle East: The Invisible Skirmish. *E-International Relations*, 5. Retrieved from www.e-ir.info.
- Yilmaz, N., Duran, B. (2013). Islam, Models and the Middle East: The New Balance of Power following the Arab Spring. *Perceptions: Journal of International Affairs*, 18(4), pp. 139-170.

References

- Alihosseini, Ali; Arabiyan, Hossein. (2016). Etiology of geopolitical Crises of the world of Islam by emphasizing the role of secular religious and Wahhabi-Salafi Discourse. *1st International Conference of Geopolitical Crises of The world of Islam*. Tehran: the secretariat of the conference, available at <http://civilica.com/doc/58431> (In Persian)
- Arslan ,Muhterem Naz. (2015). From “Axis of Resistance” to “Shia Crescent?”: Examining the Islamic Republic of IRAN’S Transnational Foreign Policy from 1979 until 2015. Istanbul: Şehir University. Retrieved from <http://hdl.handle.net/20.500.12424/2033833>
- Bahrampour, Sha'banali. (2000). *An Introduction to Discourse Analysis*. (Edited by Tajik, Mohammadreza) Discourse Analysis (In Persian)
- Behruzlak, Gholamreza. (2006). Globalization and the Result of Discourses Conflict. *Quarterly of Political Sciences*. No. 36, pp. 35-72 (In Persian)
- Behruzlak, Gholamreza. (2007). *Globalization and Political Islam in Iran*. 2nd edit. Tehran: the Research Center for Islamic Culture and Thought (In Persian)
- Castells, Manuel. (2001). *The Age of Information: Economics, Society, and Culture (Network Community)*. (Translated by ALigholiyan, Ahad; Khakbaz, Afshin). Tehran: Tarhe No (In Persian)
- Davand, Mohammad; Davand Mohsen; Davand, Hojjat. (2018). Effects of Islamic Revolution of Iran on the Geometry of Islamic Resistance Power in West Asia. *Quarterly of Political Studies in the World of Islam*. No. 25, pp. 72-99 (In Persian)
- Elhusseini, f. (2016). Soft Power in the Middle East: The Invisible Skirmish. *E-International Relations*. 5. Retrieved from www.e-ir.info.
- Furan, John. (2006). *History of Social Evolution in Iran: Brittle Resistance*.

- (Translated by Tadayon, Ahmad). Tehran: Cultural Services Institute of Rasa (In Persian)
- Ghasemi, Behzad. (2017). Effects of Islamic Revolution on Evolution of Political Geography of Resistance against the West. *15 Khordad*, no. 51, pp. 143-176 (In Persian)
- Gheraviyan, Mohsen; Ghavamiyan, Shaker. (2001). Nationalism from the perspective of Islam. *Journal of Ma'refat*, no. 50, pp. 104-110 (In Persian)
- Ghezelsofla, Mohammadtaghi; Farrokhi, Somaye. (2013). Paradigm of Islamic Resistance and Awakening in the light of Evolutions in the North Africa and the Middle East. *Journal of Political Sociology of the world of Islam*, no. 2, pp. 139-160 (In Persian)
- Hafeznia, Mohammadreza. (2000). New Definition of Geopolitics. *Journal of Geographical Research*. Nos 58-59, pp. 71-88 (In Persian)
- Haghighat, Sadeq. (1999). *An introduction to political thought (collection of articles)*. Tehran: The Center for International Cultural Studies. Alhoda Publication (In Persian)
- Halliday, Fred. (1988). Various Concepts of Internationalism. *Political-economic Information*, no. 23, pp. 9-11 (In Persian)
- Herbert Dryfoos. (1997). *Michel Foucault: beyond structuralism and hermeneutics*, 1st edit, (translated by Bashiriye, Hossein). Tehran: Ney Publication (In Persian)
- Heshmatzade, Mohammad Bagher. (2005). An Introduction and Framework to Study the Effects of Islamic Revolution in Islamic Countries. *Research Letter*, no. 12, pp. 211-234 (In Persian)
- Hosseinizade, Seyed Mohammadali. (2004). Theory of Discourse and Political Analysis. *Quarterly of Political Sciences*. Pp. 181-212 (In Persian)
- Hossenizade, Seyes Mohammadali. (2007). *Political Islam in Iran*. 1st edit. Qom: University of Mofid (In Persian)
- Hushangi, Hossein; Pakatchi, Ahmad. (2011). Fundamentalism and Salafism: Recognizing a range of religious approaches, 1st edit. Tehran: University of Imam Sadeq (PBUH) (In Persian)
- Jamali, Jamal. (2007). Shiite Crescent and American Hegemony. *Journal of Shia Studies*. No. 20, pp. 71-88. (In Persian)
- Jome'zade, Seyed Javad; Rahbarghazi, Mahmoodreza; Marandi, Zohre. (2013).

- Evolution of the Identity Discourse in Turkey from Kemalism to Islamism with an emphasis on the Justice and Development Party. *Journal of the World of Islam Studies*, no. 3, pp. 45-72 (In Persian)
- Karamzadi, Moslem. (2016). Jihadi-Takfiri Salafism and the Future of Political Stability in the Middle East. *Journal of Political Studies of the World of Islam*, no. 18, pp. 113-142 (In Persian)
- Karimi, Abulfazl. (2017). The role of Islamic Republic of Iran in Identifying the Security Collection of the Islamic Resistance. *Journal of Nations Research*, no. 2, pp. 1-14 (In Persian)
- Kasraei, Mohammadsalar; Poozesh Shirzai, Ali. (2009). The discourse theory of Laclau and Mouffe as an efficient tool in understanding and explaining the political phenomena. *Quarterly of Politics, Journal of Faculty of Law and Political Sciences of Tehran University*, no. 3, pp. 339-360 (In Persian)
- Khamenei, Seyed Ali. (31 May 1990). *Message of the Islamic Revolution Supreme Leader on the Occasion of the 1st Anniversary of the Imam Khomeini's Demise*, available at kameinei.ir/www.khamenei.ir (In Persian)
- Khomeini, Ruhullah. (2000). *Imam Khomeini's Sahifa* (22 volumes). Tehran: Institute of Publishing Imam Khomeini's Works (In Persian)
- Mirheydar, Dore. (2007). *Fundamental Concepts in Political Geography*, 1st edit. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces (In Persian)
- Moghaddami, Mohammadtaghi. (2011). Theory of discourse analysis of Laclau and Mouffe and its criticism. *Journal of Social and Cultural Epistemology* (26), pp. 91-142 (In Persian)
- Mozaffari, Ayat. (2007). Zionist Christianity and the future of the world. *Hosun*, no. 12, pp. 12-92 (In Persian)
- Nazemi Ardakani, Mahdi; Khaledian, Safarali. (2018). Cultural elements of the Islamic resistance discourse in the world of Islam. *Journal of the World of Islam Studies*, no. 26, pp. 59-86 (In Persian)
- Rasool Saniabadi, Elham; Rustaei, Mojtaba. (2019). The Balance of Threat and the Alliance of Arabs and Israel against the Resistance. *Quarterly of the Middle East Studies*, pp. 113-134 (In Persian)
- Rezaei Ja'fari, Mohsen; Aqa Hosseini, Alireza; Alihosseini, Ali. (2016).

- Discourse of Islamic Revolution of Iran, the requirements of dissemination of its values in the age of globalization based on the discourse theory of Laclau and Mouffe. *Quarterly of Strategic Studies of Public Policy-making*, no. 20, pp. 85-110 (In Persian)
- Rezapoor, Hossein. (2014). Effects of the Islamic Revolution on the International System. *Quarterly of Islamic Revolution Studies*, no. 3, pp. 141-158 (In Persian)
- Saei, Ali. (2007). Research Method in Social Sciences with the Approach of Critical Rationalism. Tehran: SAMT publication (In Persian)
- Sajadi, Seyed Ghayum. (2004). Mahdism and Globalization: two perspectives to the future. *Journal of Ghobestan*, pp. 129-142 (In Persian)
- Salehi, Seyed javad; Moghtaghi, Allahkaran. (2013). Comparative study of principles and foundations of power in political thoughts of the West and Islam, case study: Political thoughts of the Islamic Revolution Leaders. *Research Letter of Political Sciences*. No. 8, pp. 123-150 (In Persian)
- Taghizade Davari, Mahmood. (2004). Lecture: Shia and other religions, Study of Interactive and Challenging Geographical Areas. *Specialized Quarterly of Shis Studies*, no. 8, pp. 165-200 (In Persian)
- Tajik, Mohammadreza. (2004). *Discourse, Counter-discourse and Politics*. 1st edit. Tehran: the Institute of Research and Development of Humanities (In Persian)
- Valizade, Abulghasem. (2015). Comparing the foundations and indicators of religious democracy and liberal democracy. *National Conference of Futurology, humanities and development*. Shiraz: The Center for Development of Iran New Education. Available at <http://civilica.com/doc/452139> (In Persian)
- Yilmaz, N., Duran, B. (2013). Islam, Models and the Middle East: The New Balance of Power following the Arab Spring. *Perceptions: Journal of International Affairs*, 18(4), pp. 139-170.
- Zarghami, Barzin; Shushtari, Seyed Mohammadjavad; Ansarizade, Salman. (2014). Geopolitics of Shiite or Shiite Crescent (foundations, goals, and approaches). *Researches of Human Geography*, no. 1, pp. 197-214 (In Persian)

Monitoring Iran's Environment on the Horizon of the Vision Document for the Period of 2006-2016 (Comparative Performance with Surrounding Nations and Identification of Critical Areas)

Naghi Asgari

Corresponding Author, Assistant Professor, Development Science Center, Institute of Humanities and Social Studies, Tehran, Iran. Asgarilajayer@yahoo.com

Asghar Ahmadi

Assistant Professor, Social Science Center, Institute of Humanities and Social Studies, Tehran, Iran. ahmadi.asghar@gmail.com

Hamed AminEsmaeli

Assistant Professor, Development Science Center, Institute of Humanities and Social Studies, Tehran, Iran. newsletter@iran-bssc.ir

Abstract

Access to a favorable environment is one of the goals of Iran's 1404 Vision Policy. What is meant by a favorable environment and how can the country move towards it? The purpose of this article is to provide a model for monitoring the environment of Iran and 25 countries subject to the document and monitoring their status in three periods: 2006, 2011 and 2016. First, the final model is extracted from the theoretical foundations and background based on the opinion of experts using a focused group interview, questionnaire, Delphi, coefficient of variation and average relative weight in the form of 7 indicators and 17 variables. Then, a composite index was created by using the TOPSIS technique. Finally, the state and performance of the environment of Iran and the countries subject to the document in general and in seven dimensions have been studied. The results show the inappropriate performance and environmental trend of Iran and countries in the region. However, in 2016, Iran was ranked seventh in the region and higher than its regional rivals (except Turkey). On the

other hand, the intensity of the decline in the index in Iran was 1.02, higher than the average and the main countries (except Saudi Arabia and Egypt). Iran's performance in four indicators, namely drinking water and sanitation; biodiversity, habitats, forests and pastures; climate and energy; and water resources, were worse than the important countries in the region. in two indicators, namely "Settlements" and "Agriculture", Iran performed better and the air quality indicator didn't have sufficient data to evaluate. Finally, with reference to critical areas, policy priorities are suggested.

Keywords: favorable environment, Iran's 1404 Vision Policy, Environmental monitoring, the composite index

پایش محیط‌زیست ایران در افق سند چشم‌انداز، دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵

(عملکرد تطبیقی با کشورهای منطقه و شناسایی حوزه‌های بحرانی)^۱

نقی عسگری

نویسنده مسئول، استادیار پژوهشکده علوم توسعه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران
Asgarilajayer@yahoo.com

اصغر احمدی

استادیار پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران
ahmadi.asghar@gmail.com

حمید امین اسماعیلی

استادیار پژوهشکده علوم توسعه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران
newsletter@iran-bssc.ir

چکیده

برخورداری از محیط‌زیست مطلوب یکی از آرمان‌های سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ است. منظور از محیط‌زیست مطلوب چیست و چگونه می‌توان از حرکت کشور در راستای این آرمان اطمینان یافت؟ هدف این مقاله ارائه مدلی برای پایش محیط‌زیست ایران و ۲۵ کشور موضوع سند و پایش وضعیت آنها در سه مقطع ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ است. ابتدا مدل استخراجی از مبانی نظری و پیشینه براساس نظر خبرگان با استفاده از مصاحبه گروهی متمرکز، پرسش‌نامه، دلفی، ضریب تغییرات و میانگین وزن نسبی در قالب ۷ شاخص و ۱۷ متغیر، نهایی و با تکنیک تاپسیس و بر اساس داده‌های ملی و بین‌المللی تبدیل به شاخص ترکیبی شده است. سپس وضعیت و عملکرد محیط‌زیست ایران و کشورهای موضوع سند به طور کلی و در ابعاد هفتگانه بررسی شده است. نتایج، نشان‌دهنده عملکرد و روند نامناسب زیست‌محیطی ایران و کشورهای منطقه است. با این حال ایران در سال ۱۳۹۵ در رتبه هفتم منطقه و بالاتر از رقبای منطقه‌ای خود (بجز ترکیه) قرار دارد. از طرف دیگر شدت کاهش شاخص در ایران با نرخ ۱،۰۲ بیشتر از متوسط و کشورهای اصلی (بجز عربستان و مصر) بوده است. عملکرد ایران در چهار شاخص آب شرب و

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

بهداشت؛ تنوع زیستی، زیستگاه‌ها و جنگل‌ها و مراتع؛ اقلیم و انرژی؛ و منابع آبی، نسبت به کشورهای مهم منطقه بدتر، در دو شاخص «سکونتگاه‌ها» و «کشاورزی» بهتر و در شاخص کیفیت هوا، فاقد داده‌های کافی برای ارزیابی است. در پایان با اشاره به حوزه‌های بحرانی، اولویت‌های سیاست‌گذاری پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: مقتضیات زمانی و مکانی، حکم حکومتی، حکم حکومتی ثابت، حکم حکومتی متغیر

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۰۱ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۰۲ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۱۷

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۶۲-۳۳۳

مقدمه

در بند چهارم سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، برخورداری از محیط‌زیست مطلوب به‌عنوان یکی از خصوصیات جامعه در افق چشم‌انداز بیان شده است. در ماده ۵۰ قانون اساسی نیز حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی شده است و لذا فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن همراه است، ممنوع شده‌اند. اما منظور از محیط‌زیست مطلوب چیست؟ آیا تاکنون عملکرد کشور در جهت تحقق محیط‌زیست مطلوب بوده است؟ وضعیت کشور در مقایسه با ۲۵ کشور مذکور در سند چشم‌انداز و عملکرد کدام‌یک از بخش‌های محیط‌زیست بهتر و کدام بخش بدتر بوده است؟ و چه باید کرد؟

هدف این مقاله انعکاس نتایج مطالعه‌ای است که در درجه اول مدل ساده‌ای برای پایش محیط‌زیست کشور و کشورهای موضوع سند چشم‌انداز ارائه می‌دهد و سپس وضعیت محیط‌زیست ایران را در مقایسه با کشورهای موضوع سند در سه مقطع ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ ترسیم می‌کند.

مدل استخراج شده از مبانی نظری، بر اساس نظر خبرگان در قالب ۱۷ متغیر و ۷ شاخص در دو حوزه سلامت‌زیست محیطی و بهره‌وری پایدار از منابع طبیعی، نهایی شده و با استفاده از تکنیک تاپسیس و براساس داده‌های ملی و بین‌المللی شاخص ترکیبی ساخته شده و وضعیت محیط‌زیست کشورها در کل و ابعاد هفتگانه در مقاطع مذکور ارائه شده است.

۱. بیان مسئله

تدوین چشم‌انداز به مفهوم ترسیم تصویر مطلوب آینده، از چند دهه پیش وارد ادبیات برنامه‌ریزی و مدیریت کشورها شده است، کشورها یا مناطقی از آنها، بنا بر دلایل متفاوت، اقدام به ترسیم وضعیت آینده خود در موقعیت جغرافیایی خاص یا در زمینه موضوعی خاص می‌کنند. تدوین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ کشور، در یک دوره زمانی نزدیک به یک‌ساله تهیه شده و با ابلاغ به سران سه قوه مقررشد از ابتدای سال ۱۳۸۴ مقارن با آغاز برنامه چهارم و طی سه برنامه ۵ ساله توسعه بعدی، مبنای جهت‌گیرهای کلان کشور قرار گیرد (رضایی میرقائد & دهکردی مبینی، ۱۳۸۵، ص. ۷۱-۷۹).

بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب به‌عنوان یکی از آرمان‌های سند چشم‌انداز کشور در سال ۱۴۰۴ تعیین شده است. اما ماهیت مفهومی آرمان‌های سند چشم‌انداز و دربرگیری حوزه‌های فراتر از برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و سالانه، برای پایش، نیاز به شاخص‌سازی‌های جدیدی داشته که با رصد نظام‌مند، میزان پیشرفت و انحراف از آن احصا و تدابیر لازم از طریق دستگاه‌های سیاست‌گذار و مجری اتخاذ شود. اصولاً «شما نمی‌توانید آنچه را اندازه نمی‌گیرید، مدیریت کنید». ضرورت پایش محیط‌زیست، از اختلافات عمیق بین سیاست‌گذاران درخصوص بهترین راه‌حل‌ها و همچنین از عدم اطمینان درمورد ماهیت و علت مشکلات زیست‌محیطی ناشی می‌شود. اندازه‌گیری خوب وضعیت محیط‌زیست، عینیت را در بحث‌های مربوط به سیاست‌های زیست‌محیطی وارد کرده و اختلاف‌نظر درمورد دامنه و جدی‌بودن مشکلات را کاهش و توجه به راه‌حل‌ها را افزایش می‌دهد.

درزمینه پایش محیط‌زیست مطلوب، تمامی مطالعات با استناد به تک‌شاخص‌های بین‌المللی بوده یا منحصر به چند گزارش تخصصی سازمان محیط‌زیست کشور است. اینکه محیط‌زیست مطلوب برای کشور درحال توسعه‌ای همچون ایران و رقبای منطقه‌ای آن چیست و مدل و شاخص‌های پایش و رصد آن چگونه باید باشد؟ وضعیت کلان محیط‌زیست در ایران و کشورهای موضوع

سند طی دهه گذشته چه فرایندی را طی کرده است؟ و عملکرد هریک از حوزه‌های محیط‌زیستی کشور چگونه بوده است؟ موضوع این مطالعه است.

۲. اهداف و سوالات پژوهش

هدف مقاله، تدوین مدل ساده‌ای برای پایش محیط‌زیست ایران و کشورهای منطقه و سنجش وضعیت کلی و هریک از حوزه‌های محیط‌زیستی ایران و کشورهای منطقه طی ۱۰ سال (۱۳۸۵-۱۳۹۵) گذشته است.

۳. پیشینه نظری پژوهش

۳-۱. محیط‌زیست سالم (مطلوب)

در یک تعریف ساده، محیط‌زیست شامل تمام شرایط خارجی موثر بر زندگی، توسعه و بقای یک ارگانیزم است که می‌تواند شامل منطقه جغرافیایی، شرایط اقلیمی و آلوده‌کننده‌ها یا صداها باشد که آن ارگانیزم را دربرگرفته است. محیط‌زیست در یک تقسیم‌بندی کلی شامل محیط طبیعی و محیط ساخته‌شده می‌شود (Collin, 2004, p. 74).

محیط‌زیست سالم^۱ با تامین نیازهای اساسی انسان، بنیان زندگی را شکل می‌دهد؛ اما استفاده زیاد از طبیعت، محیط‌زیست و کره‌زمین را با مخاطرات مختلف مواجه کرده است. پیرو هشدارهای فعالیت‌های طرفداران محیط‌زیست برای اولین بار در سال ۱۳۷۲ در کنفرانس بین‌المللی سازمان ملل متحد در استکهلم، حق بر محیط‌زیست، یعنی حق داشتن محیط‌زیستی سالم (درکنار دو حق آزادی و برابری) به‌عنوان حقوق بنیادین انسان‌ها تلقی شد و تاکنون تلاش‌های قابل‌توجهی در زمینه نحوه تامین آن صورت گرفته است. پایداری یا توسعه پایدار و رشد سبز دو حوزه مهم مطالعه و سیاست‌گذاری در زمینه تامین محیط‌زیست سالم یا مطلوب است.

۳-۲. پایداری

ایده پایداری^۱ که برای اولین بار در مباحث مرتبط با جنگل داری در سال ۱۷۱۳ به معنی عدم قطع درختان بیش از میزانی که رشد می کنند، به کار رفته بود (Kuhlman & Farrington, 2010, p. 3437). از سال ۱۹۸۷ با گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۲ به یک رویکرد بین المللی تبدیل شد. دستیابی به نیازهای موجود، بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آتی در تامین نیازهای خودشان، تعریف ارائه شده از پایداری در این گزارش است. (WCED, 1987, p. 14)

در تعریف دیگر از کمیسیون مذکور (۱۹۹۶)، توسعه پایدار به فرایند تغییر تعبیر شده است که طی آن بهره برداری از منابع، جهت گیری سرمایه گذاری و توسعه تکنولوژی و تغییرات نهادی، به صورت هماهنگ بوده و قابلیت دستیابی نسل حاضر و نسل های آتی بشر به نیازها و آمال شان را ارتقا می دهد (Chiu, 2003, p. 222).

علاوه بر تعاریف، تعابیر مختلف در تبیین پایداری به کار رفته است. برای مثال سولو معتقد است که بهره برداری از منابع طبیعی (شامل تجدیدشونده و تجدیدناپذیر) غیر قابل اجتناب است اما این به مفهوم نابودی کامل آنها نیست چرا که منابع طبیعی می تواند توسط سرمایه^۳ جایگزین شود (Kuhlman & Farrington, 2010, p. 3441). او پیشنهاد می کند رانت منابع باید در سرمایه مولد، سرمایه گذاری شود تا بدین وسیله نابودی منابع برای نسل های آتی جبران شود. اما عده ای مخالف این ایده هستند که منابع با سرمایه قابل جایگزینی است آنها معتقدند که پایداری به مفهوم حفظ منابع طبیعی ضروری برای بقاست. از این دو گرایش به پایداری ضعیف و پایداری قوی تعبیر می شود (Kuhlman & Farrington, 2010, p. 3443).

پایداری می تواند وضعیتی تعریف شود که مجموع منابع طبیعی و انسان ساخت، برای آینده قابل پیش بینی، حداقل ثابت باشد به طوری که کیفیت زندگی نسل آتی کاهش نیابد. به طور ایده آل در زمان ارزیابی اثرات هر سیاست،

1. Nachhaltigkeit the German term for sustainability

2. World Commission on Environment and Development

3. capital

4. productive capital

برنامه و پروژه‌ای، باید افزودن بر کیفیت زندگی و اثر مثبت یا حداقل خنثی بر وضعیت منابع آبی، مدنظر باشد فقط در این صورت است که می‌توان مدعی توسعه پایدار شد (Kuhlman & Farrington, 2010, p. 3443).

۳-۳. رشد سبز

رشد سبز نوعی از رشد اقتصادی است که در درون محدودیت‌های نظام طبیعی شکل می‌گیرد و تغییر جهت بنیادی، مفهومی و مادی از مدل‌های رشد مبتنی بر منابع به‌سوی مدل رشد دوستدار محیط‌زیست را نشان می‌دهد (Yongfu & Quibria, 2013, p. 2).

مفهوم اصلی ایده رشد سبز همان ایده رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی GDP) است که به حفاظت از محیط‌زیست اهمیت بیشتری می‌دهد؛ اما این «اهمیت بیشتر» محل بحث و مناقشه است. در نمونه‌های اولیه تأکید فقط بر کاستن از تغییرات اقلیمی بود اما در نمونه‌های اخیر حوزه وسیع‌تری از منابع محیطی (خاک، آب و غیره) را دربرمی‌گیرد. در تعریف ارائه‌شده از طرف OECD (۲۰۱۱) چنین آمده است: «رشد سبز تشویق به رشد و توسعه اقتصادی است که در آن دارایی‌های طبیعی به ارائه منابع و خدمات زیست‌محیطی درحد تامین شرایط خوب زیستن ما، ادامه دهد» (Jacobs, 2012, p. 4). فصل مشترک تعاریف، سطحی از حفاظت از محیط‌زیست است که در الگوهای رایج از رشد اقتصادی ملاحظه نمی‌شود (Jacobs, 2012, p. 5).

در سال‌های اخیر سه گونه از تئوری رشد سبز با استناد به شواهد و استدلال‌های مختلف مطرح شده‌است. در گونه اول که به رشد سبز کینزی معروف است بر محرک بودن اقدامات محیطی در شرایط رکود اقتصادی تأکید شده‌است. در تعبیر دوم، اصلاحات در محیط‌زیست می‌تواند برپایه چارچوب اصلی تئوری اقتصادی، به‌صورت مثبت در رشد اقتصادی اثر بگذارد و در تعبیر سوم از رشد سبز عموماً بر این نکته تأکید می‌شود که اتخاذ سیاست محیطی منجر به ایجاد تعداد قابل توجه فرصت‌های شغلی در صنایع جدید محیط‌زیستی می‌شود (Jacobs, 2012, p. 8).

۴. پیشینه تجربی پژوهش

برای سنجش میزان دستیابی به آرمان محیط‌زیست مطلوب، تاکنون مطالعه مستقلى صورت نگرفته، بلکه در محدود بررسی‌های صورت گرفته، از شاخص‌های بین‌المللى به عنوان معرف وضعیت محیط‌زیست استفاده شده است. در مطالعه مجمع تشخیص مصلحت نظام، که به صورت عام اقدام به شاخص‌سازی برای پایش سند چشم‌انداز کرده است، توصیه به استفاده از شاخص پایداری زیست‌محیطی ESI^۱ شده است. (کمیسیون چشم‌انداز و امور نخبگان، ۱۳۹۳) پایداری زیست‌محیطی شاخص ترکیبی از ۲۱ زیرشاخص و ۷۶ متغیر است که تا سال ۲۰۰۵ در مقیاس کشورها پایش می‌شد و پس از سال مذکور با شاخص عملکرد زیست‌محیطی EPI^۲ جایگزین شده است. (YCEL P, 2005) نتایج پایش مطالعات مجمع تشخیص انتشار عام نیافته است.

در مطالعات مرتبط محققان داخلی نیز از شاخص میزان تولید دی‌اکسیدکربن CO₂ به عنوان شاخص معرف برای وضعیت محیط‌زیست استفاده شده است. مثل: (سلاطین & استانبولی، ۱۳۹۵) و (بهبودی & سجودی، ۱۳۸۹). در ایران علاوه بر انتشار داده‌های زیست‌محیطی سازمان‌های تخصصی که در سالنامه‌های آماری کشور نیز منتشر می‌شود، تدوین گزارش‌های وضعیت محیط‌زیست ایران SoE^۳، برای دیدبانی محیط‌زیست در کشور صورت می‌گیرد. این گزارش‌ها از اوایل دهه ۱۳۸۰ با تدوین دو گزارش ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ آغاز شد. در گزارش سوم که با وقفه، در سال ۱۳۹۴ منتشر شد، وضعیت محیط‌زیست کشور با استفاده از مدل DPSIRO^۴ در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲، منعکس شد. بررسی‌ها در ۱۳ حوزه مستقل و با استفاده از ۵۱ شاخص انجام شده که نشان‌دهنده افول و تنزل وضعیت در اغلب حوزه‌هاست. در پایان بررسی هر حوزه نیز، راهکارهایی برای اصلاح، پیشنهاد شده است. (ذکایی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰)

1. environmental sustainability index

2. The Environmental Performance Index (EPI)

3. State of the Environment

4. Driving forces, Pressures, State, Impact, Response, Outlook (DPSIRO)

شاخص عملکرد زیست‌محیطی (EPI) شاخص ترکیبی بین‌المللی است که از سال ۲۰۰۲، وضعیت زیست‌محیطی کشورها را از طریق ۲۴ شاخص، هر دو سال یک‌بار ارزیابی می‌کند. شاخص عملکرد زیست‌محیطی ایران در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ به ترتیب ۷۰، ۶۶،۳۲ و ۴۸ و رتبه در بین کشورهای موضوع سند ۵، ۱۷ و ۶ بوده است که نشان‌دهنده نوسان عملکرد ایران طی ۱۵ سال در مقایسه با کشورهای منطقه بوده است. (Esty, et al., 2006) (Hsu A. , 2016, p. 114) , (Wendling, 2020, p. 12)

رد پای اکولوژیک به‌منظور سنجش وضعیت محیط‌زیست، روشی است که به‌صورت سالانه برای کشورها محاسبه می‌شود. ظرفیت زیستی برای ۵ دسته اصلی کاربری زمین و شش دسته تقاضای مصرفی محاسبه می‌شود. با مقایسه ظرفیت زیستی و میزان مصرف هر پهنه، میزان پایداری مناطق سنجیده می‌شود که به واحد هکتار جهانی-gha بیان می‌شود. (Galli, et al., 2011, p. 11)

مطابق آخرین گزارش (شامل داده‌های ۱۹۶۱ تا ۲۰۱۷)، سرانه رد پای اکولوژیک هر فرد در ایران ۳،۲۲ هکتار جهانی و ظرفیت زیستی متوسط موجود برای هر فرد ۰،۷۴ هکتار جهانی است. ارقام متناظر جهانی به‌ترتیب ۲،۷۷ ردپا و ۱،۶ هکتار ظرفیت زیستی است. عملکرد زیست‌محیطی ایران با بهره‌برداری بیش از ۳۳۵ درصدی از ظرفیت زیستی خود رتبه ۱۲ بدترین عملکرد منطقه بعد از رژیم اشغالگر قدس و کشورهای نفتی منطقه است (Global Footprint Network, 2021).

آرمان‌های توسعه هزاره MDG روشی برای پایش تضمین پایداری محیط‌زیست (مطابق آرمان هفتم) ارائه داده است که شامل ۴ هدف عملیاتی و ۱۰ شاخص مستقل است. کشور ما عضو این برنامه بود که برای پایش وضعیت دو گزارش در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ و سایت اختصاصی در مرکز آمار ایران ایجاد شد که داده‌های شاخص‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ ارائه می‌کند (مرکز آمار ایران، شاخص‌های اهداف توسعه هزاره جمهوری اسلامی ایران (۹۳ - ۱۳۸۴)، ۱۴۰۰).

در سال ۲۰۱۵ آرمان‌های توسعه پایدار SDGs، با ۱۷ آرمان کلان به‌عنوان

چارچوب و برنامه عمل ۱۵ سال آتی کشورها به تایید اعضای سازمان ملل رسید. آرمان‌های ۱۱ تا ۱۵ ارتباط بیشتری با مفهوم محیط‌زیست مطلوب دارند و برخی اهداف عملیاتی آرمان‌های ۸ و ۹ نیز در ارتباط با محیط‌زیست است، درمجموع ۴۹ هدف عملیاتی مرتبط با مفهوم محیط‌زیست در این برنامه تعیین شده‌است که توسط ۷۲ شاخص مستقل پایش می‌شود. با وجود اینکه ایران جزو این برنامه نیست، اما داده‌های کشور ما نیز در سایت اختصاصی آن منعکس می‌شود (United Nations D. , 1400).

با نظر به عدم وجود مطالعه مستقل برای شاخص‌سازی درخصوص آرمان محیط‌زیست مطلوب، بررسی پیشنهاد به روش‌های عام پایش وضعیت و عملکرد محیط‌زیست محدود شد. به غیر از شاخص عملکرد زیست‌محیطی EPI و شاخص ردپای اکولوژیک که شاخص‌های ترکیبی و در سطح بین‌المللی سنجیده می‌شود، دیگر روش‌ها، مجموعه‌ای از شاخص‌های مستقل هستند که قادر به ارائه یک شناخت اجمالی و مقایسه‌پذیر از وضعیت و عملکرد کل محیط‌زیست نیستند. شاخص ترکیبی EPI نیز شاخصی عام برای مقایسه وضعیت تمام کشورها در سطح جهانی است لذا نمی‌توان انتظار داشت با توجه به شرایط خاص کشور ما و کشورهای منطقه با سطح توسعه‌یافتگی تقریباً برابر و ملاحظات زیست‌محیطی مشترک، مدل متناسبی برای پایش محیط‌زیست در این منطقه باشد.

الگوی پیشنهادی ردپای اکولوژیک نیز به رغم ارائه شاخص مقایسه‌پذیر و واحد، هم به جهت نادیده گرفتن برخی جنبه‌های مهم مانند آلودگی‌ها و هم به جهت ارائه بسیار کلی وضعیت در واحدهای ملی، از روشنگری کمتری برخوردار است. در مطالعه حاضر با آگاهی از محدودیت‌های مذکور، با توجه به شرایط عمومی کشور و منطقه، تدوین شاخص ترکیبی مدنظر بوده، که درعین ارائه یک نگاه جامع و مقایسه‌پذیر و به تفکیک حوزه‌های اصلی در سال‌های طی شده از سند چشم‌انداز؛ همچنین در سال‌های آتی نیز با نظر به پایگاه‌های اطلاعاتی موجود و کمبود داده‌ها، قابلیت پایش و ارائه تصویری روشن برای سیاست‌گذاران داشته باشد.

۵. محدوده و قلمروی مورد مطالعه

محیط‌زیست ایران و ۲۵ کشور موضوع سند چشم‌انداز، محدوده و قلمرو این مطالعه است.

۶. روش و ابزار تحقیق و نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تحقیق این مطالعه در مرحله اول توصیفی (در مفهوم عام) و تحلیلی (در مفهوم خاص) و در مرحله پایش از نوع نرم‌اتیو یا هنجاری (در مفهوم عام) و ارزیابی (در مفهوم خاص) است. (ملکیان، ۱۳۸۰) و ابزارهای پژوهش شامل روش اسنادی، مصاحبه گروهی متمرکز، پرسش‌نامه، روش دلفی، ضریب تغییرات^۱ یا عامل ویلیامسون، میانگین وزن نسبی و روش تاپسیس^۲ است.

در مرحله اول هدف، دستیابی به شاخص‌های معرف وضعیت و عملکرد محیط‌زیست ایران و کشورهای موضوع سند بوده است که ابتدا با بررسی اسنادی در ادبیات موضوع، شاخص‌های اولیه استخراج و پس از بحث و بررسی آنها در مصاحبه متمرکز گروهی با چند خبره محیط‌زیست، پرسش‌نامه اولیه‌ای آماده شد. پرسش‌نامه در دو حوزه اصلی سلامت زیست‌محیطی؛ و بهره‌وری پایدار منابع طبیعی و ۷ زیرحوزه و ۴۸ متغیر صورت‌بندی شد و برای جمع بزرگ‌تری از خبرگان (۱۵ خبره محیط‌زیست) ارسال شد و نظر ایشان درخصوص وزن نسبی و اولویت هریک از متغیرها در یک طیف ۱ تا ۱۱ پرسیده شد. برای انتخاب نهایی شاخص‌ها از ضریب تغییرات که میزان تفاهم بین خبرگان را نشان می‌دهد و پرسش داده‌ها به‌عنوان آستانه‌ها^۳ استفاده شد. ۱۷ شاخص نهایی انتخاب و مجدداً طی دو مرحله نظرات همان خبرگان درخصوص وزن نسبی متغیرهای نهایی اخذ و میانگین نظرات مرحله دوم به‌عنوان وزن نهایی متغیر منظور شد.

در مرحله دوم، هدف، سنجش میزان دستیابی و حرکت در مسیر آرمان محیط‌زیست مطلوب در ایران در قیاس با کشورهای موضوع سند چشم‌انداز بود. با

1. Coefficient of Variation (cv)

2. Topsis

3. Threshold or Cutpoint

مراجعه به اسناد و پایگاه‌های اطلاعات ملی و بین‌المللی برای سه مقطع زمانی ۱۳۸۵ (معادل ۲۰۰۶ میلادی)، ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) و ۱۳۹۵ (۲۰۱۶) داده‌ها جمع‌آوری و با استفاده از روش تاپسیس شاخص ترکیبی محیط‌زیست مطلوب ساخته شد. در این روش، داده‌های شاخص‌ها برای ایران و کشورهای موضوع سند چشم‌انداز در هر سال، ماتریس اولیه را تشکیل می‌دهد که بعد از نرمال‌کردن، در وزن نسبی هر متغیر که پیش‌تر توسط خبرگان تعیین شده‌است، ضرب می‌شود. نتیجه، ماتریس نرمال شده وزنی شاخص‌ها یا ماتریس V است. سپس با استفاده از ماتریس راه‌حل‌های ایده‌آل و غیرایده‌آل (بیشترین و کمترین مقدار هر متغیر در بین کشورها)، فاصله مقادیر متغیر هر کشور نسبت به مقادیر ایده‌آل و غیرایده‌آل محاسبه می‌شود. درنهایت جمع فاصله تمامی متغیرها از راه‌حل‌های ایده‌آل و غیرایده‌آل، آماره C_i^+ به دست می‌آید که میزان مقادیر عددی شاخص ترکیبی ساخته‌شده برای هر گزینه یا کشور است (کلانتری، ۱۳۹۱، ص. ۲۶۸-۲۹۹).

در شرایط نابسندگی دانش موجود، با اعتبارسنجی نظری^۱ (بررسی معتبربودن ارتباط مفاهیم با نظریه‌ها در جلسات خبرگی)، حساسیت در انتخاب خبرگان (داشتن دو اثر مرتبط یا حداقل ۱۰ سال تجربه مرتبط) و مستندسازی گسترده (تهیه فایل صوتی و...) در کل مفاهیم و با استفاده از تبادله نظر همتایان و چندوجهی‌سازی منابع، شاخص‌های انتخابی و مدل، معتبر شده‌است.

۷. یافته‌های تحقیق

فرایند توصیفی و تحلیلی مذکور در مرحله اول مطالعه، منجر به تعیین ۷ شاخص و ۱۷ متغیر معرف با وزن نسبی مشخص برای پایش وضعیت و عملکرد محیط‌زیست ایران و کشورهای موضوع سند چشم‌انداز شد (جدول ۱)، که با جمع‌آوری داده‌ها در مرحله دوم، با روش تاپسیس، شاخص ترکیبی محیط‌زیست مطلوب ساخته شد. در اینجا بعد از اشاره مختصر به یافته‌های تحقیق به تفکیک شاخص‌ها، نتایج شاخص ترکیبی ارائه شده‌است.

جدول ۱ شاخص‌های نهایی سنجش بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب

حوزه	شاخص	ضریب اهمیت	متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	ضریب اهمیت نهایی
سلامت زیست‌محیطی	کیفیت هوا	۰,۱۶	شاخص کیفیت هوا AQI در شهرهای بالای ۳۵۰ هزار نفر	۹,۶۷	۱,۳۵	۰,۱۴	۰,۳۴
			کیفیت سوخت مصرفی	۹	۱,۴۶	۰,۱۶	۰,۳۲
			تعداد جمعیت در معرض ذرات جامد کوچک‌تر از ۲,۵ میکرون	۹,۴۷	۱,۶۰	۰,۱۷	۰,۳۴
	کیفیت آب و بهداشت	۰,۱۵	برخورداری از آب شرب سالم	۱۰	۱,۲۵	۰,۱۳	۰,۵۳
			درصد جمعیت تحت پوشش خدمات جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب شهری	۸,۷۳	۱,۳۹	۰,۱۶	۰,۴۷
بهره‌وری پایدار منابع طبیعی	تنوع‌زیستی، زیستگاه‌ها و جنگل‌ها و مراتع	۰,۱۵	نسبت زمین‌های تخریب‌شده به کل زمین	۸,۸۷	۱,۶۸	۰,۱۹	۰,۳۵
			عملیات اجرایی آب‌خیزداری	۸,۱۳	۱,۶۴	۰,۲۰	۰,۳۲
			مدیریت پایدار جنگل‌ها	۸,۶۷	۱,۸۰	۰,۲۱	۰,۳۴
	اقلیم و انرژی	۰,۱۴	شدت کربن (انتشار دی‌اکسیدکربن در کل اقتصاد به‌ازای هر واحد ارزش افزوده به دلار)	۹,۳۳	۱,۰۵	۰,۱۱	۰,۳۴
			شدت انرژی (میزان مصرف انرژی به‌ازای تولید یک واحد کالا یا خدمات)	۹,۴۷	۱,۱۳	۰,۱۲	۰,۳۴
			سرانه انتشار دی‌اکسیدکربن در سال	۹,۰۰	۱,۳۶	۰,۱۵	۰,۳۲
	سکونتگاه‌ها	۰,۱۴	سرانه تولید روزانه پسماندهای جامد شهری	۹,۰۰	۱,۶۵	۰,۱۸	۰,۵۰
			سرانه تولید پسماندهای خطرناک	۸,۸۷	۱,۷۳	۰,۱۹	۰,۵۰
	منابع آبی	۰,۱۴	میزان بهره‌وری آب در کشاورزی	۱۰,۶۰	۰,۸۳	۰,۰۸	۰,۵۱
			میزان بهره‌وری آب در کشور	۱۰,۲۰	۱,۰۱	۰,۱۰	۰,۴۹
	کشاورزی	۰,۱۳	شاخص مدیریت پایدار نیتروژن (شاخص بهره‌وری نیتروژن NUE)	۷,۵۳	۱,۹۶	۰,۲۶	۰,۴۷
			میزان کل سموم و آفت‌کش‌ها استفاده‌شده در اراضی کشاورزی	۸,۶۰	۲,۳۸	۰,۲۸	۰,۵۳

۷-۱. کیفیت هوا

کیفیت هوا در شهرهای بزرگ: در سال‌های اخیر برخی موسسات بین‌المللی تلاش‌هایی برای پایش بین‌المللی شهرها انجام داده‌اند. در کشور ما از سال ۱۳۹۳، پایش کیفیت هوای شهرهای بزرگ و مهم صنعتی صورت می‌گیرد. پایش براساس شاخص کیفیت هوا AQI صورت گرفته و به‌صورت روزانه داده‌های آن ارائه می‌شود. این شاخص از ترکیب پنج آلاینده اصلی هوا محاسبه می‌شود (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۹۰، ص. ۳).

داده‌ها برای مقایسه وضعیت شهرهای کشورهای موردبررسی در دسترس نیست. ولی داده‌های ۲۰ شهر از ۲۲ شهر بالای ۳۵۰ هزار نفر جمعیت ایران (بجز اردبیل و بندرعباس)، اگرچه به‌صورت ناقص، قابل‌دسترس است. بر مبنای متوسط اولین روز فصل‌ها در سال ۱۳۹۷، بدترین شاخص کیفیت هوا مربوط به شیراز با ۱۰۸ و بهترین مربوط به گرگان با ۲۹ بوده است (سازمان محیط زیست، ۱۴۰۰).

کیفیت سوخت مصرفی: با وجود رواج بنزین بدون سرب، در صورت عدم رعایت سایر استانداردها، (مثل بنزن بیش از ۵ درصد) می‌تواند دارای اثرات قابل توجه بر محیط‌زیست و سلامتی افراد باشد. داده‌های بین‌المللی در خصوص میزان بنزن و سایر ترکیبات مضر بنزین در دسترس نیست. با این حال داده‌های کیفی بنزین تولیدی چند پتروشیمی کشور نشان‌دهنده وضعیت غیراستاندارد طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ در کشور بوده است (ذکایی، ۱۳۹۴، ص. ۲۹).

گوگرد موجود در گازوئیل نیز یکی از منابع مهم موثر بر سلامت انسان‌هاست. براساس داده‌های موجود در سال ۲۰۱۵ میزان گوگرد گازوئیل در ایران در هر میلیون واحد ۶ ppm بوده است بهترین عملکرد، مربوط به کشورهای ترکیه؛ امارات و ارمنستان با ۱ ppm بوده است (stratasadvisors, 2021).

تعداد جمعیت در معرض ذرات معلق کوچک‌تر از ۲٫۵ میکرون: این ذرات به دلیل قابلیت نفوذ در عمق دستگاه تنفسی به عنوان یکی از دلایل افزایش مرگ و میر ناشی از عفونت‌های تنفسی و بیماری‌ها، سرطان ریه و بیماری‌های قلبی عروقی شناخته می‌شود. داده‌های این شاخص فقط برای ۲۰۱۶ در دسترس بوده

است که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً بهتر ایران در مقایسه با مقادیر متوسط و کشورهای اصلی منطقه (۳۵,۱ میکروگرم در هر مترمکعب در مقابل متوسط ۴۱,۸، عربستان ۷۸,۹، ترکیه ۴۲، امارات ۳۹,۴ و رژیم اشغالگر قدس ۱۹,۵) است (Global Health Organization, 1400).

با ملاحظه داده‌های مذکور می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که به‌رغم اصلاح در کیفیت هوای شهرها در سال‌های اخیر، ایران همچنان در رده‌های میانی کشورهای موضوع سند از نظر کیفیت هوا قرار دارد که باتوجه به تغییر در کیفیت سوخت مصرفی، قابلیت بهبودی یا وخیم‌ترشدن دارد.

۷-۲. کیفیت آب و بهداشت

دسترسی به آب آشامیدنی سالم:^۱ مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی به آب بهبودیافته‌ای اطلاق می‌شود که سه شرط داشتن منبع در خانه؛ دسترسی به آب در هر لحظه و مصون‌بودن از آب‌های هرز و آلودگی شیمیایی را تأمین کند. اگر هریک از سه شرط نباشد اما منبع آب بهبودیافته در فاصله ۳۰ دقیقه از خانه مستقر باشد، به‌عنوان واجد حداقل پایه^۲ طبقه‌بندی می‌شود. دسترسی به آب سالم در ایران در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ با تغییرات جزئی درحد ۹۱ درصد و در سال ۲۰۲۰ به‌طورمتوسط ۹۴ درصد بوده است. بالاترین دسترسی در بین کشورهای منطقه به‌ترتیب با ۱۰۰ و ۹۹,۳ درصد در سال ۲۰۲۰ مربوط به کشورهای کویت و رژیم اشغالگر قدس بوده است، همچنین دسترسی به آب سالم در عربستان و ترکیه در سال ۲۰۲۰ به‌ترتیب ۵۹,۱ و ۷۸,۴ درصد بوده است (Washdata, 2021).

جمعیت تحت پوشش خدمات جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب شهری: که به‌صورت درصد جمعیت متصل به سیستم‌های جمع‌آوری فاضلاب بیان می‌شود. متوسط کشوری در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به‌ترتیب ۲۷، ۳۷ و ۴۷ درصد بوده است. ارقام متناظر در سال ۲۰۱۸ برای کشور ترکیه ۷۴ و رژیم اشغالگر قدس ۹۹ درصد بوده است (OECD, 2021).

1. Safely managed service

2. At least basic

باتوجه به ارقام فوق، وضعیت کشور در زمینه کیفیت آب و بهداشت نامناسب است.

۷-۳. تنوع زیستی، زیستگاه‌ها، جنگل‌ها و مراتع

نسبت زمین‌های تخریب‌شده به کل زمین: تخریب زمین به کاهش یا از دست دادن بهره‌وری بیولوژیکی، اقتصادی و کیفیت زمین‌های زراعی دیم و آبی، محدوده‌ها، مراتع، جنگل‌ها و درخت‌زارها اطلاق می‌شود. بنا بر آخرین داده‌ها، فرسایش خاک در ایران از روند افزایشی برخوردار بوده و یکی از جدی‌ترین مخاطرات و معضلات در بخش خاک کشور است. فرسایش سالانه خاک در کشور ۴,۳ میلیارد تن است (ذکایی، ۱۳۹۴، ص. ۳۵).

عملیات اجرایی آبخیزداری: عملیات اجرایی آبخیزداری به کلیه فعالیت‌های عملی به غیر از تهیه طرح و نقشه آبخیزداری گفته می‌شود که شامل چهار دسته از اقدامات بیولوژیک (بذرپاشی و...)، مکانیکی (بندسازی و...)، بیومکانیکی (کودپاشی و...) و آبخوانداری (تغذیه سفره‌ها و...) می‌شود. در سالهای اخیر، عملیات اجرایی آبخیزداری کاهش زیاد و مداوم داشته است. براساس داده‌های موجود، مجموع انواع عملیات آبخیزداری از ۱۳۱۸,۸ هزار هکتار در سال ۱۳۸۵ به ۴۷۱,۱ هکتار در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۱).

مدیریت پایدار جنگل‌ها: مفهومی پویا و در حال تکامل است که با هدف حفظ و ارتقای ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی انواع جنگل‌ها به نفع نسل‌های کنونی و آینده در قالب آرمان‌های توسعه پایدار (شاخص ۱-۲-۱۵) تعریف و تدوین شده است. این شاخص شامل پنج زیرشاخص است. با استفاده از داده‌های پایگاه آماری SDGs به روش تاپ‌سیس، شاخص ترکیبی ساخته شد که فقط زیرشاخص گواهینامه مستقل و معتبر به دلیل فقدان داده (بجز ترکیه)، از فرایند نهایی حذف شده است. نتیجه برای ایران نشان از کاهش میزان شاخص مدیریت پایدار جنگل‌ها از ۰,۵۷۱ در سال ۲۰۰۵ به ۰,۴۳۷ در سال ۲۰۱۵ بوده است. ارقام متناظر برای رژیم اشغالگر قدس، ترکیه، امارات و عربستان، افزایشی و

در سال ۲۰۱۵ به‌ترتیب برابر ۰,۶۹۴، ۰,۶۳۳، ۰,۴۸۴ و ۰,۴۱۰ بوده است که به مفهوم عملکرد بهتر آنها نسبت به ایران است (UN, 2021).
ارقام و روند شاخص‌های فوق، نشان‌دهنده روند نامناسب کشور در زمینه شاخص تنوع‌زیستی، زیستگاه‌ها، جنگل‌ها و مراتع است.

۴-۷. اقلیم و انرژی

شدت کربن (انتشار CO2 در کل اقتصاد به‌ازای هر واحد ارزش‌افزوده به دلار): این متغیر برای ایران در سال ۲۰۰۶ برابر ۰,۴ کیلوگرم، سال ۲۰۱۱، ۰,۳۸ و سال ۲۰۱۶، ۰,۳۹ کیلوگرم بوده است. متوسط ارقام متناظر کشورهای منطقه به‌ترتیب ۰,۴۱، ۰,۳۶ و ۰,۳۴ کیلوگرم و عملکرد کشورهای اصلی (ترکیه، رژیم اشغالگر، امارات و عربستان) از ایران بهتر بوده است. براساس آخرین داده در دسترس در سال ۲۰۱۸ میزان انتشار در ایران به‌ازای هر دلار به قیمت ثابت ۲۰۱۷ معادل ۰,۴۷ کیلوگرم بوده است (UN, 2021).

شدت انرژی (میزان مصرف انرژی به‌ازای تولید یک واحد کالا یا خدمات): این متغیر به کارایی استفاده از انرژی در یک کشور اشاره دارد. در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ میزان مصرف انرژی به‌ازای هر واحد کالا و خدمات به‌ترتیب ۶,۵۴، ۶,۳۵ و ۶,۹۳ مگاژول بوده است که هم از متوسط منطقه (سال ۲۰۱۶، ۵,۷۳) و هم از کشورهای اصلی منطقه عملکرد بدتری داشته است. براساس آخرین داده در دسترس در سال ۲۰۱۸ شدت انرژی در ایران به‌ازای هر دلار به قیمت ثابت ۲۰۱۷ معادل ۹,۰۸ مگاژول بوده است (UN, 2021).

سرانه انتشار دی‌اکسیدکربن در سال: سرانه تولید این گاز، میزان حساسیت در استفاده از سوخت‌های فسیلی در فرایند توسعه صنعتی را نشان می‌دهد. میزان این متغیر در ایران در سال ۲۰۰۶ برابر ۷,۲ تن، سال ۲۰۱۱ برابر ۷,۸ تن و سال ۲۰۱۶ برابر با ۸,۳ تن بوده است. متوسط ارقام متناظر کشورهای منطقه به‌ترتیب ۹,۸، ۹,۱ و ۹,۳ تن و عملکرد کشورهای ترکیه با ۴,۰، رژیم اشغالگر با ۷,۹ تن در سال ۲۰۱۶ بهتر از ایران و امارات با ۲۳,۳ و عربستان ۱۹,۵ تن در همان سال، بدتر از ایران بوده است. در سال ۲۰۱۸ سرانه تولید دی‌اکسیدکربن در ایران برابر با ۷,۷ تن بوده

است (data.worldbank, 2021).

با ترکیب داده‌های سه متغیر، وضعیت کشورهای منطقه و ایران در زمینه اقلیم و انرژی بررسی شد که عملکرد ایران کمتر از متوسط منطقه و در جایگاه بسیار نامناسب (رتبه ۱۷) پایین‌تر از مصر (رتبه ۴)، ترکیه (رتبه ۵)، رژیم اشغالگر قدس (رتبه ۱۳) و بالاتر از عربستان (رتبه ۱۹) و امارات متحده عربی (رتبه ۲۰) قرار دارد.

۷-۵. سکونتگاه‌ها

سرانه تولید روزانه پسماندهای جامد شهری: میزان تولید پسماند جامد شهری در ایران، نسبت به متوسط کشورهای موضوع سند (۲,۱۶ کیلوگرم) و کشورهای مهم منطقه (ترکیه ۱,۴۹، رژیم اشغالگر قدس ۱,۸۲ و امارات ۲,۱۲ کیلوگرم (United Nations, 2021) کمتر و لذا از وضعیت بهتری برخوردار است. آمار تولید زباله شهری در ایران براساس داده‌های SoE ایران، در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۲ به ترتیب ۴۵ هزار تن و ۵۴ هزار تن برآورد شده است (ذکایی، ۱۳۹۴، ص. ۴۳) که باتوجه به جمعیت شهری در سال‌های متناظر، سرانه روزانه تولید پسماند شهری در سال‌های مذکور معادل ۰,۹۷۹ و ۰,۹۷۳ کیلوگرم می‌شود. با این حال داده‌های سازمان شهرداری‌ها و سازمان بازیافت شهر تهران، سرانه تولید پسماندهای شهری در ایران را در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، ۰,۶۴ کیلوگرم برآورد کرده است (حسنوند، نبی زاده، & حیدری، ۱۳۸۷).

سرانه تولید پسماندهای خطرناک: پسماندهای خطرناک زباله‌هایی هستند که به علت ویژگی‌های سمی، عفونی، رادیواکتیو و قابل اشتعال بودن آنها، خطر بالفعل یا بالقوه برای سلامتی انسان‌ها، سایر موجودات زنده یا محیط زیست محسوب می‌شوند. براساس گزارش SoE ایران، میزان تولید سرانه پسماندهای خطرناک در ایران ۳۱۴ کیلوگرم برآورد شده است (ذکایی، ۱۳۹۴، ص. ۴۳) که از این نظر در بین کشورهای دارای داده، بعد از قزاقستان (با رقم بسیار بالای ۱۴۱۷۳ کیلوگرم) و قرقیزستان در جایگاه سوم به لحاظ بدترین عملکرد قرار دارد. این رقم در سال ۲۰۱۷ در کشور عربستان سعودی ۲۷,۲ و در سال ۲۰۱۶ در ترکیه ۶۹,۵ کیلوگرم به ازای هر نفر بوده است (United Nations, 2021).

۶-۷. منابع آبی

بهره‌وری آب در بخش کشاورزی: در مفهوم کلی، بهره‌وری آب به‌عنوان عملکرد محصول در هر مترمکعب آب تعریف می‌شود. بر اساس برآورد وزارت اقتصاد به‌رغم اینکه در مقایسه با متوسط جهانی و عملکرد کشورهای منطقه مثل ترکیه و مصر، بهره‌وری آب در بخش کشاورزی ایران پایین است اما طی دهه هشتاد روند اصلاحی داشته است. بهره‌وری آب از ۰,۶۸ کیلوگرم به‌ازای یک مترمکعب (یک تن) آب در سال ۱۳۸۰ به ۰,۹۲ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است (اسماعیلی خوشمردان، ۱۳۹۶).

بهره‌وری آب در کشور: این متغیر با تقسیم تولید ناخالص داخلی کل بر میزان برداشت از منابع آبی کشور طی یک دوره زمانی محاسبه می‌شود. به‌دلیل عدم دسترسی از شاخص مشابه استفاده شده است. کارایی استفاده از آب به مقدار محصولی گفته می‌شود که به‌ازای هر واحد حجم آب مصرفی به دست می‌آید. براساس داده‌های موجود در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸، ایران در بین کشورهای موضوع سند به‌ترتیب با ۳,۸ و ۴,۵۵ دلار ارزش افزوده به‌ازای یک مترمکعب آب مصرفی، با فاصله زیاد از متوسط کشورهای منطقه (۲۸,۴ دلار) و کشورهای بزرگ و مهم (رژیم اشغالگر قدس ۱۰۴ دلار، امارات ۷۰ دلار، عربستان ۲۸ دلار و ترکیه ۱۳ دلار) در جایگاه نامناسب هفتم قرار دارد (UN, 2021).

۷-۷. کشاورزی

شاخص مدیریت پایدار نیتروژن (شاخص بهره‌وری نیتروژن NUE): نیتروژن یا ازت غذای اصلی برای گیاهان است. کمبود نیتروژن باعث کاهش رشد و کاربرد زیاد آن، موجب اثرات منفی بر رشد گیاه و تولید میوه یا غنی‌شدن بیش‌ازحد اکوسیستم‌ها، و لذا منجر به مرگ برخی از گونه‌ها و با تخریب تنوع زیستی می‌شود. براساس داده‌های موجود در سال ۲۰۱۶، شاخص بهره‌وری نیتروژن به نسبت محصول در ایران با ۹۰ درصد، بالاتر از متوسط کشورهای منطقه (۷۹ درصد) بوده است (Hsu A. , 2016).

میزان کل سموم و آفت‌کش‌های استفاده‌شده در اراضی کشاورزی: در سال‌های

۲۰۰۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ متوسط سموم مصرفی در هر هکتار در ایران به ترتیب ۰,۴۳، ۰,۲ و ۰,۲۷ بوده است. متوسط ارقام کشورهای منطقه به ترتیب ۲,۷، ۳ و ۲,۷۶ کیلوگرم بوده است. متوسط سموم مصرفی در ایران براساس آخرین داده‌های موجود در سال ۲۰۱۸ به ازای هر هکتار ۰,۴۲ کیلوگرم بوده است (Fao, 2020).

با ترکیب داده‌های دو متغیر، عملکرد زیست‌محیطی کشاورزی ایران از متوسط منطقه بالاتر و در جایگاه مناسب پنجم منطقه و بالاتر از قزاقستان (رتبه ۸)، ترکیه (رتبه ۱۰) و عربستان (رتبه ۱۴) قرار دارد. شاخص وضعیت ایران در این زمینه به رغم اصلاح جزئی در میانه دوره تقریباً ثابت (۰,۹۶۵) در سال ۱۳۸۵ به ۰,۹۷۳ در سال ۱۳۹۰ و ۰,۹۶۶ در سال ۱۳۹۵ بوده است.

۷-۸. ارزیابی کلی محیط زیست مطلوب

بر مبنای متغیرهای دارای داده (۱۰ متغیر) برای سال‌های مورد مطالعه ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ (در برخی موارد با استفاده از نزدیک‌ترین سال دارای داده) شاخص ترکیبی ساخته شد که نتایج در جدول ۲ منعکس شده است.

جدول ۲. وضعیت محیط زیست در بین کشورهای موضوع سند چشم‌انداز بر اساس شاخص محیط زیست

مطلوب جهاد دانشگاهی (۱۳۸۵-۱۳۹۵)

۱۳۸۵-۱۳۹۵		1395/2016		1390/2011		1385/2006		GDP (ppp)		
رتبه	تغییرات سالانه	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	نرخ رشد ۲۰۱۶-۲۰۰۶	۲۰۱۶ (دلار)	
-	-0.77	-	0.547	-	0.561	-	0.591	0.1	24378	متوسط
2	0.59	1	0.693	1	0.704	1	0.654	-0.03	118207	قطر
4	-0.09	2	0.633	2	0.643	4	0.638	4.1	16001	آذربایجان
6	-0.36	3	0.623	3	0.631	2	0.646	-9.8	1479	یمن
9	-0.71	4	0.596	4	0.612	3	0.640	3.0	8190	ارمنستان
7	-0.37	5	0.593	5	0.607	10	0.615	-0.9	8390	اردن
10	-0.77	6	0.586	6	0.601	7	0.634	3.3	23757	ترکیه
19	-1.02	7	0.572	7	0.596	6	0.634	1.3	18498	ایران
20	-1.06	8	0.571	12	0.574	5	0.636	3.3	16242	عراق
14	-0.86	9	0.571	9	0.584	8	0.622	-2.6	67706	امارات
13	-0.85	10	0.568	8	0.593	9	0.618	5.5	9277	گرجستان
8	-0.57	11	0.562	10	0.582	16	0.595	4.4	2763	تاجیکستان
15	-0.88	12	0.560	14	0.561	11	0.612	3.2	3310	قرقیزستان
11	-0.78	13	0.556	13	0.572	13	0.601	0.2	43643	بحرین

17	-0.93	14	0.547	16	0.546	14	0.601	2.9	23447	قزاقستان
12	-0.84	15	0.538	17	0.543	17	0.585	4.5	1803	افغانستان
3	-0.07	16	0.531	19	0.535	24	0.534	1.7	32688	رژیم اشغالگر قدس
18	-0.95	17	0.529	15	0.551	18	0.582	1.5	4857	پاکستان
22	-1.33	18	0.523	18	0.541	15	0.598	-0.6	39884	عمان
24	-1.61	19	0.517	11	0.578	12	0.608			سوریه
21	-1.15	20	0.514	21	0.528	19	0.578	1.0	50423	عربستان سعودی
1	0.65	21	0.507	24	0.464	25	0.475	6.4	6039	ازبکستان
16	-0.90	22	0.499	22	0.526	23	0.546	0.8	13268	لبنان
23	-1.36	23	0.478	23	0.500	21	0.548	-3.3	68862	کویت
26	-2.19	24	0.463	20	0.530	20	0.577	2.1	10324	مصر
25	-1.73	25	0.460	25	0.450	22	0.548	1.2	4738	فلسطین
5	-0.14	26	0.434	26	0.427	26	0.440	8.2	15648	ترکمنستان

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

عملکرد زیست‌محیطی تقریباً تمامی کشورهای موضوع سند چشم‌انداز نشان از بدتر شدن وضعیت در ۱۰ سال مورد بررسی داشته است. عملکرد زیست‌محیطی ایران و کشورهای منطقه، همانند روند غالب در کشورهای در حال توسعه نیز نیست. ارتباط درآمد بالای کشورها و عملکرد زیست‌محیطی بهتر آنها و ارتباط رشد درآمد (در ارتباط با رشد مصرف، رشد صنعتی و گسترش شهرنشینی) با عملکرد منفی زیست‌محیطی، الگوی غالب کشورهای در حال توسعه است. (Wendling, 2020, p. 10) به‌طوری‌که از ۵ کشور با سرانه GDP بالا فقط یک کشور (قطر) در بین ۵ کشور با عملکرد زیست‌محیطی بالا و از ۵ کشور اول با بالاترین رشد GDP سرانه، فقط دو کشور (ترکمنستان و ازبکستان) در بین ۵ کشور با ضعیف‌ترین عملکرد زیست‌محیطی بوده‌اند. اما عدم دسترسی به داده‌های کافی برای پایش محیط‌زیست در کشورهای منطقه، همانند الگوی‌های جهانی است.

کم‌توجهی به محیط‌زیست در ایران و کشورهای منطقه (حتی در کشورهای با درآمد بالا)، در شرایط افزایش توجه جهانی، ضرورت تلاش‌های بیشتر از جانب فعالان زیست‌محیطی، موسسات حرفه‌ای، رسانه‌ها و دولت‌ها در ایجاد و ارتقای خواست عمومی در جامعه و قرارداد محیط‌زیست در قانون سیاست‌گذاری‌ها، را ایجاب می‌کند. پایش‌های دوره‌ای محیط‌زیست از طرف موسسات تخصصی و

مستقل و انتشار نتایج به زبان ساده، می‌تواند در این زمینه یک راهکار موثر باشد. پایش طولی شاخص‌های زیست‌محیطی راهی برای ردیابی مشکلات، تعیین اهداف عملیاتی، پیگیری روندها، درک نتایج و شناسایی بهترین شیوه‌های سیاست‌گذاری را فراهم می‌کنند. داده‌های خوب و تجزیه و تحلیل مبتنی بر واقعیت، همچنین می‌توانند به مسئولان کمک کنند تا سیاست‌های خود را اصلاح کنند، ارتباطات با عوامل ذی‌نفع و ذی‌نفوذ را تسهیل کنند تا بازده سرمایه‌گذاری‌های زیست‌محیطی را به حداکثر برسانند.

عملکرد زیست‌محیطی کشورهای منطقه به‌رغم تشابهات، تفاوت در حوزه‌ها و شاخص‌های مختلف را نشان می‌دهد که حوزه‌های بحرانی و اولویت‌های سیاست‌گذاری‌ها هستند. در ایران به تفکیک شاخص‌ها، حوزه‌های بحرانی و نیازمند توجه ویژه، به‌ترتیب زیر است:

کیفیت هوا: در این زمینه کیفیت سوخت مصرفی نقش تعیین‌کننده دارد که نیازمند نظارت ویژه بر تولیدات پالایشگاه‌های داخل و واردات و جمع‌آوری داده و انتشار مرتب آنهاست.

آب شرب و بهداشت: با نظر به عملکرد ضعیف‌تر نسبت به کشورهای اصلی و بزرگ منطقه، هم‌درزمینه دسترسی به آب شرب سالم و هم در جمع‌آوری و دفع فاضلاب نیاز به اقدامات جدی و ابتکاری است. در شرایط دورافتادگی سکونتگاه‌ها و تاخیرهای زیاد در ایجاد زیرساخت‌ها، شاید تغییر رویکرد و استفاده از نوآوری‌ها، عقب‌ماندگی‌ها در این حوزه را جبران کند.

تنوع زیستی، زیستگاه‌ها و جنگل‌ها و مراتع: عملکرد بسیار ضعیف ایران در مقایسه با کشورهای منطقه، با نظر به گستردگی و شرایط اقلیمی ایران، پیگیری مجموعه‌ای از سیاست‌ها را ایجاب می‌کند. ارتقای آگاهی و حساسیت جامعه و جوامع محلی، بهره‌گیری از نوآوری‌ها و امکانات تکنولوژیک، اهتمام در تداوم اجرای طرح‌های آبخیزداری، حمایت از نوآوری‌ها در بهره‌برداری و حفاظت از منابع و همکاری‌های موثر با سازمان‌های بین‌المللی، پیشنهادهای سیاستی برای جبران مافات است.

اقلیم و انرژی: عملکرد ایران در این زمینه مشابه کشورهای نفتی منطقه و بسیار نامناسب است. اتخاذ سیاست‌های تشویقی، مبتنی بر بازار و حذف تدریجی یارانه‌های سوخت، درکنار پیگیری سیاست‌های کلان در زمینه افزایش سهم انرژی‌های تجدیدشونده، می‌بایست رویکرد اصلی کشور در این زمینه باشد که باتوجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور، به تدریج اجرا شود.

سکونتگاه‌ها: سرانه پایین تولید زباله نسبت به کشورهای منطقه که در ارتباط با سطح و الگوی مصرف تعیین می‌شود و افزایش آن با ارتقای شرایط اقتصادی کشور، قابل پیش‌بینی است، درکنار میزان زیاد پسماندهای خطرناک، نیازمند توجه و پیگیری سیاست‌های تشویقی و ترویجی تفکیک از مبدأ، کاستن از حجم و بایوکامپوست، توسعه تاسیسات بازیافت و مدیریت ویژه پسماندهای خطرناک است.

منابع آبی: عملکرد نامناسب بهره‌وری آب کشاورزی و کارایی پایین آب در مقایسه با کشورهای منطقه، ضرورت توجه ویژه به سیاست‌های حمایتی و تشویقی بهره‌برداری بهینه از آب و جبران عقب‌ماندگی‌ها را ایجاب می‌کند. در این زمینه استفاده از فناوری‌های جدید می‌بایست در اولویت قرار گیرد. در کشوری با محدودیت‌های شدید آب، همچون ایران، نیاز است علاوه بر حمایت‌های عملی، در سطوح مختلف، فرهنگ‌سازی نیز صورت گیرد.

کشاورزی: عملکرد ایران در زمینه مدیریت پایدار نیتروژن و استفاده از سموم، نسبت به رقبای منطقه‌ای بهتر است که احتمالاً ناشی از توسعه کمتر مصرف کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها است. حفظ این برتری، نیازمند توسعه کشاورزی ارگانیک و استفاده و توسعه فناوری‌های نو در بخش کشاورزی است.

سپاسگزاری: این مقاله از «طرح تدوین گزارش ملی پایش سند چشم‌انداز

۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران» استخراج شده که با حمایت سازمان مدیریت و

برنامه‌ریزی و جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۹۸ در پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی اجرا شده است.

منابع و مآخذ

- اسماعیلی خوشمردان، ع. (۱۳۹۶). بررسی بهره‌وری آب و آسیب‌شناسی مدیریت آن در بخش کشاورزی ایران. تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های بخش‌های تولیدی.
- بهبودی، د.، & سجودی، س. (۱۳۸۹). محیط‌زیست و رشد اقتصادی پایدار: مطالعه موردی ایران. *مدلسازی اقتصادی*، ۱-۱۸.
- حسنوند، م.، نبی‌زاده، ر.، & حیدری، م. (۱۳۸۷). آنالیز پسماندهای جامد شهری در ایران. *سلامت و محیط*.
- ذکایی، م. (۱۳۹۴). گزارش وضعیت محیط‌زیست ایران ۱۳۸۳-۹۲. تهران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- رضایی میرقاند، م.، & دهکردی مبینی، ع. (۱۳۸۵). ایران آینده در افق چشم‌انداز. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سازمان محیط‌زیست. (۱۴۰۰، خرداد ۱۸). سامانه پایش کیفی هوای کشور. بازیابی از جدول شاخص کیفیت هوا: aqms.doe.ir/Home/AQI
- سلاطین، پ.، & استانبولیچی، س. (۱۳۹۵). تاثیر کیفیت محیط‌زیست بر اقتصاد سلامت در گروه کشورهای منتخب. *علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۱۰۷-۱۲۲.
- کلانتری، خ. (۱۳۹۱). مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی (منطقه‌ای، شهری و روستایی). تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- کمیسیون چشم‌انداز و امور نخبگان، د. (۱۳۹۳). شاخص‌های پایش و ارزیابی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). *سالنامه آماری کشور ۱۳۹۵*. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۰، خرداد ۱۸). شاخص‌های اهداف توسعه هزاره جمهوری اسلامی ایران (۹۳ - ۱۳۸۴). بازیابی از درگاه ملی آمار: <https://amar.org.ir> -MDG
- ملکیان، م. (۱۳۸۰). روش‌شناسی در علوم سیاسی. *فصلنامه علوم سیاسی*.
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. (۱۳۹۰). *راهنمای محاسبه، تعیین و اعلام شاخص کیفیت*. تهران

References

- Chiu, R. (2003). Social sustainability, sustainable development and housing development: The experience of Hong Kong. In R. Forrest, & J. Lee, *Housing and Social Change: East–West perspectives* (pp. 221-239). London: Routledge.
- Collin, P. (2004). *DICTIONARY OF ENVIRONMENT & ECOLOGY*. Bloomsbury Publishing Plc.
- Data.worldbank. (2021, March 19). *data*. Retrieved from <https://data.worldbank.org/indicator/EN.ATM.CO2E.PC?end=2018&start=2011>
- Esty, D., Levy, M., Srebotnjak, T., de Sherbinin, A., Kim, C., & Anderson, B. (2006). *Pilot 2006 Environmental Performance Index*. New Haven: Yale Center for Environmental Law and Policy.
- Fao. (2020, March 18). *FAOSTAT, Pesticides indicators*. Retrieved from <http://www.fao.org/faostat/en/#data/EP>
- Galli, A., Borucke, M., Moore, D., Cranston, G., Gracey, K., Iha, K., . . . Wackernagel, M. (2011). Accounting for demand and supply of the Biosphere's regenerative capacity: the National Footprint Accounts' underlying methodology and framework. Oakland: Global Footprint Network.
- Global Footprint Network. (2021, August 23). *data.footprintnetwork.org*. Retrieved from [data.footprintnetwork.org](https://data.footprintnetwork.org/#/countryTrends?type=BCpc,EFCpc&cn=102): <https://data.footprintnetwork.org/#/countryTrends?type=BCpc,EFCpc&cn=102>
- Global Health Organization. (1400, August 23). *Global Health Observatory data repository*. Retrieved from apps.who.int/gho/data/view.main.SDGPM25UNREGION6v
- Hsu, A. (2016). *2016 Environmental Performance Index*. New Haven: Yale University.
- Hsu, A. (2016) *ENVIRONMENTAL PERFORMANCE INDEX*. New Haven: CT: Yale University. Available: www.epi.yale.edu

- Jacobs, M. (2012). *Green Growth: Economic Theory and Political Discourse*. Grantham Research Institute on Climate Change and the Environment.
- Kuhlman, T., & Farrington, J. (2010). What is Sustainability? *Sustainability*, 3437.
- OECD. (2021, August 23). *OECD.STAT*. Retrieved from ENVIRONMENT: https://stats.oecd.org/index.aspx?DataSetCode=water_treat
- Stratasadvisors. (2021, March 19). *insights*. Retrieved from Diesel-Sulfur-Limits: stratasadvisors.com/Insights/030917-Diesel-Sulfur-Limits
- UN. (2021, August 23). *SDG indicators*. Retrieved from unstats: <https://unstats.un.org/sdgs/indicators/en/>
- United Nations. (2021, August 23). *Environment Statistics*. Retrieved from UNSD Environmental Indicators: unstats.un.org/unsd/envstats/qindicators.cshtml#indicator
- United Nations, D. (1400, June 8). *Sustainable Development Goals*. Retrieved from Sustainable Development Goals: <https://unstats.un.org/sdgs/indicators/database>
- Washdata. (2021, August 23). Retrieved from JMP/Tables/Households: washdata.org/data/household#!/table?geo0=country&geo1=IRN
- WCED. (1987). *Our Common Future*. Oxford University Press.
- Wendling, Z. A. (2020). *2020 Environmental Performance*. New Haven: Yale Center for Environmental.
- YCELP, Y. (2005). The 2005 Environmental Sustainability Index Report. www.yale.edu/esi.
- Yongfu, H., & Quibria, M. (2013). *"Green Growth: Theory and Evidence"*. World Institute for Development Economic Research (UNU-WIDER).

Bibliography

- Behbodi and Sujudi (2010) Environment and Sustainable Economic Growth: A Case Study of Iran, Quarterly Journal of Economic Modeling Volume 4, Number 2, (in Persian)
- Chiu, R. (2003). Social sustainability, sustainable development and housing development: The experience of Hong Kong. In R. Forrest, & J. Lee, *Housing and Social Change: East-West perspectives* (pp. 221-239). London: Routledge.
- Collin, P. (2004). *DICTIONARY OF ENVIRONMENT & ECOLOGY*.

- Bloomsbury Publishing Plc.
- Data.worldbank. (1399, March 19). *data*. Retrieved from <https://data.worldbank.org/indicator/EN.ATM.CO2E.PC?end=2018&start=2011>
- Esty, D., Levy, M., Srebotnjak, T., de Sherbinin, A., Kim, C., & Anderson, B. (2006). *Pilot 2006 Environmental Performance Index*. New Haven: Yale Center for Environmental Law and Policy.
- Fao. (2020, March 18). *FAOSTAT, Pesticides indicators*. Retrieved from <http://www.fao.org/faostat/en/#data/EP>
- Faryadi Shahrzad (2013) Environmental Management, Organization of Municipalities and Rural Affairs, (in Persian)
- Galli, A., Borucke, M., Moore, D., Cranston, G., Gracey, K., Iha, K., ... Wackernagel, M. (2011). Accounting for demand and supply of the Biosphere's regenerative capacity: the National Footprint Accounts' underlying methodology and framework. Oakland: Global Footprint Network.
- Global Footprint Network. (2021, August 23). *data.footprintnetwork.org*. Retrieved from [data.footprintnetwork.org: https://data.footprintnetwork.org/#/countryTrends?type=BCpc,EFCpc&cn=102](https://data.footprintnetwork.org/#/countryTrends?type=BCpc,EFCpc&cn=102)
- Global Health Organization. (1400, June 8). *Global Health Observatory data repository*. Retrieved from [apps. who. int/ gh o/ data/ view. main. SDGPM25UNREGION6v](https://apps.who.int/gho/data/view.main.SDGPM25UNREGION6v)
- Hassanvand, Mohammad Sadegh, Ramin Nabizadeh, Mohsen Heidari (2008) Analysis of Municipal Solid Waste in Iran, Journal of Health and Environment, Volume 1, Number 1, Fall 1993, (in Persian)
- Hsu, A. (2016). *2016 Environmental Performance Index*. New Haven: Yale University. New Haven: CT: Yale University. Available: www.epi.yale.edu.
- Ismaili Khoshmardan, Ali (2017) Study of water efficiency and its management pathology in the agricultural sector of the country, Ministry of Economic Affairs and Finance, Deputy Minister of Economic Affairs, Office of Research and Policies of Production Sectors, (in Persian)
- Jacobs, M. (2012). *Green Growth: Economic Theory and Political Discourse*. Grantham Research Institute on Climate Change and the Environment.
- Kalantari, Khalil (2012) Quantitative models in planning (regional, urban and rural) Farhang Saba Publications, (in Persian)

- Kuhlman, T., & Farrington, J. (2010). What is Sustainability? *Sustainability*, 3437.
- stratasadvisors. (1399, March 19). *insights*. Retrieved from Diesel-Sulfur-Limits: stratasadvisors.com/Insights/030917-Diesel-Sulfur-Limits
- Malekian Mostafa (2001) Methodology in Political Science, Quarterly Journal of Political Science 2001 No. 14 , (in Persian)
- Ministry of Health, Treatment and Medical Education (2011) A Guide to calculation, determination and announcement of Air quality index, phc.mui.ac.ir/sites/phc.mui.ac.ir/files/HAVA.pdf , (in Persian)
- OECD. (2021, August 23). *OECD.STAT*. Retrieved from ENVIRONMENT: https://stats.oecd.org/index.aspx?DataSetCode=water_treat
- Rezaei Mir Ghaed and Mobini Dehkordi (2006) The Future of Iran on the Horizon, Ministry of Culture and Islamic Publications , (in Persian)
- Salatin, Parvaneh and Sahar Eslambolchi (2017) The Effect of environmental quality on Health Economics in Selected Countries. *J. Env. Sci. Tech.*, Vol 18, No.1, spring 2017, (in Persian)
- United Nations. (1399, March 19). *unstats*. Retrieved from ENVIRONMENTAL INDICATORS: <https://unstats.un.org/sdgs/indicators/en/>
- United Nations. (2020, march 18). *Environment Statistics*. Retrieved from UNSD Environmental Indicators: [unstats. un. org/ unsd/ envstats/ qindicators. cshtml#indicator](https://unstats.un.org/unsd/envstats/qindicators.cshtml#indicator)
- UN. (2021, August 23). *SDG indicators*. Retrieved from unstats: <https://unstats.un.org/sdgs/indicators/en/>
- Vision and Elite Affairs Commission, the Secretariat of the Expediency Council (1393) indicators for monitoring and evaluation of Vision 1404 Islamic Republic of Iran, Tehran Vocational Training Organization, (in Persian)
- Washdata. (2021, August 23). Retrieved from JMP/Tables/Households: washdata.org/data/household#!/table?geo0=country&geo1=IRN
- WCED. (1987). *Our Common Future*. Oxford University Press.
- Wendling, Z. A. (2020). *2020 Environmental Performance*. New Haven: Yale Center for Environmental.
- YCELP, Y. (2005). The 2005 Environmental Sustainability Index Report. www.yale.edu/esi.
- Yongfu, H., & Quibria, M. (2013). *"Green Growth: Theory and Evidence*. World Institute for Development Economic Research (UNU-WIDER).

Political Parties in the Electoral System of the Islamic Republic of Iran: Pathology and Solutions

Jalil Dara

Assistant Professor, PhD in Political Science - Iranian Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. jaliledara@gmail.com

Elaheh Sadeghi

Corresponding Author, PhD in Political Science, Visiting Professor, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. e_sadeghi1986@yahoo.com

Abstract

Political parties have several functions, one of which is gaining political power. Creating a legal framework for the political participation of different individuals is the most important issue facing political actors, and in this context, the relationship between political parties and the electoral system is important. Although the legal framework for the activities of political parties in Iran is available, they are still not efficient in the Iranian electoral system. The purpose of this study is to the pathology of political parties And also provide effective solutions to eliminate the harms. Although the legal framework for the activities of political parties in Iran is available, they are still not efficient in the Iranian electoral system. The purpose of this study is to identify the harms to the efficiency of political parties in the Iranian electoral system and also to provide effective solutions to eliminate these harms. To achieve this goal, the Delphi method and Shannon technique have been used. In two stages, the researchers collected the views of 10 experts in the field of elections through interviews and questionnaires, and then the data obtained from the consensus of experts were analyzed using the Shannon technique. The findings showed that the most important damage that led to the inefficiency of political parties is in the category of "structural" damage, followed by "legal", "economic", "functional" and "cultural" damage.

Keywords: Political parties, Iranian elections, pathology of parties, the efficiency of parties

احزاب سیاسی در نظام انتخابات جمهوری اسلامی ایران

آسیب‌ها و راهکارها^۱

جلیل دارا

استادیار، دکتری علوم سیاسی - مطالعات ایران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
jaliledara@gmail.com

الهه صادقی

نویسنده مسئول، دکتری تخصصی علوم سیاسی، استاد مدعو دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
e_sadeghi1986@yahoo.com

چکیده

احزاب سیاسی کارویژه‌های متعددی دارند که کسب قدرت سیاسی یکی از این کارویژه‌ها است. ایجاد بسترهای قانونی برای مشارکت سیاسی افراد مختلف، مهم‌ترین مسئله‌ای است که فراروی کنشگران سیاسی قرار دارد و در همین زمینه، رابطه احزاب سیاسی با نظام انتخابات اهمیت پیدا می‌کند. اگر چه بسترهای قانونی فعالیت احزاب سیاسی در ایران فراهم است، اما هنوز در نظام انتخابات ایران کارآمد نیستند. هدف این پژوهش، شناسایی آسیب‌های فراروی کارآمدی احزاب سیاسی در نظام انتخابات ایران و همچنین ارائه راهکارهایی موثر برای رفع این آسیب هاست. برای دستیابی به این هدف از روش دلفی و تکنیک شانون استفاده شده است. پژوهشگران در دو مرحله به‌صورت مصاحبه و پرسش‌نامه، دیدگاه‌های ۱۰ نفر از صاحب‌نظران را در حوزه انتخابات جمع‌آوری کردند و سپس داده‌های به‌دست‌آمده از اجماع صاحب‌نظران با تکنیک شانون مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین آسیبی که منجر به ناکارآمدی احزاب سیاسی شده، از دسته آسیب‌های «ساختاری» است و پس از آن، دسته آسیب‌های «قانونی»، «اقتصادی»، «عملکردی» و «فرهنگی» قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: احزاب سیاسی، انتخابات ایران، آسیب‌شناسی احزاب، کارآمدی احزاب

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۰۵ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۲۹

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۶۳-۳۹۱

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

مقدمه

انتخابات فرایندی است که در آن، مردم در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی سهیم می‌شوند؛ یعنی مردم نه تنها منشأ رخدادهای مهم هستند، بلکه آنها مرجع نتیجه نیز تلقی می‌شوند. در جامعه سیاسی ایران، از عمر حضور و مشارکت قانونی مردم در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش، حدود یک‌صد سال می‌گذرد؛ برای اولین بار، مردم ایران در واقعه تحریم تنباکو، به عرصه سیاسی ورود پیدا کردند و پس از آن، مردم در انقلاب مشروطیت، این حق نادیده گرفته شده خود را رسمی و قانونی ساختند که تا به امروز پایدار مانده است؛ با این تفاوت که در دوران قبل از انقلاب اسلامی، انتخابات تحت سیطره قدرت حاکم بود که این امر نشان‌دهنده فرمایشی بودن انتخابات داشت، اما فصل جدیدی در تاریخ سیاسی ایران با پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد و اصل حاکمیت الهی (اسلامیت) با اصل حاکمیت مردم (جمهوریت) در چارچوب نظام مردم‌سالاری دینی نمایان شد و به وسیله انتخابات، حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش به رسمیت شناخته شده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی چند بار همه‌پرسی و انتخابات سراسری در کشور برپا شد که اصلی و مهم‌ترین آن، همه‌پرسی تغییر نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی بود که با مشارکت و رای حداکثری مردم در ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ تصویب شد. در ۱۲ مرداد سال ۱۳۵۸ نیز انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی برگزار و سپس در ۱۲ آذرماه قانون اساسی به همه‌پرسی گذاشته و تصویب

شد. از این زمان به بعد، انتخابات با نظارت شورای نگهبان برگزار می‌شود و براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، مردم رئیس قوه مجریه، اعضای قوه مقننه، اعضای مجلس خبرگان رهبری و اعضای شورای شهر را انتخاب می‌کنند. با وجود اینکه نظام جمهوری اسلامی، اقدامات موثر و کارآمدی را در برپایی انتخابات انجام داده است؛ اما همچنان از ایده‌آل نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی فاصله دارد و هنوز آسیب‌هایی فراروی نظام انتخاباتی ایران وجود دارد.

براین‌اساس یکی از مسائل مهم نظام انتخابات، آسیب‌های آن است که البته مولفه‌های متفاوتی در ایجاد آسیب‌های انتخابات موثر است که یکی از این مولفه‌ها، احزاب سیاسی است. درواقع کارویژه مهم احزاب سیاسی، دستیابی به قدرت سیاسی است، پس ایجاد بسترهای قانونی برای مشارکت سیاسی افراد مختلف، مهم‌ترین مسئله‌ای است که فراروی کنشگران سیاسی قرار دارد و در همین زمینه رابطه‌ی احزاب سیاسی با نظام انتخاباتی اهمیت پیدا می‌کند؛ اما در کشور ایران، با وجود اینکه در قوانین، آزادی تشکیل احزاب سیاسی وجود دارد؛ اما هنوز شاهد فقدان نظام حزبی در انتخابات یا به تعبیر دیگر، عدم‌کارآمدی احزاب سیاسی در نظام انتخابات ایران هستیم که علت این امر از یک‌سو، عدم‌شناسایی به‌موقع آسیب‌ها و عدم‌ارائه راهکارهای کارآمد برای رفع این آسیب-هاست. از سوی دیگر اقدامات و پژوهش‌های صورت‌گرفته نیز درخصوص رفع آسیب‌های نظام انتخابات به علت اینکه تنها به یک بعد از ابعاد مختلف مسأله انتخابات و آسیب‌های آن پرداخته، نتوانسته زوایای پنهان آسیب احزاب سیاسی در نظام انتخابات را نمایان سازد و در نتیجه این آسیب در نظام انتخابات، پایدار مانده و در مواردی کارآمدی انتخابات را تحت‌تأثیر قرار داده است.

با این توصیف، هدف این پژوهش، شناسایی آسیب‌هایی است که فراروی کارآمدی احزاب سیاسی در نظام انتخابات ایران قرار دارد و همچنین ارائه راهکارهایی کارآمد برای رفع این آسیب‌هاست. بنابراین این پژوهش به‌دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که آسیب‌های فراروی کارآمدی احزاب سیاسی در نظام انتخابات جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای رفع آن کدام است؟ برای

پاسخ‌گویی به این پرسش از روش دلفی^۱ و تکنیک شانون^۲ استفاده می‌شود و آسیب‌های تاثیرگذار بر کارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات ایران و راهکارهای رفع آنها از دیدگاه صاحب‌نظران علوم سیاسی که در این زمینه کتاب یا اثر پژوهشی داشته‌اند، بررسی می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

مرور منابعی چند پیرامون موضوع پژوهش حاضر موجب روشن‌تر شدن و آشنایی با طرح دیدگاه‌ها و همچنین نارسایی‌های مربوط به مسئله پژوهش می‌شود. پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون این موضوع را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد که به شرح زیر است: دسته اول، منابعی است که به آسیب‌های قانونی انتخابات پرداخته است. مشفق (۱۳۹۶) در کتاب «کندوکاو آسیب‌شناسانه نظام انتخابات» آسیب انتخابات را مربوط به قوانین انتخابات می‌داند (مشفق، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۰-۱۵۲). همچنین طحان‌نظیف (۱۳۹۳) نیز در مقاله «آسیب‌شناسی نظام حقوقی حاکم بر فرایندهای نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی» معتقد است قوانین مربوط به نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی دارای نواقص است و قوانین مشخصی برای رد یا تایید صلاحیت نامزدها وجود ندارد و باید قوانینی که مربوط به نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی است، بازنگری گردد (طحان‌نظیف، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۳۲-۱۱۴۵).

دسته دوم، منابعی است که به آسیب‌های تبلیغاتی انتخابات پرداخته است. درستی (۱۳۹۳) در مقاله «آسیب‌شناسی تبلیغات انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در پرتو اصول حقوقی حاکم بر تبلیغات»، مهم‌ترین آسیب تبلیغات در انتخابات مجلس شورای اسلامی را مربوط به قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی معرفی می‌کند که در زمینه تبلیغات، خلأ قوانین روشن و نظارت دولت بر هزینه‌های تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی وجود دارد که منجر به ورود پول کثیف به انتخابات شده است (درستی، ۱۳۹۳، ص. ۹۰-۱۰۵).

1. Delphy Method

2. Shaanon Entropy Method

دسته سوم منابعی است که به آسیب‌های نظام حزبی انتخابات پرداخته است. شجاعی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «آسیب‌شناسی نقش احزاب سیاسی در نظام انتخابات ایران» معتقد است که در نظام جمهوری اسلامی، مکانیزم‌هایی در قانون، برای حضور مردم در عرصه سیاسی تعیین شده است؛ اما هنوز مشارکت سیاسی، مشارکت غیرحزبی است که عواملی نظیر قوانین و دولت منجر به ناکارآمدی احزاب شده است (شجاعی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۰-۲۲۰). همچنین اعمایی (۱۳۹۸) در مقاله «آسیب‌شناسی رابطه نظام حزبی و نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران» به آسیب‌شناسی نظام حزبی و نظام انتخابات در ایران پرداخته است و علت ناکارآمدی احزاب در انتخابات را قانون انتخابات می‌داند (اعمایی، ۱۳۹۸، ص. ۴۵-۵۶).

دسته چهارم منابعی است که به تلفیقی از آسیب‌های انتخابات نظیر آسیب‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و قانونی پرداخته است. ادیانی (۱۳۷۸) در کتاب «آسیب‌شناسی انتخابات و جایگاه مجلس و مردم»، آسیب‌های انتخابات را اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند. وی یکی از آسیب‌های انتخابات را مربوط به فرهنگ سیاسی ایرانیان می‌داند که ضعف فرهنگ کار جمعی در ایران روند تشکیل نهادهای سیاسی مثل احزاب سیاسی در انتخابات را تضعیف نموده است (ادیانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۴۰-۱۷۹). همچنین گلشنی (۱۳۹۷) در مقاله «آسیب‌شناسی انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران و ارائه راهکار اصلاح آن»، آسیب‌های مربوط به نظام حزبی انتخابات را مربوط به عملکرد نامناسب احزاب سیاسی؛ تشکیل احزاب از بالا به پایین و... می‌داند که منجر به ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات شده است. همچنین یکی دیگر از آسیب‌های انتخابات را مربوط به قوانین انتخابات می‌داند که مبتنی بر نیازهای روز جامعه نیست و دولتی بودن اقتصاد و ورود رانت‌های اقتصادی و سیاسی به فرایند انتخابات نیز از دیگر آسیب‌هاست (گلشنی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۰-۱۳۰).

همان‌طور که اشاره شد، منابع مورد اشاره به‌رغم دستاوردهای مهمی که داشته‌اند، غالباً تصویری تک‌بعدی از ابعاد مختلف مسأله انتخابات و آسیب‌های آن ارائه می‌دهند یا اینکه آسیب احزاب سیاسی را تنها به یک بعد نظیر بعد قانونی

محدود کرده‌اند و همین نقصان، علت اصلی این پژوهش است. لذا این پژوهش در تلاش است، آسیب انتخابات را به صورت متمرکز بر احزاب سیاسی مورد توجه قرار دهد و ابعاد و متغیرهای متعدد دخیل در آن را با روش دلفی و تکنیک شانون مورد بررسی قرار دهد.

۲. مبانی نظری پژوهش

قبل از پرداختن به مبانی نظری پژوهش لازم است، ابتدا آسیب و آسیب‌شناسی^۱ تعریف گردد. آسیب در لغت به معنای رنج، محنت، کاستی و ضعف می‌باشد و به تبع آسیب‌شناسی علم تشخیص کاستی‌ها و به تعبیر دیگر شناخت علمی ضعف‌ها، کاستی‌هاست (هریسی نژاد، ۱۳۸۰، ص. ۹۸۲). آسیب‌شناسی یعنی شناخت علل و عواملی که وجود و پایداری آنها می‌تواند فرایند دستیابی به اهداف را در هر نظامی کند یا متوقف سازد و تحت‌تأثیر تبعات خود درآورد. در واقع آسیب‌شناسی فرایندی است که به صورت نظاممند و منسجم، داده‌های اصلی را جمع‌آوری می‌نماید تا بتواند مشکلات، چالش‌ها و محدودیت‌ها را برطرف سازد (بنیانیان، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۸). به تعبیر دیگر شناختن علمی علت ضعف‌ها، کاستی‌ها و چالش‌ها در روند طبیعی پدیده‌ها، رفتارها و کنش‌هاست و فراهم کردن زمینه و بستری که بتواند راهکاری مناسب برای رفع این کاستی‌ها ارائه کند تا برای برقراری کارآمدی و سلامت پدیده‌ها و رفتارها، انگیزه ایجاد نماید (امیری فرح آبادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۴).

پس از تعریف آسیب‌شناسی، برای توضیح و تبیین آسیب‌شناسی انتخابات، می‌توان به مقاله مایکل برودیر^۲ که درخصوص آسیب‌شناسی سازمان نوشته شده، رجوع کرد و ویژگی‌هایی از آسیب‌شناسی را کسب و سپس از آن در فرایندها و موضوعات آسیب‌شناسی استفاده کرد. از منظر برودیر، زمانی که آسیب یا آسیب-هایی ایجاد شود یا احتمال ایجادشدن آسیب وجود داشته باشد، آسیب‌شناسی صورت می‌گیرد. به همین منظور ضروری است که به وسیله روش‌های متفاوت،

1. Pathology

2. Micheal Brodeur

فرایند جمع‌آوری داده و اطلاعات صورت گیرد و داده‌های جمع‌آوری شده در معرض قضاوت و اظهارنظر صاحب‌نظران قرار گیرند تا آسیب‌ها تعیین شود و سپس راهکارهای صحیح و کارآمد برای رفع آسیب‌ها اتخاذ و به مرحله اجرا درآیند (Brodeur, 2008, pp. 642-650).

درخصوص آسیب‌شناسی علاوه بر مقاله برودیر، می‌توان به کتاب «انتخابات و رای‌دهندگان: مقدمه تطبیقی»^۱ نوشته مارتین هارپ و یلیام چارلی میلر^۲، مراجعه کرد. در این کتاب استدلال شده است که نظام‌های انتخابات، قالب‌های قانونی هستند که از شرایط و فضای خاصی که در آن قرار می‌گیرند، تبعیت می‌کنند و از عناصری نظیر قوانین، کاربرد و زمینه‌ها تشکیل شده‌اند (Harrop & Miller, 1987, pp. 41-42). بنابراین در آسیب‌شناسی انتخابات، باید این عناصر مورد توجه قرار گیرند. با این توصیف، در آسیب‌شناسی نظام انتخابات، اول باید ضعف‌ها، کاستی‌ها شناسایی شود. دوم اینکه بسترهای ایجاد ضعف‌ها و کاستی‌ها و عواملی که منجر به شکل‌گیری این کاستی‌ها شده‌است، بررسی و شناسایی شود. پس هدف از آسیب‌شناسی نظام انتخابات، مطالعه و شناخت علمی آسیب‌هایی است که سلامت و کارآمدی انتخابات را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. پس نگرشی منسجم به کل فرایند برگزاری انتخابات نیاز است (ممی زاده، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۹).

به اقتدا از موارد مطرح شده و با لحاظ کردن نوع و ماهیت موضوع‌های مربوط به کارآمدی و سلامت انتخابات که متاثر از مدیریت انتخابات؛ ساختار نهاد انتخابات؛ قوانین انتخابات؛ شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه؛ احزاب سیاسی؛ تبلیغات و غیره است، پس باید کارکرد همه عناصر تاثیرگذار در نظام انتخابات مورد توجه قرار گیرد (Rose, 2000, p. 86)؛ لذا برای بررسی آسیب-شناسی احزاب سیاسی در نظام انتخابات نیز باید تمام عوامل دخیل که کارآمدی احزاب سیاسی را در انتخابات تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهند، شناسایی شوند تا سلامت انتخابات از این عوامل، آسیب‌زدایی شود.

1. Elction And voter : A Comparative Introductio

2. Harrop & W.L Miller Martin

مضاف بر این توضیحات، آسیب‌شناسی احزاب سیاسی در انتخابات ایران، نیازمند این است که از الگو یا روش‌هایی در مطالعات آسیب‌شناسی استفاده کند، اما تا به امروز درخصوص آسیب‌شناسی احزاب سیاسی در انتخابات و راهکارهای رفع این آسیب‌ها، پژوهش علمی به صورت جامع و کامل انجام نشده است که پژوهش حاضر بتواند از الگو یا روش به دست آمده این پژوهش‌ها، استفاده کند. بنابراین نظریه‌های موجود به تنهایی نمی‌تواند به بررسی آسیب‌های احزاب سیاسی در انتخابات ایران و ارائه راهکارهای رفع این آسیب‌ها بپردازد. به همین منظور برای درک و فهم درست آسیب‌شناسی احزاب در انتخابات و ارائه راهکارهای رفع این آسیب‌ها، متمرکز بر رویکردی خواهیم بود که بر چند روش و ترکیب آنها مبتنی است؛ یعنی مضاف بر بهره‌گیری از ادبیات موجود در پژوهش که بر مبنای نقطه-نظرات متخصصان حوزه انتخابات است، به وسیله روش دلفی و تکنیک آنتروپی شانون، آسیب‌های فراروی کارآمدی احزاب سیاسی تعیین و سپس راهکارهای رفع آنها تشخیص و تعیین می‌شود.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش از روش دلفی استفاده شده است. درواقع یکی از روش‌های کسب دانش گروهی، روش دلفی است. براساس دیدگاه هلمر^۱ زمانی که لازم است هم-اندیشی چند متخصص در یک موضوع خاص برای کشف ایده‌های نوآورانه بررسی گردد؛ ولی موقعیت و امکانات مناسب برای جمع کردن آنان وجود نداشته باشد، می‌توان از روش دلفی استفاده نمود (Linstone, 2002, p. 55).

همچنین سو و سندفورد^۲ (۲۰۰۷) در مقاله خود که درخصوص روش دلفی نوشته‌اند، استدلال کردند که در سه یا چهار مرحله عملی، فرایند روش دلفی انجام می‌گیرد. آغاز مرحله اول، با یک پرسش‌نامه و مصاحبه‌باز است. در این مصاحبه باز، مبانی اصلی از مرور ادبیات در موضوع مورد نظر مورد، استخراج و در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار می‌گیرد. پژوهشگر باید بعد از جمع کردن پاسخ‌ها، بر مبنای

1. Helmer

2. Hsu & Sandford

اطلاعات کسب شده از این مرحله، پرسش نامه بسته ای تهیه کند. در مرحله دوم، هر شرکت کننده، پرسش نامه بسته ای دریافت می کند که در آن نکته های مهم مرحله اول ذکر شده است. در این مرحله، باید شرکت کنندگان، ابعاد موضوع مورد بحث را اولویت بندی کنند. در پایان مرحله دوم، موضوعاتی که مورد توافق شرکت کنندگان نیست، مشخص خواهد شد. در این مرحله، کم کم اجماع شروع به شکل گیری می کند و می توان پاسخ های شرکت کنندگان را برای یکدیگر ارسال کرد تا از پاسخ ها مطلع شوند. در مرحله سوم مجدد هریک از شرکت کنندگان، پرسش نامه دریافت می کنند که در آن نکات خلاصه شده مرحله قبلی ذکر شده است. در این مرحله از شرکت کنندگان، درخواست می شود، دلیل خود را درباره موارد عدم اجماع بیان یا تجدیدنظر کنند. این مرحله به شرکت کنندگان این فرصت را می دهد که نظر و داوری خود را در موضوعات، به روشنی بیان کنند. در مرحله چهارم، لیستی از موضوعات مورد اجماع و عدم اجماع در اختیار شرکت کنندگان قرار می گیرد. این مرحله، برای شرکت کنندگان، آخرین فرصت به منظور تجدیدنظر و داوری آنهاست. نکته مهم این است که تعداد تکرار مراحل در روش دلفی، مبتنی بر درجه توافق شرکت کنندگان، از ۳ تا ۵ مرحله است (Hus, 2007, pp. 10-11).

جدول ۱. نکات مهم در استفاده از روش دلفی

مزیت	بهره گیری از دیدگاه های صاحب نظران استفاده از فرایند بازتاب و تجدیدنظر برای به دست آوردن نتیجه دقیق تر
افراد مورد نیاز	۱۰ تا ۱۵ نفر
مدت زمان	حداقل ۴۵ روز
تعداد مراحل تکرار مصاحبه یا پرسش نامه	سه تا چهار مرحله مصاحبه و پرسش نامه
میزان اجماع مورد نظر برای کسب نتیجه	۷۰ تا ۸۰ درصد (نمره بالای ۳ از مقیاس لیکرت)

(Hus, 2007, pp. 10-11)

در ادامه از تکنیک شانون، به منظور تحلیل داده های به دست آمده از مرحله دوم روش دلفی استفاده شد. این تکنیک استفاده از یک فرمول ریاضی برای بررسی و تحلیل داده هاست و برای تعیین و تحلیل اولویت و اهمیت شاخص ها، نسبت به روش سنتی فراوانی و میانگین از اعتبار بیشتری برخوردار است.

۳-۱. رویه انجام پژوهش

انتخاب شرکت‌کنندگان، در روش دلفی، یکی از بخش‌های مهم این روش است و شرکت‌کنندگان براساس تخصص و نه به‌صورت تصادفی انتخاب می‌شوند. در این پژوهش نیز، ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه که در حوزه انتخابات صاحب‌نظر بودند، انتخاب شدند. در مرحله اول، مصاحبه باز با شرکت‌کنندگان صورت گرفت. در این مصاحبه، پژوهشگر به دنبال این بود که دیدگاه صاحب‌نظران را درخصوص آسیب‌های احزاب سیاسی در انتخابات کسب کند. سپس پژوهشگر داده‌های به‌دست‌آمده از مرور منابع را برای آنان توضیح داد و درخواست کرد که نظر خود را بیان کنند. در این مرحله، با این ۱۰ شرکت‌کننده، حدود ۵۰۰ دقیقه گفتگو صورت گرفت.

جدول ۲. نکات کلیدی به‌دست‌آمده از مصاحبه با متخصصان در مرحله اول روش دلفی

متخصص	آسیب‌های فراوی کارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات
۱	نظام اقتصادی وابسته به نفت ابهام موجود در قانون انتخابات
۲	سابقه نامطلوب احزاب سیاسی در ایران مقطعی‌بودن فعالیت احزاب سیاسی
۳	حزب‌محور نبودن نظام انتخابات
۴	فقر فرهنگ قانون‌گرایی فقر فرهنگ کار جمعی
۵	سابقه نامطلوب احزاب سیاسی ضعف در شایسته‌سالاری، آموزش و تربیت سیاسی
۶	حزب‌محور نبودن نظام انتخابات
۷	مشخص‌نبودن جایگاه رسمی احزاب سیاسی در قانون انتخابات ابهام و تعارض‌های موجود در قانون انتخابات
۸	ناهماهنگی توسعه سیاسی و اقتصادی
۹	مشارکت‌گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات ایران
۱۰	سابقه نامطلوب احزاب سیاسی در ایران عدم‌اعتماد عمومی به احزاب سیاسی

پس از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، آسیب‌های احزاب در انتخابات ایران از نگاه متخصصان استخراج شد. این آسیب‌ها با آسیب‌های استخراج‌شده از مرور منابع مقایسه و سپس آسیب‌های مشترک حذف شد و درنهایت ۲۳ آسیب به‌عنوان آسیب‌های مهم در عدم‌کارآمدی احزاب در انتخابات تعیین شد. این فرایند در

نمودار ۱ نشان داده شده است:

آسیب‌های به‌دست‌آمده از مرور منابع
فسادهای سیاسی و اقتصادی و فشارهای اقتصادی و سیاسی بر مردم ضعف‌های حقوقی نظام انتخابات قانون انتخابات حداقل، غیرشفاف و فقدان معیار مشخص برای برگزاری انتخابات ضعف عملکرد و سابقه نامطلوب احزاب سیاسی در ایران بی‌برنامگی و انشعاب در احزاب سیاسی فراخیزی دانستن کاندیداهای انتخابات عدم اعتماد عمومی به احزاب سیاسی قانون گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات ضعف پابندی به قانون و مدارای سیاسی مشارکت گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات ایران



آسیب‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها
اقتصاد وابسته به نفت ناهماهنگی توسعه سیاسی و اقتصادی فسادهای سیاسی و اقتصادی و فشارهای اقتصادی و سیاسی بر مردم تدلیس دولت‌ها در تغییرات پولی و ارزی در ایام منتهی به برگزاری انتخابات و ایجاد ادوار انتخابات توسط دولت‌ها سابقه نامطلوب و ضعف عملکرد احزاب سیاسی در ایران کم‌بهرگی از اخلاق سیاسی و اسلامی عملکرد گروه‌های جایگزین احزاب سیاسی ضعف در شایسته‌سالاری، آموزش و تربیت سیاسی مقطعی بودن فعالیت احزاب سیاسی ضعف جامعه مدنی و کمی تجربه مشارکت سیاسی فقر فرهنگ کار جمعی تعدد و ناپایداری قوانین انتخابات فقدان نگرش راهبردی و آسیب‌شناسانه به قوانین انتخابات فقدان ضمانت اجرایی و مجازات بازدارنده متناسب با جرایم انتخاباتی مشخص نبودن جایگاه رسمی احزاب سیاسی در قانون انتخابات ناکارآمد، غیرپاسخگو و مبتنی نبودن نظام انتخابات بر نیازهای روز انتخابات حزب‌محور نبودن نظام انتخابات تفکر محور بودن نظام انتخابات



آسیب‌های نهایی
اقتصاد وابسته به نفت ناهماهنگی توسعه سیاسی و اقتصادی فسادهای سیاسی و اقتصادی و فشارهای اقتصادی و سیاسی بر مردم تدلیس دولت‌ها در تغییرات پولی و ارزی در ایام منتهی به برگزاری انتخابات و ایجاد ادوار انتخابات توسط دولت‌ها ضعف‌های حقوقی نظام انتخابات قانون انتخابات حداقل، غیرشفاف و فقدان معیار مشخص برای برگزاری انتخابات تعدد و ناپایداری قوانین انتخابات فقدان ضمانت اجرایی و مجازات بازدارنده متناسب با جرایم انتخاباتی فقدان نگرش راهبردی و آسیب‌شناسانه به قوانین انتخابات مشخص نبودن جایگاه رسمی احزاب سیاسی در قانون انتخابات سابقه نامطلوب و ضعف عملکرد احزاب سیاسی در ایران بی‌برنامگی و انشعاب در احزاب سیاسی فراخیزی دانستن کاندیداهای انتخابات مقطعی بودن فعالیت احزاب سیاسی

ضعف در شایسته‌سالاری، آموزش و تربیت سیاسی
عدم اعتماد عمومی به احزاب سیاسی
قانون‌گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات
ضعف پایبندی به قانون و مدارای سیاسی
مشارکت‌گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات ایران
فقر فرهنگ کار جمعی
ناکارآمد، غیرپاسخ‌گو و مبتنی نبودن نظام انتخابات بر نیازهای روز انتخابات
حزب‌محور نبودن نظام انتخابات
تفکر محور بودن به جای برنامه‌محور بودن نظام انتخابات

نمودار ۱. آسیب‌های به‌دست‌آمده از مرور منابع و مصاحبه با متخصصان و استخراج آسیب‌های نهایی

همچنین پس از مشخص شدن آسیب‌هایی که منجر به ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات شده است، راهکارهای رفع این آسیب‌ها استخراج شد و در نهایت ۱۴ راهکار مهم برای رفع این آسیب تعیین شد که در نمودار ۲ نشان داده شده است.

راهکار به‌دست‌آمده از مرور منابع	راهکار به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها	راهکار نهایی
اصلاح و حذف برخی از قوانین انتخابات برخورد قانونی با تخلفات انتخابات و بازنگری در انواع جرایم انتخاباتی با در نظر گرفتن مسائل جدید و تعیین مجازات‌های بازدارنده عدم وابستگی اقتصاد به نفت و استفاده همه‌جانبه از سایر منابع طبیعی	تدوین مجدد قانون انتخابات جامع و کامل تقویت نظام حزب‌محور در انتخابات تلفیق اقتصاد دولتی و خصوصی تقویت نظام آموزشی کشور به‌منظور آموزش عمومی، گسترده و فراگیر جهت مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی در قبال عملکرد خویش افزایش سطح آگاهی احزاب سیاسی در مورد شایسته‌سالاری الزام داوطلب به جمع‌آوری تعداد معینی امضا اعلام نامزدی از سوی یکی از احزاب سیاسی رسمی به‌منظور محدود کردن تعداد داوطلبان	تدوین مجدد قانون انتخابات جامع و کامل مبتنی بر نیازهای روز انتخابات برخورد قانونی با تخلفات انتخابات و بازنگری در انواع جرایم انتخاباتی با در نظر گرفتن مسائل جدید و تعیین مجازات‌های بازدارنده عدم وابستگی اقتصاد به نفت و استفاده همه‌جانبه از سایر منابع طبیعی تلفیق اقتصاد دولتی و خصوصی توسعه متوازن و ایجاد رشد اقتصادی و سیاسی متوازن و گسترده گسترش فرهنگ قانون‌مداری، رقابت و مشارکت در جامعه بین احزاب سیاسی، نخبگان و کاندیداها تقویت نظام آموزشی کشور به‌منظور آموزش عمومی و فراگیر جهت مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی در قبال عملکرد خویش الزام داوطلبان برای معرفی از کاندیداتوری از سوی حزبی خاص تقویت احزاب سیاسی در عرصه مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در قبال معرفی کاندیداهای حزبی افزایش سطح آگاهی احزاب سیاسی در مورد شایسته‌سالاری

نمودار ۲. راهکارهای به‌دست‌آمده از مرور منابع و مصاحبه با متخصصان و استخراج راهکارهای نهایی

بنابر نظر پژوهشگر این ۲۳ آسیب در مرحله دوم روش دلفی، در پنج دسته موضوعی دسته‌بندی شد. این دسته‌ها عبارت بودند از ۱-دسته قانونی شامل آسیب‌های: ضعف‌های حقوقی نظام انتخابات؛ قانون انتخابات حداقل، غیرشفاف و فقدان معیار مشخص برای برگزاری انتخابات؛ تعدد و ناپایداری قوانین انتخابات؛ فقدان ضمانت اجرایی و مجازات بازدارنده و متناسب با جرایم انتخاباتی؛ فقدان نگرش راهبردی و آسیب‌شناسانه به قوانین انتخابات و مشخص نبودن جایگاه رسمی احزاب سیاسی در قانون انتخابات.

۲-دسته ساختاری شامل آسیب‌های: ناکارآمد، غیرپاسخ‌گو و مبتنی نبودن نظام انتخابات بر نیازهای روز انتخابات؛ حزب‌محور نبودن نظام انتخابات؛ برنامه-محور نبودن نظام انتخابات.

۳-دسته اقتصادی شامل آسیب‌های: اقتصاد وابسته به نفت؛ ناهماهنگی توسعه سیاسی و اقتصادی؛ تدلیس دولت‌ها در تغییرات پولی و ارزی در ایام منتهی به برگزاری انتخابات و ایجاد ادوار انتخابات توسط دولت‌ها؛ فسادهای سیاسی و اقتصادی و فشارهای اقتصادی و سیاسی بر مردم.

۴-دسته فرهنگی شامل آسیب‌های: قانون‌گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات؛ ضعف پایبندی به قانون و مدارای سیاسی؛ مشارکت‌گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات ایران و فقر فرهنگ کارجمعی.

۵-دسته عملکردی شامل آسیب‌های: سابقه نامطلوب احزاب سیاسی در ایران؛ مقطعی بودن فعالیت احزاب سیاسی؛ فراحزبی دانستن کاندیداهای انتخابات؛ عدم اعتماد عمومی به احزاب سیاسی؛ ضعف در شایسته‌سالاری، آموزش و تربیت سیاسی و بی‌برنامگی و انشعاب در احزاب سیاسی.

همچنین بنابر نظر پژوهشگر، علاوه بر دسته‌بندی آسیب‌ها، راهکارهای رفع این آسیب‌ها نیز در ۵ دسته موضوعی دسته‌بندی شد. این دسته‌ها عبارت بودند: ۱-دسته قانونی شامل راهکارهای: تدوین مجدد قانون انتخابات به صورت جامع و کامل مبتنی بر نیازهای روز انتخابات؛ برخورد قانونی با تخلفات انتخابات و بازنگری در انواع جرایم انتخاباتی با در نظر گرفتن مسائل جدید و تعیین

مجازات‌های بازدارنده؛ تشکیل مرکز یا موسسه علمی و مطالعاتی مختص انتخابات در کشور به منظور بازبینی و روزآمدکردن قوانین انتخابات و رصدکردن آسیب‌های انتخابات.

۲-دسته ساختاری شامل راهکارهای: تغییر ساختار نظام انتخابات (از اکثریتی به تناسبی)؛ تقویت نظام حزب‌محور در انتخابات؛ تقویت برنامه‌محوربودن انتخابات.

۳-دسته اقتصادی شامل راهکارهای: عدم وابستگی اقتصاد به نفت و استفاده همه‌جانبه از سایر منابع طبیعی؛ تلفیق اقتصاد دولتی و خصوصی و توسعه متوازن و ایجاد رشد اقتصادی و سیاسی متوازن و گسترده.

۴-دسته فرهنگی شامل راهکارهای: گسترش فرهنگ قانون‌مداری، رقابت و مشارکت در جامعه بین احزاب سیاسی، نخبگان و کاندیداها؛ تقویت نظام آموزشی کشور به منظور آموزش عمومی و فراگیر جهت مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی درقبال اقدامات خویش

۵-دسته عملکردی شامل راهکارهای: تقویت احزاب سیاسی در عرصه مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی درقبال معرفی کاندیداهای حزبی و افزایش سطح آگاهی احزاب سیاسی درمورد شایسته‌سالاری.

سپس پرسش‌نامه بسته‌ای با پاسخ‌های ۵ درجه‌ای طیف لیکرت برای این آسیب‌های ۲۳گانه و راهکارهای ۱۴گانه تهیه شد و در اختیار شرکت‌کنندگان گذاشته شد. در جدول ۳ و ۴ داده‌های به‌دست آمده از این مرحله، به شکل نمره-دهی به هر آسیب و راهکار نشان داده شده است. در این جداول برای انجام محاسبات، نمره ۱ برای مخالفت کامل و نمره ۵ برای موافقت کامل ازسوی هر شرکت‌کننده به‌صورت (الف تا دال) لحاظ شده است.

جدول ۳. نمرات متخصصان به هر آسیب در پرسش‌نامه مرحله دوم روش دلفی

ردیف	آسیب	الف	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
۱	ضعف‌های حقوقی نظام انتخابات	۴	۴	۴	۴	۵	۴	۵	۴	۴	۴
۲	قانون انتخابات حداقل، غیر شفاف و فقدان معیار مشخص برای برگزاری انتخابات	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۴	۴	۴

۴	۴	۵	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۳	تعدد و ناپایداری قوانین انتخابات	۳
۵	۴	۴	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۳	۴	فقدان ضمانت اجرایی و مجازات بازدارنده و متناسب با جرایم انتخاباتی	۴
۴	۳	۳	۵	۲	۴	۳	۵	۴	۵	۵	مشخص نبودن جایگاه رسمی احزاب سیاسی در قانون انتخابات	۵
۵	۴	۴	۲	۵	۳	۲	۴	۴	۵	۵	فقدان نگرش راهبردی و آسیب شناسانه به قوانین انتخابات	۶
۵	۴	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵	حزب محور نبودن نظام انتخابات	۷
۴	۵	۵	۵	۴	۴	۳	۵	۵	۵	۵	برنامه محور نبودن نظام انتخابات	۸
۳	۴	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۲	۴	۴	ناکارآمد، غیرپایسوخ و مبتنی نبودن نظام انتخابات بر نیازهای روز انتخابات	۹
۳	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۴	۴	۴	اقتصاد وابسته به نفت	۱۰
۴	۴	۳	۵	۵	۴	۵	۵	۴	۵	۵	اقتصاد دولتی	۱۱
۴	۳	۴	۵	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۴	ناهماهنگی توسعه سیاسی و اقتصادی	۱۲
۳	۵	۴	۵	۳	۱	۵	۴	۴	۵	۵	فسادهای سیاسی و اقتصادی و فشارهای اقتصادی و سیاسی بر مردم	۱۳
۴	۲	۴	۳	۴	۴	۳	۳	۴	۴	۴	قانون گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات	۱۴
۲	۲	۳	۴	۴	۲	۴	۴	۳	۴	۴	ضعف پایبندی به قانون و مدارای سیاسی	۱۵
۲	۲	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۳	۵	۵	مشارکت گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات ایران	۱۶
۴	۴	۴	۲	۲	۴	۴	۴	۳	۴	۴	فقر فرهنگ کار جمعی	۱۷
۵	۵	۴	۴	۳	۵	۵	۴	۳	۵	۵	سابقه نامطلوب احزاب سیاسی در ایران	۱۸
۳	۴	۵	۴	۵	۵	۴	۴	۵	۴	۴	مقطعی بودن فعالیت احزاب سیاسی	۱۹
۴	۴	۳	۴	۴	۵	۳	۴	۴	۴	۴	فرا حزبی دانستن کاندیداهای انتخابات	۲۰
۳	۴	۳	۳	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۴	عدم اعتماد عمومی به احزاب سیاسی	۲۱
۲	۵	۴	۲	۲	۵	۳	۴	۴	۵	۵	ضعف در شایسته سالاری، آموزش و تربیت سیاسی	۲۲
۲	۲	۵	۵	۴	۳	۲	۲	۴	۵	۵	بی برنامه گی و انشعاب در احزاب سیاسی	۲۳

جدول ۴. نمرات متخصصان به هر راهکار جهت رفع آسیبها در پرسش نامه مرحله دوم روش دلفی

ردیف	راهکار	الف	ب	پ	ت	ث	ج	ج	خ	د
۱	تدوین مجدد قانون انتخابات به صورت جامع و کامل	۴	۴	۵	۴	۴	۵	۴	۴	۴
۲	برخورد قانونی با تخلفات انتخابات و بازنگری در انواع جرایم انتخاباتی با در نظر گرفتن مسائل جدید و تعیین مجازات های بازدارنده	۴	۵	۴	۵	۳	۵	۴	۴	۳
۳	تشکیل مرکز یا موسسه علمی و مطالعاتی مختص انتخابات در کشور به منظور بازرینی و روزآمد کردن قوانین انتخابات و رصد کردن آسیب های انتخابات	۴	۳	۴	۵	۵	۵	۳	۲	۳
۴	تغییر ساختار نظام انتخابات (از اکثریتی به تناسبی)	۵	۵	۵	۴	۴	۵	۵	۴	۴
۵	تقویت نظام حزب محور در انتخابات	۵	۵	۴	۴	۵	۵	۳	۴	۵
۶	تقویت برنامه محور بودن انتخابات	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۳	۴	۲
۷	تلفیق اقتصاد دولتی و خصوصی	۴	۴	۵	۵	۴	۴	۵	۵	۳
۸	عدم وابستگی اقتصاد به نفت و استفاده همه جانبه از سایر منابع طبیعی	۴	۴	۵	۵	۵	۵	۳	۴	۵
۹	توسعه متوازن و ایجاد رشد اقتصادی و سیاسی متوازن و گسترده	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۱	۵	۳
۱۰	تقویت نظام آموزشی کشور به منظور آموزش عمومی و فراگیر جهت مسئولیت پذیری، پاسخ گویی در قبال عملکرد خویش	۴	۴	۳	۴	۴	۳	۳	۲	۴
۱۱	گسترش فرهنگ قانون مداری، رقابت و مشارکت در جامعه بین احزاب سیاسی، نخبگان و کاندیداها	۵	۴	۳	۲	۴	۴	۴	۲	۲
۱۲	الزام داوطلبان برای معرفی از کاندیداتوری از سوی حزبی خاص	۵	۴	۵	۵	۴	۴	۵	۴	۳
۱۳	تقویت احزاب سیاسی در عرصه مسئولیت پذیری، قانون گرای و مشارکت پذیری و پاسخ گویی در قبال معرفی کاندیداها حزبی	۴	۴	۵	۴	۳	۴	۴	۳	۴
۱۴	افزایش سطح آگاهی احزاب سیاسی در مورد شایسته سالاری	۵	۲	۴	۴	۳	۳	۲	۴	۵

۴. یافته‌های پژوهش

در مرحله دوم روش دلفی، بعد از اینکه داده‌ها جمع‌آوری شد، پژوهشگر برای اینکه از میزان موافقت و تایید شرکت‌کنندگان با هر آسیب اطلاع پیدا کند، نمرات را جمع و سپس از حاصل جمع نمرات و میانگین آنها استفاده کرد. جدول ۵، نشانگر برآیند جمع و معدل نمرات هر آسیب و هر دسته از این آسیب‌هاست که نشان می‌دهد، دسته «ساختاری» بیشترین نمره و میانگین را کسب کرده و جزء مهم‌ترین آسیب‌های احزاب سیاسی در انتخابات ازسوی متخصصان تعیین شده و پس از آن به ترتیب دسته‌های «اقتصادی»، «قانونی»، «عملکردی» و «فرهنگی» قرار دارند.

سپس با تکنیک شانون، مجدداً داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. با این فرمول، بار اطلاعاتی هر آسیب و وزن آسیب‌ها محاسبه و تعیین شد. برای بهره‌گیری از این فرمول، به وسیله رابطه (۱) داده‌های جدول فراوانی به‌هنگار^۱ شده است (Azar, 2001, pp. 1-18). در این فرمول، F_{ij} نمره هر شرکت‌کننده به شاخص موردنظر و P_{ij} نمره به‌هنگار شده است. سپس به وسیله رابطه (۲)، بار اطلاعاتی هر مقوله (E_j) محاسبه و تعیین شد. در این رابطه n تعداد مقوله‌ها و m تعداد شرکت‌کنندگان است.

رابطه (۲):

پس از آن، ازطریق رابطه (۳)، وزن هر شاخص یا مقوله (W_j) به‌دست آمده است.

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i=1,2,\dots,m; j=1,2,\dots,n) \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln(P_{ij})] \quad j \in 1 \dots n \quad k = \frac{1}{\ln(m)}$$

$$W_{ij} = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j} \quad \text{رابطه (۳)}$$

جدول ۵. یافته‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه مرحله دوم روش دلفی

(آسیب‌های احزاب در نظام انتخابات ایران)

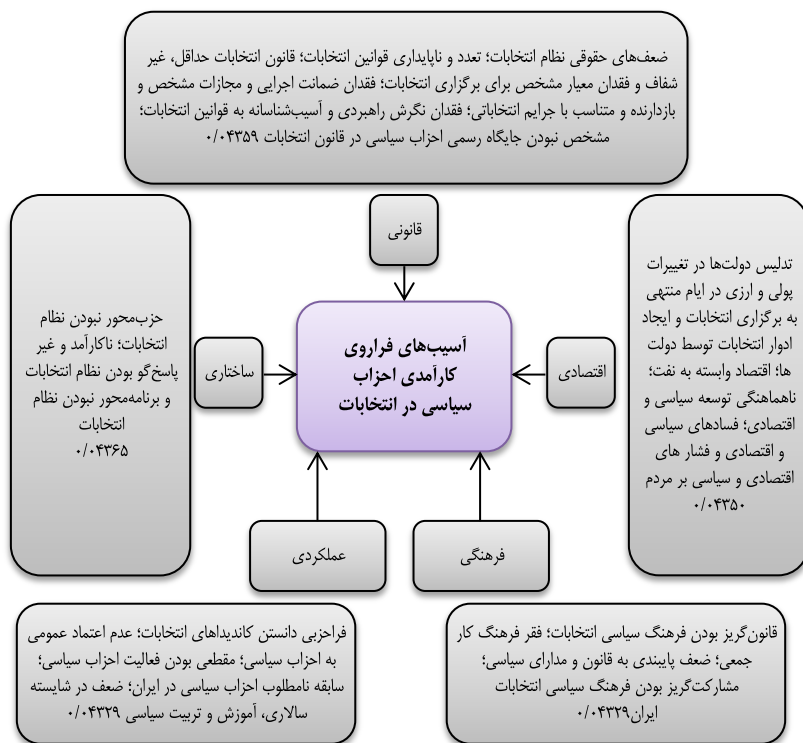
دسته	شاخص‌ها	جمع نمره	میانگین	میانگین دسته	بار اطلاعاتی شاخص‌ها	وزن شاخص تکنیک شانون	میانگین وزن دسته
قانونی	ضعف‌های حقوقی نظام انتخابات	۴۲	۴/۲	۴/۰۱	۱/۴۲۸	۰/۴۳۸۶	۰/۰۴۳۵۹
	قانون انتخابات حداقل، غیرشفاف و فقدان معیار مشخص برای برگزاری انتخابات	۴۰	۴		۱/۴۲۶	۰/۴۳۸۲	
	تعدد و ناپایداری قوانین انتخابات	۴۲	۴/۲		۱/۴۲۸	۰/۴۳۸۶	
	فقدان ضمانت اجرایی و مجازات مشخص و بازدارنده و متناسب با جرایم انتخاباتی	۴۱	۴/۱		۱/۴۲۱	۰/۴۳۶۶	
	فقدان نگرش راهبردی و آسیب-شناسانه به قوانین انتخابات	۳۸	۳/۸		۱/۴۰۹	۰/۴۳۲۸	
	مشخص نبودن جایگاه رسمی احزاب سیاسی در قانون انتخابات	۳۰	۳		۱/۴۰۴	۰/۴۳۱۱	
ساختاری	ناکارآمد، غیرپاسخ‌گو و مبتنی نبودن نظام انتخابات بر نیازهای روز انتخابات	۴۰	۴	۴/۳۷	۱/۴۱۴	۰/۰۴۳۷۲	۰/۰۴۳۶۵
	حزب‌محور نبودن نظام انتخابات	۴۶	۴/۶		۱/۴۲۷	۰/۰۴۳۸۳	
	برنامه‌محور نبودن نظام انتخابات	۴۵	۴/۵		۱/۴۲۳	۰/۰۴۳۴۲	
اقتصادی	اقتصاد وابسته به نفت	۴۴	۴/۴	۴/۲۰	۱/۴۲۳	۰/۰۴۳۷۲	۰/۰۴۳۵۰
	ناهماهنگی توسعه سیاسی و اقتصادی	۴۴	۴/۴		۱/۴۲۳	۰/۰۴۳۷۲	
	تدلیس دولتها در تغییرات پولی و ارزی در ایام منتهی به برگزاری انتخابات و ایجاد ادوار انتخابات توسط دولتها	۴۱	۴/۱		۱/۴۲۵	۰/۰۴۳۷۸	
	فسادهای سیاسی و اقتصادی و فشارهای اقتصادی و سیاسی بر مردم	۳۹	۳/۹		۱/۳۹۳	۰/۰۴۲۸۰	
فرهنگی	قانون‌گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات	۳۵	۳/۵	۳/۴۰	۱/۴۱۸	۰/۰۴۳۵۶	۰/۰۴۳۲۹
	ضعف پایبندی به قانون و مدارای سیاسی	۳۲	۳/۲		۱/۴۰۶	۰/۰۴۳۲۰	
	مشارکت‌گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات ایران	۳۴	۳/۴		۱/۴۰۱	۰/۰۴۳۰۴	
	فقر فرهنگ کار جمعی	۳۵	۳/۵		۱/۴۱۲	۰/۰۴۳۳۸	
عملکردی	شاخص سابقه نامطلوب احزاب سیاسی در ایران	۴۳	۴/۳	۳/۹۰	۱/۴۲۴	۰/۰۴۳۷۳	۰/۰۴۳۳۹
	مقطعی بودن فعالیت احزاب سیاسی	۴۳	۴/۳		۱/۴۲۴	۰/۰۴۳۷۳	
	فرا حزبی دانستن کاندیداهای انتخابات	۳۹	۳/۹		۱/۴۲۵	۰/۰۴۳۷۶	
	عدم اعتماد عمومی به احزاب سیاسی،	۳۹	۳/۹		۱/۴۲۵	۰/۰۴۳۷۶	
	ضعف در شایسته‌سالاری، آموزش و تربیت سیاسی	۳۶	۳/۶		۱/۳۹۴	۰/۰۴۲۸۲	
	بی‌برنامگی و انشعاب در احزاب سیاسی	۳۴	۳/۴		۱/۳۸۶	۰/۰۴۲۵۶	

همان‌طور که انتظار می‌رفت و در جدول ۵ نشان می‌دهد که یافته‌های به‌دست‌آمده از الگوریتم شانون در مقایسه با یافته‌های به‌دست‌آمده از فراوانی اهمیت آسیب‌ها

و رتبه‌بندی آنها را به صورت متفاوت نشان می‌دهد و به این علت که الگوریتم شانون اعتبار و دقت بیشتری برای وزن‌دهی به آسیب‌ها دارد، بنابراین الگوریتم شانون، اساس نتیجه‌گیری در این پژوهش قرار گرفته است.

براساس جدول ۵، سه آسیب، «ضعف‌های حقوقی نظام انتخابات»؛ «تعدد و ناپایداری قوانین انتخابات»؛ «حزب‌محور نبودن نظام انتخابات» جزء مهم‌ترین آسیب‌هایی هستند که منجر به عدم کارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات ایران شده است. همچنین بی‌برنامگی و انشعاب درون احزاب سیاسی جزء کمترین علل تاثیرگذار در ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات است که به دلیل عدم اجماع صاحب‌نظران حذف شد. درنهایت براساس یافته‌های به دست آمده از الگوریتم شانون، دسته آسیب‌های «ساختاری» بیشترین میزان تاثیر در عدم کارآمدی احزاب سیاسی در انتخاب را داراست و پس از آن دسته آسیب‌های «قانونی»، «اقتصادی»، «عملکردی» و «فرهنگی» قرار دارند.

درنهایت، ۲۲ آسیب در پنج دسته موضوعی، به عنوان آسیب‌های فراروی کارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات تایید شد که در نمودار ۳ دیده می‌شود که ترتیب آسیب‌ها در هر دسته، به ترتیب اهمیت و دارای معناست. وزن هر دسته در میزان تاثیرگذاری بر عدم کارآمدی احزاب سیاسی دیده می‌شود که به شرح زیر است:



نمودار ۳. آسیب‌های فراروی کارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات ایران

همچنین در جدول ۶، حاصل جمع و معدل نمرات هر راهکار و نیز هر دسته از راهکارها ذکر شده است. همان‌گونه که در جدول زیر نشان داده می‌شود، دسته «ساختاری» بیشترین نمره و میانگین را کسب کرده که جزء مهم‌ترین راهکارهای رفع ناکارآمدی احزاب در انتخابات از سوی متخصصان حائز اهمیت شناخته شده‌اند و پس از آن، به ترتیب دسته‌های راهکارهای «عملکردی»، «اقتصادی»، «قانونی» و «فرهنگی» قرار دارد. پس از آن یک‌بار دیگر، داده‌های مربوط به راهکارها، از طریق روش «آنتروپی شانون» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت که به شرح زیر است:

جدول ۶. یافته‌های به‌دست آمده از پرسش‌نامه مرحله دوم روش دلفی (راهکارهای رفع ناکارآمدی احزاب

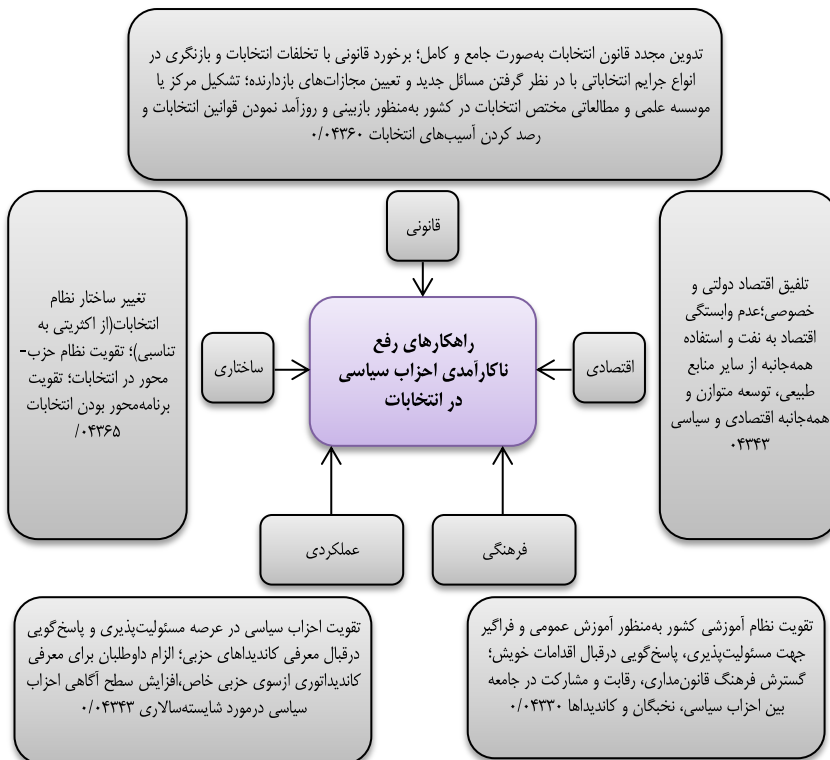
سیاسی در انتخابات)

دسته	شاخص	جمع نمره	میانگین	میانگین دسته	بار اطلاعاتی شاخص	وزن شاخص تکنیک شانون	میانگین وزن دسته
قانونی	تدوین مجدد قانون انتخابات به‌صورت جامع و کامل مبتنی بر نیازهای روز انتخابات	۴۲	۴/۲	۴/۰۳	۱/۴۲۸	۰/۰۴۳۸۶	۰/۰۴۳۶۰
	برخورد قانونی با تخلفات انتخابات و بازنگری در انواع جرایم انتخاباتی با در نظر گرفتن مسائل جدید و تعیین مجازات‌های بازدارنده	۴۱	۴/۱		۱/۴۲۱	۰/۰۴۳۶۶	
	تشکیل مرکز یا موسسه علمی و مطالعاتی مختص انتخابات در کشور به‌منظور بازبینی و روزآمد کردن قوانین انتخابات و رصد کردن آسیب‌های انتخابات	۳۸	۳/۸		۱/۴۰۹	۰/۰۴۳۲۸	
ساختاری	تغییر ساختار نظام انتخابات (از اکثریتی به تناسبی)	۴۶	۴/۶	۴/۳۷	۱/۴۲۷	۰/۰۴۳۸۳	۰/۰۴۳۶۵
	تقویت نظام حزب‌محور در انتخابات	۴۵	۴/۵		۱/۴۳۳	۰/۰۴۳۷۲	
	تقویت برنامه‌محور بودن انتخابات	۴۰	۴		۱/۴۱۴	۰/۰۴۳۴۲	
اقتصادی	تلفیق اقتصاد دولتی و خصوصی	۴۴	۴/۴	۴/۲۳	۱/۴۲۱	۰/۰۴۳۷۲	۰/۰۴۳۴۳
	عدم وابستگی اقتصاد به نفت و استفاده همه‌جانبه از سایر منابع طبیعی	۴۴	۴/۴		۱/۴۲۱	۰/۰۴۳۷۲	
	توسعه متوازن و ایجاد رشد اقتصادی و سیاسی متوازن و گسترده	۳۹	۳/۹		۱/۳۹۲	۰/۰۴۲۸۰	
عملکردی	الزام داوطلبان برای معرفی از کاندیداتوری از سوی حزبی خاص	۴۳	۴/۳	۴/۳۰	۱/۴۲۰	۰/۰۴۳۷۳	۰/۰۴۳۴۳
	تقویت احزاب سیاسی در عرصه مسئولیت‌پذیری، قانون‌گرایی و مشارکت‌پذیری و پاسخ‌گویی در قبال معرفی کاندیداهای حزبی	۳۹	۳/۹		۱/۴۲۵	۰/۰۴۳۷۶	
	افزایش سطح آگاهی احزاب سیاسی در مورد شایسته‌سالاری	۳۶	۳/۶		۱/۳۹۴	۰/۰۴۲۸۲	
فرهنگی	تقویت نظام آموزشی کشور به‌منظور آموزش عمومی و فراگیر جهت مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی در قبال اقدامات خویش	۳۵	۳/۵	۳/۳۳	۱/۴۱۸	۰/۰۴۳۵۶	۰/۰۴۳۳۰
	گسترش فرهنگ قانون‌مداری، رقابت و مشارکت در جامعه بین احزاب سیاسی نخبگان و کاندیداها	۳۴	۳/۴		۱/۴۰۱	۰/۰۴۳۰۴	

همچنین براساس جدول ۶، یافته‌های به‌دست‌آمده از الگوریتم شانون در مقایسه با یافته‌های به‌دست‌آمده از فراوانی، اهمیت و رتبه‌بندی راهکارها را به‌صورت متفاوت نشان می‌دهد و الگوریتم شانون، اساس نتیجه‌گیری در این پژوهش قرار گرفته است. براساس جدول ۶، دو راهکار «تدوین مجدد قانون انتخابات به‌صورت جامع و کامل مبتنی بر نیازهای روز انتخابات» و «تغییر ساختار نظام انتخابات» جزء مهم‌ترین راهکار رفع ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات هستند. همچنین براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از الگوریتم شانون، دسته

راهکارهای «ساختاری» بیشترین میزان تاثیر را در رفع ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات داراست و پس از آن دسته راهکارهای «قانونی»، «اقتصادی» و «عملکردی» قرار دارند و کمترین میزان تاثیر در ناکارآمدی احزاب در انتخابات مربوط به دسته «فرهنگی» است.

براساس قوانینی که بر روش دلفی حاکم است، ۱۴ راهکار در ۵ دسته‌های - موضوعی، به‌عنوان راهکارهای رفع ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات تایید شد که در نمودار ۳ دیده می‌شود که ترتیب راهکارها در هر دسته، دارای معنا و به‌ترتیب اهمیت است. وزن هر دسته در میزان رفع ناکارآمدی احزاب سیاسی دیده می‌شود که به شرح زیر است:



نمودار ۴. راهکارهای رفع ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات ایران

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داد که کارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات ایران با آسیب‌های متعدد در حوزه‌های مختلف روبرو است که این آسیب‌ها به علت عدم‌شناسایی و ارائه راهکار مناسب برای رفع آنها، کارآمدی انتخابات را تحت‌تاثیر قرار داده است. براین‌اساس، به‌دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش بودیم که چه آسیب‌های فراروی کارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات ایران قرار دارد و راهکارهای رفع این آسیب‌ها کدامند؟ از روش دلفی و تکنیک شانون برای پاسخ‌گویی به این پرسش استفاده شد. ابتدا حلقه ۱۰ نفره‌ای از متخصصان انتخاب شد و مرحله اول دلفی در قالب مصاحبه باز صورت گرفت. از متن مصاحبه‌ها، آسیب‌های احزاب سیاسی در انتخابات استخراج شد. این آسیب‌ها با آسیب‌های به‌دست‌آمده از مرور منابع مورد مقایسه قرار گرفت و در نهایت ۲۳ آسیب استخراج شد. این آسیب‌ها در ۵ دسته «ساختاری»، «اقتصادی»، «قانونی»، «عملکردی» و «فرهنگی» دسته‌بندی شدند و در قالب پرسش‌نامه، در اختیار متخصصان گذاشته شد. از پرسش‌نامه، داده‌هایی به‌دست‌آمد که با دو روش (فراوانی و میانگین) و تکنیک آنتروپی شانون مورد بررسی قرار گرفت و به این علت که تکنیک شانون از اعتبار بالاتری برای تعیین وزن آسیب‌ها برخوردار است، مبنا و اساس نتیجه‌گیری قرار گرفت. براساس قانونی که بر روش دلفی حاکم است، آسیب «بی‌برنامگی و انشعاب احزاب سیاسی» به‌دلیل عدم‌اجماع صاحب‌نظران، حذف شد و ۲۲ آسیب که بر کارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات تاثیر گذاشته است، مورد تایید قرار گرفت. یافته‌هایی که از تحلیل تکنیک شانون به‌دست‌آمد، نشان داد که دسته آسیب‌های «ساختاری» که شامل حزب‌محورنبودن نظام انتخابات؛ ناکارآمد و غیرپاسخگو بودن نظام انتخابات و برنامه‌محورنبودن انتخابات است، بیشترین میزان تاثیر را در ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات ایران داشته است.

پس از آسیب‌های ساختاری، دسته آسیب‌های «قانونی» قرار داشت که شامل ضعف‌های حقوقی نظام انتخابات؛ تعدد و ناپایداری قوانین انتخابات؛ قانون

انتخابات حداقل، غیرشفاف و فقدان معیار مشخص برای برگزاری انتخابات؛ فقدان ضمانت اجرایی و مجازات مشخص و بازدارنده و متناسب با جرایم انتخاباتی؛ فقدان نگرش راهبردی و آسیب‌شناسانه به قوانین انتخابات و مشخص نبودن جایگاه رسمی احزاب سیاسی در قانون انتخابات بود.

سپس دسته آسیب‌های «اقتصادی» قرار داشت که شامل تدلیس دولت‌ها در تغییرات پولی و ارزی در ایام منتهی به برگزاری انتخابات و ایجاد ادوار انتخابات توسط دولت‌ها؛ اقتصاد وابسته به نفت؛ ناهماهنگی توسعه سیاسی و اقتصادی؛ فسادهای سیاسی و اقتصادی و فشارهای اقتصادی و سیاسی بر مردم بود. پس از دسته آسیب‌های اقتصادی، دسته آسیب‌های «عملکردی» بر کارآمدی احزاب در انتخابات تاثیرگذار بود که شامل فراحزبی‌دانستن کاندیداهای انتخابات؛ عدم اعتماد عمومی به احزاب سیاسی؛ مقطعی بودن فعالیت احزاب سیاسی؛ سابقه نامطلوب احزاب سیاسی در ایران و ضعف در شایسته‌سالاری، آموزش و تربیت سیاسی بود. درنهایت، دسته آسیب‌های «فرهنگی» قرار داشت که کمترین میزان تاثیر را در ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات ایران داشته است که شامل قانون‌گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات؛ فقر فرهنگ کار جمعی؛ ضعف پایبندی به قانون و مدارای سیاسی و مشارکت‌گریز بودن فرهنگ سیاسی انتخابات بود.

همچنین از روش ذکرشده برای بررسی راهکارهای رفع این آسیب‌ها استفاده و نشان داده‌شد که دسته راهکارهای «ساختاری» بیشترین میزان تاثیر را در رفع ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات داراست و پس از آن دسته راهکارهای «قانونی»؛ «اقتصادی» و «عملکردی» قرار دارند و کمترین میزان تاثیر در رفع ناکارآمدی احزاب سیاسی در انتخابات ایران مربوط به دسته «فرهنگی» است که راهکارهای رفع آسیب‌های هر دسته به‌ترتیب اهمیت به شرح زیر است:

راهکارهای مربوط به دسته ساختاری، شامل تغییر ساختار نظام انتخابات (از اکثریتی به تناسبی)؛ تقویت نظام حزب‌محور در انتخابات و تقویت برنامه‌محور بودن انتخابات است.

راهکارهای مربوط به دسته قانونی، شامل تدوین مجدد قانون انتخابات

به صورت جامع و کامل؛ برخورد قانونی با تخلفات انتخابات و بازنگری در انواع جرایم انتخاباتی با در نظر گرفتن مسائل جدید و تعیین مجازات‌های بازدارنده؛ تشکیل مرکز یا موسسه علمی و مطالعاتی مختص انتخابات در کشور به منظور بازبینی و روزآمد کردن قوانین انتخابات و رصد کردن آسیب‌های انتخابات است.

راهکار اقتصادی، شامل تلفیق اقتصاد دولتی و خصوصی؛ عدم وابستگی اقتصاد به نفت و استفاده همه‌جانبه از سایر منابع طبیعی و توسعه متوازن و اقتصادی و سیاسی است.

راهکار عملکردی، نظیر تقویت احزاب سیاسی در عرصه مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در قبال معرفی کاندیداهای حزبی؛ الزام داوطلبان برای معرفی از کاندیداتوری از سوی حزبی خاص و افزایش سطح آگاهی احزاب سیاسی در مورد شایسته‌سالاری است.

راهکار فرهنگی نظیر تقویت نظام آموزشی کشور به منظور آموزش عمومی و فراگیر جهت مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی در قبال اقدامات خویش؛ گسترش فرهنگ قانون‌مداری، رقابت و مشارکت در جامعه بین احزاب سیاسی، نخبگان و کاندیداهاست.

منابع و مآخذ

- ادیانی، علی (۱۳۷۸)، آسیب‌شناسی نظام انتخابات، جایگاه مردم و مجلس. تهران: ادیانی.
- اعمای، حسن (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی حزبی و نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران. رهیافت سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۱، شماره ۱، صص ۴۵-۵۶.
- امیری فرح‌آبادی، جعفر (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران، مطالعه کیفی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هشتم، شماره ۴، ص ۱۴۴.
- بنیانیان، حسن (۱۳۷۹)، مدلی بر آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی. تهران: نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صنعتی شریف.
- درستی، هاجر (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی تبلیغاتی مجلس شورای اسلامی در پرتو اصول حقوقی حاکم بر تبلیغات، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۱، شماره ۸۰، صص ۹۰-۱۰۵.
- شجاعی، اعظم (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی نقش احزاب سیاسی در نظام انتخابات ایران، کارشناسی‌ارشد، اصفهان: دانشکده اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- طحان نظیف، هادی (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی نظام حقوقی حاکم بر فرایندهای نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴، صص ۱۱۳۲-۱۱۴۵.
- گلشنی، علیرضا (۱۳۹۷)، آسیب‌شناسی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران. رهیافت انقلاب اسلامی، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۱۲۰-۱۳۰.
- مشفق، محمدعلی (۱۳۹۶)، کندوکاوی آسیب‌شناسانه نظام انتخابات. تهران: کویر.
- ممی‌زاده، جعفر (۱۳۷۵)، فرهنگ شالوده سازمان. مجله تدبیر.
- هریسی‌نژاد، کمال‌الدین (۱۳۸۰)، نظری بر ابعاد حقوقی انتخابات و راه‌های توسعه آن. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۴۴، شماره ۱۸۰-۱۸۱، ص ۹۸۲.

Azar, A. (2001), Developing of Shanon Entropy Method in content Analysis.

Al_zahra University Jurnal of Namanities, 11(37-38),pp. 1-18.

Brodeur, Michael (2008), the Role pf organizational Diagnosis in Organization

- Learning. Antioch New England Graduate school, Journal of Counseling and Development, pp. 642-650.
- Harrop, Martin, & Miller, W. L (1987), Election Voter: A Comparative introduction. London: Macmillan.
- Hus, Chia-Chien (2007), Delphi Technique: Making Sense of consensus. Practical Assessment , Research & Evaluation Journal, 10-11.
- Linstone, H.A (2002), the Delphi method, Techniques and Applications. Melbourne: Addison Wesley Publishing Company.
- Rose, Richard (2000), International encyclopedia of Election . London: Macmillan press.

References

- Adiani, Ali (1999), The pathology of the electoral system, the position of the people and the parliament. Tehran: Religious. (In Persian)
- Amaei, Hassan (2019), The Pathology of the Party and the Electoral System of the Islamic Republic of Iran, Political and International Approach, year 11, No. 1, pp. 45-56. (In Persian)
- Amiri Farahabadi, Jafar (2016), Pathology of the research policy process in the Iranian higher education system, Qualitative study, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities, Volume 8, No. 4, pp. 144. (In Persian)
- Azar, A (2001), Developing of Shanon Entropy Method in content Analysis. Al_zahra University Jurnal of Namanities, 11(37-38), pp. 1-18.
- Bonyanian, Hassan (2000), A Model on the Pathology of the Islamic Revolution. Tehran: Representation of the Supreme Leader in Sharif University of Technology. (In Persian)
- Brodeur, Michael (2008), the Role pf organizational Diagnosis in Organization Learning. Antioch New England Graduate school, Journal of Counselingand Development, pp. 642-650.
- Dorsti, Hajar (2014), Propaganda Pathology of the Islamic Consultative Assembly in the Light of Legal Principles Governing Advertising, Quarterly Journal of the Assembly and Strategy, Volume 21, No. 80, pp. 90-105. (In Persian)
- Golshani, Alireza (2018), Pathology of the Presidential Election of the Islamic Republic of Iran. The Approach of the Islamic Revolution, Volume 12, No. 45, pp. 120-130. (In Persian)
- Harisi Nejad, Kamaluddin (2001), A Theory on the Legal Dimensions of Elections and Ways of Its Development, Journal of the Faculty of

- Literature and Humanities, Volume 44, No. 180-181, p. 982. (In Persian)
- Harrop, Martin, & Miller, W.L(1987), Election Voter: AComparative introduction. London: Macmillan.
- Hus, Chia-chien (2007), Delphi Technique: Making Sence of consensus. Practical Assessment , Research & Evaluation Journal, pp. 10-11.
- Linstone, H.A (2002), thr Delphy method, Techniques and Applications. Melbourne: Addison Wesley Publishing Company.
- Mamizadeh, Jafar (1996), Culture is the foundation of the organization. Journal of Tadbir. (In Persian)
- Mushfaq, Mohammad Ali (2017), Pathological exploration of the electoral system. Tehran: Kavir. (In Persian)
- Rose, Richard (2000), International cncyclopedia of Election . London: Macmillan press.
- Shojaei, Azam (2013), Pathology of the Role of Political Parties in the Iranian Electoral System, M.Sc., Isfahan: Faculty of Economics, University of Isfahan. (In Persian)
- Tahan Nazif, Hadi (2014), Pathology of the legal system governing the election monitoring processes of the Islamic Consultative Assembly, Quarterly Journal of Public Law Studies, No. 4, pp. 1132-1145. (In Persian)

Providing a Favorable Model of Ethnic Policy in the Islamic Republic of Iran: (Case Study: Students of Imam Sadegh (AS) University and Science and Research Branch)

Mahdi Ghorbanpour

Corresponding Author, Ph.D. Student in Political Sociology, Islamic Azad University,
Science and Research Branch, Tehran, Iran. mosagorbanpor@gmail.com

Ali Morshedizad

Associate Professor, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.
alimorshedizad@yahoo.com

Mustafa Abtahi

Assistant Professor, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad
University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. m.abtahi100@gmail.com

Abstract

The political system in countries such as Iran, which are in a heterogeneous and diverse situation in terms of ethnic and linguistic diversity, needs to create a sense of national solidarity among its ethnic groups for stability and survival. Therefore, in multi-ethnic countries, one of the main actions is to formulate and implement ethnic policies. Due to the need to formulate ethnic policies, the purpose of this study was to provide an optimal model of ethnic policy in the Islamic Republic of Iran (Case study: students living in ethnic areas and studying at Imam Sadegh (AS) University and Islamic Azad University, Science and Research Branch). The method of the present study was applied in terms of purpose and descriptive in terms of implementation method. The statistical population of the study included 850 undergraduate and doctoral students and 265 people were selected as a simple random sample based on Morgan table. Data collection tools included a researcher-made questionnaire with 6 components and 79 questions that the reliability of the questionnaire with Cronbach's alpha of 0.94 was confirmed. The Structural equation method and

Amos software were also used to analyze the hypotheses. Finally, the four main components of national identity, religious identity, citizen-centered and justice-oriented were identified as the most important components. By combining the above 4 components; The model of "Iranian-Islamic pluralism" was introduced as a desirable model of ethnic policy in the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Ethnic Policy, Islamic Republic of Iran, Students of Imam Sadegh (AS) University, Students of University of Science and Research

ارائه الگوی مطلوب سیاستگذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه امام صادق^(ع) و واحد علوم و تحقیقات)^۱

مهدی قربانپور

نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات،
تهران، ایران mosagorbanpor@gmail.com

علی مرشدی زاد

دانشیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران alimorshedizad@yahoo.com

مصطفی ابطحی

استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
m.abtahi100@gmail.com

چکیده

نظام سیاسی در کشورهایی نظیر ایران که به لحاظ تنوع قومی و زبانی، در وضعیت ناهمگن و متنوعی به سر می‌برند، برای پایداری و بقا، به ایجاد حس همبستگی ملی در بین اقوام خود نیاز دارد. بنابراین در کشورهای چندقومی از جمله اصلی‌ترین اقدام‌ها، تدوین و اجرای سیاست‌های قومی است. با توجه به ضرورت تدوین سیاست‌های قومی، هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی مطلوب سیاستگذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دانشجویان ساکن مناطق قومی و در حال تحصیل در دانشگاه امام صادق^(ع) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات) بود. روش پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان مقطع کارشناسی تا دکتری به تعداد ۸۵۰ نفر بودند که براساس جدول مورگان ۲۶۵ نفر به عنوان نمونه آماری به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه‌ای محقق ساخته دارای ۶ مؤلفه و ۷۹ سوال بود که پایایی پرسشنامه با میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۴ مورد تأیید قرار گرفت. همچنین برای

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/ (http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) CC BY-NC-ND است.

تجزیه و تحلیل فرضیات نیز از روش معادلات ساختاری و نرم افزار Amos استفاده گردید. در نهایت ۴ مؤلفه اصلی هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت محوری به عنوان مهم ترین مؤلفه ها شناسایی شدند. با ترکیب ۴ مؤلفه فوق، الگوی «تکثرگرایی ایرانی_اسلامی» به عنوان الگوی مطلوب سیاستگذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران معرفی شد.

واژه های کلیدی: سیاستگذاری قومی، جمهوری اسلامی ایران، دانشجویان دانشگاه امام صادق^(ع)، دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۲/۲۲ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۰۶ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۱۷

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۹۳-۴۲۵

مقدمه

هویت‌های قومی و نسبت آن با هویت ملی یکی از مسائل اساسی در کشورهای چندقومیتی به‌شمار می‌رود. چگونگی رابطه و مناسبات میان این دو نوع هویت اجتماعی می‌تواند روی همبستگی و انسجام ملی در این کشورها تأثیر بگذارد (امیرکافی & حاجیان، ۱۳۹۷: ۱۱۷). در کشور ایران نیز به‌جهت تنوع کم‌نظیر قومی؛ تعریف نسبتی معنادار میان هویت ملی و هویت قومی و به‌عبارتی تدوین الگوی مطلوب سیاست‌گذاری پیرامون آن ضروری است. البته پیش از بحث پیرامون الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران به دو محور اساسی باید توجه شود. اول؛ توجه به اصل سیاست‌گذاری به‌مثابه یک فرایند (تقنین، اجرا، نظارت، بازخورد و اصلاح) که خلأ آن در حوزه سیاست‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود. دوم؛ توجه به سیاست‌گذاری قومی به‌نحوی که با اقتضائات زیست‌بوم جامعه ایران متناسب باشد. در ارتباط با محور اول به‌نظر می‌رسد یکی از ضعف‌های عمده برای ارزیابی سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال اقوام؛ خلأ سیاست‌گذاری است. زمانی می‌توان ارزیابی صحیح و دقیقی از رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال اقوام ارائه کرد که در حوزه قوانین و سیاست‌گذاری‌ها به‌قدر کافی پژوهش و درنهایت تدوین قانون شده باشد تا با استناد به آن، مجموعه عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران ارزیابی شود. اما با توجه به ضعف در حوزه سیاست‌گذاری قومی، امکان ارزیابی دقیق و متناسب سیاست‌ها وجود ندارد و حداکثر می‌توان از یک‌سری رویکردها و عملکردها در این حوزه صحبت کرد. همین خلأ عمده زمینه طرح بحث

سیاست‌گذاری قومی در پژوهش حاضر و تلاش برای ارائه الگوی مطلوب بود. البته در متن قانون اساسی، اسناد بالادستی و بیانات رهبران انقلاب اسلامی اشارات مفیدی نسبت به جایگاه و شیوه تعامل با اقوام شده‌است اما تا زمانی که مجموعه این مفاهیم به‌شکلی منسجم و مبتنی بر پژوهش صورت‌بندی و سپس در قالب قوانین جزئی و قابل‌اجرا ارائه نشود، امکان تحقق الگویی کارآمد و قابل‌ارزیابی از روابط دولت-اقوام بسیار دشوار خواهد بود.

در محور دوم باید توجه داشت که تنوع قومی پدیده‌ای عام و جهان‌شمول است. امروزه بیشتر کشورهای جهان از لحاظ ترکیب گروه‌های زبانی، مذهبی و قومی در وضعیت ناهمگن و متنوعی به‌سرمی‌برند و تنها در ۱۶ کشور جهان اقلیت قابل‌توجهی وجود ندارد و در این میان فقط ۴ درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که تنها دارای یک گروه قومی هستند (Brown, ;Dunn n. , 2012:15). (1993:25).

بنابراین توجه به اقتضائات زیست‌بوم جامعه ایران در نسبت با تنوع قومی در کشورهای دنیا و سیاست‌گذاری متناسب با آن ضروری است. هریک از کشورها با توجه به ساختار نظام سیاسی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تنوع قومی و بالطبع ویژگی‌های تنوع قومی اقدام به سیاست‌گذاری برای مدیریت این تنوع کرده‌اند. به‌دلیل تفاوت در موارد فوق در هریک از کشورها مدل و سیاست‌های خاصی برای مدیریت تنوع قومی پیش‌بینی شده‌است که البته در برخی موارد نیز با مدل‌ها و سیاست‌های سایر کشورها دارای نقاط اشتراک است. براین‌اساس، پدیده تنوع قومی در ایران از جهاتی با پدیده‌های مشابه در جهان دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که لازم است در عرصه سیاست‌گذاری بدان توجه شود (مقصودی & دربندی، ۱۳۹۱: ۱۵۹). شناخت صحیح و منطبق با واقعیت تنوع قومی در ایران، اولین گام برای سیاست‌گذاری تنوع قومی محسوب می‌شود زیرا که اگر تصویر درستی از تنوع قومی برای سیاست‌گذار ارائه نشود، هرگونه سیاست پیشنهادی برای مدیریت و بهره‌گیری از تنوع قومی در راستای تقویت هویت و همبستگی ملی نه تنها به نتیجه منجر نخواهد شد بلکه ممکن است خود

عاملی برای تضعیف هویت و همبستگی ملی شود (هوشنگی، سیدامامی، خانی، & کریمی مله، ۱۳۹۶: ۵۸).

ایران در طول تاریخ کشوری با ملتی متنوع از فرهنگ‌ها، مذاهب و زبان‌های مختلف بوده‌است و بسیاری از خاورشناسان، ایران را خاستگاه تنوع و چندگونگی دانسته‌اند. اما ویژگی‌های فرهیخته‌سازی و انطباق‌پذیری به‌عنوان دو عنصر مهم منش ملی ایرانیان به آنان این امکان را داده است که بتوانند فرهنگ‌های مهاجر و مهاجم به این سرزمین را هضم کرده و آن را به‌اقتضای شرایط و متناسب با فرهنگ خود درآورده و به آن رنگ و بو و ماهیتی ایرانی ببخشند (عباسی، مقصودی، & نادرپور، ۱۳۹۰: ۳۶). از همین‌روست که نظام فرهنگی و ساختار اجتماعی کشور در عین وحدت و یگانگی و بر خور داری از پیوندی ارگانیک در قالب یک اجتماع فراگیر و پایدار توانسته است، تکثر و تنوع درونی خود را حفظ کرده و در طول قرن‌ها با پویایی و بالندگی استمرار یابد (هوشنگی & دیگران، ۱۳۹۶: ۴۵). البته این موضوع به توجه مدیریت سیاسی^۱ جوامع در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی برای به‌رسمیت‌شناختن موجودیت گروه‌های قومی نیاز دارد. این سیاست‌ها نحوه مواجهه، برخورد و تعامل دولت‌ها و حکومت‌ها را با گروه‌های قومی و فرهنگی درون قلمروی سیاسی و جغرافیایی (سرزمینی) مشخص می‌سازد (حسابی، ۱۳۹۶: ۳۷۵).

مطالعه جوامع دارای تنوعات قومی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی نیز نشان از قبض و بسط‌ها و تحولات سریع در همه امور دارد. علی‌القاعده از چنین جوامعی نمی‌توان انتظار داشت که همانند جوامع دارای یک‌پارچگی جمعیتی به ساماندهی امور بپردازند. بر جامعه و نظام سیاسی متحول‌شده ایران پس از انقلاب نیز چنین قاعده کلی حکمفرماست و در همه امور از جمله سیاست‌گذاری قومی جمهوری اسلامی این منوال مشاهده می‌شود. همین امر بررسی تاریخی سیاست‌گذاری قومی جمهوری اسلامی را ایجاب می‌کند (حق‌پناه، ۱۳۹۴: ۷۲).

نظام سیاسی در کشورهایی نظیر ایران که به‌لحاظ تنوع قومی و زبانی، جزو

۱۰ کشور نخست جهان به‌شمار می‌آید (میرحیدر، ۱۳۹۴: ۳۲)، برای پایداری و بقا، به ایجاد حس همبستگی ملی در بین اقوام خود نیاز دارد. ازجمله اصلی‌ترین اقدام‌ها، تدوین و اجرای سیاست‌های قومی است که بتوان از طریق آنها تعاملات و روابط مناسبی میان اقوام مختلف از یک‌طرف و بین اقوام و حکومت از طرف دیگر برقرار کرد. کشورهایی که گروه‌های قومی مختلف دارند بایستی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اتخاذ سیاست‌های خاص مربوط به گروه‌های قومی و با احترام به تنوع آنان، در راستای ایجاد هم‌گرایی، یک‌پارچگی و حفظ تمامیت‌ارضی جامعه گام بردارند (قوشچی & پورنادری، ۱۳۹۳: ۷۰). برای مدیریت این تنوع لازم است سیاست‌گذاری مناسب و کارآمدی صورت گیرد. باتوجه به رویکرد امام‌خمينی^(ره) و مقام‌معلم‌رهبری و اسناد بالادستی مبنی بر فرصت‌بودن تنوع قومی از یک‌سو و سابقه تاریخی بهره‌گیری نخبگان قومی و کشورهای معارض از بستر تنوع قومی برای فشار به حکومت‌های ایران در دوره معاصر؛ اهمیت سیاست‌گذاری صحیح در این حوزه دوچندان می‌شود. درواقع می‌توان با سیاست‌گذاری متناسب، به‌روز و کارآمد، علاوه بر فراهم‌ساختن امکان بهره‌گیری از فرصت تنوع اقوام برای توسعه همه‌جانبه کشور، هرگونه آسیب و تهدید ناشی از برنامه‌ها، سیاست‌ها و عملکرد دولت، نخبگان و دولت‌های خارجی برای وحدت و همبستگی ملی را به حداقل رساند (هوشنگی، سیدامامی، خانی، & کریمی مله، ۱۳۹۶: ۵۱).

براساس مقدمه مطرح‌شده توجه به دو محور فرایند سیاست‌گذاری و صورت‌بندی نسبتی اقتضایی با زیست‌بوم جامعه ایران جهت طراحی الگویی کارآمد از رابطه دولت-اقوام در جمهوری اسلامی ایران ضروری است. قومیت و مسائل آن ازجمله مقوله‌هایی است که به‌جهت ابعاد و آثار سیاسی-اجتماعی آن، نیازمند فهم، تحلیل، ارزیابی و سیاست‌گذاری است. این مسئله در جامعه ایران به‌جهت تنوع کم‌نظیر قومی ضرورت مضاعفی دارد. بعد از گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛ شاید یکی از عمده‌ترین مسائل ما در ارزیابی سیاست‌های نظام در قبال اقوام؛ خلأ و ضعف سیاست‌گذاری است چراکه

بدون سیاست‌گذاری عالمانه و متناسب، امکان ارزیابی سیاست‌های قومی و در نتیجه آسیب‌شناسی و ارائه نقاط قوت و ضعف و تلاش برای حل ضعف‌ها و ارتقای قوت‌ها وجود ندارد. لذا مهم‌ترین گام برای تحلیل و ارتقای سیاست‌های قومی در ابتدا سیاست‌گذاری صحیح و متناسب در این حوزه است؛ سیاستی که مبتنی بر پژوهش و مطالعه الگوهای مدیریت تنوع‌های قومی در دنیا و متناسب با شاخصه‌های جامعه ایران باشد.

این سیاست‌ها اگر به‌نحو احسن تدوین و اجرا شوند، سبب بهره‌برداری از توانایی‌ها و ظرفیت‌های فراوانی می‌شود که در قومیت‌های مختلف وجود دارد و اگر ضعف‌ها و ناسازگاری‌هایی دارد، می‌تواند منشأ واگرایی‌های قومی، کاهش همبستگی ملی و سایر پیامدهای نامناسب دیگر شود. وجود هویت‌های مختلف قومی در کشور از یک سو و اهمیت سیاست‌های مناسب برای تقویت آن برای همبستگی و انسجام اجتماعی در کشور، ضرورت توجه به مسئله را دوچندان می‌کند (محمودی، افضل‌ی، ذکی، & یزدان پناه، ۱۳۹۸: ۲۶۳).

۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی مطالعات مختلفی صورت گرفته از جمله (محمودی & همکاران، ۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی الگوهای سیاست‌گذاری و مدیریت قومی در ایران» به این نتیجه رسیدند که با پذیرش تنوع گروه‌های قومی به‌عنوان واقعیتی اجتماعی، تمامیت‌ارزی حفظ و هم‌گرایی و یک‌پارچگی ایجاد می‌شود (ابطحی، الیاسی، & مصطفی نژاد، ۱۳۸۹). در پژوهشی با عنوان «الگویی برای مدیریت انتظامی بحران‌های قومی ایران (مطالعه موردی قوم کرد)» نشان دادند که اولاً: هریک از عوامل سیاسی، فرهنگی، روانی و ... سهم معناداری در تبیین تمایلات واگرایانه اقوام دارند. ثانیاً: با افزایش واگرایی آمادگی آنان برای دست‌یازیدن به کنش‌های بحران‌آمیز افزوده می‌شود. ثالثاً: به‌باور متخصصان، با بهره‌گیری روشمند از سازوکارهای روانی، فرهنگی و ... می‌توان زمینه‌های بروز و پدیدآیی بحران در مناطق قومی را از میان‌راند. رابعاً: تحلیل نظرات مسئولین و کارشناسان آشکار ساخت که عوامل فرهنگی بیشترین

تأثیر را بر مدیریت بحران و انتخاب سیاست مناسب برای حل مسائل قومی دارند (هوشنگی & اصلی‌پور، ۱۳۹۷). نیز در پژوهشی با عنوان «تیین اهداف راهبردی و سیاست‌های مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که سیاست‌های عمومی نظیر تمرکززدایی در سیاست‌گذاری، کادرسازی از میان اقوام، تقویت نظارت بر دستگاه‌های متولّی و اعمال تبعیض مثبت به نفع اقوام در بهبود آسیب‌های وضع موجود و تحقق اهداف راهبردی مدیریت تنوع قومی به‌ویژه محتوای اسناد بالادستی و قانون اساسی کشور تأثیرگذار است (رحیمی، ۱۳۹۶).

در پژوهشی با عنوان «استراتژی‌های ملت‌سازی و توسعه ناموزون در ایران» به این نتیجه رسیدند که که ازمیان مؤلفه‌ها و عناصر استراتژی ملت‌سازی در دوره‌های پهلوی و جمهوری اسلامی، عناصر مشترک مهمی مانند تمرکزگرایی سیاسی و اقتصادی و سیاست اصلاحات از بالا در ایجاد توسعه نامتوازن مؤثر بوده‌اند. پژوهش (یوسفی جویباری، صیدی محمدی، & فتاحی، ۱۳۹۱) با عنوان «نابرابری‌های قومی و امنیت ملی» نشان داد که مشارکت سیاسی اقوام باعث افزایش درک سیاسی، مسئولیت‌پذیری و تقویت حس تعهد آنان نسبت به حکومت می‌شود (صفوی & علی‌پور، ۱۳۹۰). نیز در پژوهشی با عنوان «عوامل و ریشه‌های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: کردستان)» به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل بروز بحران قومی در کردستان به‌ترتیب عبارت بودند از: نقش نخبگان، دخالت نیروهای خارجی و شرایط خاص دوران گذار. به‌لحاظ مؤلفه‌های چهارگانه به‌ترتیب عبارتند از: مؤلفه‌های سیاسی امنیتی، اجتماعی و فرهنگی، جغرافیایی طبیعی و درنهایت مؤلفه‌های اقتصادی. (Bluhm & Thomsson, 2020) در پژوهشی با عنوان «تقسیمات قومی، نهادهای سیاسی و مدت زمان رکود اقتصادی» نشان دادند کشورهایی که مدیران سیاسی (دارای گرایش‌های سیاسی) محدودتری دارند، رکود اقتصادی کمتری را تجربه می‌کنند. این اثر در کشورهای ناهمگن قومی بسیار زیاد است اما در جوامع همگن تقریباً وجود ندارد. همچنین پژوهش (Galandini & Fieldhouse, 2019) با عنوان «بحث و

گفتگو درمورد بسیج: قومیت، شبکه های بحث و گفتگو سیاسی و مشارکت رای دهندگان در انگلیس» نشان داد که برای انگلیس سفید، مباحث مشترک قومی از ارزش بسیج بیشتری نسبت به ارزش آن برای آسیایی ها و سایر اقوام برخوردار است. به طور کلی ارزش بسیج بحث و گفتگوها بدون در نظر گرفتن قومیت یک شهروند، تأثیر مثبتی روی مشارکت دارد. (Zhanarstanova & Nechayeva, 2016) در پژوهشی با عنوان «اصول معاصر بازنمایی سیاسی گروه های قومی» به این نتیجه رسیدند که اصول مناسب برای یک کشور، برای کشور دیگر نادرست است. به همین دلیل در هر صورت باید ویژگی دولت، ذهنیت مردم آن، تاریخ و سایر عوامل مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر بخش کمی یک پژوهش کیفی (مصاحبه با خبرگان حوزه مطالعات قومی) با روش گرندتئوری یا داده بنیاد است بنابراین ضمن توجه به ادبیات و پیشینه مطالعات سیاست گذاری قومی و الگوی های مدیریت اقوام؛ فاقد فرضیه پیشینی است و با یک نگاه جدید به دنبال فهم و جمع مجموعه نظرات دانشجویان ساکن مناطق قومی و در حال تحصیل در دانشگاه امام صادق (ع) و واحد علوم و تحقیقات از نظرگاه های متفاوت است. توضیح اینکه در توزیع پرسش نامه ها سعی شد به دانشجویانی با منظرهای فکری، رده سنی، مقاطع تحصیلی و جایگاه های شغلی متفاوت مراجعه شود. این تلاش به همین نسبت خود را در داده های به دست آمده از پرسشنامه ها نشان داد. به نحوی که در نهایت با مجموعه ای از داده های به ظاهر متضاد مواجه شدیم که البته جمع این داده ها در کنار هم نوعی مزیت برای این پژوهش می باشد. به عنوان مثال مؤلفه هایی مانند «هویت ملی»، «هویت دینی»، «شهروند محوری»، «عدالت محوری»، «شیعه محوری»، «تکثرگرایی» و «هماندسازی» در مجموع بیشتر از بقیه مؤلفه ها مورد تأکید بودند. بنابراین این پژوهش ادعا دارد به جهت روش خاص آن و مراجعه به طیف متنوعی از دانشجویان ساکن مناطق قومی و با اتکا به مصاحبه با خبرگان حوزه اقوام واجد ویژگی جامع نگری است و الگوی برآمده از آن به جهت این شاخصه به میزان زیادی مطلوب و کارآمد است.

۲. سؤالات پژوهش

سؤال اصلی:

الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران چگونه الگویی است؟

سؤالات فرعی:

۱. مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران کدامند؟

۲. شرایط مداخله‌گر در سیاست‌گذاری قومی مطلوب چه تأثیری بر مقوله محوری آن دارد؟

۳. راهبردها چه تأثیری بر پیامدها دارد؟

۴. مقوله محوری چه تأثیری بر راهبردها دارد؟

۵. بسترها چه تأثیری بر مقوله محوری دارد؟

۶. مقوله علی چه تأثیری بر مقوله محوری دارد؟

محقق در این پژوهش تلاش کرده‌است تا ضمن توجه به ادبیات پژوهش‌های قومی، با یک رویکرد جامع‌نگر مبتنی بر داده‌های به‌دست‌آمده از مجموع پرسش‌نامه‌ها و طبقه‌بندی مؤلفه‌های مطرح‌شده به مؤلفه‌های اصلی و فرعی؛ با ترکیب و صورت‌بندی نسبتی معنادار میان مؤلفه‌ها به پاسخ سؤالات پژوهش دست یابد. به‌نحوی که ضمن ارائه الگوی مطلوب برای مدیریت تنوع قومی و سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران (پاسخ سؤال اصلی) به تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران و تأثیر مقولات شش‌گانه روش‌گراند تئوری بر همدیگر (پاسخ سؤالات فرعی) بپردازد.

۳. چارچوب نظری و تعریف مفاهیم

وجود تنوع فرهنگی واقعی دیرپا و کهن است و عمری به اندازه حیات اجتماعی بشر دارد. در مواجهه با تکثر و تنوع فرهنگی به‌عنوان یک پدیده عام و جهان‌شمول، دو دسته کلی نظریات شکل گرفت. دیدگاهی که تعدد را به‌عنوان

یک واقعیت می‌پذیرد و دیدگاهی که گام را فراتر نهاده و تعدد را نه تنها واقعیت بلکه ارزش می‌داند. دیدگاه اول بیشتر منشأ نظریه‌هایی است که از سیاست‌گذاری‌های همانندساز جانبداری می‌کند درحالی‌که رویکرد دوم سعی دارد سیاست‌های معطوف به تکثر و چندفرهنگی را طراحی کند (کریمی مله، ۱۳۹۰: ۵۶). امروزه در ادبیات سیاسی اجتماعی، از دو مدل یا الگوی عمده سیاست‌گذاری قومی و فرهنگی بحث به میان آمده است که عبارتند از: مدل همانندسازی و مدل تکثرگرایی. هریک از این مدل‌ها در درون خود به اجزا و انواع کوچک‌تری تقسیم می‌شوند (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۴۲).

همانندسازی^۱ (یک شکلی فرهنگی^۲ یا سیاست یک‌رنگی فرهنگی)

این مفهوم در جامعه‌شناسی به معنای فرآیند پذیرش ارزش‌ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط اقوام و گروه‌هایی از جامعه به‌ترتیبی که در بطن گروه برتر جذب و هضم شوند، به‌کاررفته است (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۳۲). در این مدل، همانندسازی ایده‌آل یا غایتی منسجم‌ساز تلقی می‌شود که سیاست‌های دولت و ایدئولوژی‌ها براساس آن شکل گرفته و ترکیبی زیست‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی از گروه‌های قومی متمایز و منفرد به‌منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت قومی به‌وجودمی‌آید (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۸۵)، به‌گونه‌ای که درنهایت نوعی هضم و درهم‌آمیختگی حاصل می‌شود و دیگر نمی‌توان برای فرهنگ قومی همانندشده، فرهنگ گذشته را بازشناسی کرد. به عبارت دقیق‌تر یکی از گروه‌های قومی، مجذوب و مغلوب فرهنگ قوم دیگری شده و خواسته یا ناخواسته در آن هضم و جذب‌شده است (گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۲).

همانندسازی فرایند تقلیل خط تمایزات قومی است و زمانی رخ می‌دهد که اعضای دو یا چند جامعه، گروه نژادی یا گروه اجتماعی کوچک با یکدیگر همسان می‌شوند. هدف سیاست‌های همانندسازی عبارت است از: ترکیب زیست‌شناسی، فرهنگی، اجتماعی و روانی گروه‌های متمایز و منفرد به‌منظور ایجاد

1. Assimilation

2. Cultural Uniformity

یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی. همانندسازی قومی عموماً بر دو بعد فرهنگی و ساختاری استوار است (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰: ۹۵). گوردون^۱ مراحل جذب گروه‌ها و همگون‌سازی اقوام با هسته مرکزی جامعه را در دو بعد فرهنگی و ساختاری، طی هفت مرحله می‌داند: ۱. همانندسازی فرهنگی ۲. همانندسازی ساختاری ۳. همانندسازی مادی ۴. همانندسازی هویتی ۵. همانندسازی ایستاری (بینشی) ۶. همانندسازی رفتاری و ۷. همانندسازی مدنی (صالحی‌امیری، ۱۳۸۹: ۸۲)

تکثرگرایی

دیدگاه تکثرگرایی، دیدگاهی است که سازمان‌دهی پیکر سیاسی یک کشور را به‌نحوی مطلوب می‌داند که در آن هر خانواده فکری - عقیدتی، هم امکان و وسایل حراست از ارزش‌های خاص خود را دارا باشد و هم آنکه به احقاق حقوق خود نائل آید و زمینه لازم جهت مشارکت فعالانه در صحنه‌های سیاسی را به‌دست‌آورد. تحقق چنین نظامی متضمن پذیرش نوعی بی‌طرفی از جانب قدرت حاکم و مشارکت نهادها و گروه‌های موجود در جهت اعتلای مصالح عمومی است. به‌عبارت دیگر، در جامعه کثرت‌گرا، تمامی گروه‌های فرهنگی و قومی پذیرفته شده و از طریق مشارکت و همزیستی درعین حفظ ویژگی‌های خود به یک نظام اجتماعی و سیاسی ملحق شده‌اند. براین اساس از دیدگاه کلی، تکثرگرایی قومی نقطه مقابل همانندسازی است. تکثرگرایی نیز مانند همانندسازی دارای ابعاد و اشکال متفاوتی است اما در همه موارد آن، حفظ تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی مفروض دانسته می‌شود (Cashmore, 1996:36).

در پژوهش حاضر سعی داریم ضمن توجه به چارچوب‌های نظری حوزه سیاست‌گذاری قومی، ویژگی‌های متمایز اقوام ایرانی، اقتضائات جامعه و جغرافیای ایران و روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران بپردازیم. درنهایت با صورت‌بندی و ایجاد نسبتی معنادار میان این مؤلفه‌ها به

1. Gordon

الگوی مطلوب و کارآمد برسیم. در این راهبرد ضمن تأکید بر اشتراکات فرهنگی همه ایرانیان، امکان تکثر خرده فرهنگ‌های مختلف به رسمیت شناخته می‌شود. بارزترین مورد در این حوزه که به حقوق خاص قومی اشاره دارد، مسئله آزادی فرهنگ و زبان قومی است که در این خصوص می‌توان به اصول ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۶ و ۲۹ اشاره کرد (عباسی، مقصودی، & نادرپور، ۱۳۹۰: ۵۳). از سوی دیگر از آنجا که انسجام و یکپارچگی ملی به عنوان اصلی اساسی در این پژوهش بود، بنابراین تلاش شد محتوا و شکل سیاست‌های قومی به گونه‌ای طراحی شود که نه تنها در تعارض با این اصل قرار نگیرد بلکه با حفظ خرده فرهنگ‌ها و تفاوت‌های قومی و تأمین عادلانه حقوق اقوام در ابعاد مختلف، باعث تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی شود. البته این راهبرد، زمانی می‌تواند کارآمد و اثربخش باشد که از حالت نظری صرف بیرون آمده و در قالب یک مدل جامع؛ طراحی، اجرا و سپس مورد ارزیابی و تکمیل قرارگیرد.

۳-۱. سیاست گذاری

سیاست گذاری دربرگیرنده برنامه‌هایی سیاسی به منظور دستیابی به اهداف اجتماعی است. درواقع، سیاست گذاری منعکس کننده فعالیت‌های حکومت و مقاصدی است که برانگیزاننده حکومت برای اقدام جهت انجام دادن یا کنار گذاشتن اموری است که مستقیماً بر زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد (Cashmore, 1996:21; Dunn n. , 2012:15).

۳-۲. قوم / قومیت

ماکس وبر معتقد است که گروه‌های قومی، گروه‌های انسانی دارای باوری ذهنی به اجداد مشترک هستند؛ باوری که دلیل آن می‌تواند شباهت‌های فیزیکی، شباهت در رسوم، حافظه و خاطرات مشترکی باشد که با یکدیگر در کوچ و سکونت داشته‌اند. فردریک بارت نیز درباره قوم چنین می‌گوید: واژه گروه قومی در ادبیات انسان‌شناسی معمولاً به جمعیتی اطلاق می‌شود که دارای خودمختاری زیادی در بازتولید زیستی خود باشد، ارزش‌های فرهنگی بنیادین مشترکی داشته‌باشد که

درون اشکال فرهنگی با وحدت آشکاری گرد هم آمده باشند و یک میدان ارتباطی و کنش متقابل بسازند، دارای یک احساس تعلق به یک واقعیت بیرونی باشند که آنها را از دیگران تفکیک کند (مهری، یزدخواستی، & پناهی، ۱۳۹۳: ۷۹).

۳-۳. سیاست قومی

رهیافت سیاست قومی، بر شناخت انگیزه‌ها و مقاصد رهبران و دولت‌مردان در قبال گروه‌های قومی و سیاست‌هایی تأکید دارد که در جستجوی مقاصد سیاسی در کشور وضع می‌کنند و از این راه بر روند سیاست‌گذاری خارجی دولت‌مردان تأثیر می‌نهند. براین اساس، آنان در راستای حفظ وضعیت خود، مسئله هویت قومی را به‌منزله تهدید با فرصت‌های موثر در نظر می‌گیرند. در چنین فرایندی، سیاست قومی پویشی خطیر است که طی آن رهبران سیاسی را به مدیریت مسائل و چالش‌های قومی با جلب حمایت گروه‌های قومی و جلوگیری از اتحاد و همراهی آنان با مخالفان داخلی و خارجی وادار می‌کند و دامنه تحقق این اهداف را به سیاست خارجی نیز می‌کشاند (حیدری، ۱۳۹۱: ۱۳).

۳-۴. سیاست‌گذاری قومی

مجموعه سیاست‌هایی است که از طریق آن می‌توان تعاملات و روابط میان اقوام و دولت و مجموعه حاکمیت از یک‌سو و روابط میان اقوام با یکدیگر و با بدنه جامعه ملی از سوی دیگر را تنظیم و تحت‌قاعده و نظم درآورد و متناسب و همسو با سایر سیاست‌های کلان موجود تغییر داد (محمودی، افضل‌ی، ذکی، & یزدان پناه، ۱۳۹۸: ۲۶۳).

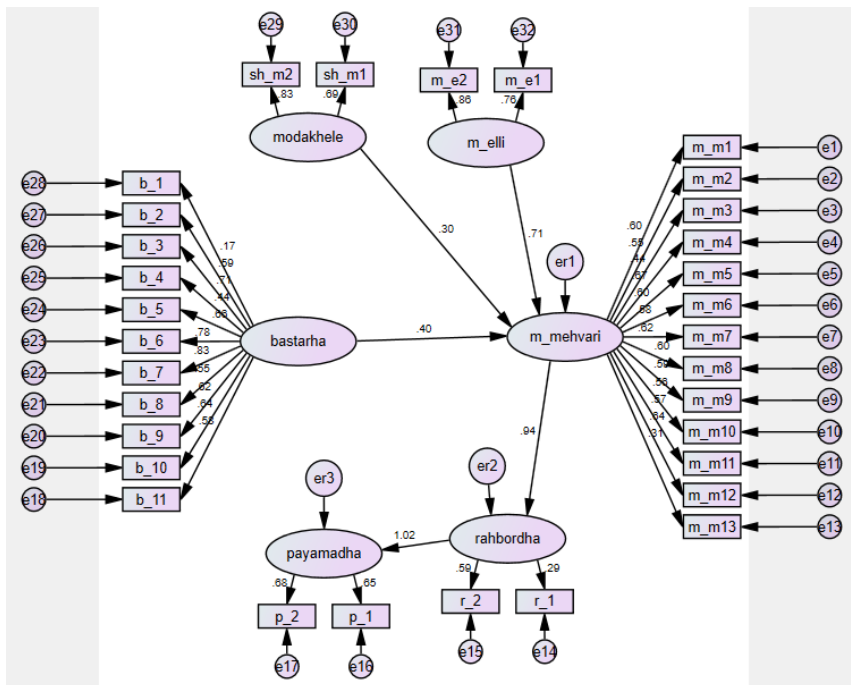
۴. روش تحقیق

پیش از توضیح پیرامون روش تحقیق؛ ذکر این نکته ضروری است که پژوهش کمی حاضر به‌نوعی مکمل یک پژوهش کیفی با رویکرد داده‌بنیاد است که براساس مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه مطالعات قومی انجام گرفته و پرسش‌نامه پژوهش کمی حاضر پس از اتمام پژوهش کیفی و مبتنی بر آن طراحی و ساماندهی شده است. بنابراین قبل از اینکه این پژوهش با روش معادلات

ساختاری و نرم‌افزار Amos موردبررسی قرار گیرد، با روش کیفی از نوع گرندتئوری مدلی استخراج شد که در پژوهش حاضر موردآزمون قرار گرفت. روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و روش اجرا توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویهای ساکن مناطق قومی و در حال تحصیل در مقطع کارشناسی تا دکتری دانشگاه امام‌صادق^(ع) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به تعداد ۸۵۰ نفر بودند که براساس جدول مورگان ۲۶۵ نفر به عنوان نمونه آماری به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسش‌نامه‌ای بود که در دو قسمت جمعیت‌شناختی و پرسش‌نامه اصلی تحقیق آورده شد. این پرسش‌نامه به صورت محقق‌ساخته و دارای ۶ مولفه و ۷۹ سوال بود که براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد: ۵ تا خیلی کم: ۱) نمره‌گذاری شده بود. برای روایی پرسش‌نامه تحقیق حاضر نظرات ۱۵ تا ۲۰ استاد سنجیده شد که نتایج نشان داد، مقدار CVR محاسبه‌شده برای تک‌تک سؤالات از معیار قابل قبول (۰/۴۵) بیشتر است، پس تمام سؤالات از روایی کافی برخوردار است. باتوجه به اینکه آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمده، پایایی پرسش‌نامه نیز مورد تأیید قرار گرفت. همچنین برای تجزیه و تحلیل فرضیات نیز از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار Amos استفاده شد.

۵. یافته‌های پژوهش

باتوجه به نتایج به دست آمده مشخص شد، ۵۹٪ از پاسخ‌گویان، مرد و ۴۱٪ زن بوده‌اند؛ از نظر رده سنی نیز ۱۳۷ نفر یعنی ۵۲٪ زیر ۲۵ سال، ۱۰۹ نفر یعنی ۴۱٪ بین ۲۵-۳۵ سال و ۱۹ نفر یعنی ۷٪ بین ۳۵-۴۵ سال بودند. از نظر تحصیلات ۴۰٪ در مقطع کارشناسی، ۴۷٪ مقطع کارشناسی‌ارشد و ۱۳٪ در مقطع دکتری بودند. در ادامه این بخش، مدل تحلیلی طراحی شده پژوهش، توسط نرم‌افزار Amos موردبررسی و سنجش قرار می‌گیرد و ضمن ارائه خروجی مدل از این نرم‌افزار، به بیان معیارهای مطلوبیت این مدل براساس داده‌های به دست آمده می‌پردازیم:



شکل ۱. ضرایب استاندارد متغیرهای تحقیق در مدل اندازه‌گیری

در جدول زیر مقادیر شاخص نیکویی برازش^۱، شاخص برازش نرم‌دار^۲، شاخص برازش نسبی^۳، شاخص برازش نموی^۴، شاخص برازش تطبیقی^۵ برای مدل شکل ۱ بیان شده‌است. همه این شاخص‌ها دارای دامنه تغییرات ۰ تا ۱ هستند که هرچه این شاخص‌ها به عدد ۱ نزدیک‌تر باشند، نشان از مطلوبیت مدل دارد. مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۹ به عنوان معیار برازش بسیارخوب مدل در نظر گرفته می‌شود. شاخص نیکویی برازش اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس و کوواریانس در ماتریس واریانس- کوواریانس داده‌های نمونه است که به‌طورمداوم به‌وسیله ماتریس

1. GFI (Goodness of Fit Index)
2. NFI (Normed Fit Index)
3. RFI (Relative Fit Index)
4. IFI (Incremental Fit Index)
5. CFI (Comparative Fit Index)

واریانس - کوواریانس مدل توصیف می‌شود. شاخص برازش نرم‌دار یا هنجار به ناچیزانگاشتن برازش در نمونه‌های کوچک تمایل دارد و همراه با شاخص برازش تطبیقی از مقایسه مدل فرضی با مدل مستقل به‌دست می‌آید. شاخص برازش نسبی مشتق شاخص نیکویی برازش را با هردوی شاخص نیکویی برازش و شاخص برازش تطبیقی نشان می‌دهد که حاکی از برازش برتر است. شاخص برازش نموی برای پرداختن به موضوعات مقتصد و اندازه نمونه که در رابطه با شاخص نیکویی برازش هستند، تهیه شده است که محاسبات این شاخص مشابه محاسبات شاخص نیکویی برازش است با این تفاوت که برای این شاخص درجات آزادی هم محاسبه می‌شود (فرید، ۱۳۹۳: ۶۳).

جدول ۱. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری

عنوان شاخص	مقدار به دست آمده
GFI	۰,۷۱۶
NFI	۰,۷۴۱
RFI	۰,۷۰۴
IFI	۰,۷۸۶
CFI	۰,۷۸۳

جدول ۱ نشان می‌دهد که تحلیل عاملی تأییدی سازه‌های پرسش‌نامه دارای برازش نسبتاً مناسبی است زیرا مقادیر شاخص‌ها هرچند بیش از ۰,۹ نشده است اما به عدد ۱ نزدیک هستند. در نتیجه سازه‌های پرسش‌نامه به میزان نسبتاً خوبی متغیرهای مربوطه را نشان می‌دهند. همچنین در ادامه شاخص نیکویی برازش کای دو نیز برای مدل این پژوهش ارائه شده است:

جدول ۲. شاخص کای دو برازش مدل اندازه‌گیری

عنوان شاخص	نسبت مقدار کای دو بر درجه آزادی	مقدار معناداری
کای دو	۵,۹	۰,۰۰۰

طبق این شاخص، بایستی نسبت آماره کای دو بر درجه آزادی در بازه عددی ۱ تا

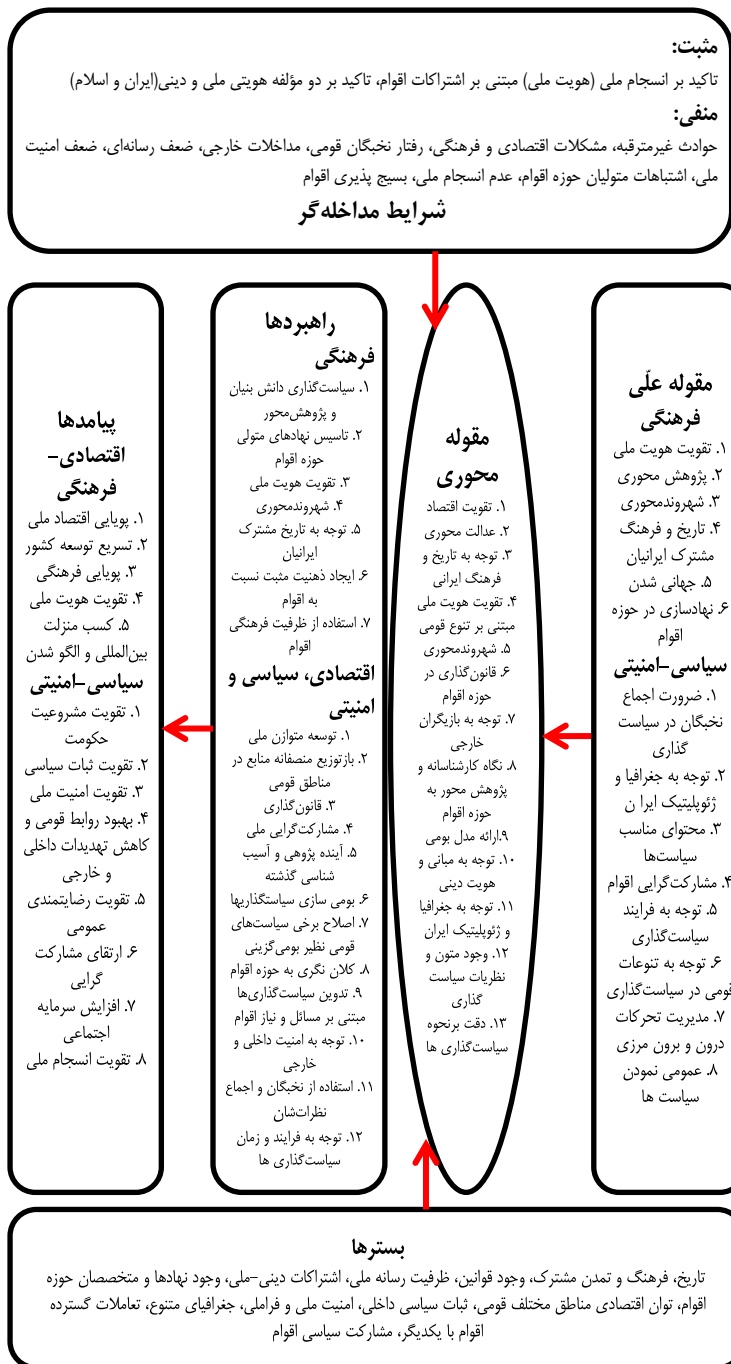
۳ قرار گیرد و مقدار معناداری نیز کمتر از ۰,۰۵ شود؛ تا به این نتیجه دست یافت که برازش مدل در حد بسیار مطلوبی قرار دارد. برای مدل این پژوهش، طبق داده‌های به دست آمده از دانشجویان دانشگاه امام صادق^(ع) و واحد علوم و تحقیقات، نسبت آماره کای دو بر درجه آزادی برابر با ۵,۹ به دست آمده است که در محدوده عددی ۱ تا ۳ قرار ندارد اما مقدار معناداری آن برابر با ۰ شده که کمتر از ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برازش مدل مذکور در حد نسبتاً مطلوبی قرار داشته است. زیرا بر اساس مقدار معناداری آزمون کای دو، معنادار بودن این مدل مورد پذیرش واقع شده است.

حال باتوجه به روابط بین متغیرهای این مدل که در شکل ۱ نیز به نمایش درآمده است، نتایج زیر را می‌توان ارائه کرد. لازم به ذکر است که تأثیرات ذکر شده در جدول زیر، همگی معنادار هستند زیرا مقدار معناداری برای همه این تأثیرها کمتر از ۰,۰۰۱ شده که از ۰,۰۵ نیز کمتر است. همچنین مقادیر کوچک خطاهای استاندارد نیز حاکی از دقت خوب ضرایب رگرسیونی به دست آمده است.

جدول ۳. رابطه بین متغیرهای مدل

روابط بین متغیرها	ضریب رگرسیونی	خطای استاندارد	مقدار معناداری
تأثیر شرایط مداخله‌گر بر مقوله محوری	۰,۳۰۲	۰,۰۵۱	کمتر از ۰,۰۰۱
تأثیر راهبردها بر پیامدها	۱,۰۲۲	۰,۶۲۴	کمتر از ۰,۰۰۱
تأثیر مقوله محوری بر راهبردها	۰,۹۴۴	۰,۰۸۹۱	کمتر از ۰,۰۰۱
تأثیر بسترها بر مقوله محوری	۰,۴۰۱	۰,۰۷۲	کمتر از ۰,۰۰۱
تأثیر مقوله علی بر مقوله محوری	۰,۷۰۶	۰,۰۶۳	کمتر از ۰,۰۰۱

باتوجه به یافته‌های پژوهش حاضر، مدل مناسب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مقوله‌های شش‌گانه رویکرد گراند تئوری به شکل زیر است.

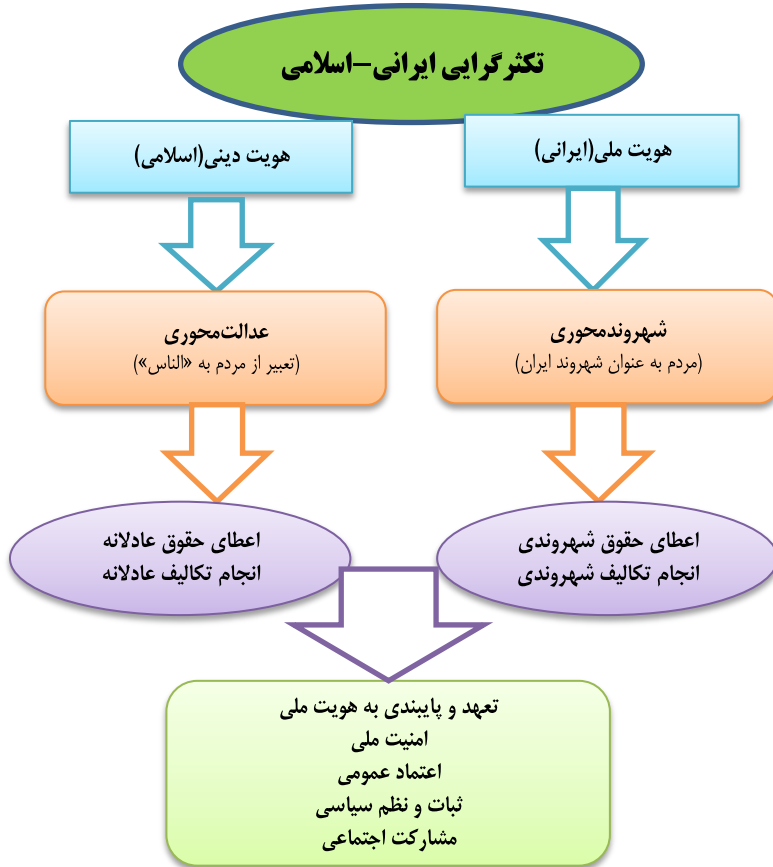


شکل ۲. طراحی مدل مطلوب سیاست‌گذاری قومی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران

بنابراین شرایط مداخله‌گر مثبت (تاکید بر انسجام ملی (هویت ملی) مبتنی بر اشتراکات اقوام، تأکید بر دو مؤلفه هویتی ملی و دینی (ایران و اسلام)) و شرایط مداخله‌گر منفی (حوادث غیرمترقبه، مشکلات اقتصادی و فرهنگی، رفتار نخبگان قومی، مداخلات خارجی، ضعف رسانه‌ای، ضعف امنیت ملی، اشتباهات متولیان حوزه اقوام، عدم انسجام ملی، بسیج‌پذیری اقوام) بر مقوله محوری که عبارتند از: تقویت اقتصاد، عدالت‌محوری، توجه به تاریخ و فرهنگ ایرانی، تقویت هویت ملی مبتنی بر تنوع قومی، شهروندمحوری، قانون‌گذاری در حوزه اقوام، توجه به بازیگران خارجی، نگاه کارشناسانه و پژوهش‌محور به حوزه اقوام، ارائه مدل بومی، توجه به مبانی دینی، توجه به جغرافیا و ژئوپلیتیک ایران، وجود متون و نظریات سیاست‌گذاری و تأکید بر نحوه سیاست‌گذاری‌ها تأثیر معناداری دارد؛ مقوله محوری بر راهبردها یعنی راهبردهای فرهنگی (سیاست‌گذاری دانش‌بنیان، پژوهش‌محوری، تأسیس نهادهای متولی حوزه اقوام، تقویت هویت ملی، شهروندمحوری، توجه به تاریخ مشترک ایرانیان، ایجاد ذهنیت مثبت نسبت به اقوام، استفاده از ظرفیت فرهنگی اقوام) و راهبردهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی (توسعه متوازن ملی، بازتوزیع منصفانه منابع در مناطق قومی، قانون‌گذاری، مشارکت‌گرایی ملی، آینده‌پژوهی و آسیب‌شناسی گذشته، بومی‌سازی سیاست‌گذاری‌ها، اصلاح برخی سیاست‌های قومی خصوصاً بومی‌گزینی، کلان‌نگری به حوزه اقوام، تدوین سیاست‌گذاری‌ها مبتنی بر مسائل و نیاز اقوام، توجه به امنیت داخلی و خارجی، استفاده از نخبگان و اجماع نظرات آنها و همچنین توجه به زمان و فرایند (تقنین، اجرا، نظارت، بازخورد و اصلاح) سیاست‌گذاری‌ها تأثیر معناداری دارد؛ راهبردها بر پیامدها یعنی پیامدهای اقتصادی- فرهنگی (پویایی اقتصاد ملی، تسریع توسعه کشور، پویایی فرهنگی، تقویت هویت ملی و کسب منزلت بین‌المللی و الگوشدن) و پیامدهای سیاسی- امنیتی (تقویت مشروعیت حکومت، تقویت ثبات سیاسی، تقویت امنیت ملی، بهبود روابط قومی و کاهش تهدیدات داخلی و خارجی، تقویت رضایتمندی عمومی، ارتقای مشارکت‌گرایی، افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت انسجام ملی) تأثیر معناداری دارد؛ بسترها که

عبارتند از: تاریخ، فرهنگ و تمدن مشترک، وجود قوانین، کارآمدی رسانه ملی، اشتراکات دینی_ملی، وجود نهادها و متخصصان حوزه اقوام، توان اقتصادی مناطق مختلف قومی، ثبات سیاسی داخلی، امنیت ملی و فراملی، جغرافیای متنوع، تعاملات گسترده اقوام با یکدیگر و مشارکت سیاسی اقوام بر مقوله محوری تاثیر معناداری دارد و مقوله علّی یعنی مقوله فرهنگی(تقویت هویت ملی، پژوهش محوری، شهروندمحوری، توجه به تاریخ و فرهنگ مشترک، جهانی شدن و نهادسازی در حوزه اقوام) و مقوله سیاسی-امنیتی(توجه به اجماع نخبگان در سیاست گذاری، توجه به جغرافیا و ژئوپلیتیک ایران، محتوای متناسب سیاست ها، مشارکت گرای اقوام، توجه به فرایند(تقنین، اجرا، نظارت، بازخورد و اصلاح) سیاست گذاری، توجه به تنوعات قومی در سیاست گذاری، مدیریت تحرکات درون مرزی و برون مرزی و عمومی کردن سیاست ها) بر مقوله محوری تاثیر معناداری دارند.

باتوجه به اینکه ۴ مؤلفه هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت محوری که جزو مقولات محوری این پژوهش محسوب می شوند؛ مورد تأکید اغلب دانشجویان بود و بیشترین تکرار را در پاسخ نامه ها داشت بنابراین مؤلفه هویت ملی_دینی با تأکید بر شهروندمحوری و عدالت محوری به عنوان مقوله هسته نهایی انتخاب شد. در نهایت الگوی مطلوب سیاست گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر چهار مؤلفه هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت محوری و با صورت بندی ارتباطی معنادار و کارآمد میان این مؤلفه ها ارائه شد.



شکل ۳. چارچوب الگوی «نگشگرایی ایرانی-اسلامی»

در این الگو عموم مردم به عنوان شهروندان ایران دارای حقوق و تکالیف شهروندی هستند. طرح مفهوم شهروند محوری ذیل مؤلفه هویت ملی در نهایت به تبیین و اعطای حقوق شهروندان از سوی حکومت و نیز انجام تکالیف شهروندان در قبال حاکمیت می انجامد. از سوی دیگر طرح مفهوم عدالت محوری ذیل مؤلفه هویت دینی در نهایت به برقراری عدالت و تبیین و اعطای حقوق الناس از سوی حکومت اسلامی و نیز انجام تکالیف مردم در قبال حکومت عدالت محور می انجامد. این رابطه و نسبت میان حکومت اسلامی و مردم و به تعبیر دیگر میان

حکومت و شهروندان باعث ثبات و نظم سیاسی، امنیت ملی، حس تعهد و پابندی به حکومت اسلامی و هویت ملی-دینی، اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در حوزه سیاست‌گذاری؛ ضعف‌ها به‌طور بالقوه می‌تواند منشأ بروز تنش‌های زودگذر یا شکل‌گیری تنش‌های واگرا با پیامدهای درازمدت برای امنیت ملی باشد، بنابراین نیاز است سیاست‌گذاری منسجمی در حوزه اقوام ایرانی انجام پذیرد و مدیریت سیاسی جامعه در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی به‌گونه‌ای عمل کند که ضمن ایجاد هم‌گرایی اجتماعی و فرهنگی در میان گروه‌های قومی جامعه، تنوع و تعدد آنها را نیز حفظ کند. با توجه به وضعیت اقوام در کشور باید سیاست‌های قومی متفاوت براساس علایق و زمینه‌های جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مدنظر باشد و سیاستی اتخاذ شود که با خواست‌های قومی متناسب باشد. بنابراین، آن دسته سیاست‌های قومی که بتواند زمینه‌های بروز نارضایتی و طرح خواسته‌های جدایی‌طلبانه قومی را کاهش دهد و نخبگان قومی را در قدرت سهیم کند، قطعاً در جلوگیری از بروز تنش‌های قومی مؤثر خواهد بود. البته به نظر می‌رسد آنچه در این پژوهش دنبال آن هستیم، در متن و اصول کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در مفاهیمی چون شهروندمحوری و عدالت‌محوری که از شاخصه‌های مؤلفه‌های هویتی ایرانی-اسلامی هستند، مشهود و مورد تأکید است اما اجرای همان اصول، نیازمند انجام پژوهش‌های جزئی و موردی متناسب با اقتضائات و نیازهای اقوام مختلف، سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر پژوهش‌ها و درنهایت اراده جدی در حوزه اجراست.

به‌طور کلی مدل ارائه‌شده در این پژوهش تلاش می‌کند تا با جامع‌نگری و توجه به همه مؤلفه‌های مهم در سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران و با کاستن از زمینه‌های واگرایی قومی موجب تقویت هویت ملی-دینی شود. توجه به کاربست اصل شهروندی به شکل مندرج در قانون اساسی و نه مفهوم و مصداق غربی و لیبرالی این مفهوم می‌تواند تاحدزیادی تضادهای اجتماعی موجود بین

گروه‌های قومی- مذهبی را ترمیم و مانع از فعال، متراکم و سیاسی شدن آنها به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم آسیب‌پذیری و بالفعل شدن تهدیدات امنیتی در سطوح منطقه‌ای و ملی و افزایش ضریب امنیتی این اقوام باشد. ازسوی دیگر در ایران باتوجه به تجربه تاریخی وجود اقوام مختلف در آن و تجربه سیاست‌های مختلف سرکوب، انکار و یکسان‌سازی تا تکثرگرایی نابرابر که بخش عمده آن را در دوره پهلوی اول شاهد هستیم؛ باید هرگونه سیاست‌گذاری قومی با توجه به آموزه‌های دین مبین اسلام در پذیرش تنوع فرهنگی، رویکرد عدالت‌محور درقبال اقوام، ظرفیت‌های فراگیر هویت ملی که همه اقوام را شهروند ایران می‌داند، به رسمیت شناختن حقوق اقوام در قانون اساسی و سند چشم‌انداز کشور تدوین و اعمال شود. در همین راستا سیاست‌های رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران در انتشار کتاب، روزنامه و مجله به زبان‌های قومی و حتی پخش برنامه‌های تلویزیونی به زبان‌های قومی تا حدی توانسته مطالبات گذشته به‌ویژه در حوزه فرهنگی را پاسخ دهد، اما به‌نظر می‌رسد، دولت برای رسیدن به فضای مطلوب در پاسخ‌گویی به مطالبات اقوام در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، باید تلاش بیشتری کند و این تلاش هم در حوزه تنظیم رویکردهای کلان و هم حوزه تدوین و اجرای سیاست‌های جزئی و موردی است.

پژوهش کمی حاضر که مبتنی بر رویکرد کلی فوق انجام شده به‌نوعی بخش مکمل یک پژوهش کیفی با رویکرد گرند تئوری است. در آن پژوهش که به صورت کیفی و مبتنی بر مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه مطالعات اقوام صورت گرفت درنهایت با تأکید بر ۴ مؤلفه هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت‌محوری؛ الگوی «تکثرگرایی ایرانی-اسلامی» به‌عنوان الگوی مطلوب جهت سیاست‌گذاری قومی و مدیریت تنوع‌ها در جمهوری اسلامی ایران مطرح شد. پرسش‌نامه پژوهش کمی حاضر نیز پس از اتمام بخش کیفی و مبتنی بر آن طراحی و ساماندهی شده است و یافته‌های این پژوهش که برگرفته از پرسش‌نامه‌هایی از دانشجویان دانشگاه امام‌صادق^(ع) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (دانشجویان ساکن در مناطق قومی سراسر کشور)

است با نتیجه پژوهش کیفی مطابقت دارد. به نحوی که در هر دو پژوهش بر نقش و اهمیت مؤلفه‌های هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت‌محوری تأکید شده است. بر همین اساس این پژوهش ادعا دارد الگوی مطلوب برای سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران و مدیریت تنوع‌های قومی باید با اتخاذ رویکردی صحیح مبتنی بر مؤلفه‌های هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت‌محوری طراحی شود. به عبارتی هرگونه سیاست‌گذاری کلان در حوزه اقوام باید مبتنی بر ۴ مؤلفه فوق و بعد از صورت‌بندی و تعریف نسبی معنادار میان این مؤلفه‌ها باشد. رویکردی که ما از آن با عنوان الگوی «تکثرگرایی ایرانی-اسلامی» تعبیر می‌کنیم. الگوی «تکثرگرایی ایرانی-اسلامی» به جهت کاربست دو مفهوم شهروندمحوری (ذیل هویت ملی) و عدالت‌محوری (ذیل هویت دینی) و شاخصه جامع‌نگری؛ امکان سیاست‌گذاری کارآمد و اثربخش در حوزه اقوام را تقویت می‌کند. نکته مهم در تدوین و اجرای این الگو توجه به نسبی است که با هویت ملی برقرار می‌کند. براین اساس اگر این الگو در نهایت سبب تقویت حس تعهد به هویت ملی شود، مطلوب است و در غیر این صورت آسیب‌شناسی و بازاندیشی در آن ضروری است.

منابع و مأخذ

- ابطحی، سیدحسین؛ الیاسی، محمدحسین؛ مصطفی‌نژاد، حسن. (۱۳۸۹). الگویی برای مدیریت انتظامی بحران‌های قومی ایران (مطالعه موردی قوم کرد)، پایان‌نامه دکتری تخصصی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- امیرکافی، مهدی؛ حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۲). نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چندقومی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۶، ۱۱۷-۱۴۶.
- جهانگیرزاده، جواد. (۱۳۹۰). بازخوانی و واکاوی سیاست قومی در جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با دوره پهلوی دوم، رساله دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسابی، احمد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین همبستگی ملی با گفتمان سیاست‌های قومیتی و تأثیر آن بر قومیت‌های مختلف در خوزستان (در دوره اصلاحات)، فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، ۱۱(۳۷)، ۳۷۳-۳۹۴.
- حق‌پناه، جعفر. (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران، چگونگی، فرایند و عوامل موثر بر تدوین، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱(۲)، ۶۹-۸۸.
- حیدری، جهانگیر. (۱۳۹۱). نقش مدیریت سیاسی در همگرایی و واگرایی اقوام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رحیمی، علیرضا. (۱۳۹۶). استراتژی‌های ملت‌سازی و توسعه ناموزون در ایران، مطالعات راهبردی سال بیستم، ۴(۷۸)، ۶۵-۱۰۲.
- صالحی‌امیری، سیدرضا. (۱۳۸۵). مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۰، ۳۷-۵۰.
- صالحی‌امیری، سیدرضا. (۱۳۸۹). انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ دوم.
- صفوی، سیدیحیی؛ علی‌پور، عباس. (۱۳۹۰). عوامل و ریشه‌های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: کردستان)، پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، ۶(۲)، ۱۹۴-۲۰۷.
- عباسی، پیمان؛ مقصودی، مجتبی؛ نادرپور، بابک. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی

- سیاست‌گذاری‌های قومی و تاثیر آن بر امنیت ملی نظام ج.ا.ا با تاکید بر ایل قشقایی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- فرید، ابراهیم. (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری در داده‌های پرسش‌نامه‌ای به کمک نرم‌افزار AMOS 22، تهران: انتشارات واژگان و مهرگان قلم.
- قوشچی، محمدرضا؛ پورنادری، محمود. (۱۳۹۳). جهانی‌شدن و تکرگرایی قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، سال پنجم، ۱۴(۱۷)، ۵۶-۹۱.
- کریمی مله، علی. (۱۳۹۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی مسائل و نظریه‌ها، تهران: سمت
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران: تمدن ایرانی. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۷). دموکراسی و هویت ایرانی، تهران: کویر.
- محمودی، ابوالقاسم؛ افضل، رسول؛ ذکی، یاشار؛ یزدان‌پناه، کیومرث. (۱۳۹۸). ارزیابی الگوهای سیاست‌گذاری و مدیریت قومی در ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، ۹۹، ۲۵۰-۲۷۶.
- مقصودی، مجتبی؛ دربندی، انوشه. (۱۳۹۱). بررسی سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران در قبال کردها در دولت اصلاحات، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۲(۴)، ۱۵۵-۱۷۸.
- مهری، کریم؛ یزدخواستی، بهجت؛ پناهی، محمدحسین. (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک، دو فصلنامه علمی پژوهشی قدرت نرم، ۴(۱۰)، ۷۵-۸۷.
- میرحیدر، دره. (۱۳۹۴). مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، انتشارات سمت.
- هوشنگی، حمید؛ اصلی‌پور، حسین. (۱۳۹۷). تبیین اهداف راهبردی و سیاست‌های مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۴)، ۱۳۳-۱۵۱.
- هوشنگی، حمید؛ سیدامامی، کاووس؛ خانی، محمدحسن؛ کریمی مله، علی. (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری عادلانه مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه دکتری تخصصی، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی.
- یوسفی جویباری، محمد؛ صیدی محمدی، یاسر؛ فتاحی، علیرضا. (۱۳۹۱). نابرابری‌های قومی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، ۴(۱۵)، ۱۲۱-۱۳۷.

Bluhm. R & Thomsson. K. (2020). Holding on? Ethnic divisions, political institutions and the duration of economic declines, Journal of Development Economics, Volume 144, May 2020, 102457.

- Brown, M. (1993). ethnic and Conflict and International Securit. New Jersey: Princeton university press
- Cashmore. E. (1996). Dictionary of Race and Ethnic Relations, 4th edition, London 1Routledge6
- Cochran, C. and Malone, E. (2005). Public Policy: Prespectives and Choices, New York: MacGraw Hill
- Dunn, N. 2012. Public Policy Analysis. Fifth Edition, New Jersey: Pearson Prentice Hall.
- Galandini. S & Fieldhouse. E. (2019). Discussants that mobilise: Ethnicity, political discussion networks and voter turnout in Britain, Electoral Studies, Volume 57, February 2019, Pages 163-173 .
- Zhanarstanova. M. B & Nechayeva. E. L. (2016). Contemporary Principles of Political Representation of Ethnic Groups. Procedia Economics and Finance, Volume 39, 2016, Pages 76-82.

References

- Abbasi, P., Maghsoudi, M., Naderpour, B (2011). The pathology of ethnic policies and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran with emphasis on the Qashqai tribe, Master Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Law and Political Science. (In Persian)
- Abtahi, S, H., Eliassy, M, H., Mustafa Nejad, H (2010). A Model for Disciplinary Management of Ethnic Crises in Iran (Case Study of the Kurdish Ethnicity), PhD Thesis, Allameh Tabatabai University. (In Persian)
- Amirkafi, M., Hajian, A (2013). The Ratio of Ethnic and National Identity in Iran's Multi-Ethnic Society: A Study and Comparison of Three Theoretical Approaches. Quarterly Journal of Strategy , Twenty-second year, No.66, 117-146.(In Persian)
- Bluhm. R & Thomsson. K. (2020). Holding on? Ethnic divisions, political institutions and the duration of economic declines, Journal of Development Economics, Volume 144, May 2020, 102457.
- Brown, M. (1993). ethnic and Conflict and International Securit. New Jersey: Princeton university press.
- Cashmore. E. (1996). Dictionary of Race and Ethnic Relations, 4th edition, London 1Routledge6.
- Cochran, C. and Malone, E. (2005). Public Policy: Prespectives and Choices, New York: MacGraw Hill.
- Dunn, N. 2012. Public Policy Analysis. Fifth Edition,.New Jersey: Pearson Prentice Hall.
- Farbod, I (2014). Structural Equation Modeling in Questionnaire Data Using AMOS 22 Software, Tehran: Vajgan and Mehregan Ghalam

- Publications. (In Persian)
- Galandini. S & Fieldhouse. E. (2019). Discussants that mobilise: Ethnicity, political discussion networks and voter turnout in Britain, Electoral Studies, Volume 57, February 2019, Pages 163-173 .
- Goodarzi, H (2006). Fundamental Concepts in Ethnic Studies, Tehran: Iranian Civilization. (In Persian)
- Haghpannah, J (2015). Ethnic Policy Making in the Islamic Republic of Iran, How, Process and Factors Affecting Codification, Quarterly Journal of Public Policy, 1 (2), 69-88. (In Persian)
- Hesabi, A (2017). Investigating the Relationship between National Solidarity and the Discourse of Ethnic Policies and Its Impact on Different Ethnicities in Khuzestan (During the Reform Period), Social Sciences Quarterly (Shushtar Azad University), 11 (37), 373-394. (In Persian)
- Heydari, J (2011). The Role of Political Management in Ethnic Convergence and Divergence, M.Sc. Thesis, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Houshang, H., Sidamami, K., Khani, M, H., Karimi Mullah, A., (2017). Fair Policy Making for the Management of Ethnic Diversity in the Islamic Republic of Iran, PhD Thesis, Imam Sadegh University, Faculty of Islamic Studies and Political Science.(In Persian)
- Houshang, H., Asli Pour, H (2018). Explaining the strategic goals and policies of ethnic diversity management in the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Public Policy, 4 (4), 133-151. (In Persian)
- Jahangirzadeh, J (2011). Review and analysis of ethnic politics in the Islamic Republic of Iran and its comparison with the second Pahlavi period, PhD thesis, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University. (In Persian)
- Karimi Mullah, A (2011). An Introduction to Political Sociology of Ethnic Diversity Issues and Theories, Tehran: Samat. (In Persian)
- Maghsoudi, M., Darbandi, A (2012). A Study of the Ethnic Policies of the Islamic Republic of Iran towards the Kurds in the Reform Government, Journal of Political Science, 2 (4), 155-178.(In Persian)
- Mahmoudi, A., Afzali, R., Zaki, Y., Yazdanpanah, K (2019). Evaluation of Ethnic Policy and Management Patterns in Iran, Quarterly Journal of Parliament and Strategy, Vol. 26, 99, 250-276. (In Persian)

- Mehri, K., Yazdkhasti, B., Panahi, M, H (2014). Ethnic Policy-Making Based on the Supreme Leader's Perspective: Thematic Analysis, Bi-Quarterly Journal of Soft Power, 4 (10), 75-87. (In Persian)
- Mir Haider, D., (2015). Fundamentals of Political Geography, Tehran, Samat Publications. (In Persian)
- Mujtahedzadeh, P (2008), Democracy and Iranian Identity, Tehran: Kavir. (In Persian)
- Qoshchi, M, R., Pornadari, M (2014). Globalization and Ethnic Pluralism in Iran, Challenges and Opportunities, Quarterly Journal of Strategic Studies on Globalization, Year 5, 14 (17), 56-91. (In Persian)
- Rahimi, A (2017). Nation-building strategies and uneven development in Iran, Strategic Studies of the Twentieth Year, 4 (78), 65-102. (In Persian)
- Safavid, S., Alipour, A (2011). Factors and roots of ethnic crisis in Iran after the Islamic Revolution (Case study: Kurdistan), Disciplinary Management Research (Disciplinary Management Studies), 6 (2), 194-207. (In Persian)
- Salehi Amiri,S,R (2006). Ethnic diversity management based on social capital theories. Quarterly Journal of Strategy,No. 40, 37-50. (In Persian)
- Salehi Amiri, S, R (2010) National Cohesion and Cultural Diversity, Tehran: Strategic Research Center of the Expediency Council, Second Edition. (In Persian)
- Yousefi Joybari, M., Sidi Mohammadi, Y., Fattahi, A (2012). Ethnic Inequalities and National Security, Quarterly Journal of Sociological Studies, 4 (15), 121-137. (In Persian)
- Zhanarstanova. M. B & Nechayeva. E. L. (2016). Contemporary Principles of Political Representation of Ethnic Groups. Procedia Economics and Finance, Volume 39, 2016, Pages 76-82.